فاطمه معصومه (س)

و تاریخ و فرهنگ قم

نویسنده

علی صدرائی خوئی

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطمه معصومه علیهاالسلام و تاریخ و فرهنگ قم

نویسنده:

علی صدرایی خویی

ناشر چاپی:

زائر- آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فاطمه معصومه علیهاالسلام و تاریخ و فرهنگ قم

مشخصات کتاب

سرشناسه : صدرایی خویی، علی، - ۱۳۴۲

عنوان و نام پدیدآور : فاطمه معصومه علیهاالسلام و تاریخ و فرهنگ قم/ علی صدرایی خویی

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ص ۲۴۰

شابک : ۹۶۴-۸۵۶۷-۰۵-۰

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : بمناسبت کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم

یادداشت : فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : معصومه(س)بنت موسی کاظم(ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ق

موضوع : آستانه مقدسه قم

موضوع : قم -- تاریخ

موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- قم -- سرگذشتنامه

موضوع : آستانه مقدسه قم

موضوع : کتابخانه -- فهرستها

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲/م ۶ص ۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۱۷۱۰۱

ص: ۱

اشاره

↔

کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم

مجموعه آثار شماره ۱۱

فاطمه معصومه علیهاالسلام و تاریخ و فرهنگ قم

نویسنده: علی صدرایی خوئی

صفحه آرا: محمدعلی محمدی

ناشر: زائر _ آستانه مقدسه قم

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: اوّل/ زمستان ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۰-۰۵-۸۵۶۷-۹۶۴

مرکز پخش: قم، میدان شهداء (چهارراه بیمارستان)، تلفن ۷۷۴۲۵۱۹ ص.پ: ۳۵۹۷-۳۷۱۸۵

ص: ۲

فهرست مطالب

۱ – وقف نامه ها... ۹

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۷

ص: ۹

ص: ۱۰

۲۱۲-۱۸۹

ص: ۱۱

ص: ۱۲

مقدمه کنگره

حضرت امام صادق علیه السلام :

«حرم ما اهل بیت علیهم السلام ، شهر قم است. آنجا بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دفن می شود، بهشت بر هر که اورا زیارت کند واجب می گردد»(۱).

قم که به لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام » مفتخر گردید نه تنها به جهت وجود مردمی است که در آن به حسنِ عبادت و توحید عبادی و قیام در رکوع و سجود شناخته شده اند(۲)، و در آرمان شهر اسلامی گرد حضرت مهدی علیه السلام اجتماع کرده و به یاری آن حضرت قیام خواهند نمود، و نه صرفا به جهت وجود بزرگترین حوزه علمی و حدیثی و معرفتی شیعه در آن، بلکه این شهر مفتخر است که چونان صدفی زمینی، گوهر آسمانی و ملکوتی فرزند باب الحوائج الی اللّه را در بر گرفته و مسجد اولیای الهی گردیده است. اگر در گذشته شهر قم محل محدّثان بزرگ و معبد و سجده گاه فاطمه معصومه علیهاالسلام بوده، امروزه نیز پرچم دار فرهنگ ناب فقه جعفری علیه السلام و معنویت و عرفان بوده و ضمن تربیت و پرورش یاران امام عصر ارواحنا فداه، زائران حضرتش را با معارف بلند دینی میزبانی می کند. آری:

«زیبد اگر خاک قم به عرش کند فخر(۳)».

قم شهری است که بر ولایت و مودّت اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری شده و به همین جهت، پایگاهی برای علویان و شیعیان و دژ تسخیرناپذیری علیه ستمگران بوده است و ائمه علیهم السلام با

ص: ۱۴

۱- ۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- ۲. مستدرک وسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

۳- ۳. دیوان امام خمینی، ص ۲۵۷.

تعبیراتی خاص و بلند از این شهر یاد کرده اند(۱).

از هنگامی که شهر قم مسکن حضرت ستی فاطمه معصومه علیهاالسلام گردید، بُعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحوّلات اجتماعی و سیاسی متحوّل و شکوفا شد، و از چنان موقعیتی برخوردار شد که جناب حسین بن روح رضوان اللّه علیه از نوّاب اربعه، تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود(۲). وجود حوزه غنی و بزرگ شیعه، در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تألیف کتاب ها، اعزام مبلّغان و زادگاه انقلاب اسلامی بودن همه و... همه و همه به برکت وجود فرزند رسول خدا کریمه اهل بیت علیهم السلام در این شهر است.

از آن جا که سال ۱۳۸۳ ه.ش با یک هزار و دویست و پنجاهمین سالگرد ولادت آن حضرت، و نیز با پایان تجدید طلاکاری گنبد مطهر _ که در زیبایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است _ مقارن شده به منظور معرفی بیشتر آن حضرت و تبیین جایگاه ویژه شهر قم در ترویج فرهنگ تشیّع، به دستور تولیت عظمای آستانه مقدّسه، حضرت آیه اللّه مسعودی دام عزه کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم شروع به فعالیت نمود. و در چهار موضوع ذیل:

الف. حضرت معصومه علیهاالسلام و آستانه مقدسه

ب. قم و فرهنگ تشیّع

ج. حوزه علمیه قم

د. انقلاب اسلامی در قم

با محوریّت آستانه مقدّسه، حدود سی جلد کتاب در موضوعات فوق که اکثر آنها تألیف داشته و برخی دیگر جنبه تراثی داشته و توسط محققان تألیف و تصحیح شده اهتمام ورزیده است.

آثاری که در محورهای فوق تدوین و نگارش یافته تنها قدم کوچکی است که می تواند نقطه شروعی برای تحقیقات گسترده و عمیق باشد، که سزاوار موضوعات یاد شده است.

مجموعه حاضر به قلم محققانه جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای صدرایی خویی در

۱- ۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۲- ۲. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۰.

هفت بخش مربوط به فرهنگ قم تنظیم شده و به معرفی آستان مقدسه، عالمان و دانشمندان قم خصوصا موافقان و مخالفان فلسفه و عرفان پرداخته و با تحقیق و تصحیح سه رساله خطی از نسخه های مخطوط آستانه به پایان رسیده است.

گرچه برخی از فصلهای این کتاب قبلاً ـ به صورت مقاله های مستقل در برخی مجلات چاپ شده است ولی اینک بازنگری مجدد شده و همراه با فصلها و بخش های جدید عرضه گردیده است.

در اینجا وظیفه خود دانسته از مقام معظم رهبری حضرت آیه اللّه خامنه ای و همه مراجع معظم تقلید و نیز از مؤلفان و محققان و پژوهشگرانی که در تحقّق این هدف مقدّس، خود را در ردیف خادمان اهل بیت علیهم السلام قرار داده اند، خصوصا محقق این کتاب جناب آقای صدرایی صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم.

تولیت عظمای آستانه حضرت آیه اللّه مسعودی، معاون محترم اداری مالی آستانه، جناب آقای فقیه میرزائی و مدیریت فرهنگی آستانه با راهنمایی ها و مساعدت های خود بیشترین سهم را در به سامان رسیدن کنگره داشته و ما را سپاسگزار خود قرار دادند.

بر خود لازم می دانم که اذعان و اعتقاد قلبی خود را ابراز داشته که اگر توفیقات خدای متعال و عنایات کریمه اهل بیت علیهم السلام نبود از برداشتن کوچکترین قدمی در این راه عاجز و ناتوان بودیم.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.

احمد عابـدی

دبیر کنگره

ص: ۱۶

پیشگفتار

نزول بـا اجلال حضـرت معصومه علیهاالسـلام به قم ، اکرام الهی در حق مردم این دیار بود تا همیشه از این نعمت بزرگ متنعم شوند . بعد از آن ، این شـهر کانون دیانت گشت و آثار شیعی در این شهر شکل گرفت . هم اکنون نیز به پاس این عطیه الهی ، کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم برگزار می گردد .

نگارنـده برای کسب فیض و شـرکت در این سیمنار علمی ـ فرهنگی ، یـادداشت هـا و مقالا ـتی را که قبلاًـ در زمینه تاریـخ و زندگانی حضرت معصومه علیهاالسلام و قم شناسی فراهم آورده بود ، بازنگری و تنظیم نموده ، تقدیم پیشگاه آن بانوی عظیم الشأن می نماید تا که در یوم لا ینفع مال و لا بنون مایه نجات و شفاعت گردد .

کتاب حاضـر ، علاوه بر یادداشت های منتشـر نشده ، هفده مقاله ـ با مشـخصات ذیل ـ را که قبلًا در مجلات منتشـر شده ، با اصلاحاتی دربر دارد.

۱ . کتابنامه حضرت معصومه علیهاالسلام : مجله کوثر ، شماره ۱۲ ، ص ۵۸ ـ ۶۰ .

۲ . سیری در تربت پاکان: فصـلنامه نامه قم، زیر نظر شورای پژوهشـی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسـلامی اسـتان قم، سال اول، (۱۳۷۷ ه ش)، شماره ۱ و ۲، ص ۲۲۹ - ۲۵۵.

۳ . ذخایر الاسـفار (بخش سـفرنامه مؤلف به قم) ، از: ملا علی خیابانی تبریزی ، به تصـحیح و تحقیق نگارنده ، میراث اسـلامی ایران ، دفتر سوم (۱۳۷۴ ه ش) ، ص ۶۲۱ ـ ۶۵۳ و دفتر چهـارم (۱۳۷۵ ه ش) ، ص۸۱ ـ ۱۳۰ ، قم ، انتشـارات کتـاب خانه حضرت آیه اللّه مرعشی .

۴ . رجال قم در کتاب نقض عبد الجلیل رازی: «ارج نامه فقیهی به مناسبت برگزاری مراسم نکوداشت استاد علی اصغر فقیهی» ، به کوشش دوست فاضل آقای محمدقنبری ، قم ، ۱۳۸۰ ه ش ، ۲۶۵ص ، ص ۱۱۱ـ ۱۳۵ .

۵ . زنـدگی و احوال و آثـار حکیم قاضـی سـعید قمی: فصـلنامه نـامه قم، زیر نظر شورای پژوهشـی اداره کـل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، سال سوم (۱۳۸۰ ه ش)، شماره ۹ ، ص ۱۲۱ - ۱۴۵ و شماره ۱۰ ، ص ۱۵۳ـ۱۷۴.

۶ . حکیم میرزا حسن لاهیجی قمی: «ستارگان حرم» ، ج ۷ ، ص ۴۹ـ۷۰ .

۷ . آیت اللّه اراکی یک قرن وارستگی: گلشن ابرار ، ج ۲ ، ص ۹۵۱ـ۹۵۶ .

۸ . خزان در گلشن تحقیق : فصلنامه وقف میراث جاویدان ، شماره ۳ و ۴ ، ص ۱۶۲ _ ۱۶۷ .

۹ . تذکره عذری بیگدلی : فصلنامه نامه قم، زیر نظر شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، سال اول، (۱۳۷۷ ه ش)، شماره ۳ و ۴ ، ص ۳۲۳_۳۲۸ .

۱۰ . تحفه الفاطمیین فی احوال القم و القمیین: مجله کوثر ، شماره ۵، ص ۵۰_۵۴ .

۱۱ . قدمت هزار ساله (معرفی کتاب خانه آستانه): مجله کوثر ، شماره اول، ص ۶۰_۶۲ .

۱۲ . نسخه های خطی از تفاسیر در کتاب خانه آستانه: منتشر نشده است .

۱۳ . سرخوشان نشئه صهبای عشق: مجله پیام حوزه ، شماره ۵ ، ص ۳۶_۴۰ .

۱۴ . توحیدنامه (نسخه ای نفیس از قرن دوازدهم): میراث اسلامی ایران ، دفتر چهارم، ص ۱۱۳_۱۲۱ .

۱۵ . نوزده فائده از نسخه های خطی کتاب خانه آستانه: بخشی از کتاب مجمع الفوائد و مخزن العوائد (مخطوط) .

۱۶ . آداب السیر و السلوک: مجله پیام حوزه ، شماره ۶ ، ص ۹۹_۱۱۸ .

۱۷ . مکتوبی از عارف شهیر مولی محمد بید آبادی: مجله پیام حوزه ، شماره ۱۳ ، ص ۱۷۱_۱۷۴ .

تهیه و انتشار این کتاب حاصل تلاش مجموعه ای از نیروهای انسانی است که در اینجا جهت ارج گذاری و تشکر و سپاس از بذل عنایت آنان ، نامشان زیب این کتاب می گردد: دبیر محترم کنگره جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی و آقای محمد بیگی و مسئولان و دست اندر کاران بخش فرهنگی آستانه مقدسه حجه الاسلام و المسلمین عباسی و حجه الاسلام و المسلمین عبدی و مسئول کتاب خانه حجه الاسلام و المسلمین احمدیان و دوست گرامی حجه الاسلام و المسلمین محمدی کرمانشاهی و دیگر سرورانی که به نحوی در بارور شدن این اثر نقشی داشته اند.

ص: ۲

بخش اول فاطمه معصومه علیهاالسلام

اشاره

۱ . تاریخچه آستانه

۲ . اسناد و احکام مربوط به آستانه

۳ . احادیث حضرت معصومه

۴ . مدایح حضرت معصومه

۵ . کتابنامه حضرت معصومه

ص: ۳

۱ . تاریخچه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام

تولد و وفات حضرت معصومه علیهاالسلام

تاریخ دقیق تولد و وفات حضرت معصومه علیهاالسـلام تا چند سال قبل در دست نبود ، تا این که یکی از عالمان با تلاش زیاد در کتاب خانه های مدینه آن را به دست آورده است:

تاریخ تولـد و وفـات حضـرت معصومه علیهاالسـلام را حاج شـیخ جواد شاه عبـدالعظیمی در مسافرت مکه ، در مـدینه طیبه در کتاب خانه مبارکه ، به زحمت زیاد بدست آورده: در کتاب نزهه الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار و در کتاب لواقح الانوار که کتاب مفصلی است نقل می فرمایـد: ولـدت فاطمه بنت موسـی بن جعفر فی مـدینه المنوره غره ذوالقعـده الحرام سـنه ۱۷۳ ثلاـث و سـبعین و مـأه بعـد الهجره النبویه و توفیت فی العاشـر من ربیع الثانی فی سـنه ۲۰۱ احـدی و مـأتین فی بلـده قم . با این حساب ، سن مبارک آن حضرت بیست و هفت سال و پنج ماه و ده روز می شود .(۱)

مسافرت تاریخی

مسافرت تاریخی (۲)

حضـرت معصومه علیهاالسـلام ــ که از پرهیزگارترین و دانشـمندترین بانوان خاندان پاک پیغمبر ، و در تقوی و فضایل معنوی نمونه ای والا به شـمار می آمد ــ در سال ۲۰۱ ه ق که امام علی بن موسـی الرضا علیهماالسـلام در «مرو» بودند ، به عزم دیدار برادر از مدینه به سوی خراسان عزیمت نمود ، لکن در میان راه ، نزدیک ساوه بیمار شده، ناگزیر به قم آمد و در این شهر پس از توقفی هفده روزه ، درگذشت و در زمینی که میزبان وی «موسـی بن خزرج » در نقطه ای بیرون شهر آن روز به نام «بابلان» داشت مدفون گردید، آنجا که امروزه روضه مقدس اوست.

بارگاه آن حضرت علیهاالسلام

ص: ۵

۱- ۱ . جُنگ خطی شماره ۶۸۲۲۴۳۴۸ کتاب خانه حضرت آیه اللّه گلپایگانی قدس سره .

۲- ۲ . مطالب این بخش و بخش بعدی از مقاله «سیری در کتاب تربت پاکان» که قبلاً در فصـلنامه نامه قم منتشـر گشته ، اخذ شـده است و عبـارت هـا و تحقیقـات آن مربوط به کتـاب تربت پاکـان نوشـته پرفسور مدرسـی طباطبایی است که با تلخیص و جابجایی در برخی موارد نقل شده است .

نخست بر سر تربت حضرت ستی فاطمه از بوریاها سایه ای ساخته بودند و این شکل همچنان بود تا در نیمه دوم قرن سوم هجری ، «زینب» نواده امام جواد علیهم السلام که پس از سال ۲۵۶ ه ق به قم آمد برتربت منور قبه ای بنیاد کرد. این بنا تا پیرامون میانه قرن پنجم بر جای بود. در پیرامون میانه قرن پنجم هجری ، امیر ابوالفضل عراقی بنای روضه مقدس را تجدید نمود. این بنا تا نیمه دون قرن ششم هجری بر جای بوده و گویا تا آغاز دوره صفوی پاییده است.

در دوره صفوی ، این بارگاه ملکوتی توسعه یافت و بر رواق ها و بناهای آن افزوده گشت. همچنین در دوره قاجاریه نیز بر عمارت های آن از جهت کمی و کیفی افزوده گشت . بعد از آن ، هر روز این بارگاه انور در وسعت و توسعه بود تا به روزگار فعلی رسیده است.

حرم و بیوتات متبرک

مرقد شریف حضرت ستی فاطمه در میان بقعه با بلندی ۲۰/۱ و درازا و پهنای ۹۵/۲ در ۲۰/۱ متر قرارگرفته و با کاشی های نفیس و زیبای زرفام آغاز قرن هفتم هجری پوشیده شده که سازنده آنها محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین است.

کاشی های روی مرقد

این کاشی ها که لوح مزار شمرده می شود مرکب از پانزده قطعه خشت بزرگ (۴۰×۶۰ سانتی متر) است که در پنج ردیف - هر ردیف سه عدد - قرار گرفته و متن آن با نقش و نگارهای ظریف و کتابه های قرآنی به این شرح تزیین یافته است.

۱. گرداگرد خشت ها در لبه مرقد از چهار سو ، صلوات کبیر به خط ثلث برجسته در زمینه گل و بوته طلایی نوشته شده ، به این شرح:

اللهم صل علی المصطفی و المرتضی و البتول و الحسن المجتبی و الحسین الشهید و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و الزکی العسکری و الامام المنتظر المهدی صلوات الله علیهم اجمعین و اصحابه الغر الراشدین. اللهم وال من والاهم و عاد من عاداهم وانصر من نصرهم و اخذل من

خذلهم و اللعن من ظلمهم و عجل فرجهم و اهلک اعدائهم. اللهم احشرنا مع آل طه و یس بمحمد و الائمه الهادین .

۲. سپس کتیبه ای دیگر است با پهنای بیش از ۱۵ سانتی متر گرداگرد مرقد به خط ثلث برجسته که متن آن پس از بسمله ، «آیه الکرسی» است تا « یخرجونهم من النور الی الظلمات ... اولئک» و کتیبه در همین جا پایان می گیرد. آغاز این کتیبه از گوشه راست پایین مرقد است.

۳. پس از آن کتیبه ای دیگر است گرداگرد مرقد با پهنای چند سانتی متر ، به نسخ ریز ، متضمن آیات ۱۶ – ۳۷ سوره آل عمران که از گوشه راست بالای مرقد با بسمله آغاز و در همان جا با عبارت «صدق اللّه العظیم» انجام گرفته است .

بدنه مرقد

بدنه مرقد از چهار سو با قطعات بزرگ و کوچک کاشی آراسته شده و در بالا و پایین ، دو کتیبه پهن بر خشت های بزرگ به ثلث درشت زیبا دیده می شود با این عبارت:

امر بترکیب هذه الکتابه الصینیه(۱) العبد الضعیف الفقیر المحتاج الی رحمه الله تعالی و غفرانه مظفر بن احمد بن اسمعیل بن الوزیر الشهید معین الدین احمد بن فضل بن محمود ابتغاء لمرضاه الله تعالی و تقرّبا الیه و الی رسوله محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین اللهم اغفر المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات برحمتک یا ارحم الراحمین. کتبه ابوزید فی الثانی من رجب سنه ۶۰۲.

در حاشیه بالای این کتیبه ، سوره یس تا آیه ۴۱ و در حاشیه پایین ، آیات ۴۲ – ۸۲ نوشته شده و دو آیه باقی مانده این سوره و سپس سوره هل اتی در حاشیه بالای کتیبه درشت خط پایین نوشته شده است.

دیواره کاشی

گرداگرد مرقد منور دیواره ای به بلندی دو متر، و درازا و پهنای تقریبی ۸۰/۴ ×

ص: ۷

۱– ۱ . در کتابه های حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام ، ص ۵ ، به جای «الصینیه» ، «العبید» نقل شده است.

۴۰/۴ متر قرار دارد که آن را اعتماد الدوله قاضی جهان حسینی ، وزیر شاه طهماسب صفوی ، در سال ۹۵۰ ه ق بنیاد نهاده و با کاشی معرق آراسته است. این دیواره اکنون با ضریح سیمین پوشیده است .

حرم

بقعه ای که اکنون برفراز تربت منور استوار است از آغاز دوره صفوی است و آن را شاه بیگم(۱) دختر مهماد بیک بکتاش موصلو، همسر شاه اسماعیل صفوی ، در سال ۹۲۵ ه ق . در جای ساختمان پیشین حرم بنیاد نهاده است . پس از آن در کنار حرم مطهر ، رواق ها، مسجد بالاسر، مسجد موزه، ایوان طلا و مرافق و مناره ها، ایوان آینه و مناره ها، صحن عتیق، بقعه فتح علی شاه قاجار، بقعه محمد شاه قاجار، صحن نو، ایوان شرقی، ایوان جنوبی، ایوان شمالی، ایوانچه ها افزوده شده است .

مقابر پادشاهان صفوی

چهار تن از شاهان صفوی: شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین ، در جوار تربت منور به خاک رفته اند که مقابر آنان به روزگار خود بسیار مجلل و معظم بوده و تولیت خاصی و اوقاف مخصوصی داشته است. این مقابر اکنون از بین رفته است.

ص: ۸

۱- ۱ . تاجلو بیگم ، دختر مهماد بیگ بن حمزه بیک بکتاش موصلو، که در سال ۹۴۶ ه ق . به دستور شاه طهماسب از تبریز به شیراز تبعید و در آنجا درگذشت و در مزار بی بی دختران به خاک سپرده شد.

۲ . اسناد و احکام مربوط به آستانه

۱ – وقف نامه ها

قدیمی ترین موقوفه آستانه ، مصحفی است با صندوق آن ، که در رمضان ۵۹۴ ه ق . توسط ابو عیسی احمد بن ابی شجاع نازویه به حرم حضرت معصومه علیهاالسلام وقف شده است .

بعد از آن ، وقف سی پاره قرآن است که تنها شش برگ آن موجود است و در سال ۷۲۰ ه ق . به آستانه وقف شده است.

بقیه وقف نامه های مهم آستانه عبارتند از:

وقف نامه سه دانگ قریه بطلیجرد سراجه قم توسط شاه قلی سلطان در ۷۶۰ ه ق ، وقف نامه مشروح و مفصل شاه بیگی بیگم ، همسر شاه اسماعیل صفوی ، در دهم صفر ۹۲۹ ه ق .

بعد از آن وقف نامه هایی از مصحف ها و نسخه های خطی حرم در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم تا عصر حاضر ، در حدود ۵۰ وقف نامه در دست است.

۲ – اسناد و احکام مشاغل گوناگون آستانه

اشاره

مدیریت آستانه و نحوه خدمت کارکنان و تعداد آن ها چنین بوده است:

تعداد خدمتگزاران آستانه قم در اوائل دوره صفوی پنجاه نفر بوده و سپس در همین عصر با گسترش تشکیلات آستانه، هفتاد نفر بر این شماره افزوده شد. پس از آن ، در اواخر دوره قاجاریه ، شماره خدام به صد و هشتاد تن رسید که در سه کشیک هشت ساعته انجام وظیفه می نمودند و مشاغل آنان چنین بود:

۱ . مستوفی: مسئول تنظیم حساب درآمد و هزینه آستانه و مصرف آن و نگاهداری سوابق خدام.

۲ . مشرف: مسئول نگاهداری و تنظیم دفتر ثبت آستانه و دفتر ثبت تعداد و

مشخصات هدایا.

۳ . خازن: مسئول نگاهداری نفایس آستانه که در خزانه بوده است.

۴ . ضابط :مسئول نگاهداری و ضبط اثاثیه خارج از خزانه که در حرم و بیوتات دیگر یا مورد نیاز کشیک های خدام بوده است.

۵ . سرکشیک: مسئول انتظام داخلی حرم.

۶ . خطیب: که در هر شب با حضور خدام ، خطبه ای مشتمل بر حمد و ثنای پیغمبر و دعای سلطان وقت می خواند.

۷ . صاحب نسقی (کارپردازی) .

۸ . خادم: پاسبان و عهده دار جزئیات امور آستانه که زیر نظر سرکشیک انجام وظیفه می نمود.

علاوه بر این ها ، آستانه را مشاغل دیگری نیز بوده است که مهم ترین آن ها مقام تولیت آستانه بوده که با فرمان و نشان های پادشاهان وقت تأیید می گردیده است.

متولیان قدیمی آستانه

از متولیان آستانه تا اواخر قرن دهم هجری این چند تن را می شناسیم:

۱ . سید فخر الدین نقیب رضوی که در نیمه نخستین قرن نهم هجری عهده دار تولیت آستانه و نقابت سادات قم بوده است.

۲ . پسرش ، سید نظام الدین سلطان احمد: تولیت میان سال های ۸۶۷ - ۹۰۴ ه ق . ۳ . سید کمال الدین عطاء الله تولیت پیش از سال ۹۰۴ ه ق .

۴ . سید مرشد الدین رشید الاسلام فرزند سید شمس الدین محمد تولیت از سال ۹۰۴ تا ۹۴۸.

۵ . سید شجاع الدین سلطان محمود تولیت از ۹۴۸ تا حدود ۹۷۲ ه ق .

۶ . امیر سلطان احمد تولیت در دهه دوم ۹۷۲ ه ق .

۷ . میر شمس الدین نقیب رضوی تولیت از دوره شاه خدابنده صفوی تا سال ۱۰۱۷ ه ق .

۸ . میر محمد سعید رضوی تولیت از سال ۱۰۳۶ تا ۱۰۶۳ ه ق .

۹ . میرزا یحیی تولیت در سال ۱۱۳۷ ه ق .

۱۰ . سید احمد مجتهد تولیت در نیمه دوم قرن دوازدهم.

۱۱ . میر محمد یحیی تولیت در آغاز قرن سیزدهم.

۱۲ . سید احمد فرزند میرزا محمد یحیی تولیت در نیمه اول قرن سیزدهم.

مدرسین آستانه

«مدرسی» ، یکی از مناصب و خدمات رسمی آستانه بود . همیشه یک یا دو تن با عنوان «مدرس آستانه» در آن منصب و وظیفه داشته اند.

از جمله مدرسین آستانه که در اسناد نام آن ها آمده، عبارتند از:

۱ . میرزا صدر الدین مدرسی که در سال ۱۱۳۹ ه ق . با میرزا عبداللّه و در سال ۱۱۴۸ ه ق . با میرزا علی نقی عهده دار این مقام بوده است . او می تواند همان مولی صدرالدین فرزند قاضی سعیدقمی باشد که مدرس اصول کافی در آستان حضرت معصومه علیهاالسلام بود.

۲ . محمد جعفر مدرسی در سال ۱۲۱۳ ه ق .

۳ . میرزا صفی و میرزا اسحاق رضوی در ربع اخیر قرن سیزدهم هجری .

۴ . اسماعیل رضوی زاده.

۵ . میرزا محمد امین.

۶ . میرزا اسد اللّه مدرسی.

۷ . محمد رضا مدرسی.

۸ . علی نقی مدرسی ، فرزندِ محمدرضا.

۹ . میرزا محمد کاظم ، فرزندِ علی نقی.

۱۰ . میرزا محمد علی ، فرزندِ میرزا محمد کاظم مشهور به میرزابابا.

۱۱ . میرزا محمد کاظم مدرسی (متوفای سال ۱۲۶۲ ه ق) .

حافظان قرآن کریم

خدمتِ «حافظی» از کهن ترین خدمات و مشاغل آستانه مقدس بوده است. شمار حفاظ که هر روز در روضه منور به قرائت و تلاوت قرآن کریم اشتغال می نموده اند ،

ص: ۱۱

در سال ۱۱۴۷ ه ق .، چهار تن بوده است. بزرگ حافظان، صدر الحفاظ خوانده می شد و بنابر مرسوم از سادات رضوی می بود.

کفش داری

این سمت متعلق به دودمان های خاصی بود که از آن ها می توان به خاندان وزیری و کبیری اشاره کرد. چند سند در رابطه با واگذاری این سمت از سوی عباس میرزا نایب السلطنه به افرادی در دست است.(۱)

ص: ۱۲

۱- ۱ . تربت پاکان ، ج۱ ، ص ۳۳۶_۳۴۲ .

۳ . احادیث حضرت معصومه علیهاالسلام

اشاره

حدیث های گهرباری که از حضرت نقل شده متأسفانه تعداد اندکی از آن ها به دست ما رسیده است که تعدادشان از پنج عدد تجاوز نمی کند.

در تربت پاکان(۱) و کریمه اهل بیت ، (۲) روایات نقل شده از طریق آن حضرت ، سه روایت ذکر گردیده، ولی در مسند فاطمه معصومه این تعداد به پنج حدیث افزایش یافته که چند حدیث آن را در اینجا تبرکاً نقل می کنیم:

حدیث اول

این حدیث را حضرت معصومه علیهاالسلام و دو تن از خواهران بزرگوارش زینب و ام کلثوم از فاطمه دختر امام صادق علیهاالسلام از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام از فاطمه دختر امام زین العابدین علیه السلام از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام از ام کلثوم دختر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت فاطمه علیهاالسلام دختر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند که آن حضرت علیهاالسلام فرموده اند:

اَ نَسیتم قول رسول اللّه صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم: مَن کنتُ مولاه فعلیّ مولاه و قوله صلی الله علیه و آله : انت منی بمنزله هارون من موسی علیه السلام (۳)

حدیث دوم

این حدیث را حضرت معصومه علیهاالسلام از فاطمه دختر امام صادق علیهاالسلام ، از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام ، از فاطمه دختر امام زین العابدین علیه السلام ، از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام ، از زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام ، از حضرت فاطمه علیهاالسلام دختر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، نقل کردند که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده اند:

۱- ۱ . تربت پاکان ، ج۱ ، ص۱۷ .

۲- ۲ . کریمه اهل بیت ، ص ۶۵ - ۷۷ .

۳- ۳ . مسند فاطمه معصومه علیهاالسلام ، ص ۶۲ و ۶۳ .

ألا مَن مات على حُبّ آل محمدٍ مات شهيدا .(۱)

حدیث سوم

این حدیث را حضرت معصومه علیهاالسلام و دو تن از خواهران بزرگوارش ، زینب و ام کلثوم ، از حضرت فاطمه دختر امام صادق علیهاالسلام ، از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام ، از فاطمه دختر امام زین العابدین علیه السلام ، از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام ، از ام کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام ، از حضرت فاطمه دختر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند که آن حضرت علیهاالسلام فرموده اند:

سمعتُ رسول اللّه صلی الله علیه و آله یقول: لما اسری بی الی السماء دخلتُ الجنه فاذا أنا بقصر من درّه بیضاء مجوفه و علیها باب مکلل بالدر و الیاقوت و علی الباب ستر فرفعت رأسی فاذا مکتوب علی الباب «لا اله الا اللّه محمد رسول اللّه علی ولی القوم» و اذا مکتوب علی الستر بخٍّ بخٍّ من مثل شیعه علی فدخلته فاذا أنا بقصر من عقیق أحمر مجوف و علیه باب من فضه مکلل بالزبرجد الأخضر و اذا علی الباب ستر فرفعت رأسی فاذا مکتوب علی الباب «محمد رسول اللّه علی وصی المصطفی» و اذا علی الستر مکتوب «بَشِّر شیعه علی بطیب المولد» . الحدیث . (۲)

حدیث چهارم

این حدیث را حضرت معصومه علیهاالسلام ، از عمر فرزند امام زین العابدین علیه السلام ، از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام ، از اسماء دختر ابوبکر ، از صفیه دختر عبدالمطلب ، از ام کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام ، نقل کرده: حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

لَمّا سقط الحسین علیه السلام مِن بَطن اُمّه و کنتُ ولّیتُها قال النبی صلی الله علیه و آله : یا عمه هَلُمی الیّ ابنی ، فقلت: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله انا لم ننظفَهُ بعدُ ، فقال صلی الله علیه و آله : یا عمّهَ انتِ تنظفیهَ؟! إن اللّه تبارک و تعالی قد نَظَّفَهُ و طَهَّرَهُ . (۳)

ص: ۱۴

۱- ۱ . همان ، ص ۶۲ .

۲- ۲ . همان ، ص ۶۵_۶۷ .

۳- ۳ . همان ، ص ۶۸ _ ۶۹ .

۴ . مدایح حضرت معصومه علیهاالسلام

اشاره

۴ . مدایح حضرت معصومه علیهاالسلام (۱)

قصیده زکی باغبان

زکی باغبان اهل قم و معاصر شاه سلیمان صفوی بود و این قصیده را در مدح حضرت معصومه علیهاالسلام و وصف قم سروده است:

این گنبد رفیع که دائم منور است این بارگاه دختر موسی بن جعفر است

خاك درش از تربت پاکش معطّر است عمّش یقین بدان که علی بن جعفر است

یا ربّ بود به روز جزا حمله دار قم

خاك فرج که مدفن اولاد مرتضی است اینجا حریم خواهر سلطان دین رضاست

خاك درش به چشم خلایق چوطوطیاست شاهی که خشت گنبد با رفعتش طلاست

چندین حدیث گفته به وصف دیار قم

هستند چهار صد و چهل و چار از شرف مدفون بامر حق همه چون دُر در این صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه لو کشف فرقی مدان میان قم و کعبه و نجف

جان می دهند اهل خرد در نثار قم

محفوظ از بلاد بود این دار مؤمنین طوفان به دور نوح نیآمد در این زمین

از لطف حق شرافت این خاك را ببین یک در گشوده می شود از خلد از این زمین

بوی بهشت می وزد از مرغزار قم

ص: ۱۵

۱- ۱ . این مدایح از کتاب ذخایر الاسفار ، نوشته مرحوم ملا علی خیابانی ، به نقل از کتاب تحفه الفاطمیین فی احوال القم و القمیین ، نقل شده است .

روزی که حشر و نشر قیامت بپا شود ایمان و کفر و نیک و بد از هم جدا شود

بهر حساب خلق چو میزان بپا شود بر اهل قم محاسبه در قبرها شود

خوشدل کسی که دفن شود در مزار قم

هر جا که موج فتنه ترا در میان گرفت طغیان نمود ظلم تمام جهان گرفت

فصل بهار زندگیت را خزان گرفت باید که پند از «زکی باغبان» گرفت

خود را کشید و رفت به قم یا جوار قم

قصیده مشرقی

این قصیده را میرزا اسد الله خان ، ملقب به « صفوه الملک» و متخلص به «مشرقی» ، در وصف قم سروده است:

بر خود ببال تا به قیامت از این شرف ای خاک قم که درّ نبی را شدی صدف

تا شد نهفته بضعه احمد میان تو کوی شرف ز عرش ربودی زهی شرف

پیوسته این مطاف ملایک بود از آنک نایب مناب کعبه و طوسیّ و هم نجف

امروز هر که جبهه نساید به خاک تو فردا به روز حشر بسی می خورد اسف

آنان که بی ولای تو خواهند زندگی گردد سهام حادثه در چشم شان هدف

در روضه تو خفته ز گل های مصطفی افزون ز چار صد همگی صدق را خلف

هر روز جبرئیل امین بهر حضرتت از رحمت تحیّت حق آورد تحف

گویی مگر که کوی تو خلد است و هر سحر ارواح انبیا و ملائک کشیده صف

موسی اگر ز یمن تولّای تو نبود هرگز نیامدیش ز حق بانک لاتخف

با این همه هموم به وصف تو «مشرقی» سبق الرّمایه برد ز حسّان و بُودَلف

قصیده محمد علی خان سروش

این قصـید را میرزا محمد علی خان شمس الشعراء ، متخلص به «سروش» ، در وصف قم و بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام

سروده است:

آن که فرش بارگاهش عرش را افسر بود کیست او؟ دانی که بنت موسی جعفر بود

ص: ۱۶

آفتاب خاندان معصومه عذرا که او با رضا سلطان دین هم پشت و هم گوهر بود

شاه خاتونان فردوس است و ماه بانوان لاجرم چونین برادر را چنین خواهر بود

منقبت او راست صد چندان که در دریاست دُرّ بلکه صد چندان که اندر آسمان اختر بود

پرورنده گوهرش هم موسی است و هم رضا دست پرورد دو سلطان بانوی با فر بود

عطر حورالعین همین باشد غبار روضه ات تربتت جبرئیل را پیرایه شهپر بود

تربت پاک و نسیم روضه ات از دیرباز داروی بیمار باشد و نیروی پیکر بود

تا که وصف عفتت رضوان کند با حور عین صد هزاران جای در خلد برین کمتر بود

می نباشد قیمت لختی غبار درگهت هر چه اندر گنجور و اندر جهان گوهر بود

بارگاهت سجده گاه هر امیر و هر فقیر پیشگاهت بوسه گاه مهتر و کهتر بود

کعبه باشد قبله امت چنان چون در عرب بقعه تو در عجم خود قبله دیگر بود

قصیده صدر العلمای گیلانی

یا رب این خلد برین یا جنّت دنیاستی یا رب این عرش علا یا ملک او ادناستی

قاب قوسین است یا باشد مزار آن که او نام نامیش سمّی جده اش زهراستی

خاك روب درگهش بشنو اگر پرسی که چیست گیسوان مریم و یا طرّه حوّاستی

خادم درگاه والا جاهش ار خواهی که کیست موسی بن لاوی و عیسی روح الله ستی

از ازل بسته کمر در خدمتش آنکس که او نامور از حق به حکم علّم الاسماست

این جمال لله که نور از مرقد او لامع است دختر باب الحوائج حضرت موساستی

خواهر سلطان دین باشد علی موسی الرضا آنکه حق را مظهر و هم جامع اسماستی

در مدیحش گفت الا من زار معصومه به قم فله الجنه بلی این مژده زان مولاستی

عمه مرضیه قطب زمان شاه جواد آنکه او هفت آسمان از امر او بر پاستی

مهدی آخر زمان ذریّه اباء اوست همچو یزدان حضرتش یکتای بی همتاستی

یا جمال الله برآور از کرم حاجات «صدر» حق موسی کوترا مولا و هم باباستی

مدعای خویش را یک یک شمردن ابلهی است زآنکه بر اسرار من از هر جهت داناستی

قصیده حاج حسینعلی خان نوری متخلص به «وفا»

دلی دیگر چو دل من به روزگار کهن کسی ندیده نبیند اسیر رنج و محن

ز جور یار بنالم و یا زفتنه دهر ز چنگ شیر گریزم یا ز گرگ کهن

کدام یار گرفتم که خود نبودی مار کدام دوست گزیدم که او نشد دشمن

ز دست چرخ کنم شکوه یا ز بخت سیه زنم به جامه جان چاک یا به پیراهن

چرا چو ابر نگریم چو رعد نخروشم مرا که گشته بباد است و برق در خرمن

اگر به دست کنم خاتم سلمانی اما نمی دهدم روزگار اهریمن

اگر امان دهدم آسمان امان ببرم به درگهی بود جبرئیل را مأمن

یگانه بضعه هفتم امام کون و مکان به نام فاطمه فرمان ده زمین و زمن

به نام فاطمه در خلق و خلق چون زهرا چه رنگ و بوی دو گل کاید از یکی گلشن

درخت عفّت و ناموس و بحر شرم و حیا نهال عصمت و تقوی و زهد را معدن

ز بحر عصمت آل نبی چنین گوهر عجب نه کز عدن آید بدست درّ عدن

پدر امام و برادر امام و تربیتش چو نو گلی است که روید میان سرو و سمن

غبار درگهش از بهر کحل دیده حور همی برد سوی جنّت ملک از آن روزن

اگر نه دست به دامان عصمتت می زد که میزدود ز یوسف غبار از دامن

قصیده سید محمد یزدی متخلص به «عاجز»

ای ز وجود تو محترم حرم قم با شرف از تو زمین محترم قم

زاده پیغمبر و حبیبه داور دختر هفتم امام و خواهر هشتم

بنت ولیّ خدا، موسی کاظم اخت رضا شاه طوسی قبله هفتم

عصمت صغری و بنت عصمت کبری آنکه ز مریم به مرتبه داشت تقدم

ساره و مریم کنیز و خادمه او بل بقضا و قدر و راست تحکّم

بانوی عظمی و هم علیّه علیا نیّره مهر و حاجب و خدم انجم

فاطمه معصومه از سلاله عصمت گفته به قرآن خداالیذهب عنکم

مرقد پاکت پناه اهل دو عالم خاک درت توتیای دیده مردم

عرش بر این فرش بارگاه جلالت مکتسب نور از او خور و مه و انجم

از پی تعظیم بارگاه رفیعت روز و شبان راکع است و خم شده نه خم

قم شده رشک جنان زیمن مقامت رانده شد ابلیس از آنچه گفته شدش قم

علت ایجاد کاینات شمایید روز قیامت ایاب خلق الیکم

آدم و حوّا خود از طفل شماها خلق شدند ار بظاهرند اَب و اُمّ

۵ . کتابنامه حضرت معصومه علیهاالسلام

اشاره

نزول با کرامت حضرت معصومه علیهاالسلام در شهر قم رحمتی بود از جانب پروردگار که ساکنان این شهر را تا به امروز نور باران ساخته است. شیعیان شیفته اهل بیت علیهم السلام در این شهر به پاس این رحمت در شادی و سوگ اهل بیت شعرها سروده و کتاب ها نگاشته اند. در این نوشتار، رساله ها، کتاب ها و مقالات مستقلی که در زندگانی حضرت معصومه علیهاالسلام ، تاریخچه حرم و ذکر احادیث و زیارات آن حضرت نگارش یافته به معرفی می نشینیم.

الف) . تاریخچه زندگانی حضرت معصومه علیهاالسلام

حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام ، در اول ذی قعده سال ۱۷۳ ه ق . چشم به جهان گشود. تاریخ تولد آن حضرت برای اولین بار در کتاب وسیله المعصومیه(۱) ، به نقل از کتاب نزهه الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار ذکر شده است. رشد و بالندگی آن حضرت در مدینه بود تا آن که در سال ۲۰۱ ه ق . که برادر بزرگوارشان حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان به سر می برد، مسافرت تاریخی خود را برای دیدار آن حضرت آغاز کرد ، ولی در نیمه راه ، در حوالی قم بیمار شد و در دوازدهم ربیع الثانی ۲۰۱ ه ق . به ندای رب لبیک گفت.

کتاب هایی که درباره تاریخچه زندگانی آن حضرت منتشر شده است ، به ترتیب تاریخ عبارتند از:

۱ . احوالات حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام : شیخ محمد حسین بن محمد حسن قمی متخلص به مفلس و ملقب به اردشیره (متوفای ۱۳۶۷ ه ق) .

ص: ۲۱

۱- ۱ . وسیله المعصومیه، ص ۶۵ .

از این کتاب اطلاعی در دست نیست و مؤلف در مقدمه کتاب تحفه الفاطمیین فی احوال القم و القمیین خود ، در ذکر آثارش از آن یاد نموده است.

۲ . وسیله المعصومیه: حکیم میر ابوطالب، مشهور به بیوک آقا واعظ حسینی تبریزی. چاپ سنگی، تهران، کاتب احمد زنجانی، ربیع المولود ۱۳۷۱ ه ق .: قطع رقعی، ۱۰۶ ص.

این کتاب به عنوان اولین کتاب مستقل درباره حضرت معصومه علیهاالسلام شناخته می شود . مؤلف آن را در یک مقدمه و هفت فصل تنظیم کرده است. عنوان مقدمه و فصول آن عبارتند از:

مقدمه :در فوائد توسل ؛

فصل اول: وصف دارالامان قم ؛

فصل دوم: اجر و ثواب زیارت آن حضرت ؛

فصل سوم: کرامات آن حضرت ؛

فصل چهارم: عبادت آن مخدره ؛

فصل پنجم: مصائب آن جلیله ؛

فصل ششم: فضل زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی و حضرت امامزاده حمزه و امامزاده طاهر ؛

فصل هفتم: در فضایل زیارت عموم سادات ؛

خاتمه: در توسل به حضرت حجت (عج) .

مؤلف در این کتاب به نقل از کتاب نزهه الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار نقل نموده است که ولادت حضرت معصومه علیهاالسلام در اول ذی قعده سال ۱۷۳ هق . و وفاتش در دوازدهم ربیع الثانی ۲۰۹ هق . واقع شده و آن حضرت هنگام رحلت ۲۷ سال عمر داشتند. متأسفانه کتاب نزهه الابرار در هیچ جایی معرفی نشده و مؤلف آن نیز مجهول است.

مؤلف، کتاب دیگری به نام وسیله الزائرین دارد که در تبریز به چاپ رسیده است.

۳ . حضرت معصومه علیهاالسلام و شهر قم : محمد حکیمی ، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵ ق.

ص: ۲۲

۴ . زندگانی حضرت معصومه علیهاالسلام و تاریخ قم: سید مهدی صحفی ، قم، کتابفروشی صحفی.

۵ . سیده عش آل محمد: سید ابوالحسن هاشم ، قم، مطبعه علمیه ، ۱۴۱۶ ه ق، وزیری، ۱۳۷ ص.

این کتاب در ده فصل با این عناوین تنظیم شده است:

۱ . ولادتها و نشأتها؛ ۲ . القابها؛ ۳ . هل تزوجت السیده المعصومه علیها السلام؟ ؛ ۴ . معاناتها ؛ ۵ . هجرتها ؛ ۶ . الجنه لمن زارها ؛ ۷ . یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه ۸. المعصومه تحدّثنا ؛ ۹ . معجزاتها و کراماتها ؛ ۱۰ . الشعراء فی رحاب السیده المعصومه. خاتمه: زیاره السیده المعصومه.

۶ . فاطمه بنت الامام موسی الکاظم علیه السلام : محمد هادی الامینی ، قم، مطبعه مهدیه، ۱۳۹۳/۱۴۰۵ ق، قطع وزیری، ۱۶۰ ص.

این کتاب با این عناوین تنظیم شده است:

۱ . المدخل ؛ ۲ . بواعث تألیف الکتاب ؛ ۳ . بنات الامام موسی الکاظم علیه السلام ؛ ۴ . فاطمه المحدثه ؛ ۵ . فاطمه تتحسس عن أخیها ؛ ۶ . وفاه فاطمه و مدفنها ؛ ۷ . زیاره مشهد فاطمه ؛ ۸ . مزار السیده فاطمه علیها السلام ؛ ۹ . کرامات فاطمه ؛ ۱۰ . فی جوار فاطمه ؛ ۱۱ . مصلّی فاطمه ؛ ۱۲ . وقفه مع این واضح یعقوبی .

۷ . نگین قم (آشنایی با شخصیت حضرت معصومه علیهاالسلام): جواد محدثی ، قم، نشر معروف، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۴ ش، قطع پالتویی کوچک، ۴۸ ص.

این کتاب برای آشنایی جوانان و زائران با زندگانی حضرت معصومه علیها السلام نوشته و در یازده بخش کوتاه با این عناوین تنظیم شده است:

قم حرم ائمه علیهم السلام ، کریمه اهل بیت، در سایه تربیت رضوی، فاطمه راوی حدیث، رحلت، فضیلت زیارتش، سازندگی زیارت، ادب و آداب زیارت، زیارتنامه حضرت معصومه علیهاالسلام ، ترجمه زیارتنامه، نگین قم (شعر) از مؤلف.

۸ . کریمه اهل بیت علیهم السلام : علی اکبر مهدی پور ، قم ، مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق ، ۱۴۱۴ ق/۱۳۷۴ ش ، قطع رقعی ، ۵۳۶ص .

کتاب بدون فصل بندی است و اهمّ مطالب آن عبارت است از:

درالایمان قم، شخصیت و القاب حضرت معصومه علیهاالسلام ، احادیثی که حضرت معصومه علیهاالسلام روایت نموده اند، احادیث در فضیلت زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام ، حرکت تاریخی حضرت معصومه علیهاالسلام ، تاریخچه حرم حضرت، کرامتهای حضرت، سیمای تابناک حضرت در ادب فارسی، چهل حدیث پیرامون قم، مسجد جمکران و تاریخ و آداب آن، ازدواج نکردن حضرت معصومه، نامه امام هشتم به حضرت معصومه، کتابشناسی قم و حضرت معصومه.

۹ . زندگانی حضرت معصومه علیهاالسلام (حیات الست) : مهدی منصوری ، قم، کتابفروشی صحفی، ۱۳۸۰ ه ق، رقعی، ۳۲ ص.

۱۰ . حضرت معصومه فاطمه دوم : محمد محمدی اشتهاردی ، قم، انتشارات علامه، تابستان ۱۳۷۵ ش، قطع رقعی، ۲۳۶ ص.(۱)

این کتاب در سه فصل بدین ترتیب تنظیم شده است:

۱ . تاریخچه قم و برخاستگان آن و حوزه علمیه ؛

۲ . زندگینامه حضرت معصومه علیهاالسلام از آغاز تا شهادت - چند کرامت از دیدگاه حضرت معصومه علیهاالسلام - سیر تاریخی بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام به طور کوتاه ؛

۳ . مسجد جمکران، امامزادگان و مکان های دیدنی قم .

۱۱ . چکامه شرح مسافرت حضرت معصومه علیهاالسلام از مدینه تا قم : عباس خان افشار متخلص به پریشان

شرحی است منظوم ، از آغاز حرکت تاریخی حضرت معصومه علیهاالسلام از مدینه تا رحلت در قم. این منظومه در حدود سیصد بیت است.

نسخه تایپ شده و اصل این کتاب در کتاب خانه آستانه موجود است که توسط مؤلف در اربعین سال۱۳۷۵ ه ق . / ۱۳۳۵ش به کتاب خانه حرم ، اهدا شده و دارای ۲۳ صفحه و هر صفحه ۱۴ سطر به قطع رقعی است .

آغاز چکامه:

فراق نامه نویسان راه دور و دراز حکایت غم هجران چنین کنند آغاز

۱- ۱ . همچنین تلخیصی از این کتاب در ۹۶ ص به قطع جیبی در قم چاپ شده است .

محرران اساطیر دفتر عشاق بنوک خامه چنین کرده اند شرح فراق

پایان چکامه:

شکر خدا که قصر بهشتیست ساخته هربیت و هر قصیده که انشاء می کنم

ذاتیست آه و ناله بریشان به طبع من من طبع خود به ناله نه معتاد می کنم

۱۲ . حیات حضرت معصومه قم : سید حیدر مهدی ، حیدرآباد پاکستان، ۱۹۸۳ م، قطع جیبی، ۱۰۰ص.

۱۳ . در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام : علی اکبر مهدی پور ، قم، ۱۴۱۵ ه ق .

۱۴ . زندگانی حضرت معصومه علیهاالسلام : محمد شیرین کلام ، چاپِ قم.

۱۵ . حضرت معصومه علیهاالسلام را بهتر بشناسیم: از علی اکبر مهدی پور ، (مقاله) ، مجله مکتب اسلام، سال ۳۰ (۱۴۱۰ ه ق) ، شماره ۲ ، ۱۴۱۰ ق.

۱۶ . فاطمه بنت الامام موسی بن جعفر علیهم السلام : سید محمد باقر ابطحی ، قم، ۱۴۰۹ .، وزیری ، ۴۰ صفحه .

این کتاب از مستدرکات جلد هفدهم عوالم العلوم سید عبداللّه بحرانی است.

۱۷ . مسند فاطمه معصومه علیهاالسلام : سید علی رضا سیدکباری ، قم ، انتشارات زائر ، ۱۳۷۵ ش، قطع رقعی، ۱۰۸ ص.

مؤلف در این کتاب پنج حدیث را که از طریق فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهماالسلام روایت شده نقل نموده و کاوش هایی پیرامون متن احادیث و روایات آن ها نموده است.

همچنین در کتاب کریمه اهل بیت ، ص ۶۵ - ۷۷ ، روایات نقل شده از طریق آن حضرت تحت عنوان محدثه آل طاها (سه روایت) نقل شده است .

ب) . زیارت و تعزیه و مدایح حضرت معصومه علیهاالسلام

زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام و فضیلت زیارتش اولین بار در کامل الزیارات(۱) از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام نقل شده است.

ص: ۲۵

۱- ۱ . کامل الزیارات، ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، قمی (متوفای ۳۶۸) قم. موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ه ق . ص ۵۳۶.

۱ . تعزیه حضرت معصومه علیهاالسلام : صادق همایونی (مقاله) ، مجله کاوه شماره ۴۱ و ۴۲ ، ۱۳۵۱ ش ، مونیخ .

۲ . زیارتنامه حضرت معصومه: تاکنون جزوات و کتاب های متعددی به این نام منتشر شده است.

۳ . در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام یا زیارتنامه کریمه اهل بیت : علی اکبر مهدی پور ، قم ، ۱۴۱۵ ق.

۴ . لمعات عشق: حیدر آقا تهرانی متخلص به معجزه ، قم ، ۱۳۶۹ ش ، قطع خشتی، ۱۳۱ ص.

شامل مدایح و قصایدی درباره حضرت معصومه علیهاالسلام .

۵ . ودیعه آل محمد فاطمه معصومه علیهاالسلام : محمد صادق انصاری ، قم ، ۱۴۱۳ ه ق ،. قطع وزیری، ۳۲ ص.

ج) . بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام

در تاریخچه بارگاه آن حضرت این کتاب ها نگاشته شده است.

۱ . کتابه های حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و حظیره های اطراف آن: دکتر منوچهر ستوده ، قم ، کتاب خانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۵ ش، قطع رحلی کوچک، ۱۸۸ ص.

در این کتاب کتیبه ها و کتابه های مربوط به ضریح حضرت معصومه علیهاالسلام و درهای آن و مسجد بالاسر و ایوان و صحن های اطراف حرم و مقبره های خانوادگی داخل صحن ها با ۹۲ عکس از کتیبه ها معرفی شده است.

۲ . بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام : بیژن سعادت ، ایتالیا، فلورانس ، ۱۹۷۷ م .

این کتاب در سه جلد تنظیم شده است:

۱ - تاریحچه حرم مطهر و بناهای وابسته ۲ - همان مطالب به زبان انگلیسی ۳ - عکس هایی رنگی از حرم و آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام .

۳ . بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام : نشریه شهرداری قم .

شامل تاریخچه حرم مطهر و زیارتگاه قم همراه با تصاویر.

۴ . تربت پاکان: سید حسین مدرسی طباطبایی ، قم ، ۱۳۵۵ش، دو جلد، ۱۲۲۸ص.

این کتاب در دو جلد به تاریخ آستانه مقدسه، بناهای تابعه، اسناد، مدارک وقفنامه ها و... پرداخته است .

۵ . راهنمای قم: به قلم گروهی از دبیران و صاحب نظران ، تهران، چاپخانه مجلس، قطع رقعی ۱۷۲ ص + ۶۴ صفحه عکس.

شامل تاریخچه قم، توصیف حرم و ابنیه وابسته، نفایس آستانه، آیین نامه داخلی حرم، تأسیسات جدید و قدیم و اسامی مدفونین اطراف آستانه، شامل ۶۴ عکس و یک نقشه با مقدمه ای از رشید یاسمی استاد دانشگاه تهران.

۶ . کتیبه های آستانه مقدسه قم: منوچهر ستوده (مقاله) ، مجله معارف اسلامی (نشریه سازمان اوقاف) ، ش ۱۶ .

۷ . نشریه آستانه مقدسه قم: قم ، ۱۳۴۷ ش، ۴۸ ص، قطع وزیری.

شامل گزارشی از گذشته و حال حرم و بقاع تابعه با تعدادی عکس و تفصیلات.

د) . کتاب خانه حضرت معصومه علیهاالسلام

در کنار مزار مبارک آن حضرت ، همیشه کتاب خانه ای دایر بوده و کهن ترین سند آن وقفنامه ای است که هم اکنون در یکی از قرآن های حرم موجود است و طبق آن، این مصحف در سال ۵۹۴ ه ق . بر مرقد منور آن حضرت وقف شده است . کتاب خانه فعلی حاصل تلاش چند تن از شخصیت های مذهبی و دینی معاصر است و هم اکنون در آن ، نزدیک به ۴۰۰ قرآن نفیس خطی ، ۲۰۰۰ نسخه خطی ، ۳۴۰۰ کتاب چاپ سنگی و ۶۵۰۰۰ کتاب چاپی و آرشیو مجلات متعدد نگهداری و مورد استفاده محققین است. درباره کتاب خانه حرم مقالات و کتاب های زیر منتشر شده است:

۱ . کتاب خانه آستانه قم: محمد تقی دانش پژوه (مقاله) ، نشریه نسخه های خطی ، دفتر پنجم(۱۳۴۶ش) ، ص ۳۹۷_۳۹۸ ، انتشارات دانشگاه تهران .

۲ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه قم: محمد تقی دانش پژوه ، قم ، ۱۳۵۵ ش، قطع وزیری بزرگ .

در این فهرست حدود سیصد جلد نسخه خطی مصحف قرآن کریم و ۸۰۰ نسخه

خطی موجود در کتاب خانه آستانه ، همراه با مقدمه مفصلی در تاریخ قم ، معرفی شده است .

۳ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه قم ، قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۳ ش: جلد اول آن تألیف سید حسن نقیبی است . در این فهرست ۴۰۰ نسخه از نسخه های خطی که به کتاب خانه آستانه افزوده شده اند _ از شماره ۱ تا ۴۰۰ _ معرفی شده است.

جلد دوم آن تألیف این حقیر است . در این فهرست ۳۶۴ نسخه خطی از نسخه های جدید کتاب خانه آستانه _ از شماره ۴۰۱ تا ۷۶۴ _ معرفی شده است.

۴ . گنجینه هزار ساله (معرفی کتاب خانه آستانه مقدسه): (مقاله) ، از این حقیر ، مجله کوثر، ش ۱.

ص: ۲۸

بخش دوم تاریخ قم

اشاره

۱ . جغرافیای قم

۲ . فضایل قم

۳ . مزارات و مقابر

۴ . مساجد قم

۵ . مدارس قم

۶ . بناهای قدیم در روستاها و بلوکات قم

۷ . دو مأخذ مهم در تاریخ قم

ص: ۲۹

۱. جغرافیای قم

محدوده قم قدیم

منطقه ای که پیش از آمدن اعراب به ایران «قم» - یا معادل آن در زبان فارسی قدیم - خوانده می شد، پهنه ای وسیع بود که از کمیدان و مزدیجان تا ابرستجان و جمکران را در بر می گرفت و در میان این منطقه هفتاد دیه به صورت پراکنده - گویا به سبک مرسوم شهر نشینی آن روزگار - وجود داشت. بارویی بزرگ به رأی و همت یزدان فاذار رئیس دیه ابرستجان ، گرداگرد همه دیهات کشیده شد که همه را از تعرض غارتگران دیلم نگاهداری می نمود.

در نیمه دوم قرن نخستین هجری ، اعراب اشعری به قم آمدند و در شش دیه ازآن جمله با نام های گُمَر و کمیدان و مالون و قزوان و سکن و جلنبادان فرود آمدند و برای خود شهری جدید در قسمتی از سرزمین قم بنیاد نهادند. و بارویی کوچک تر گرد همین قسمت چنان کشیدند که از باغ دولت تا درب نضر رودخانه در میان شهر بود و از این درب تا گمر و سعدآباد در کنار رودخانه بنا گردیده بود.(۱)

در تاریخ قم آمده است:

... فتح این ناحیه بر دست رؤسای مقدمه لشکر اَحنف بن قیس میسر شد، چون اصفهان بر دست ابوموسی اشعری به قهر و غلبه مفتوح گردید، قم هم چون از توابع اصفهان بود پس به قهر و غلبه مفتوح شده است.

و همچنین عبدالرحمن بن عیسی کاتب همدان، صاحب تاریخ همدان گوید: که ابا عبید شافعی و مالك گفته اند که فتح بلاد جبل به دست فاتح آن به قهر و غلبه بوده

۱- ۱ . تربت پاکان ، ج۲ ، ص ۱۷ .

است و هیچ شهری را از آن استثنا نکرده اند.

حاج میرزا محمد قمی (۱) در کتاب اربعین الحسینیه که در سال ۱۳۲۷ ه ق . آن را تألیف نموده ، می نویسد:

بلده شریفه قم از ایام قدیمه معدن علوم اهل بیت - علیهم السلام - و مسکن این دودمان شرافت بنیان بوده و از بلاد مستحدثه اسلامیه است و از اول مردم این بلد غیر تشیع طریقه ای از اسلام را نشناختند و رشته تبعیّت احدی به گردن نیداختند و بر شخص متتبع خبیر بسی واضح است که اکثر اصول شیعه از علمای قم تدوین شده و به بذل جهد ایشان محفوظ مانده... و یکی از درهای بهشت از برای ایشان است که کنایه از باب ولایت اهل بیت باشد... و شرح این جمله در کتاب تاریخ قم که از کتب معتبره و در عدد اصول احادیث محسوب و مسطور است .

در تاریخ ابن کثیر از کتاب معجم البلدان نقل شده است که:

صاحب بن عباد، قاضی قم را از قضاوت عزل نمود و به قاضی نوشت:

ایها القاضی بقم، قد عزلناک فقم .

به قاضی گفتند: سبب عزل تو چه بود؟ گفت: انا معزول السجع من غیر جرم و لا سبب . یعنی من تقصیری نداشتم مگر این که سجع و قافیه مرا عزل نمود.

۱- ۱. شرح حال وی، بعد از این ذکر خواهد شد .

۲ . فضایل قم

قم پایگاه مهم شیعیان

قم از سده دوم هجری تاکنون پایگاه مهم شـیعیان بوده و به همین دلیل مورد بی مهری و حمله مخالفان تشیع قرار گرفته است . برای نمونه ، مؤلف بعض فضائح الروافض ـ که نـاصبی متعصبی بوده ـ انواع تهمت هـا و افتراها را بر شـیعه وارد نموده و در کتابش از شهرهای مهم شیعه و در راس آن ها قم ، در موارد متعدد به بد نامی یاد نموده است.

او که در قرن ششم هجری می زیسته ، لبه تیغ حملات خود را متوجه شهر قم نموده که نشانگر اهمیت و شهرت این شهر، حتی در نزد مخالفان بوده است. برای نمونه ، چند مورد نقل می شود:

... و آن دستار بندان از قم و کاشان و آبه چنان مستولی بودند به کرد و رفتِ مجدالملك براوستانی که... (۱) و در هیچ شهری که رافضیان آنجا غلبه دارند... چون قم و کاشان و آبه و ورامین و ساری و اُرم... بدان که خیر العمل آشکارا سازند. (۲)

من به قم بودم. در مسجدی رفتم، سگی را دیدم. (۳)

عبدالجلیل رازی در پاسخ هایی که به دانشـمند اهل سنّت داده، در اغلب موارد، قم را به عنوان مرکز شیعیان و شهر فرهنگی و مـذهبی شـیعه یـاد کرده است ؛ برای نمونه: ... اگر غرض این بودی از خوانـدن منـاقب، بایستی که به قم و کاشان و آبه و بلادِ مازندران و سبزوار و دیگر بقاع که الا شیعه نباشد نخوانندی. (۴)

تمجید عبدالجلیل رازی از قم

---

۱ - ۱ . «نقض» معروف به «بعض مثـالب النواصب فی نقض بعض فضائـح الروافض»، تألیف نصـیر الـدین ابوالرشـید عبـدالجلیل قزوینی رازی، به تصحیح میر جلال الدین محدث ارموی، ص ۸۱ .

۲- ۲ . همان، ص ۱۹۴.

۳- ۳ . همان، ص ۲۰۷.

۴- ۴ . همان، ص ۷۷.

عبدالجلیل رازی در کتاب نقض به پاسخ گویی شبهات مؤلف ناصبی پرداخته و از جمله در مورد اتهامات وی به مردمان شهر قم در موارد ، متعدد فضایل قم را برشمرده است که نمونه هایی از آن چنین است:

و در این تاریخ که این نقض می نویسم، مثالی رسید از قم ،که مقطع قم امیر غازی غازی زاده صاتماز بن قایماز الحرمی به قم فرستاده بود. اولش بدین عبارت که «اهل قم از خدای تعالی به نزدیک ما ودیعت اند و ما را رعیتی مبارک اند و تا شهر قم، نامزد دیوان ما کرده اند، هر روز ما را منزلتی و رتبتی پدید آمده است. و ما ایشان را به فال کرده ایم. چون چنین پادشاهی حنفی به تعصّب ملحد کش در قم و قمیان چنین نویسد، الّا از سر بصیرت و حقیقت نباشد، چه پادشاه با رعیّت تقیّه نکند و هزل ننویسد.. .(۱) آن که گفته است: در کتاب تأیید النبوه و تسدید الامامه که یونس بن عبدالرحمن القمی الرافضی کرده است... امّا جواب این کلمات آن است که از غایت جهل این مصنف یکی این است که ذکر شخصی کرده است و گفته است: قمی، آن که گفته است: رافضی. و نداند که چون قمی بگفتی، مستغنی باشی از ذکر مذهب، که در حکایت آمده است که مردی اصفهانی یکی را پرسید که از کدام شهری؟ گفت: من از شهر دندان کنان. مرد، فرو ماند گفت: معنی، مفهوم نیست. مرد گفت: معنی آن است که: چون من گویم: از قم، گویی: آه . پس چون ذکر قم رفت، ذکر مذهب، بی فایده باشد ؛ که قمی الّا شیعی نباشد و الّا رافضیش نخوانند. (۲)

فضایل شهر قم

عبدالجلیل رازی سخت به شهر قم علاقه مند بوده و به این شهر عشق می ورزید، و به همین دلیل بخش مستقلی از کتابش را به ذکر فضایل این شهر اختصاص داده که متن کامل وی چنین است:

معلوم است که در شهر قم که همه شیعت اند، آثار اسلام و شعار دین و قوّت اعتقاد چون باشد از جوامع که ابوالفضل عراقی کرده است بیرون شهر، و آنچه کمال ثابت کرده است و در میان شهر و مقصوره های با زینت و منبرهای با تکلّف،و

ص: ۳۴

۱- ۱ . همان، ص ۱۸۹.

۲- ۲ . همان، ص ۲۵۲.

منارهای رفیع، و کراسی علما و نوبت عقود مجالس و کتبخانه های مِل ء از کتب طوایف، و مدرسه های معروف چون مدرسه سعد صلب و مدرسه اثیر الملک، و مدرسه شهید سعید عزّ الدّین مرتضی – قدس الله روحه – و مدرسه سیّد امام زین الدین امیره شرفشاه که قاضی و حاکم است. و آن سرای ستّی فاطمه بنت موسی بن جعفر – علیهما السلام – با اوقاف و مدرس و فقها و ائمّه و زینت تمام و قبول اعظم، و مدرسه ظهیر عبدالعزیز، و مدرسه استاد بوالحسن کمیج، و مدرسه شمس الدّین مرتضی با عُدت و آلت و درس، و مدرسه مرتضی کبیر شرف الدّین با زینت و آلت و حرمت و قبول، و غیر آن که به ذکر همه، کتاب مطوّل شود، و مساجد بیمر، و مقریان فاخر عالم به قراءت، و مفسّران عالم به منزلّات و مؤوّلات، و ائمّه نحو و لغت و اعراب و تصریف و شعرای بزرگ و فقها و متکلّمان از اسلاف به اخلاف رسیده ،و زهّادِ متعبّد و حاجیان بیمر و روزه دارانِ سه ماهه ایّام شریفه، و نمازکنندگان به شب، و أهل بیوتات از علوی و رضوی و تازی و دیالم و غیر هم، و هر سحر گاه از چند مسجد مناره آوازِ موعظت و بانگ نماز متواتر، و هر روز در مساجد کبیر و صغیر و مدارس معروف و در سراهای بزرگان، ختم قرآن معتاد و معهود، و مال های فراوان که هر سال از وجوهِ حلال به متابعت شریعت در وجوه زکات و اخماسّ و صدقات صرف شود. به نظر امینان و متدیّنان و محتسب عارف علوی که بی ریا و سُمعه درّه (1)بر دوش نهاده، و همه ساله نهی منکرات را میان بسته، و آنچه شعارِ شریعت و تمهیدِ قواعد اسلام است از درس و مناظره و مجلس ِوعظ و حلقه ذکر معیّن و مقرّر، و نور و نُزهت و برکتِ مشهدِ فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام ظاهر و باهر، و امرا و سلاطین و وزیرانِ معتقد با آثار خیرات و انوار برکات که دیده اند و شنویده .

و اخبار که در فضیلت قم و اهل قم از رسول و ائمه روایت [شده [است، بی نهایت است تا از جعفر صادق علیه السلام روایت است که گفت: «ألا انّ للّه تعالی حرما و هو مکّه، ألا انّ لرسول اللّه حرما و هو المدینه، ألا انّ لأمیر المؤمنین حرما و هو الکوفه، ألا انّ حرمی و حرم ولدی بعدی قم، ألا انّ قمّ کوفتنا الصغیره، ألا انّ للجنّه ثمانیه أبواب، ثلاث منها الی قم، تقبض فیها امرأه من ولدی و اسمها فاطمه بنت موسی تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنّه بأجمعهم».

۱– ۱ . دِرّه: تازیانه

و هم از وی علیه السـلام روایت است که گفت: «اذا عمّت البلـدان الفتن و البلایـا، فعلیکم بقمّ و حوالیهـا و نواحیهـا. فانّ البلایا مدفوعه عنها».

و از رضا علیه السـلام روایت کرده اند که گفت: «للجنّه ثمانیه أبواب، فباب منها لأهل قمّ. فطوبی لهم، ثمّ طوبی لهم، ثمّ طوبی لهم.»

و سـعد بن سعد بن الاحوص روایت کرد از علیّ بن موسی الرّضا علیهماالسلام که گفت: «یا سعد عندکم لنا قبر؟ فقلت له: نعم جعلت فداک. عندنا قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر، قال علیه السلام: یا سعد من زارها فله الجنّه. او: هو من أهل الجنّه».

و از امیر المـؤمنین علیه السـلام روایت است که گفت: «سـلام اللّه علی أهـل قم، و رحمه اللّه علی أهـل قمّ، یسـقی اللّه بلادهم الغیث، و ینزّل علیهم البرکات، و یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنات، هم أهل رکوع و خشوع و سجود و قیام و صیام، هم الفقهاء العلماء الفهماء، هم أهل الدّرایه و الولایه و حسن العباده صلوات اللّه علیهم و رحمه اللّه و برکاته».

و اخبـار دراین معنی، بی نهـایت است و مـا را این مایه برای حجّت بر خصم، کفایت است. و الحمـدللّه ربّ العالمین. و در این تاریـخ که این نقض می نویسم مثـالی، رسـید از قم که مقطع قم امیر غازی غازی زاده صاتماز بن قایماز الحرمی به قم فرسـتاده بود اولش بـدین عبـارت که: «اهل قم از خـدای تعالی به نزدیک ما ودیعت انـد و ما را رعیّتی مبارک انـد. و تا شـهر قم، نامزد دیوان ما کرده اند هر روز، ما را منزلتی و رتبتی پدید آمده است، و ما ایشان را به فال کرده ایم.» چون چنین پادشاهی حنفی به تعصّب ملحـد کش درقم و قمیـان چنین نویسـد، الّا از سـر بصـیرت و حقیقت نباشـد ؛ چه پادشـاه بـا رعیّت، تقیّه نکنـد و هزل ننویسد. پس اگر مصنّف را معلوم نیست، باید که قدم برنجاند و ببیند و بداند تا قلم به تهمت در مساوی خطّه مسلمانان نجنباند و نرنجاند. (۱)

۱- ۱ . نقض، ص ۱۹۴ – ۱۹۸.

۳ . مزارات و مقابر قم

اشاره

۳ . مزارات و مقابر قم(۱)

شاه جعفر

مزار «شاه جعفر» (شاه زاده جعفر) در مزدیجان(۲)، از کهن ترین مزارات این شهر و به نوشته کتابه بنا و مرقد خاکجای مردی از نوادگان امام کاظم علیه السلام است. در قسمتی از کتیبه این مزار که خوانده می شود ، آمده است:

[زاویه شمال غربی]: ذکر اللّه اعلی - (هذا) مشهد الطاهر المطهر جعفر بن موسی الکاظم ابن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین (بن) الامام الشهید حسین بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاه.(۳)

دربهشت (علی بن جعفر)

مزار علی بن جعفر ، مشهور به «در بهشت» ، در شرق شهر ، بیرون دروازه کاشان قرار دارد. آن را تربت «علی بن جعفر عریضی» فرزند امام صادق علیه السلام می پندارند که نمی تواند درست باشد زیرا او به قم نیامده و در «عریض» از روستاهای مدینه مدفون است . محتمل آن است که خاکجای ، نواده وی «علی بن حسن بن عیسی علوی

۱- ۱ . مطالب این بخش و بخش مدارس و مساجد قم از مقاله « سیری در کتاب تربت پاکان» ، اخذ شده است و عبارت ها و تحقیقات آن مربوط به کتاب تربت پاکان نوشته پرفسور مدرسی طباطبایی است که با تلخیص و جابجایی در برخی موارد نقل شده است .

۲- ۲ . از دیه های شهر قدیم قم که اکنون جزء شهر شده است از سوی غرب. در آنجا آتشکده ای کهنه و دیرینه بود که دری از طلا داشت و در سال ۲۸۸ ه ق . به دست بیرون ترک ، امیر قم ، ویران گردید . تربت پاکان ص ۳۵ .

۳- ۳ . ویلبر ، لوح مزار مورخ ۶۶۳ موزه برلین را به احتمال از این مزار دانسته است . معماری اسلامی ایران در دروه ایلخانان ص ۱۲۴ ؛ لیکن خواهیم دید که آن لوح ، متعلق به مزار احمد بن قاسم است. تربت پاکان ، ج۱ ، ص ۳۷ .

عریضی» باشد که همراه پدر خود از مدینه به قم آمده و یکی از درب های این شهر به نام او بوده و دور نیست که از این درب به زیارت او می رفته اند.

در کتاب ترجمه تاریخ قم ، از قبه «علی بن عیسی طلحی» نزدیک دروازه اصفهان که رودخانه قدیم در «ایام القدیم» از بالای آن جریان داشته است ، یاد می شود. دروازه اصفهان همین دروازه کاشان و مسیر پیشین رودخانه همان مجرای صفی آباد بوده، بنابراین، آن قبه در پیرامون همین جا قرار داشته است.

در یکی از کتیبه های آن آمده است:

امر بتجدید عماره المشهد المقدس مضجع الامامین السیدین المعصومین المظلومین الطاهرین ابی الحسن علی بن جعفر الصادق و ابی جعفر محمد بن موسی الکاظم صلوات اللّه علیهما المولی المرتضی الاعظم الصاحب الاعدل الاحسب الانسب علاء الحق و الدنیا و الدین جلال الاسلام و المسلمین عطا ملک المیر محمد الحسنی اعز اللّه فی الدارین.

مقابر باغ گنبد سبز

در باغ گنبد سبز ، بیرون دروازه کاشان - درجانب شرقی شهر - سه بنا از قرن هشتم هجری قرار دارد که از نظر سبک معماری ، با یک دیگر همانندند. امرای خاندان علی صفی - فرمانروایان مستقل قم در قرن هشتم هجری - در این سه بنا ، به خاک رفته اند.

۱ . مقبره خواجه اصیل الدین

خاکجای خواجه اصیل الدین و فرزند او ، خواجه علی اصیل ، نخستین امیر خاندان علی صفی است که در سال ۷۶۱ ه ق . به دستور خواجه علی صفی دومین امیر خاندان بنیاد گردید.

۲ . مقبره خواجه علی صفی

دراین بنا که میان دو بنای دیگر قرار گرفته و از آن دو سالم تر مانده، خواجه علی صفی ، دومین فرمانروای خاندان علی صفی ، با فرزند و برادر خود به خاک رفته اند.

۳ . مقبره بی تاریخ

ص: ۳۸

شمالی ترینِ سه بنا که از گشادگی و رفعت بیش تر برخوردار است و از تاریخ بنای آن به خاطر فرو ریختن قسمتی مهم از آرایش های گچ بری آن، آگاهی دقیقی در دست نیست ، می تواند مدفن امیران دیگر خاندان علی صفی باشد. از سوی دیگر ، با ملاحظه برخی قراین چنین تصور می رود که بنای آن مقدم بر آن دو دیگر صورت گرفته است .

سید سر بخش

مزار سید سربخش در قسمت شرقی شهر واقع شده است . سید سربخش از نوادگان امام صادق علیه السلام است. بنای کنونی آن مربوط به نیمه دوم قرن هشتم هجری است. این بنا به دستور غیاث الدین امیر محمد ـ از بزرگان خاندان علی صفی ـ بنیاد شده و تزیینات آن کار علی بن محمد بن ابی شجاع هنرمند بزرگ این دوره است.

شاه احمد قاسم

بنای مزار احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام ، در نزدیک دروازه قلعه قم - جنوب شرقی شهر - واقع شده و از آثار خاندان علی صفی است . آرایش های ظریف گچ بری آن اثر علی بن محمد بن ابی شجاع بنا شده است.

محمد حسن طباطبایی تبریزی در تبصره المسافرین(۱) که در سال ۱۲۷۰ ه ق . نگارش یافته ، ذیل سخن از این مزار می نویسد:

بقعه با کاشی خیلی ممتاز از آیات کریمه و احادیث شریفه به خط علی بن محمد در سنه ۶۶۳ است .

از این وصف اخیر دانسته می شود که لوح مرقدی که اکنون به عنوان «محراب مسجد قم» درموزه برلین نگاهداری می شود و مورخ صفر ۶۶۳ ه ق . و کار علی بن محمد بن ابی طاهر است ، متعلق به این مزار است.

شاه زاده ابراهیم (مزدیجان)

۱- ۱ . نسخه خطی موجود در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره (۱۴ ب) ، ص ۲۳.

بنای بقعه شاه زاده ابراهیم در مزدیجان (غرب شهر) و مربوط به قرن های هفتم و هشتم است.

در لوحه شمالی آن چنین مندرج است:

هـذا المضـجع للسـید الشـریف الطـاهر المطهر التقی النقی الزکی ابراهیم بن موسـی بن جعفر بن محمـد بن علی بن الحسـین اخ الحسن ابنا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام.

شاه زاده ابراهیم (دروازه کاشان)

بقعـه شـاه زاده ابراهیم در بیرون دروازه کاشـان ، نزدیـک مزار دَربهشت واقع شـده است . بنـا بر آن چه در کـتیبه آن آمـده ، شاهزاده ابراهیم یکی از نوادگان امام هفتم بود و بنای کنونی بقعه مربوط به آغاز قرن نهم هجری است.

دیگر مزارات

دیگر مزارهـا و بارگـاه های امام زادگان در قم عبارتنـد از: چهل اختران (بقعه شاه زاده زیـد و موسـی مبرقع)، خاک فرج (شاه زاده احمـد، صـفورا، کعبه)، شـاه زاده حمزه، شاه زاده احمـد، امام زاده سـید ابواحمـد، بقعه مجاور صـحن مزار در بهشت، بابا مسافر، شاه ظهیر، شـیخ ابا صـلت، سلطان محمد شریف، چهار امام زاده، علی بن بابویه، شاه زاده سید علی، سید معصوم، احمد بن اسحاق، علی سوی رضا ، ستّیه سید ابوالحسن رضا، محمدیه، گورستان بابلان، مقبره حکیم کوچک.

۴ . مساجد قم

مسجد جمعه (جامع)

بنای مقصوره رفیع مسجد جامع قم - در نزدیک دروازه ری این شهر - مربوط به دوره سلجوقی و از نیمه نخستین قرن ششم هجری است. در خلاصه البلدان

آمده است:

و امّا مسجد جامع شهر را که الحال دایراست و تولیت آن با سلسله جلیله سادات واعظ است ، سلطان طغرل در ایام سلطنت خود در سنه ثمان و عشرین و خمس مأه بنا نهاد و موقوفات بر آن مقرر نموده .

از این نوشته به خوبی بر می آید که تاریخ ۵۲۸ ه ق . و نام طغرل دوم (۵۲۵ - ۵۲۹) تا زمانِ تألیفِ خلاصه البلدان ، در کتیبه های مسجد بر جای بوده است . و در تاریخ دارالایمان قم و از آنجا در مرآه البلدان ، اصل بنای مقصوره راāز ابو الصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری در سال ۲۶۵ ه ق . دانسته شده است .

جامع ابوالصدیم با مشخصاتی که در کتاب قم برای آن گفته شده ، بر این مسجد قابل انطباق نیست و سال احداث و بانی اصلی مسجد ــ که دانسته شد ــ مربوط به همان مقصوره یاد شده است.

مسجد امام

مسجد جامع عتیق قم ، منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ، از کهن ترین مساجد این شهراست و بعید نیست همان «مسجد عتیق» ، نخستین مسجد بنا شده در این منطقه باشد که پیش تر آتشکده بوده و احوص بن سعد اشعری آن را ویران ساخته، و

ص: ۴۱

بر جای آن مسجد مزبور را به دَرپل بساخت و گرداگرد آن رواق ها بگردانید.

نیز می تواند مسجد جامع ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری باشد که آن را در سال ۲۶۵ ه ق . میان قم و کمیدان بنیاد کرد و در هنگام عامل شدن یحیی بن اسحاق در سال ۲۹۱ ه ق . برای آن مناره ای نیز ساختند. این مسجد در یک سوی رودخانه پل بکجه قرار داشته و منطقه کمیدان در آن سوی رود برابر آن واقع بوده است.

این مسجد به خاطرانتساب آن به امام یازدهم از دیرزمان مورد توجه بسیار بوده است. مردم قم معتقدند آن را احمد بن اسحاق اشعری ، وکیل امام عسکری در قم ، به دستور آن حضرت از محل وجوه شرعی و درآمد موقوفات امامان اهل بیت دراین شهر بنا نهاد.

جزوه ای از مصحف شریف (جزء ۲۳) به شماره ۵۶ انبار در کتاب خانه آستانه قم هست که به شهادت وقف نامه روی نخستین برگ، آن را با بیست و نه جزء دیگر ، امیر یوسف خواجه فرزند شیخ علی بهادر (از امیران مشهور دوره تیموریان) در بیستم رمضان سال ۸۴۲ ه ق . بر مسجد جامع عتیق قم منسوب به امام حسن عسکری واقع در بیرون درب ساوه از دروازه های شهر قم وقف نموده است. چنین است متن این وقف نامه:

وقف و حبس هذاالجزؤ مع الاجزاء التسعه و العشرین الباقیه من کلام اللّه رب العالمین و الصندوق المسدس المجلد المتین الاعظم الکبیر الافخم غیاث الدوله و الدنیا و الدین الامیر یوسف خواجه بهادر بن الامیر السعید الکبیر الشهید مظفر الدوله و الدین الامیر شیخ علی بهادر عمت معدلته علی المسجد الجامع العتیق الخارج درب ساوه من دروب مدینه قم حماها اللّه عن الآفات و الحوادث المنسوب الی الامام الهمام الحسن العسکری علیه السلام خالصا للّه تعالی و ابتغاء لمرضاته والزلفی لدیه فی جنانه لیقرأ فیه خصوصا ایام الجمعات وقفا صحیحا شرعیا مشروطا علی أن لا یخرج منه و لایقرأ خارجه. تقبل اللّه منه بقبول حسن فی العشرین من رمضان لسنه اثنی اربعین و ثمانمائه هجریه .

مسجد پنجه علی

مسجد پنجه علی در محله ای به همین نام واقع شده و نام خود را از پنجه ای

منسوب به حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام که بر سنگ کنده و در محراب آن نصب شده ، گرفته است . در چند کاشی که پیش تر بر سردَر درگاه ورودی آن بوده و اکنون پس از تخریب این سردر ، بر دیوار شرقی مسجد کنار دَرِ ورود نصب شده ، چنین آمده است:

هذا المسجد المتبرک المشهور بمسجد الصینی مغیث حارث بن الامام المفترض الطاعه موسی الکاظم علیه و علی آبائه الطاهرین صلوات اللّه... زاد اللّه توفیقه بالخیرات و الحسنات بعمل مرتضی اعظم سید عبدالصمد بن عطا اللّه الحسینی فی سنه ۸۸۶ ه ق .

مسجد عشقعلی

بنای مسجد عشقعلی در نزدیک آستانه مقدس، کهن است و باید از پیرامون قرن دهم هجری باشد. درباره بانی و تاریخ دقیق بنای آن آگاهی درستی در دست نیست.

ص: ۴۳

۵. مدارس قم

مدرسه غیاثیه

سر در و منـاره هـای مـدرسه غیاثیه در نزدیک میـدان کهنه شـهر ، از آثار نیمه نخستین قرن نهم هجری و مورخ به سال ۸۳۰ ه ق.است.

دو مناره بالای سـردَر به قطر ۲۰/۲ متر و بلندی ۱۳ متر از بالای بام (۲۵ متر از سـطح زمین) با پوشش آجری است. خوشبختانه تاریخ بنای مناره ها به این شکل باقی است:

«فی... سنه ثلاثین و ثمانمائه».

مدرسه رضویه

این مـدرسه در میان شـهر قدیم از کهن ترین مدارس قم است و سـید عبدالکریم بن طاووس (در گذشـته ۶۹۳ ه ق) در کتاب فرحه الغری از آن یـاد می کنـد. در این کتـاب است که حضـرت رضـا علیه السـلام در سـفر خـود از مـدینه به مرو از قم گـذر فرموده و در محل این مدرسه فرود آمده است.

مدرسه جانی خان

این مدرسه برابر درگاه مسجد جامع ، از مدارس دوره صفوی قم است که در دوره ناصری ، در سال ۱۲۷۸ ه ق. به وسیله میرزا نصر اللّه خان مستوفی گرکانی ، تعمیر و مرمت شد و پس از آن گاهی از آن به نام «مدرسه ناصری» یاد می شد .

مدرسه فیضیه

ص: ۴۴

بنای کنونی مـدرسه فیضـیه در شـمال صـحن عتیق آسـتانه قم ، از نیمه نخستین قرن سـیزدهم هجری، و جایگزین بنای «مدرسـه آستانه» است که در میانه قرن ششم هجری وجود داشته است.

فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۳ ه ق. بنای پیشـین این مدرسه را از اساس برداشت و برجای آن ، بنای کنونی را بنیاد نهاد. این بنا به پیرامون یک صـد حجره در دو طبقه ، چهار سوی محوطه ای به درازا و پهنای هفتاد و اند در پنجاه متر، سـردری از سوی شمال با درازا و پهنای ۱۳×۴ و بلندی و پیرامون ۱۱ متر و سه ایوان در جهات شمالی و شرقی و غربی هر یک به دهانه و پهنای ۹ در ۶ و بلندی و پیرامون ۱۲ متر داشته است.

ایوان غربی در نیم قرن اخیر از شـکل خود خـارج شـده و با احـداث سـقفی در بالای کتیبه کمربنـدی آن، قسـمت بالا ، مخزن کتاب خانه و قسـمت پایین ، مسجد و مدرس گردیده است. ایوانی نیز در جنوب هست که در سال ۹۳۹ ه ق. بنا شده و سر در صحن عتیق آسـتانه مقدس حضـرت ستی فاطمه است. در بالای درگاه ورود مدرسه از سـردَر شمالی ، کتیبه کمربندی است به نستعلیق که در آن این ابیات نوشته شده:

این مقرنس طاق چبود این منور شمسه چیست ؟ آسمانی با سکون و آفتابی بی زوال

این حرم حرمت حریم، این عرش فرسا بارگاه گشت بنیاد از مثال پادشاه بی مثال

باد یا رب بخت بیدارش چو حی لاینام باد یا رب ملک اقبالش چو ملک لایزال

این همایون درگه فرخ بی گردون همال درگه علم است و باب فضل و کریاس(۱) کمال

مدرسه دارالشفا

بنای دارالشفا در شمال مدرسه فیضیه ، از فتحعلی شاه قاجار است که نخست به

۱- ۱ . «کریاس»: دربار شاهان و امرا و اعیان را گویند. (لغت نامه دهخدا).

عنوان بیمارستانی برای آستانه ساخته شده و سپس به شکل مدرسه و مسکن طالبان علوم دینی درآمده است.

در زاویه شرقی صحن دارالشفا آب انباری است که آن را میرزا تقی خان ساروتقی ، وزیر شاه عباس دوم ، در سال ۱۰۵۵ ه ق . بنا نموده است. در کمربند سر در کتیبه ای است از کاشی خشتی لاجوردی به خط ثلث محمد رضا امامی .

مدرسه حاجی

میرزا آقاخان نوری صدراعظم ، در دوران حکومت فرزندش ذوالفقار خان در قم، مدرسه و مسجدی در کوی قاضی ، نزدیک میدان میر ، برای حاج ملا محمد صادق روحانی بزرگ آن دوره قم، بنیاد نهاد که تاکنون برجا و دایر است.

آثار دیگر

غیر از مزارات و مساجد ، بناها و آثار قدیمی دیگری در قم وجود دارد که اسامی برخی از آنها چنین است:

مناره میدان، وقف نامه قنات، تیمچه بزرگ، پل علی خانی، آب انبارها و مطب شفاء الدوله.

ص: ۴۶

۶. بناهای قدیم در روستاها و بلوکات قم

بقاع پیرامون شهر

شاه زاده عبداللّه: نزدیک به قلعه صدری قم (یک کیلومتر و اندی بیرون شهر در جانب غرب) منسوب به مردی از نوادگان امام چهارم. نام این مزار گویا پیش تر «شاه زید» بوده است.

شاه جمال: در کنار راه قم به اراک دو کیلومتری جنوب غربی شهر.

شاه جعفر غریب: در چند کیلومتری شرق شهر، نزدیک راه قم به کاشان، کنار تپه های مشهور به «قل درویش».

قدمگاه کوه خضر: در چند کیلومتری جنوب قم کوهی است به نام «کوه خضر» که بالای آن قدمگاه مسجدی بنا شده است.

مسجد جمکران: دیه جمکران در یک فرسنگی شرق قم ، پیش از اسلام یکی از مناطقی بود که شهر قدیم و باستانی قم را تشکیل می داد.

در کتاب قم آمده:

اول مسجدی که بدین ناحیت (قم) بنا نهادند پیش از آمدن عرب بدین ناحیت، مسجد قریه جمکران بود و مردی از اهل اسلام نام او خطاب اسدی که بدین ناحیت افتاده بود آن را بنا کرده بود و در آن تنها نماز گزارد.

دور نیست که مسجد مزبور همین باشد که اکنون «مسجد صاحب الزمان» خوانده می شود. در جنگی مخطوط – از آثار قرن یازدهم هجری – داستانی برای آن دیده شده است. این داستان به صریح متن آن در شب سه شنبه هفدهم رمضان ۳۹۳ ه ق. باید روی داده باشد.

هادی مهدی: مزار «هادی مهدی» در قریه گرگابی جمکران ، مرکب از دو بنای

مجاور یکدیگر است. آن دو بارگاه ر امدفن سه تن از نوادگان امام سجاد علیه السلام به نام هادی، «مهدی» و «ناصرالدین» می دانند.

امام زاده حاجی صفر: در نزدیک دیه جمکران مزاری است که آن را «امام زاده حاجی صفر» و مدفون در آن را «شاه زاده علی رضا» می نامند. حاجی صفر می تواند نام خدمتگزار این مزار در دوره های پیش بوده باشد.

قمرود

دهستان قمرود در شمال قم قرار گرفته و مرکز آن دیه قمرود در سه فرسنگی شهر از روستاهای کهن است و در آن دو مزار قرار دارد: شش امام زاده در سیف آباد و امامزاده جعفر در کوه سفید .

قنوات

به روستاهای شرق و شمال شرقی قم که آب مزروعی آن از قنات ها و کاریزها تأمین می شود قنوات گفته می شود . در این روستاها چند مزار قرار دارد به نام های: طیب و طاهر، خدیجه خاتون، بقعه شیخ نورالدین در مبارك آباد، بقعه زیارت در مؤمن آباد و سکینه خاتون در زالون آباد .

قهستان و وازکرود

روستاهای جنوب شرقی قم دارای مزارات زیر است:

حلیمه خاتون در روستای لنگرود، شیخ جمال الدین، مسجد جامع صرم، شاه زنده، سلطان محمود، شاه زاده عباس، شاه ابراهیم، معصومه در کهک، چهار امام زاده، شاه قاسم، اسماعیل در دامنه کوه، بیرقان که آن را خاکجای اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و محمد بن موسی الکاظم می پندارند و در کتیبه های آن تاریخ ۶۶۱ ه ق. به چشم می خورد.

خلجستان

بخشی در جنوب قم، که قسمتی از آن داخل محدوده کنونی شهرستان قم است و

آن را پیش تر «وادی اسحاق» می خوانده اند. با بناهای دو روستای تقرود و راهجرد و قراء کنار رودخانه اناربار تا آن جا که جزء قم است. در این بخش این مزارات موجودند: شاه زاده طاهر در تقرود، مزار شهیدان در طایقان، خدیجه خاتون، شاه زاده ابراهیم، شاه زاده زکریا.

مزارات و بقاع دیگر آبادیها

در دیگر آبادی ها و دهات قم ، بقعه ها و مزارات متبرکه ای وجود دارد بدین اسامی:

امامزاده ای بی نام در خلج آباد ، شاهزاده عباس در جنداب ، زیارتگاهی بی نام در قره سو ، شاهزاده عبد اللّه در قلعه چم ، سرخ آقای غائب در حصار ، پیر مزار و پیر قیصر در راهجرد ، ساریه خاتون برکناره رود انار پیش از «دودهک» ، شاهزاده سلیمان و پیر داود در راونج .

ص: ۴۹

۷ . دو مأخذ مهم در تاریخ قم

۱ . تحفه الفاطمیین فی احوال القم و القمیین

۱ . تحفه الفاطمیین فی احوال القم و القمیین (۱)

از: شیخ محمد حسین بن محمد حسن قمی متخلص به مفلس و ملقب به اردشیره (متوفای ۱۳۶۷ ه ق).

این کتاب تاکنون منتشر نشده و مرحوم ملا علی خیابانی در سال ۱۳۵۳ق. در قم نسخه اصل آن را ملاحظه و در کتابش ذخایر الاسفار یادداشتهایی از آن را درج نموده است که در اینجا ذکر می شود:

مؤلف در دیباچه کتاب بعد از حمد و صلوات مفصل می گوید:

... چنین گوید: اقل خلق الله حسین بن محمد حسن القمی(۲) ، که چون بلده طیبه قم از جمله بلادی است که از قدیم الایام دارالمؤمنین بوده و بسیاری از اکابر و افاضل و مجتهدین شیعه امامیه اثنا عشریه از آنجا برخاسته اند و اکثر اصول احادیث شیعه از علمای قم تدوین شده... لهذا از متقدمین و متأخرین الی الحال، دو تاریخ از برای قم نوشته اند: یکی از آن ها را محمد حسن بن حسن القمی در سنه سیصد و هفتاد و هشت هجری در سلطنت و هفتاد و هشت هجری در سلطنت فخرالدوله دیلمی به اسم کافی الکفاه صاحب بن عباد طالقانی به لسان عربی تألیف نموده و آن کتاب مشتمل بر بیست باب است.

و در سنه هشتصد و پنج هجری حسن بن علی بن حسن که یکی از علمای قم بوده و

۱- ۱ . نسخه ای از این کتاب تاکنون در فهارس شناسایی نشده است. در الذریعه ، ج ۳ ، ص ۲۸۷ و ۴۶۰ ، از این کتاب بدون نشان دادن محل نسخه رؤیت شده ، نام برده است.

۲- ۲ . شیخ حسین بن محمد حسین بن حاج رضا بن محمد تقی عاشق بن علی اکبر حلوایی بن ابراهیم قمی (۱۳۰۵ - ۱۳۶۷ ه ق) متخلص به مفلس و ملقب به اردشیره. ر ک: الذریعه ، ج۳ ، ص ۴۶۰ و ج۹ ، ص۱۰۸۹ .

به امر خواجه ابراهیم وزیر، آن را ترجمه نموده، امّا نسخه عربی در این زمان قلیل الوجود بلکه عدیم الوجود است و ترجمه فارسی که به دست آمد، مشتمل بر پنج باب بود از آن بیست باب و ندانستیم که بیش از پنج باب ترجمه نشده یا ترجمه شده و مفقود گشته. (۱)

اما تاریخ دوم که برای قم تألیف شده، کتابی است که مرحوم آقا شیخ محمد علی ارجستانی (۲)در سنه ۱۳۲۵ تألیف نموده، آن هم فی الواقع کتاب مختصری از آن پنج باب است که ترجمه شده و پاره ای از مطالب متفرقه در آن گنجانیده... اگر چه مؤلف آن در تألیفش تعب و رنج بسیاری دیده و در جمع آوری آن زحمات زیادی کشیده امّا چندان نتیجه از آن حاصل نمی گردید... .

این کتاب مشهورترین اثر شیخ حسین قمی است. او این کتاب را در دو جلد تنظیم نموده و جلد اول را در سال ۱۳۵۰ ق. و جلد دوم را در سال ۱۳۵۱ ق. به پایان رسانیده است.

فهرست تفصیلی مطالب کتاب

جلد اول این کتاب دارای ۱۵ باب و یک خاتمه است با این عنوان ها:

باب اول: در ذکر قم و برج طالع آن و حدود قم قدیما و جدیدا و ذکر باروی قم و ابتدای عمارت قم و ذکر آمدن عرب از آل اشعری به قم.

باب دوم: در ذکر روایاتی که از ائمه طاهرین - صلوات اللّه علیهم اجمعین - در فضیلت این ارض فیض قرین رسیده و ذکر اسامی شریفه بلده طیبه قم و ذکر اقوال مؤلفین و مورخین درباب قم و ذکر بعضی از طرایف و نوادر و حکایات متعلقه به قم.

باب سوم: در ذکر حرکت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام از مدینه طیبه به طرف قم و ورود آن مخدره به قم و ذکر وفات او و ذکر محراب عبادت و ذکر ثواب زیارت او و ذکر بعضی از کرامات و خوارق عادات او و ذکر امامزادگانی که در بقعه آن مخدره

ص: ۵۱

۱- ۱ . پنج باب باقی مانده از این کتاب با تحقیق سید جلال تهرانی به چاپ رسیده است. همچنین ر. ک: الذریعه/ ۲۷۸.

۲- ۲ . نام این کتاب «انوار المشعشعین» می باشد و به چاپ رسیده است. ر. ک. الذریعه: ج۲ ، ص۴۴۱.

مدفونند و ذکر سایر امامزادگان بقعه بابلان و ذکر قصایدی که شعرا در مدح آن مخدره انشاء نموده اند و ذکر ابنیه ای که متعلق به آن مخدره است و ذکر علما و محدثین و سلاطین و شاهزادگان و بزرگان که در این آستان ملایک پاسبان مدفونند.

باب چهارم: در ذکر بعضی از امامزادگان عالی مقام که در این ارض مقدسه مدفونند.

باب پنجم: درذکر ترجمه بعضی از روات و محدثین و علما و متکلمین و حکمای قم شامل سه فصل (۱. سرگذشت راویان و محدثان ۲. سرگذشت حکما و فلاسفه ۳. سرگذشت دانشمندان و فقیهان)

باب ششم: در ذکر وزرایی که از اهل قم بوده اند.

باب هفتم: در ذکر شعرای قم.

باب هشتم: در ذکر مدارس و مساجد قم و ذکر آب انبارها و یخچالهای واقعه در قم

باب نهم: در ذکر حمامات و تیمچه ها و کاروانسراهای قم.

باب دهم: در ذکر رودخانه و پلهای قم و برخی از بناهای خیریه که در قم واقع شده.

باب یازدهم: در ذکر طوایف و ایلاتی که در قم مسکن دارند. و ذکر جبال اطراف قم و ذکر طوحین قم.

باب دوازدهم: در ذکر باغات قم.

باب سیزدهم: در ذکر ممیزی نمودن قم را و ذکر تقسیم آب رودخانه.

باب چهاردهم: درذکر مزارع قم که از آب رودخانه مشروب می شوند.

باب پانزدهم: در ذکر قنوات و مزارعی که در محال سراجه و قمرود واقع است و ذکر قراء و مزارع کنار رودخانه و محال قهستان قم و جاسب و قراء اردهار.

خاتمه: در ذکر کتبی که در وقت تألیف این کتاب در نزد مولف موجود بود که مدارک این کتاب از آن کتب است.

جلد دوم شامل دو مقصد و یک خاتمه است با این عنوان ها:

مقصد اول: در ذکر حکمای بلده قم.

مقصد دوم: در ترجمه حالات شعرای قم و منتخبی از اشعار ایشان.

ص: ۵۲

خاتمه: در ذکر بقیه اشعار بعضی از شعرا که در وقت تألیف این کتاب، از قلم محو شده .

۲ . تربت پاکان

از: سید حسین مدرسی قمی (۱)

قم ، چاپخانه مهر ، شهریور ۱۳۵۵ش، قطع وزیری ، گالینکور ، دو جلـد ، جلد اول: ۲۳۴ص + ۲۸۹ عکس ، جلد دوم: ۳۸۳ص + ۲۲۹ عکس .

از جمله کتـاب هـای ارزشـمندی که در سـال هـای اخیر در موضوع جغرافیای تاریخی شـهر قم و حومه، تألیف گردیـده کتاب تربت پاکان ، اثرِ پروفسور سـید حسین مدرسی طباطبائی است . مؤلف گرانقدر که مدت زیادی در تاریخ قم کندوکاو کرده و به همه اسـناد، مدارک و منابع در این زمینه احاطه کامل دارد ، در جای جای این کتاب اطلاعات گرانبهایی را از آثار تاریخی قم به دست می دهـد و افزون بر آن ، با آوردن تصاویر روشن از کتیبه ها وبناهای تاریخی که شایـد تعدادی از آن ها امروزه از بین رفته، اهمیت کتابش را دو چندان کرده است.

آثـار دیگر مؤلـف در تاریـخ قم عبارتنـد از: کتابشناسـی قم، خانـدان صـفی قمی، خانـدان فتحـان قم، قم نـامه، قم در قرن نهم هجری.

ص: ۵۳

۱- ۱ . پروفسور سید حسین مدرسی طباطبائی، مدرس پیشین سطوح عالی در حوزه علمیه قم، دارای دکترای حقوق از دانشگاه آکسـفورد انگلسـتان، عضو مجمع بین المللی حقوق دانـان، مؤلف آثار متعـدد در علوم و معارف اسـلامی و اسـتاد مادام العمر کرسـی حقوق طبیعی در دانشـگاه پرینسـتون آمریکا است . مقـدمه ای بر فقه شـیعه، کلیات و کتابشناسـی اثر اوست که توسـط محمد آصف فکرت به فارسـی ترجمه شده و در مشـهد ، از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی ، در سال ۱۳۶۸ ش به چاپ رسیده است.

بخش سوم دانشمندان و رجال قم

اشاره

۱ . چند شرح حال از تحفه الفاطمیین

۲ . رجال قم در کتاب نقض رازی

۳ . تک نگاری ها

* آیه اللّه العظمی اراکی

* سید عبدالعزیز طباطبایی

* عذری بیگدلی و تذکره وی

* فخر الملوک خورشید فخری

ص: ۵۵

درآمد

شهر قم خاستگاه بزرگان و اندیشمندانی است که در عرصه های مختلف درخشیده و از خود آثار سترگی بر جای نهاده اند . در این جا شرح حال چند تن از بزرگان و مدفونین این شهر را به صورت تک نگاری مفصل و تعدادی از شخصیتها به صورت کوتاه(۱) ، برای ارائه نمایی از بزرگان و شخصیتهای قم ، تقدیم ارباب نظر می گردد .

۱. چند شرح حال از کتاب تحفه الفاطمیین

قطب راوندی و کرامتی از وی

در کتاب انوار المشعشعین که شیخ محمد علی ارجستانی ، ساکن بلده قم ، در سنه هزار و سیصد و پنج آن را تألیف نموده است ، می گوید که:

میرزا مهدی خان اعتضادالدوله ، داماد ناصر الدین شاه قاجار، شب در خواب دید که صحرای محشر بر پا شده و غل و زنجیری از آتش بر گردن او گذارده بودند و او را به طرف جهنّم می کشانیدند . در این حال ، نظرش بر یک نفر مرد موقّر و جلیل القدری می افتد، دامان او را می گیرد و به او پناه می برد . آن شخص شفاعت او را می نماید و امر می کنند که او را رها کنید. اعتضادالدوله پس از استخلاص خود ، روی به آن شخص می کند و عرضه می دارد که ای آقا شما کیستید؟ می فرماید: من قطب راوندی هستم. چون از خواب بر می خیزد روشنایی آن مضجع را به عهده می گیرد و

۱- ۱ . تک نگاری ها مقالاتی است که نگارنده در مجلات مختلف منتشر نموده و شرح حال های کوتاه برگرفته از کتاب نقض عبدالجلیل رازی و در چند مورد به نقل از تحفه الفاطمیین و در یک مورد نیز از نسخ خطی آستانه نقل گردیده که در پاورقی ها تذکر داده شده است .

یک محجّر کجاوه برای روی قبر او می سازد. پس از این که بنای صحن جدید را گذاردند، قبر او را از سنگ ساختند و بلند نمودند.

شیخ محمد حسین قمی

مرحوم شیخ محمد حسین قمی، از تلامذه شیخ الطایفه حاج شیخ مرتضی انصاری قدس سره که به درجه اجتهاد و استنباط رسیده و در سال ۱۳۲۲ به مرض وبا درگذشت و در وسط صحن عتیق حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گشت. از کلام او است:

هزار مسئله آموختم به مکتب عشق ولی چه سود ندادند اذن گفتارم

مرا که نیست خریدار خواجه می داند به حیرتم که چرا می برد به بازارم

سید محمد تقی قمی

آقا سید محمد تقی قمی ، فرزند حاج سید اسحاق، شرحی بر خطبه حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها نوشته ، اما به طبع نرسیده . در سال ۱۳۴۴به رحمت حق پیوست.

شیخ حسین مفلس قمی ملقب به ارده شیره

او نویسنده تحفه الفاطمیین فی احوال القم و القمیین است . وی در اشعارش «مفلس» تخلص می کرد و به سبب سرودن منظومه ای در تعریف «ارده شیره» ، به همین نام مشهور شده است.

شیخ حسین در سال ۱۳۰۵ ه ق. در قم دیده به جهان گشود . وی در کتابش ، تحفه الفاطمیین ، نام پدرانش را چنین ذکر کرده است: شیخ حسین فرزند محمد حسن عارفی فرزند حاج محمد رضا فرزند محمد تقی عاشق فرزند علی اکبر حلوائی فرزند ابراهیم قمی. او بعد از شصت و دو سال زندگی، در سال ۱۳۶۷ ه ق. از سرای فانی به عالم باقی رخت کشید و حدود پانزده اثر علمی از خود بر جای گذاشت که فهرست

آن ها در کتاب شناسی آثار مربوط به قم مندرج است.(۱)

اثر مشهور مفلس قمی ، کتاب تحفه الفاطمیین است که در دو جلد تنظیم کرده، جلد اول را در سال ۱۳۵۰ ه ق. و جلد دوم را در سال ۱۳۵۱ ه ق. به پایان رسانیده است.

از آثار وی ، منظومه ارده شیره و همچنین بخشی از اشعارش در ۴۰ صفحه، با مقدمه عباس میر ابوالفتحی، به چاپ رسیده است.

نمونه ای از اشعار وی که در ختم جلد اول تحفه الفاطمیین سروده ، چنین است:

شکر خدا را که ز فیض ازل وز سبب مکرمت لم یزل

گشت به سعی قلم خوش خرام جلد نخستین ز کتابم تمام

مخزن این نامه نامی اثر گشت ز فیض سخنم پر گهر

طرفه خبرهای کهن گفته شد دُرّ سخن بین که چسان سفته شد

هست امیدم که به رغم حسود نغمه سرایان ریاض وجود

چونکه درآیند در این بوستان بازگشانید به تحسین زبان

ساز نمایند نوای کرم درگذرند از سر سهو قلم

نظامی گنجوی

اشاره

شیخ ابو محمد بن شیخ یوسف نظامی قمی، اصل آن جناب از خاک پاک تفرش است که از اعمال قم شمرده می شود و والد ماجدش به گنجه که از بلاد معتبره آذربایجان است و به خوشی هوا مشهور است ، رفته و آن جناب در آنجا متولد شد و خود در اقبال نامه می فرماید:

نظامی ز گنجینه بگشایی بند گرفتاری گنجه تا چند چند

چو دُر گر چه در بحر گنجه گمم ولی از قهستان شهر قمم

میرزا محمد بن محمد تقی ارباب قمی (متوفای ۱۳۴۱ ه ق)

حـاج میرزا محمـد از آیـات الهیه و از براهین قـاطعه طریقه حقه جعفریه، در فقـاهت و اجتهاد مقامی بسـیار بلنـد و رتبه ای بس ارجمند داشت. به مقام بزرگواری و بسط ید و نفاذ حکم و قبول عامه که داشت ، کمتر کسی رسیده است. در حفظ و حمایت شریعت مصطفوی دقیقه ای فرو نگذاشت و در این باب اقدام و اهتمام او را دیگری نداشت.

در اوایل جوانی از این بلد شـریف رخت به عتبات عالیات کشـیده و در محضـر حجه الاسـلام حاج میرزا محمد حسن شـیرازی اسـتفاضه و اسـتفاده نموده و عمـده تلمذ وی در فقه و اصول در خدمت حاج میرزا حبیب الله رشتی و ملا کاظم خراسانی بوده، تا آن که بعد از تحصـیل و تکمیل علوم دینیه به قوه قدسیّه اجتهاد فائز آمده ، مجاز شده به وطن مراجعت نموده، ریاستی عامه و شـهرتی تـامه پیـدا کرد، صـیت فقاهت و فضـیلت او به همه جا رسـیده و مقروع اسـماع خاص و عام گردیـد. مجلس درس و افادت و افاضتش دائر و برقرار بوده ، منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین، در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه ای فرو نگذاشت.

مادام الحیات به تـدریس و ترویج، و افاضت و امامت و حکومات شـرعیه اشـتغال داشت و ساحت محکمه آن بزرگوار به هیچ توهم مشوب نشد و دامن اصحاب و

ص: ۵۸

۱– ۱ . کتابشناسی آثار مربوط به قم ، مدرسی طباطبایی ، ص ۱۷۳_۱۸۹ .

اتباعش هرگز به تهمتی نیالود. جماعت علما در حضرت وی خویشتن را خورد می شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می بردند.

و از شریف آثار قلمیه وی کتاب اربعین الحسینیه(۱) است.(۲) جلالت قدر و عظمت شأن آن بزرگوار در این مختصر نگنجد ، به اختصار کوشیدیم.

سنین عمر آن جناب شصت و پنج سال، در سنه یک هزار و سیصد و چهل و یک مهر سکوت بر لب زده و عالم آخرت را منزل ساخت.

و گاهی به گفتن شعر میل می نمود و قدری از اشعار درر بار آن جناب را در این کتاب برنگاشتم. و چندی از قصاید و اشعار عربی و فارسی او را ثبت کرده است.

میرزا محمد محیط قمی

فخرالمتقدمین و ذخر المتأخرین میرزا محمد القمی [الوزوایی] المتخلص به «محیط» و ملقب به شمس الفصحا –طابت ترتبه – ... در سوم صفر سال ۱۳۱۷ به رحمت حق پیوست. تحصیل علوم عقلیه و نقلیّه را در خدمت اکابر علما نموده بود. و

۱- ۱ . الذریعه ، ج۱ ، ص۴۲۵ ؛ این کتاب در سال ۱۳۲۸ ه ق. که سال تألیف آن می باشد به چاپ رسیده و نسخه دست خط مؤلف، در کتاب خانه حضرت آیت الله نجفی مرعشی به شماره ۷۸۷۳ موجود است.

۲- ۲ . تـألیف دیگری از وی به نام تشـیید البنیان لفتاوی البیان که شـرحی است بر کتاب البیان شـهید اول ، در دست است که ناتمام مانده و نسخه دستخط مؤلف، در کتاب خانه حضرت آیت الله نجفی مرعشی به شماره ۷۸۷۵ موجود است.

آن گنج دین و دانش در ارض اقدس شیخان قم مدفون گشت.

و دیوانی دارد که مقـدار پنـج هزار بیت است و بعـد از خودش، میرزا حیدر علی متخلص به ثریا ، جمع آوری نموده و در سال ۱۳۱۸ ه ق. به طبع رسانده است.(۱)

ص: ۶۱

۱- ۱ . الذریعه ، ج۹ ، ص۱۰۱۵ .

۲. رجال قم در کتاب نقض

اشاره

آفریننده کتاب گرانسنگ النقض ، نصیرالدین عبدالجلیل بن ابی الحسین بن ابی الفضل قزوینی رازی ، از دانشمندان شیعی سده ششم هجری است.(۱)

یکی از عالمان شافعی مذهب ری که به رازی مشهور بوده، اقدام به نوشتن کتابی در ردّ مذهب شیعه نمود و آن را بعض فضائح الروافض نام نهاد. عبدالجلیل با مطالعه آن کتاب، متوجه عناد مؤلّف و دادن نسبتهای ناروا به شیعیان می گردد و به همین دلیل، اقدام به تألیف کتاب نقض می کند که نام کامل آن بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض است و به اختصار به کتاب نقض شهرت یافته است.

وی این اثر را در حدود سال ۵۶۶ ه ق. تألیف کرد و در آن مطالب بسیاری درباره اوضاع شیعیان، آداب و رسوم مذهبی، نسبتهای ناروای مخالفان به تشیع و فشارهای روحی و روانی آن ها به شیعیان درج نمود. همچنین فارسی بودن کتاب، ارزش آن را دو چندان نموده است.

چنان که ذکر گردید ، عبدالجلیل سخت علاقه مند به شهر قم بوده و در کتابش اطلاعات گرانبهایی از دانشمندان و شخصیت های قم به دست داده که در این جا تقدیم می گردد .

ابن سمکه قمی

ص: ۶۲

---

۱ – ۱. شرح حال عبدالجلیل رازی در مصادر ذیل نیز قابل دسترسی است: فهرست منتجب الدین، ص ۷۷ ؛ التدوین فی ذکر اخبار قزوین، رافعی قزوینی، باب عین ؛ مجالس المؤمنین، قاضی نوراللّه شوشتری، ج ۱، ص ۴۸۲ ؛ بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۹ ؛ امل الآمل، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۴۰ ؛ روضات الجنّات (چاپ قدیم)، ص ۳۵۰ _ ۳۵۱ ؛ مقدمه کتاب نقض، ص ۱۷ _ ۲۳.

احمد بن اسماعیل بن سمکه قمی، از مشایخ شیعه بوده و شرح حال وی در کتب رجال ، از جمله فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی و رجال شیخ طوسی ، مندرج است. عبدالجلیل او را در ضمن ائمه ادب یاد کرده است. (۱)

احمد بن موسی بن محمّد التقی علیه السلام

رازی در نقض از وی چنین یاد کرده:

و این محمد دندان - علیه اللعنه - مشرک زاده بود و از دهی بودند حدود نهاوند و در خدمت امیر احمد بن عبدالعزیز گستاخی داشت و امیر احمد در این وقت به کَره می بود، امّا حاکم بود بر قاشان و در این وقت بود که احمد بن موسی بن محمّد التقی را - علیه السلام - نوازش کرده بود و مال و نعمت و خلعت فرستد تا او ساکن قم شد و آنجا مدفون است و در قبه موسویان و رضویان قم همه از نسل وی اند. (۲)

مراد، همان شخصیت بزرگوار، ابو احمد موسی المبرقع بن امام محمّد تقی علیه السلام است که در قم، مدفون است و مزارش تاکنون مورد احترام و زیارت مردم قم و دیگر شیعیان است. همان طور که محدّث ارموی در تعلیقات متذّکر شده اند، کلمه ابو احمد موسی، در نسخه های نقض به احمد بن موسی تبدیل شده که درست نیست.

اسعدی قمی

عبدالجلیل رازی در دو جا از وی یاد کرده است: امّا شعرای پارسیان که شیعی و معتقد و متعصّب بوده اند، هم اشارتی برود به بعضی. اولاً فردوسی طوسی شیعی بوده است.... و اسعدی قمی... شیعی و معتقد بوده است.(۳)

مرحوم محدّث ارموی عنوان نموده که شرح حال اسعدی قمی به دست نیامد. (۴)

مجد الملک ابوالفضل اسعد بن محمّد براوستانی قمی

ص: ۶۳

۱- ۱ . نقض، ص ۲۱۳؛

۲- ۲ . نقض، ص ۳۰۵ ؛ تعلیقات النقض، ص ۱۳۶۹ - ۱۳۷۳.

۳- ۳ . نقض، ص ۲۳۱ و ۵۷۷.

۴- ۴ . تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۱۰۱۰.

عبدالجلیل رازی در نقل کلمات دانشمند اهل سنّت که بر شیعیان اعتراض نموده، از کتاب وی چنین نقل نموده است:

و در عهد برکیارق سلطان و محمّد سلطان - رضی اللّه عنهما -، ابو الفضل براوستانی و بو سعد هندوی قمی مستوفی بودند... (۱)

محدّث ارموی در تعلیقات خود، شرح حال مفصلی از این وزیر و مستوفی قمی آورده، چنین می نویسد:

یاقوت در معجم البلدان گفته:

براوستان از دهات قم است. و از آنجاست وزیر، مجدالملک ابوالفضل اسعد بن محمّد براوستانی، وزیر سلطان برکیارق، پسر ملکشاه وزیری مقتدر بود، به طوری که بر سلطان برکیارق مسلط بود. سپاهیان برکیارق او را متهم داشتند به این که موجب تباهی حال ایشان می باشد و خواستار مجدالملک از او شدند. پادشاه، مجبور شد وزیر را به ایشان به این تسلط تسلیم کند که او را نکشند؛ لیکن سپاهیان فرمان او را نبردند و وی را کشتند، به سال ۴۹۲ ه ق.(۲)

عماد کاتب در تواریخ آل سلجوق ، مجدالملک را چنین ستوده است:

و کان رجلاً مواظبا علی الخیرات و الصیام و القیام و اقامه الصلاه و ایتاء الزکوه مدیما للصلات و الصدقات، لم یسع قطّ فی دمٍ و لم یخط إلی مضره أحدٍ بقدمٍ .

مجد الملک مردی نیکوکار و مواظب بر خیرات و مبرات و اهل نماز و روزه و شب بیداری بود و حقوق واجب اموال خود را می پرداخت. جوایز و صدقات بر خیرات و احسان های بسیار می کرد و هرگز در ریختن خون کسی سعی نکرد، و به ضرر احدی قدمی برنداشت . (۳)

مجدالملک قمی، مدتی مستوفی کل سلطان ملکشاه سلجوقی بود و پس از آن به مدت دو سال (۴۸۸ - ۴۹۰ ه ق) وزیر برکیارق بود و عاقبت در هیجدهم شوال ۴۹۲ ه ق. به دستور وی کشته شد.(۴)

ص: ۶۴

۱- ۱ . نقض، ص ۸۱. همچنین در صفحه های ۳۲، ۸۲، ۸۳، ۲۱۹، ۴۳۵، ۱۲۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۲۶۱ از وی یاد کرده است .

۲- ۲ . تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۲۶۴، به نقل از معجم البلدان، یاقوت حموی.

۳- ۳ . همان، ج۱ ، ص۲۶۵ . به نقل از تواریخ آل سلجوق، عماد کاتب، ص ۸۷.

۴- ۴ . برای شرح حال مجد الملک قمی ، ر. ک: تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۷۱.

زین الملک ابو سعد هندو قمی

او وزیر و مستوفیِ برکیارق سلطان و محمّـد سلطان سلجوقی بود و عاقبت به جرم شیعه بودن در ساوه به دار آویخته شد. در کتاب نقض ، در موارد متعدد یاد وی آمده و رازی خدمات وی را متذکّر شده و جفای دشمنان را در حق وی یادآوری کرده است ، از جمله: ... و زین الملک ابو سعد هندو قمی که به ده شهر و قلعه هر روز نوبت زندندی و مدرسه قاضی محمّد وزّان او فرموده و به همه سنیان تا به قیامت دست منّت و نعمت یافته.. (۱)

بعد از به دار آویختن بو سعد قمی، ظاهرا جنازه وی بر بالای دار مانده بود تا این که شمس رازی در حضور سلطان این دو بیتی بخواند:

تو را سعد و بو سعد بودند یار چو تاج از برِ سر در آویختی

در آویخت بایست بدان هردوان تو آن هردوان را برآویختی

که منظور از سعد، سعد الملک رازی و بو سعد، بو سعد هندوی قمی است که هر دو را در یک روز در ساوه به دار زدند. بعد از این شعر شمس رازی، سلطان دستور داد تا آن دو را با احترام دفن کردند. (۲)

امیر ابوالفضل عراقی

گرچه قمی بودن وی محرز نیست، ولی خدمات شایانی در قم انجام داده است. رازی درباره وی چنین می نویسد:

و امیر ابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر ، مقرّب و محترم بود و باروی شهر ری و باروی قم و مسجد عتیق قم و منارها فرمود و مشهد و قبه ستی فاطمه بنت موسی بن جعفر – علیها السلام – او کرد و خیرات بی مر که به ذکر همه کتاب بیفزاید. (۳)

از سرگذشت این امیر والا مقام تر – که خدمات شایانی در عمران شهر قم نموده –

۱- ۱ . نقض، ص ۲۲۰. همچنین یاد وی در صفحات ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۳۰، ۲۲۰ و ۴۳۵ درج شده است .
۲- ۲ . نقض، ص ۱۲۰.
۳- ۳ . نقض، ص ۲۱۹ .

بیش از این، اطلاعاتی در هیچ مصدری درج نشده است.

امیر شمس الدین ابوالفضل رضوی (۱)

او و برادرش ، تاج الـدین ، از سادات بزرگوار رضویِ قم در سـده شـشم هجری و برادرِ نقیب عراق ، سـید مرتضـی ابوالحسـن علی بن مطهر هستند .

پوربنان قمی

خواجه عبـد الملـك بنـان قمی مشـهور به پوربنـان قمی، یکی از شاعران پارسـی زبان قم در سـده پنجم هجری است. از آثار و احوال این شاعر جز مطالبی که در کتاب نقض آمده، در هیچ جا مطلبی ذکر نشده است.

عبـد الجلیـل در پنـج مورد از وی یاد کرده (۲)و او را شاعری پارسـی سـرای و شـیعی مـذهب و مؤیدبا تأیید الهی معرفی کرده است و از او این دو بیت رادر مدح مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام نقل نموده است:

جمله گفتند: ای علی الا تو را کس را نبود سیّد سادات عصری قبله اهل تقا

هر چه گفتی، راست گفتی یا امیر المؤمنین لال باد آن کو به گفتار تو در گوید که: لا

ادیب ابو عبداللّه افضل الدین حسن بن فادار قمی

وی از ادبیان سرشـناس است و عبدالجلیل رازی او را همردیف خلیل نحوی ذکر کرده(۳) و منتخب الدین در الفهرست از او با عبارت: الشیخ الادیب، افضل الدین الحسن بن فادار القمی امام اللغه. (۴) یاد کرده است.

شیخ آقا بزرگ نیز اجازه ای را از شیخ حسین بن فادار بن حسین ، به نقل از ریاض العلماء نقل نموده است.(۵)

۱- ۱ . در صفحات ۲۲۵ و ۳۹۹ کتاب نقض از وی یاد شده است .

۲- ۲ . نقض، ص ۲۳۱، ۳۲۷، ۵۳۹، ۵۴۵ و ۵۷۷.

۳- ۳ . همان، ص ۲۱۳.

۴- ۴ . تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۵۸۸.

۵- ۵ . الذریعه، ج ۱، ص ۱۸۷ رقم ۹۷۱ .

سید حسن زکی

رازی در مواردمتعدد از وی یاد کرده و گفته است: آن که خاندان سید زکی به ری و به قم و به کاشان و حرمت جاه و رفعت او در مال و نعمت و فضل نسب و پسرش سید اجل المرتضی ذوالفخرین ابوالحسن علی بن المطهر بن علی...(۱)

شرح حال این سید بزرگوار و فرزندانش را که عده ای آن ها نقیب قم و ری بوده اند، مرحوم محدّث ارموی در تعلیقات النقض و مقدمه دیوان قوامی رازی به تفصیل آورده است.

خاندان دعویدار قمی

رازی درباره این خاندان جلیل القدر شیعی قمی چنین می نویسد:

و خاندان دعویدار به قم خلفا عن سلف همه علما و زهّاد و اهل فتوی و تقوی. (۲)

خاندان دعویدار از خاندان های مهم قم در سده پنجم و ششم هجری بودند و بزرگان آن خاندان پیشه قضاوت داشتند. از بزرگان این خاندان ، این افراد در کتب تراجم یاد شده است:

قاضی احمد بن حسین بن احمد بن محمّد بن دعویدار قمی ؛

قاضی تاج الدین ابوالحسن علی بن هبه اللّه بن دعویدار قمی ؛

قاضی ظهیر الدین ابوالمناقب علی بن هبّه اللّه بن دعویدار قمی ؛

قاضی علاء الدین محمّد بن اسعد بن علی بن هبّه اللّه دعویدار قمی ؛ (۳)

مهمترین شخصیتی که به سبب آن، نام این خاندان تاکنون بر سر زبان ها باقی مانده است، ملك الشعرا، قاضی رکن الدین محمّد بن سعد بن هبّه اللّه بن دعویدار قمی است که به فارسی شعر می سروده و دیوان اشعارش موجود است. (۴)

۱- ۱ . نقض، ۲۲۴ و ۳۱۱.

۲- ۲ . نقض، ص ۲۱۲ .

۳- ۳ . تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۵۳۵ - ۵۵۳، که از مقدمه سید علی محدّث بر دیوان دعویدار قمی نقل شده است.

۴- ۴ . دیوان وی با تصحیح و مقدمه سید علی محدّث به چاپ رسیده است.

رشید علی زیرک قمی

عبـد الجلیـل رازی نـام وی را هنگـام ذکر فقیهـان شـیعی بـا وصف «الامـام علی زیرک القمی» آورده است. (۱) وی از فقهـا و محدّثان شیعی بود . پسرش ، نصره الدین ابو محمّد حسن قمی ، نیز از دانشمندان و فقها بود . (۲)

زکریا بن آدم قمی

وی از محـدثان والا مقام شـیعی است و قبرش در قم تاکنون مورد زیارت و احترام مردم و محل روایی حاجات و شـفای دل ها بوده است. شـرح حال وی در بیش تر کتاب های رجالی و تراجم ، آمده است. رازی از وی در ضـمن محدّثان شیعی یاد کرده است. (۳)

شرف الدین ابو طاهر مهیسه قمی

وی یکی از وزیران عهد سـلجوقی است و در نسائم الاسحار من لطائم الاخبار نام وی الوزیر شرف الدین ابو طاهر سعد بن علی بن مهیسه القمی درج شده و در شرح حالش چنین گفته است:

... و به غایه، متدین و متصوّن و متشـرع بوده است و حلمی وافر و وقاری متکاثر و خاندان نامدار و اقارب و عشایر بسـیار داشته و هنوز در عقابیـل مرض بود که متقلّـد وزارت گشت و بر سـر سه مـاه از دولت درگـذشت و در جوار مشـهد امامی رضوی به طوس - علی ساکنه التحیه و الرضوان - مدفون است.

منبت نهال و مسقط رأس او ده ویدهند[بیدهند]است از رستاق قم،و دهی بر آن وقف کرده که منال و ارتفاع آن در وجه وقود و شـموعست. وفـات وی در روز چهارشـنبه بیست و پنجم محرم سـال ۵۱۶ ه ق. اتفـاق افتـاده و امیر معزی در مــدح وی چنین سروده است:

صاحب عادل ابو طاهر سعد بن علی که شد از سعد و علو در همه آفاق علم

۱- ۱ . نقض، ص ۴۱ و ۲۱۲ و ۴۴۴.

۲- ۲ . تعلیقات النقض، ص ۱۵۰ .

۳- ۳ . نقض، ص ۲۰۹.

آنکه گشت از هنرش فرع معالی عالی و آنکه گشت از سخنش اصل معانی محکم

* * *

ای بر سر خلق سایه اقبالت آراشته اخلاق تو چون احوالت

بی بهره نماندی کسی از افضالت گر در خور همت تو بودی مالت (۱)

برادرش ، اوحد الدین ابو ثابت مهیسه ، وزیر فارسی بود. (۲)

رازی در چند مورد از ابو طاهر مهیسه قمی یاد کرده است. (۳)

استاد علی قمی

رازی یک بار هنگام یاد کرد از بزرگان شیعه، از وی یاد کرده(۴)؛ ولی هیچ توضیحی درباره مهارت و حرفه وی نداده و در دیگر کتاب ها نیز یادی از وی وجود ندارد. (۵)

قائمی قمی

رازی هنگام ذکر شاعران پارسی گوی شیعی مذهب و معتقد ، در دو جا از وی یاد کرده ؛ ولی از شرح حال وی از اشعارش چیزی ذکر نکرده و در کتاب های دیگر نیز در این مورد چیزی به دست نیامده است.

کمال ثابت قمی

رازی هنگام یاد کرد از مساجد قم، از دو مسجد جامع یاد می کند: یکی در میان شهر که کمال ثابت قمی ایجاد کرد و دیگری در بیرون شهر که ابوالفضل عراقی ساخته است. (۶)

نویسنده تربت پاکان، معتقد است که این مسجد همان مسجد جمعه فعلی است (البته بنای موجود، بنایی است که در دوره قاجاریه تعمیر و باز سازی شده است) و از

۱- ۱ . تعلیقات النقض ۲ ص ۷۳۴، به نقل از نسائم السحار، منشی کرمانی، ص ۵۹ - ۶۰.

۲- ۲ . نقض، ص ۲۲۰.

۳- ۳ . همان، ص ۲۲۰ و ۲۶۱. برای شرح حال وی ر. ك: تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۳۴ - ۷۳۷.

۴- ۴ . نقض، ص ۲۲۰.

۵- ۵ . تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۳۳.

۶- ۶ . نقض، ص ۱۹۵ و ۲۲۱.

خلاصه البلدان نقل می کند که طبق کتیبه آن، تاریخ بنای آن سال ۵۲۸ ه ق. است.(۱)

کمال الدین ثابت قمی در عهد سلطان مسعود سلجوقی، دیوان استیفا را عهده داشته و به همین جهت با لقب مستوفی شناخته می شده است. در مصادر شرح حال، در وصف وی چنین آمده است:

الثابت الکامل الباسل، و کان شهما ناقدا و سهما نافذا فأنس السلطان بروائه و رکن الی رائه و استغنی به عن وزارئه. (۲)

قاضی أرّجانی قصیده ای در مدح کمال ثابت قمی سروده که با عنوان «وقال یمدح کمال الدین ثابت المستوفی» در دیوانش به چاپ رسیده است.

این قصیده در ۵۶ بیت است:

فبین صَلاه لا یزال یقیمها و بین صلاتٍ منه قسم المواقت

الیک کمال الدین جاءت برکبها رکائب ألوت با لفیا فی الأمارت

فلا حلّت الا حداث منک بساحةٍ و لا رمت الأعداء الا بساحت

... أثابت أنت الدهر کاسمک فی العلی فحیّیت من باقٍ علی العهد ثابت

فتیً مجده حیث الثوابت رفعه ما سیره فی الجود سیر الثوابت(۳)

کمال ثابت، احترام و عزت زیادی نزد سلاطین داشت ؛ ولی با تغییر وزارت به عزالملک بروجردی - که دست ظلم و ستمش بر رعیت گشوده بود - با رویه وی به مخالفت برخواست و عریضه به سلطان نوشت که آن عریضه موجب شد که وزیر، کمال الدین ثابت را در سال ۵۳۳ ه ق. در قلعه همدان زندانی و به قتل برساند.

بنابراین، کمال ثابت قمی، مسجد جامع قم (مسجد جمعه فعلی) را در سال ۵۲۸ ه ق. به پایان رسانید و در سال ۵۳۳ ه ق. دار فانی را وداع گفته است.

هم اکنون، مسجدی که او بنا نهاده، یکی از افتخارات شهر قم و بناهای فرهنگی و مذهبی این شهر است و شایسته است که مسئولان این شهر، برای بزرگداشت و یاد

۱- ۱ . تربت پاکان، مدرّس طباطبایی، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲- ۲ . تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۴۱۵ به نقل از تواریخ آل سلجوق عماد کاتب، ص ۱۸۲.

۳- ۳ . تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۴۱۶ - ۴۱۷ به نقل از دیوان قاضی ابوبکر ارجانی ص ۶۳ - ۶۶.

خیر او، بزرگداشتی را ترتیب دهند که چنین خدمتی را بدین شهر نموده است.

ابوالحسن مرتضی مطهر بن ابی القاسم علی دیباجی قمی

رازی در موارد متعددی از وی یاد کرده است:

السید ذوالفخرین المرتضی القمی که فضل او از کلام و خطب او معلوم شود.(۱)

... اگر استاد مسلم راثهه الملک نوشتند، سید مرتضای قم را ذوالفخرین نوشتند.(۲)

... و این خبر، پنداری به نظام الملک ابو علی الحسن بن علی بن اسحق نرسیده بودکه سرهمه سنیان بود تا به شفاعت دختر خویش را به پسر سید مرتضی قمی می داد.

... سید اجل المرتضی ذوالفخرین ابوالحسن علی بن المطهر بن علی - رضی الله عنه - که بیرون از ان که سلاطین آل سلجوق و خواجه نظام الملک به وصلت با وی تقرب و تبرک نمودند، چهار صد [من] خوضه مفرّد در ترکه او آمد و فضل و علم او از کتب و خطب او معلوم شود و هنوز شرف و فضل نقابت در خاندان او در عراق باقی است. (۳) و ذوالفخرین مرتضی قمی که فضلای عالم را از خطب و تصانیفهای او سرمایه است. (۴)

... در عهد مرتضای قم که بود که بر وی طلب تقدّم ریاستی کردن؟

و معلوم است که علمای فریقین هر آدینه به سلام مرتضی رفتندی و از وی عطا ستدندی و سلطان در وقت انزوای او به سرای او رفت و نظام الملک با عظمت هر سال بار به سرای او رفتی. (۵)

منتجب الدین در الفهرست، ذوالفخرین را چنین ستوده است:

السید الاجل المرتضی.... من کبار سادت العراق و صدور الاشراف انتهی منصب النقابه و الریاسته فی عصره السید و کان علما فی فنون العلم. له خطب و رسائل لطیفه. (۶)

ذوالفخرین، سید مرتضی مطهر دیباجی قمی آن چنان که رازی و منتجب الدین

۱- ۱ . نقض، ص ۲۱۰.

۲- ۲ . همان، ص ۳۳.

۳- ۳ . همان، ص ۲۲۴.

۴- ۴ . همان، ص ۴۰.

۵- ۵ . همان، ص ۳۹۹.

۶- ۶. تعليقات النقض، ص ۱۲۸.

تصریح کردند، رسایل و خطب و منشأتی داشته که متأسفانه به دست ما نرسیده است. از منشأت وی این دو بیت در کتاب ها یاد شده است:

جانب جناب البغی دهرک کلّه واسلک سبیل الرشد تسعد و الزم

من وسّخته غدره او فجره لم یُنقِهِ بالرّخص ماء القلزم

متأسفانه سیدی با این فضل و قدر و دانش تاریخ وفاتش و محل دفنش در هیچ کتابی ذکر نشده است. (۱)همین اندازه معلوم است که باخرزی ، نویسنده دمیه القصر در سال ۴۳۴ ه ق. با وی ملاقات نموده است. (۲)

مکین الدین بلفخر قمی

رازی در نقض دو جا از وی یاد کرده است (۳). نام کامل وی المکین مؤید الدین ابوالحسن محمّد بن محمّد بن عبدالکریم بن برز مقدادی قمی است.

هندوشاه در شرح احوال وی چنین می نویسند:

مؤید الدین محمّد بن محمّد بن عبدالکریم قمی، اصل او از قم است و مولد و منشأ بغداد و نسب او به مقداد بن أسود کندی می رسد ، او مردی کاردان و عاقل بود و اصطلاحات دواوین و کیفیت محاسبات و متصرفات نیکو می دانست و بلاغت و فصاحت و آداب مستوفی داشت و هر دو فن کتابت درج و دستور خوب نوشتی و در دوش شیوه ماهر بود، تدبیرات لطیف و رأی های درست و مبرّات و صدقات بسیار داشت. به مشهدِ کاظم علیه السلام بیمارستانی ساخت و ادویه و اشربه و معاجین مرتب گردانید و آن را بر اهل مشهد وقف کرد و هم آنجا مکتبی و دار القرآنی بنا فرمود جهت ایتام علویان مشهد تا خط و قرآن آموزند و بر این ابواب البّر چندان ملک وقف کرد که به شروط او وفا نماید و تا اکنون آن مبرّات برقرار است. (۴)

این وزیر با کفایت، عاقبت گرفتار دسیسه درباریان گشت و همراه پسرش ، فخرالدین احمد ، در سال ۶۲۶ ه ق. دستگیر و در بغداد محبوس شد و پسرش نزد او در گذشت. و او نیز اندکی پس از آن، دارفانی را وداع گفت.

۱- ۱ . برای شرح حال مفصل وی ر. ک: تعلیقات النقض، ص ۱۲۸ - ۱۳۲.

۲- ۲ . تعلیقات النقض، ص ۱۳۲.

۳- ۳ . نقض، ص ۲۲۱ و ۴۵۱

۴- ۴ . تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۷۶.

مهذب مستوفی قمی

عبدالجلیل رازی در ذیل عنوان «از خواجگان و رؤسا که در عداد اعتبار و التفات آیند» از وی یاد کرده؛(۱) ولی در کتاب ها، ذکری از وی دیده نشده است.

یونس بن عبدالرحمن قمی

وی از محدّثان والا مقام شیعی است و در بیش تر کتاب های رجالی شرح حال وی آمده است. در کتاب نقض ، در چند مورد از وی یاد شده است .

آراء وی در میان دانشمندان اهل سنت نیز بازتاب داشته و چند مورد از آن را عبدالجلیل رازی در کتاب نقض به نقل از دانشمندان اهل سنت ذکر نموده که نمایانگر عنایت مخالفان به دشمنی با وی به عنوان یکی از بزرگان شیعه است. برای نمونه عبدالجلیل رازی ، از دانشمند اهل سنت نقل نموده است:

در کتاب تأیید النبوه و تسدید الامامه که یونس بن عبدالرحمن القمی الرافضی کرده است. هر خبری که رسول، در حق یکی از صحابه گفته است، او آن را تأویلی نهد تا اندر آن خبر که رسول گفته است:

«ان الشیطان لیفرّ من ظل عمر»، گوید: این نه خبر رسول است که شیطان خود از رسول نمی گریزد، از عمر چگونه بگریزد؟! (۲)

رازی پس از نقل این مطلب، جواب این دانشمند سنی را داده و گفته است:

اوّلاً ، وقتی قمی گفتی، کلمه رافضی معنا ندارد، زیرا برابر با شیعی است و در قم غیر شیعی وجود ندارد و بعد می گوید، که این عالم، خبر را از تأویل تشخیص نمی دهد ؛ سپس خبری را که وی نقل کرده پاسخ می دهد و می گوید:

پس این خبر را که رسول در حقّ عمر گفته است، سبب نزولی است ؛ چون مفهوم شود شیعی و سنّی را در آن شبهتی بنماند و آن چنان بود که در عهد اول اسلام عمر پیش رسول آمد و گفت: یا رسول اللّه! شیطان مرا درنماز وسوسه می کند و من پناه دادم با سایه تو بدین که: التجأت الی ظلک من وسوسته. رسول - علیه

۱- ۱ . نقض، ص ۲۲۲ .

۲- ۲ . نقض، ص ۲۵۲.

السـلام - گفت: چون چنین است: ان الشـیطان لیفرمن ظل عمر. تا خبر راست باشد و شـیطان در سایه مصـطفی گریخته باشد و عمر در پناه شهنشاه باشد و خواجه سنی از خبر و تأویلش نه آگاه. و الحمد اللّه رب العالمین. (۱)

ابو جعفر نیشابوری قمی

رازی هنگام ذکر بزرگان شیعه از وی چنین یاد کرده است:

والامام ابو جعفر النیسابوری نزیل قم بافضل و درجه کامل.

محـدث ارموی در تعلیقات نقض، احتمال داده که این عالم، همان کسـی باشـد که منتجب الدین در الفهرست از وی چنین یاد کرده است:

الشـیخ الامام قطب الدین ابو جعفر محمّد بن علی بن الحسن المقری النیسابوری ثقه عین، اسـتاذ السید الامام أبی الرضا و الشیخ الامـام ابی احسـین له تصـانیف منهـا: التعلیق، الحـدود، الموجز فی النحو، اخبرنـا بهـا الامـام ابو الرضا فضل اللّه بن علی الحسـن الراوندی. (۲)

ابن ماجیلویه قمی

عبدالجلیل رازی، هنگامی که از بزرگان شیعه یاد کرده تا خصم را متوجه عظمت مذهب شیعه بنماید، از ابن ماجیلویه قمی یاد کرده است. (۳)

محمّـد بن ابی القـاسم عبیـد اللّه عمران بن جنابی برقی ، ملقب به ماجیلویه ، از بزرگان شـیعه و صاحب آثار و تألیفات بوده که در کتاب های رجالی از جمله رجال نجاشـی ، نام آن ها ذکر شده است. او داماد احمد بن ابی عبداللّه برقی، محدّث مشـهور ، است. (۴)

محمّد بن حسن صفار قمی

ص: ۷۴

۱- ۱ . نقض، ص ۲۵۲ - ۲۵۳ همچنین برای معنی حدیث ر. ك: تعلیقات النقض، ج ۲ ص ۱۰۳۳ .

۲- ۲ . تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۵۶۴.

۳- ۳ . نقض، ص ۲۰۹.

۴- ۴ . برای شرح حال وی، ر. ك: تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۴۵۹ - ۴۶۰.

رازی از صفار قمی (صاحب بصائر الدرجات) نیز یاد کرده است. که به جهت اشتهار وی ، از شرح حالش خودداری می شود.

علی بن حسینان قمی، صاحب کتاب الشرایع (ابن بابویه)

ابوالحسن بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور ، به ابن بابویه ، پدر شیخ صدوق ، و قبر شریفش در قم مورد زیارت و احترام مردم قم بوده و هست.

توقیعاتی از ناموس العصر و الزمان، مهدی الزمان – عجل اللّه تعالی فرجه – خطاب به ابن بابویه قمی صادر گشته، که برای تبرّک، یکی از آن ها نقل می شود:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد اللّه ربّ العالمین، و العاقبه للمتّقین، و الجنّه للموحّدین و النّار للملحدین، و لا عدوان الّآ علی الضّالمین و لا اله الّا اللّه أحسن الخالقین، و الصّلو ه علی خیر خلقه محمّد و عترته الطّاهرین .

اما بعد اوصیک یا شیخی و معتمدی أبا الحسن علیّ بن الحسین القمّی _ وفّقک اللّه لمرضاته، و جعل من صلبک أولادا صالحین برحمته _ بتقوی اللّه و اقام الصّلوه و ایتاء الزّکوه فانّه لا یقبل الصّلوه من مانع الزّکوه ، و اوصیک بمغفره الذّنب و کظم الغیظ، و صله الرّحم، و مواساه الاخوان، و السّعی فی حوائجهم فی العُسر و الیُسر، و العلم عند الجهل، و التّفقّه فی الدّین و التّثبت فی الامور، و التّعاهد للقرآن، و حسن الخلق، و الأمر بالمعروف، و النّهی عن المنکر، قال اللّه عزّ و جلّ: لا خیر فی کثیر من نجویُهم ألّا مَن أمر بصدقه او معروف او اصلاح بین النّاس، و اجتناب الفواحش کلّها، و علیک بصلوه اللّیل .

فانّ النّبی– صلّی اللّه علیه و آله و سلّم – أوصی علیّا علیه السّلام – فقال: یا علیّ علیک بصلوه اللّیل ، علیک بصلوه اللّیل ، و من استخفّ بصلوه اللّیل فلیس منّا .

فاعمل بوصیّتی و امُر جمیع شیعتی حتّی یعملوا الیه و علیک بالصّبر و انتظار الفرج، و لا تزال شیعتنا فی حزن حتّی یظهر ولدی الّذی بشّربه النّبی – صلّی اللّه

ص: ۷۵

علیه و آله و سلّم – انّه یملأ الارض قسطا و عدلاً کما مُلِئت ظلما و جورا، فاصبر یا شیخی وَ أمُر جمیع شیعتی بالصّبر فانّ الأرض للّه و برکاته، و حسبنا اللّه و نعم الوکیل، نعم المولی و نعم النّصیر .(۱)

ص: ۷۶

۱- ۱ . تعلیقات النقض، ج ۱ ص ۴۹۶، به نقل از مجالس المؤمنین، قاضی نوراللّه شوشتری.

۳ . تک نگاری ها

۱ . آیه اللّه العظمی اراکی قدس سره

تولد

حضرت آیت اللّه العظمی شیخ محمد علی اراکی قدس سره در بیست و چهارم جمادی الثانی ۱۳۱۲ ه ق. در اراک دیده به جهان گشود. پدرش، حجه الاسلام حاج احمد آقا، مشهور به میرزا آقا فراهانی ، از علمای مشهور آن سامان بود. مادرش نیز از نوادگان امامزاده سید حسن واقف(۱) است.

تحصیل

وی پس از یادگیری خواندن و نوشتن، در نوجوانی وارد حوزه علمیه اراک شد و در درس استاد سید جعفر شیثی حضور یافت و مقدمات علوم اسلامی را از او فرا گرفت. دروس سطح حوزه را نزد آیه اللّه العظمی سید محمد تقی خوانساری به خوبی پشت سر گذاشت. آیه اللّه اراکی همزمان با تحصیل دوره سطح، در درس شرح منظومه آیه اللّه شیخ محمد باقر اراکی معروف به سلطان آبادی (۲) شرکت کرد و از دانش آن حکیم فرزانه خوشه ها چید.

ایشان سال ها در درس آیه اللّه العظمی آقا نورالدین اراکی و آیه اللّه العظمی شیخ

۱- ۱ . این امامزاده در روستای افوشته شهرستان نطنز واقع شده است.

۲- ۲ . برای شرح حال وی رجوع شود به: مجله حضور، شماره ۵ و ۶ (تابستان ۱۳۷۱ش) ، ص ۳۷ و ۳۸؛ روزنامه کیهان هوایی ، شماره ۸۳۵، تاریخ ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۸ ؛ الاجازه الکبیره ، سید شهاب الدین نجفی مرعشی ، ص ۱۴۹ .

عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد و از دانش و تقوای آن دو مرجع بزرگ تقلید شیعیان، بهره ها برد. آیه اللّه حائری علاقه زیادی به او داشت و نبوغ فکری آیه اللّه اراکی مورد توجه استاد قرار گرفت. آیه اللّه اراکی به سفارش استاد معمم شد و با یکی از بستگان ازدواج نمود. (۱)

آشنایی با امام

آیه اللّه اراکی پس از سال ها تحصیل در حوزه علمیه اراک، به دنبال هجرت آیه اللّه العظمی حائری یزدی به قم، وارد حوزه علمیه قم شد و در درس ایشان شرکت کرد.(۲) او در این سال ها با امام خمینی آشنا شد. وی علاقه خاصی به امام خمینی داشت و همواره از فعالیت های سیاسی ایشان علیه رژیم پهلوی پشتیبانی می نمود.

به دنبال اعلامیه کوبنده امام خمینی در سال ۱۳۴۱، علیه لایحه کاپیتولاسیون و قوانین غیر اسلامی مصوب مجلس شورای ملی، آیه اللّه اراکی نیز به پشتیبانی ایشان اعلامیه ای صادر کردند و خواستار لغو مصوبات مخالف اسلام شدند. پس از دستگیری و تبعید امام خمینی در سال ۱۳۴۲، آیه اللّه اراکی همواره از ایشان حمایت می کرد.

فرزند ایشان نقل می کند که:

عکاسی هما، عکسی از امام در خیابان ارم زده بود. حضرت آقا (آیه الله اراکی) که از فیضیه برمی گشت، وقتی نگاهشان به آن عکس افتاد، فرمود: قسم می خورم که صاحب این عکس اگر در کربلا می بود، در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت می رسید. وقتی به منزل می آمدند و ما اطلاعیه ها را بر ایشان می خواندیم، بسیار گریه می کردند و اشک شوق و نشاط از شنیدن این اطلاعیه ها می ریختند...

آیه اللّه اراکی در پی دستگیری و تبعید امام به نجف، همان سال به عراق و نجف رفت و در تمام مدت اقامت ، تماما میهمان حضرت امام بود . این در حالی بود که ایشان از سوی رژیم تحت فشار قرار گرفته بود و جواب میهمانی افراد دیگر را رد می کرد . ایشان با افتخار میهمانی امام را پذیرفت و بدون ترس و اضطراب چند روزی

۱- ۱ . مجله حوزه، شماره ۹، ص ۱۵۰ و روزنامه رسالت ۱۰ / ۹ / ۱۳۷۶۲۵۷۷.

۲- ۲ . روزنامه رسالت، شماره ۱۰ / ۹ / ۱۳۷۶۲۵۷۷.

را در آنجا اقامت کرد.

اولین ملاقات امام با ایشان در کربلا بود . آیت اللّه اراکی وارد حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام شد ، حضرت امام در حال خروج از حرم بود . حدود پانزده سال بود که همدیگر را ندیده بودند. آن دو یکدیگر را در آغوش گرفتند و آقای اراکی شروع به گریه کرد و سپس این جمله را فرمود: با آل علی هر که در افتاد ور افتاد. بعد دوباره شروع به گریه کرد... حجه الاسلام شهاب الدین اشراقی، داماد امام می گوید: امام به من گفتند: بغض گلویم را گرفته بود و نتوانستم پیش آقای اراکی بایستم...

آیه اللّه اراکی درباره آشنایی خود با امام خمینی می فرماید:

حضرت آقای خمینی یک مدتی را در اراک بوده اند و در حوزه آنجا تحصیل می کردند و حتی منبر می رفته اند . من در آن مدت با ایشان آشنایی نداشتم، اما آن وقتی که در قم بودیم خوب آشنا شدیم و یکی از هم صحبت های بنده بودند. گاهی اتفاق می افتاد از منزل تا میدان کهنه قم ، نزدیک شاهزاده حمزه ، این راه را به همراه هم طی می کردیم و ضمن صحبت ها و مباحثه ها بر می گشتیم و این مسأله بسیار اتفاق افتاد . با هم خیلی مأنوس بودیم. آن اوایل که وارد قم شدم ، ایشان به من اظهار کرد شما یک درس تفسیر صافی برای من بگویید . تفسیر صافی با اصول و فقه و اصطلاحات آن مناسبتی ندارد و لذا چون من با آن اصطلاحات مأنوس نبودم چند شب تدریس کردم اما دیگر نرفتم، ایشان هم اصراری نکرد...

ایشان مرد بسیار جلیلی است و شناختم او را به جلالت، بسیار مرد پاکی است، پاک، پاکی نفس دارد، پاکی ذاتی و درونی دارد و این بر همه خلق معلوم شده است.

ما در مدت پنجاه سال که با این شخص بزرگ آشنایی پیدا کرده ایم، جز تقوا و دیانت و سخاوت و شجاعت و شهامت و بزرگی نفس و بزرگی قلب و کثرت دیانت و جدیت در علوم نقلی و عقلی و مقامات عالی و... در او نیافتیم. این مرد قد مردانگی علم کرد و در مقابل کفر ایستادگی کرد و دست غیبی هم با او همراهی کرد، به طوری که محیر العقول بود و هیچ خانه ای و هیچ زاویه ای از زوایای این مملکت باقی نماند مگر گفته شد: مرگ بر شاه . او جان در کف دست گذاشته است و در مقابل تبلیغ قرآن و دین حنیف اسلام جانبازی می کند.جان در کف گذاشته و حاضر برای شهادت شده است. خداوند یک قوه غریبی در این مرد خلق فرموده که

به هیـچ احدی نداده. همچنین جرأتی، چنین شـجاعتی و دیدی به او داده است که به احدی نداده . او مانند جدّش علی بن ابی طالب است. یک چنین کسی کمیاب است ، کم نظیر است و نظیر ندارد.(۱)

تدریس و تألیف

آیه اللّه اراکی در طول بیش از ۳۵ سال تدریس در حوزه علمیه قم، پیچیده ترین مباحث علمی را با گفتاری شـیوا و بیانی رسا مطرح می کرد. از ویژگیهای درس ایشان پرهیز از تکرار و زیاده گویی بود. کلام را گزیده و پر معنی اداء می کرد. اعتقادشان بر این بود که طالب علم باید قبل از حضور در درس، مطالعه نماید.

آیـه اللّه اراکی پس از وفـات آیه اللّه سـید محمـد تقی خوانسـاری (متوفـای ۱۳۷۱) به درخـواست شـماری از شـاگردان او، به تـدریس خـارج فقه و اصول پرداخت. بسـیار از اسـتادان برجسـته حوزه علمیه قم و مسوولاـن نظـام جمهوری اسـلامی سالها از محضر ایشان کسب فیض نمودند.

مرجع بزرگ تقلید شیعیان در طول عمر پر برکت خویش، کتاب هایی نیز در علم فقه و اصول نوشت. آثارش عبارتند از:

۱ . تقریرات درس آیه اللّه محمد سلطان العلما ؛

۲. تقریرات درس فقه آیه اللّه شیخ عبدالکریم حائری یزدی ؛

۳. تقریرات درس اصول فقه آیه اللّه شیخ عبد الکریم حائری یزدی ؛

۴. حاشیه بر «درر الاصول » نوشته آیه اللّه شیخ عبدالکریم حائری یزدی ؛

۵. تقریرات درس فقه آیه اللّه سید محمد تقی خوانساری ؛

۶. حاشیه بر «عروه الوثقی» ؛

۷. شرح «عروه الوثقی» ؛

۸. توضیح المسائل ؛

۹. مناسک حج ؛

۱- ۱ . مجله پیام انقلاب، شماره ۱۲۵.

۱۰. رساله استفتائات ؛

۱۱. مقدمه بر کتاب «القرآن و العقل» نوشته آیه اللّه سید نور الدین اراکی ؛

۱۲. النکاح و الطلاق .

بر پایی نماز جمعه

پیش از انقلاب، آیه اللّه اراکی نماز جمعه را در قم اقامه می کرد. فرزند ایشان در این رابطه می فرماید:

ایشان همانند یک جلسه درس، برای نماز جمعه و خطبه های آن مطالعه می کردند...رفته رفته نماز جمعه رونق بیش تری گرفت و با جمعیت بیش تری برگزار گردیدو امامت ایشان بر نماز جمعه تا بعد از انقلاب که حضرت امام به قم آمدند، ادامه داشت. حضرت امام در مدتی که در قم بود روزی به منزل ایشان آمد. آیه اللّه اراکی به امام خمینی فرمود شماالآن دستتان باز است و مقتدر هستید، چون در زمان حکومت اسلامی قرار دارید شما باید اقامه نماز جمعه کنید . ولی امام به ایشان فرمود شما نماز جمعه را باید اقامه کنید . لذا مدتی نماز را با شکوه تمام اقامه کردند.(۱)

تجلیل از پیشگامان نهضت

آیه اللّه اراکی به عالمان مجاهد عشق می ورزید و احترام فوق العاده برای آنان قائل بود و تجلیلشان از حضرت آیه اللّه سید نورالدین اراکی و آیه اللّه سید محمد تقی خوانساری بر همین اساس بود. ایشان بارها به همراهی آیه اللّه خوانساری، پیشنهاد قیام و مبارزه علیه طاغوت را با آیه اللّه العظمی بروجردی در میان گذاشته بودند و نیز در ماجرای فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی، چون مرحوم آیه اللّه خوانساری از آنان حمایت می کرد، ایشان هم نظر مساعد داشت.

آیه اللّه اراکی از آغاز نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۱، همواره به پشتیبانی از ایشان برآمدند، با این که بیش از ده سال از امام خمینی بزرگتر بودند. پس از پیروزی

۱- ۱ . روزنامه رسالت، ۱۰ / ۹ / ۱۳۷۳.

انقلاب اسلامی، از دولت ونظام جمهوری اسلامی حمایت کردند . ایشان در تأیید انقلاب اسلامی فرمودند:

جماعت دنیا که رئیس آن ها آمریکا و شوروی است و سایرین که دست بسته آنان هستند، همگی در یک طرف هستند و آقای خمینی تنها... آقای خمینی شخص نیک نفسی است. جای شک ندارد و هیچ غرضی در او جز ترویج دین نیست... این دو نفر، پدر و پسر (رضا شاه و محمد رضا شاه) چه کارها که کردند ؛ می خواستند اصل دین اسلام را به کلی از ریشه بکنند، مثل یزید که می خواست به کلی ریشه دین را از بین ببرد. اگر نهضت حضرت سید الشهدا علیه السلام نبود، الآن من و شما کافر بودیم. اشهد ان لا اله الا اللّه بین ما نبود...(۱)

آیه الله اراکی در طول هشت سال دفاع مقدس، از رزمندگان اسلام پشتیبانی نمود. ایشان درباره جنگ تحمیلی فرمودند:

نظریه من هم مثل آقای خمینی است. آقای خمینی و همه علما نظرشان این است که هر گاه اسلام در خطر باشد، باید تمام مسلمانان درمقام دفاع، برآیند، هر کس که می تواند... جنگ همان دفاع است و پاسداران هم همان جنگ جویان هستند که از حقیقت اسلام حمایت می کنند و...

اِنْ تَنْصُروا اللّه یَنْصُرُکُم وَ یَثَبِّتْ اَقْدامَکُم و پاسدارها جزو همین آیه هستند.(۲)

آیه اللّه اراکی پس از رحلت امام خمینی و انتخاب حضرت آیه اللّه خامنه ای به رهبری انقلاب با ارسال پیامی، از انتخاب ایشان به رهبری انقلاب اظهار خوشحالی نمودند. پس از رحلت امام خمینی ، استکبار جهانی به امید مخالفت و یا بی اعتنایی مراجع تقلید شیعه نسبت به انتخاب آیه اللّه خامنه ای به رهبری انقلاب، به وسیله رادیو، تلویزیون و مطبوعات به تضعیف رهبری نظام برخاستند ؛ اما حمایت مراجع تقلید شعیه، به ویژه آیه اللّه العظمی اراکی که حدود چهل سال از آیه اللّه خامنه ای بزرگتر بودند، امید دشمنان انقلاب اسلامی را به یأس مبدل ساخت. ایشان در بخشی از پیام خود چنین مرقوم داشت.

۱- ۱ . مجله حوزه، شماره ۱۲.

۲- ۲ . مجله پیام انقلاب، شماره ۱۲۶.

انتخاب شایسته جنابعالی به مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران مایه دلگرمی و امیدواری ملت قهرمان ایران است، شکی نیست که در موقعیت حساس کنونی حفظ نظام جمهوری اسلامی که از اهم واجبات شرعی است، متوقف به این امر مهم می باشد. اینک اینجانب با ابتهال و تضرع به درگاه ربوبی و با استغاثه به ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر - عجل اللّه تعالی فرجه الشریف - دوام تأییدات و توفیقات آن جناب را در انجام این مسؤولیت بسیار سنگین خواستارم.

سیاست الهی

آیه اللّه اراکی به عبادت خیلی اهمیت می داد ، قبل از اذان صبح بیدار می شد، هر روز یک جزء قرآن می خواند و در ماه رمضان روزانه سه جزء قرآن می خواند. ایشان در نافله های شب های جمعه، در قنوت، دعای کمیل می خواند.

وقتی به ایشان پیشنهاد کردند که نماز جماعت را به خاطر افراد کهنسال و مریض، زیاد طول ندهید. فرمودند: از من پیرتر و ضعیف تر، در نماز کسی هست؟!

استاد محمود شاهرخی، از شاعران شهیر انقلاب درباره دیدارش با آیه اللّه اراکی می گوید:

در خلال شب های شعر فیضیه ، به محضر حضرت آیه اللّه العظمی اراکی دامت برکاته مشرف شدیم ؛ چه دیداری! سخت بهجت خیز و عبرت انگیز! دیدار مردی بزرگ که آثار گذشت زمان بر سیمای مبارکش پدیدار بود و انوار معرفت از پیشانی روشنش ساطع. او مظهر و جلای روحانیت سخت کوش شیعه می باشد. در اتاقی محقر و ساده تر از ساده، آن بزرگ را دیدار کردیم که با ضعف مفرط مزاج، لباس رسمی پوشیده و بر روی چهار پایه ای استقرار یافته بود.

پس از به جای آوردن معارفه، آن بزرگ سخنانی مبسوط و ممتّع و مواعظی رسا و بلیغ ایراد کرد که همگان را سخت متأثر ساخت، که از غایت شور و تأثیر بیانات ایشان اکثر حاضران اشک از دیدگان جاری ساختند. مکرر به ابیاتی از عارفان صاحبدل، از جمله شیخ شیراز و شیخ شبستری و شیخ بهایی استشهاد و استناد می فرمود و خود می گریست... (۱)

۱- ۱ . روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۸

رحلت

سرانجام روح ملکوتی آیه اللّه العظمی اراکی در ۲۳ / ۷ / ۱۳۷۳ به ملکوت پیوست. مرجع تقلید شیعیان پس از یک قرن (تولد: ۱۲۷۳ وفات: ۱۳۷۳) تلاش برای هدایت مردم، دار فانی را وداع گفت و به جمع مراجع تقلید در بهشت پیوست. دولت جمهوری اسلامی یک روز تعطیل و یک هفته را عزای عمومی اعلام نمود. پیکر پاک آن مرجع والا مقام در تهران، از بیمارستان شهید رجایی تا میدان راه آهن بر دوش انبوه مردم تشییع شد. آیه اللّه خامنه ای، رهبر معظم انقلاب و مسئولان نظام در این تشییع با شکوه حضور داشتند. سرانجام پیکرش با تشیع با شکوه مردم قم در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک سپرده شد. رضوان و رحمت خدا بر او باد.

ص: ۸۴

۲ . محقق طباطبایی قدس سره

اشاره

۲ . محقق طباطبایی قدس سره (۱)

ما فرش بزرگی ز جهان باز کشیدیم صدگونه شراب از کف اقبال چشیدیم

از روی سخا حاصل صد ملک بدادیم بر پشت فلک منزل نه چرخ بریدیم

آن جای که ابرار نشستند نشستیم و آن چیز که احرار گزیدند گزیدیم

گوش خود و گوش همه آراسته کردیم از بس سخن خوب که گفتیم و شنیدیم

دیدیم که در عهده صد گونه وبالیم خود را به یکی جان ز همه باز خریدیم

در جمله بدانید که در عالم پاداش آن ها که درین راه بدادیم بدیدیم

ما را همه مقصود به بخشایش حق بود المنه للّه که به مقصود رسیدیم (۲)

در روز یکشنبه ، ۸ بهمن ۱۳۷۴ ش (هفتم رمضان ۱۴۱۶ ه ق) علامه محقق، دانشمند توانا، کتاب شناس خبیر، حضرت آیت اللّه حاج سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی، رخت عافیت به سرای جاوید کشید و عالم علم و تحقیق با ضایعه ای جبران ناپذیر مواجه شد. در این مختصر برآنیم تا شمه ای از حیات علمی و آثار تحقیقی آن بزرگ مرد را بازگو نماییم .

سید عبدالعزیز طباطبائی در بیست و یکم جمادی الثانی ۱۳۴۸ ه ق. برابر با ۱۳۱۸/۴/۸ ش در نجف اشرف متولد شد. پدرش ، مرحوم سید جواد طباطبائی یزدی (۱۳۰۶ - ۱۳۶۳ ه ق) نوه دختری حضرت آیه الله العظمی سید محمد کاظم یزدی (۱۳۲۷ ه ق) ، و مادرشان نوه پسری آن مجتهد عالی مقام بود .

او در پانزده سالگی پدرش را از دست داد ، لکن لحظه ای از سعی و تلاش برای کسب علم و کمال کوتاهی نکرد. تحصیلات و سیر مراتب علمی وی در نجف اشرف

---

۱ - ۱ . معظم له یکی از خفتگان بارگاه جوار ملکوتی بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام است و این مقاله به مناسبت درگذشت وی تحریر شده است .

۲ - ۲ . تفسیر بصائر یمینی، تألیف معین الدین محمد بن محمود نیشابوری (قرن ۶) ذیل آیه «یستبشرون بنعمه من اللّه و فضل ان اللّه لا یضیع اجر المؤمنین» نسخه خطی شماره (۱۲۵۵۱) مجلس شورای اسلامی.

و جوار بارگاه ملکوتی امام علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام صورت گرفته است.

استادان دوران تحصیل وی ، چنان که در زندگینامه خودنوشتشان مرقوم فرمودند ، عبارتند از:

الف) ادبیات (صرف و نحو): سید هاشم حسینی تهرانی (متوفای ۱۴۱۱ ه ق) مؤلف کتاب علوم العربیه و توحیح المراد.

ب) منطق: سید جلیل فرزند سید عبدالحی طباطبائی یزدی (متوفای ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۱۳ ه ق) .

ج) فلسفه: ایشان شرح منظومه سبزواری را نزد آیت اللّه سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار را نزد شیخ صدرا بادکوبی (متوفای ۱۱ شعبان ۱۳۹۲ ه ق) فرا گرفتند.

د) فقه و اصول: ایشان شرح لمعه را در محضر میرزا حسن نبوی و شیخ ذبیح اللّه قوچانی آموخت و قوانین میرزای قمی را از آیت اللّه سید علی علامه فانی اصفهانی (متوفای ۲۳ شوال ۱۴۰۹ ق) . آن گاه دروس عالی سطح را در محضر شیخ عبدالحسین رشتی (متوفای ۱۲ جمای الثانی ۱۳۷۳ ه ق) مؤلف شرح کفایه و کشف الاشتباه ؛ و شیخ مجتبی لنگرانی (متوفای ۱۲ شعبان ۱۴۰۶ ه ق) مؤلف کتاب أوفی البیان به پایان بردند.

وی سرانجام برای آموختن درس خارج فقه و اصول ، از محضر آیت اللّه العظمی سید عبد الهادی شیرازی (متوفای ۱۳۸۲ ه ق) و آیت اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی (۱۴۱۳ ه ق) بهره ها برد.

علاوه بر آنان ، وی در مدت عمر خود با بزرگان زیادی حشر و نشر داشت و از محضرشان استفاده های علمی نمود ، که در میان آن ها سه تن در تکوین اخلاق روحی و روش علمی و تحقیقی ایشان حائز اهمیت بودند و او همیشه از آنان و مراتب علمی شان یاد می کردند. آن سه استاد عبارتند از:

۱ . شیخ آغا بزرگ تهرانی (متوفای ۱۳۸۹ ه ق) نویسنده دایره المعارف کتاب شناسی شیعه ، الذریعه الی تصانیف الشیعه و دهها کتاب دیگر است .

استاد حدود ۲۵ سال با شیخ آغا بزرگ ارتباط علمی داشتند و به حق ، شیخ آغا بزرگ دوم بود . وی همیشه از شیخ آغا بزرگ به عظمت و بزرگواری یاد می کرد و خاطرات زیادی از تحقیقات ایشان تعریف می کرد.

ص: ۸۶

چنان که بعدا خواهیم گفت ، بیش تر عمر ایشان در اتمام و تکمیل و به ثمر رسانیدن تحقیقات شیخ آغا بزرگ صرف گردید.

مرحوم طباطبائی در مورد شیخ آغا بزرگ می فرمود:

من حدود ۲۵ سال با ایشان مراوده و نسبت به ایشان ارادت بسیار داشتم و منزلمان رو به روی هم بود. ایشان مرد وارسته و بی آلایشی بود و هیچ تکبر، غرور و وابستگی نداشت و من از جهت سلامت نفس مانند ایشان سراغ ندارم با ایشان نیز معاشرت داشت و همیشه از او به بزرگی یاد می کرد و یکی از خصوصیات بارز مرحوم اردوبادی را کمک علمی به دیگران در تحقیق و رفع مشکلات علمی می دانست و می فرمود: کتاب های زیادی با کمک ایشان تحقیق و تصحیح شد و در نهایت به نام دیگران چاپ و منتشر گردید.

مرحوم طباطبائی نیز در این خصلت چون استاد خویش آیت اللّه اردوبادی ، بیش تر اوقات دَرِ خانه اش به روی محققان باز بود و کمک های مهم و اساسی به محققان می نمود که از جهت علمی ارزش فراوانی داشت ؛ به طوری که هر روز شاید بیش از ده ساعت وقت ایشان در اختیار دیگران بود و هیچ وقت از دادن نتیجه تحقیقات خود به دیگران امتناع نمی کرد.

آثار

اشاره

همچنان که قبلاً یاد شد ، مرحوم طباطبائی متجاوز از بیست و پنج سال با مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی و علامه امینی در ارتباط علمی بود و علاقه زاید الوصفی به آثار این دو استاد و تکمیل آن ها داشت و به همین جهت ، بیش تر تحقیقات و تألیفات ایشان ، در ادامه و تکمیل تألیفات آنان صورت گرفته است.

او در حقیقت ، وارث علمی و تحقیقی آن دو بزرگ بود و پس از آنان همت خویش را در تداوم راه آنان مبذول داشت. به همین جهت ، هدف عمده استاد در تحقیقاتشان احیای فرهنگ و میراث شیعه و اثبات حقانیت تشیع بود. او مسافرت های زیادی برای شناسایی آثار شیعه در داخل و خارج از کشور انجام داد و نیز فهارس نسخ خطی و کتاب شناسی ها را برای کشف آثار شیعه به دقت بررسی نمود. ایشان کتاب شناسی توانا و آگاه بودند که هیچ محقق و مؤسسه تحقیقاتی اسلامی خود را بی نیاز از رجوع به ایشان نمی دید.

مؤسسات تحقیقات اسلامی در قم، تهران، مشهد و سایر شهرهای ایران و نیز

خارج کشور همیشه با وی در تماس بودند و ایشان علی رغم گوشه نشینی و انزوا، در بین محققان اسلامی معروف و سرشناس بود.

آثار او را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

الف) آثاری که در تکمیل تألیفات شیخ آغا بزرگ تألیف نمود:

۱ . مستدرک الذریعه: این کتاب را استاد در تکمیل کتاب الذریعه نگاشته اند.

۲ . اضواء علی الذریعه: تعلیقاتی است بر الذریعه ، همراه با تکمیل اطلاعات و رفع اشتباهات این کتاب ارجمند .

۳ . مهذب الذریعه: زمانی که شیخ آغا بزرگ مشغول تألیف الذریعه بود ، هنوز کتاب خانه ها مرتب و فهرست نشده بودند و بسیاری از کتب تراجم چاپ نشده بود ، لذا بیش تر ایشان ، در اغلب موارد به معرفی نسخه هایی از کتاب ها که در تملک اشخاص بود ، می پردازد و یا شرح حال مفصلی از مولف ذکر می کند که امروزه با چاپ فهارس نسخ خطی و مشخص شدن نسخه ها و همچنین چاپ کتب تراجم ، نیازی به وجود آن ها در الذریعه که مختص کتاب شناسی است، نمی باشد . لذا حضرت استاد در اواخر عمر ، یک دوره الذریعه را انتخاب و روی مطالبی که حذف آن را لازم تشخیص می دادند خط می کشیدند و بنا به فرموده خود ایشان، اگراین کار به انجام می رسید مجلدات الذریعه به نصف کاهش می یافت، بدون آنکه از محتوای آن چیزی کاسته شود، ولی افسوس که این کار بیش از چند جلد پیش نرفت.

۴ . معجم اعلام الشیعه: این اثر مستدرک طبقات اعلام الشیعه شیخ آغا بزرگ است و به ترتیب قرن و در هر قرن به ترتیب الفبا می باشد. این کتاب در چندین جلد آماده چاپ است.

۵ . تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعه: تعلیقاتی است که بر طبقات اعلام الشیعه شیخ آغا بزرگ نگاشته است. چون اصل کتاب طبقات به ترتیب قرون تنظیم شده، تعلیقات استاد نیز به ترتیب قرن می باشد و از این تعلیقات، تعلیقات کرام البرره «قرن سیزدهم» و نقباء البشر «قرن چهاردهم» همراه اصل کتاب به چاپ رسیده است.

۶ . تنظیم و تصحیح تتمه نقباء البشر: نقباء البشر که بخش مربوط به قرن چهاردهم از کتاب طبقات اعلام الشیعه آغا بزرگ می باشد ،تا پایان حرف «عین» در چهار جلد به چاپ رسیده است، ولی از حرف «عین» تا حرف «یاء» همچنان مخطوط باقی مانده

است. حضرت استاد با استفاده از یادداشت های دست نویس شیخ آغا بزرگ، این اثر را مرتب کرده بودند و بنا داشتند با مرور و اصلاح و تکمیل و حذف مکررات، آن را به چاپ برسانند که متأسفانه اجل امان نداد.

ب) آثاری که در تکمیل مصنفات علامه امینی نگاشت:

۷ . علی کتاب الغدیر: استاد در مورد این کتاب چنین فرموده اند:

... از جلد دوازدهم به بعد الغدیر را علامه امینی می خواستند درباره مناقب و فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام بنویسند و بخشی از کار را به من واگذار کردند که در وصیت نامه خود هم قید فرموده اند، ولی بعد از فوت ایشان ، ورثه کاری در این مورد انجام نداده اند و لذا خودم در ایران شروع کردم به نوشتن دنباله این کار. من شروع به یافتن اسامی صحابه، تابعین و رواتی کردم که در جلد اول الغدیر نیآمده و آن را به نام علی کتاب الغدیر نوشتم که هنوز ناتمام است.

۸ . علی ضفاف الغدیر: تکمله ای است بر کتاب الغدیر . استاد مدارک و منابعی را که به دست علامه امینی نرسیده بود، استخراج کرده و طبق اسلوب علامه امینی در این اثر مرتب نموده اند.

۹ . انباء السماء برزیّه کربلاء: این اثر تکمیل و تنظیم کتاب سیرتنا و سنّتنا ، اثرِ علامه امینی است ؛ البته همراه اضافات فراوان .

ج) فهارس نسخ خطی

استاد ، علاقه وافری به نسخ خطی و شناسایی و معرفی آن ها داشت و برای نسخ خطی مربوط به فرهنگ شیعه ارزش زیادی قائل بود و در این راستا برای معرفی نسخ خطی چند کتاب خانه، اقدام به تهیه فهرست نسخ خطی نمودند. این آثار که متأسفانه بیش ترشان هنوز چاپ نشده اند، عبارتند از:

۱۰ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام : کتاب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام را علامه امینی در نجف اشرف برای تأمین پشتوانه علمی کتاب الغدیر تأسیس نمود و به همین جهت کتب خطی مهمی را از سراسر جهان اسلام در آن جمع آوری کرد. استاد بنا به اهمیت این نسخه ها اقدام به فهرست نگاری نسخ خطی آن نمودند که

شامل دو بخش است :

بخش اول: نسخه های خطی عربی

بخش دوم: نسخه های خطی فارسی

آقای علی نقی منزوی از این بخش در تألیف کتاب نسخه های خطی فارسی بهره جسته و از آن با عنوان «یادداشتهای سید عبدالعزیز طباطبائی» نام می برد، این فهرست آماده چاپ و نشر است. (۱)

۱۱ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی مشهد: استاد به دعوت آستان قدس رضوی، کتاب های فقهی و حدیثی آن کتاب خانه را فهرست کرده اند و مدت زیادی صرف نگارش آن نمودند که متأسفانه این اثر تا به حال منتشر نشده است.

۱۲ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه دانشگاه علامه طباطبائی شیراز: این فهرست در دفتر اول سالنامه میراث اسلامی (سال ۱۳۷۳ ش) به چاپ رسیده است.

۱۳ . فهرست نسخه های کتاب خانه شهید سید محمد علی طباطبائی قاضی در تبریز.

۱۴ . فهرست کتاب خانه مزار عبدالقادر گیلانی در بغداد.

۱۵ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه ثقه الاسلام در تبریز: این فهرست و دو فهرست قبلی در نشریه نسخه های خطی، دفتر هفتم، از صفحه ۵۱۱ تا ۵۴۳ به چاپ رسیده است.

د) تحقیق و تصحیح آثار بزرگان

۱۶ . فهرست منتجب الدین: این اثر در سال ۱۴۰۴ ه ق. با تحقیق و تصحیح حضرت استاد در قم منتشر شد، ولی ایشان با توجه به تعلیقات قابل توجهی که بعد از آن بر این کتاب نوشته بودند بنای چاپ مجدد آن را داشتند.

۱۷ . الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی ، تألیف ابوالخیر حاکمی طالقانی: در شماره اول مجله تراثنا و نیز به صورت مستقل چاپ شده است.

۱۸ . ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام : ایشان زندگینامه حضرت امام حسن و امام حسین

۱- ۱ . این فهرست به صورت سلسله مقالات در مجله تراثنا از شماره ۵۴ به بعد منتشر شده است .

علیهما السلام را از طبقات ابن سعد، استخراج و تصحیح فرموده اند. این اثر در شماره های دهم و یازدهم مجله تراثنا به چاپ رسیده است.

۱۹ . مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام ، تألیف ابن ابی الدنیا: این اثر در شماره دوازدهم مجله تراثنا منتشر شده است.

۲۰ . مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام ، اثرِ احمد بن حنبل.

۲۱ . طریق حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» ، اثرِ ذهبی.

۲۲ . ترجمه امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر.

۲۳ . فرائد السمطین.

۲۴ . عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر ، اثرِ یوسف بن یحیی سلمی دمشقی.

۲۵ . فهرست شیخ طوسی .

۲۶ . مطالب السؤول.

ه) کتابنامه ها

علامه کتاب شناس با توجه به اطلاعات همه جانبه ای که در این زمینه داشتند ، در موضوعات گوناگون ، بنابر علاقه شخصی و مناسبتهای مختلف، کتابنامه هایی نوشته اند که در موضوعات خود حائز اهمیت و مورد توجه هستند.

این کتابنامه ها عبارتند از:

۲۷ . اهل البیت علیهم السلام فی المکتبه العربیه: در این اثر کتاب هایی که اهل سنت درباره زندگی، مناقب، تاریخ، زندگانی، کلمات... اهل بیت علیهم السلام نوشته اند، کتاب شناسی و معرفی شده اند.این کتاب به صورت سلسله مقالات و در مجله تراثنا به چاپ رسیده است.

۲۸ . الغدیر فی التراث الاسلامی: در این اثر کتاب ها و مقالاتی که در باره غدیر خم نوشته شده ، معرفی و مختصری از زندگی مولفین آن ها ذکر شده است. این کتاب ابتدا به صورت مقاله ای در مجله تراثنا منتشر شد، سپس در بیروت به صورت کتاب مستقل چاپ گردیدو بعد از آن در ایران ، از روی چاپ بیروت افست شد و در پایان آن اضافاتی ملحق گردید و در ۴۳۲ صفحه ، در سال ۱۳۷۳ ش ، در قطع وزیری به چاپ رسید.

۲۹ . فهرست تصانیف کراجکی.

۳۰ . حیاه الشیخ المفید و مصنفاته: مقاله ای است که برای کنگره بزرگداشت هزاره شیخ مفید نوشته شده و در سلسله مقالات آن کنگره با نام المقالات و الرسائل (جلد اول) منتشر گردیده است.

۳۱ . فی رحاب نهج البلاغه: در زمینه معرفی نسخ خطی نهج البلاغه و شروح و ترجمه ها و چاپ های متعدد آن . در این کتاب بیش از ۱۸۰ نسخه خطی از نهج البلاغه متعلق به قبل از سال ۱۰۰۰ ه ق. و حدود ۱۰۰ نوع چاپ آن معرفی شده است. این کتاب به صورت سلسله مقالات در مجله تراثنا درج گردید. در این اواخر استاد قصد چاپ مستقل آن را داشتند که اجل محتوم آروزی مطلوب را غیر ممکن ساخت.

۳۲ . مخطوطات اللغه العربیه: شامل نسخه های خطی مربوط به کلیه کتاب خانه های ایران درموضوع لغت عربی که با ذکر خصوصیات نسخ نظیم شده است.

۳۳ . مکتبه علامه حلّی: شامل معرفی آثار علامه حلی و ذکر نسخ خطی موجود در آن ها در کتاب خانه های جهان.

و) یادداشت و انتخاب از نسخ خطی

همچنان که ذکر شد ، استاد علاقه وافری به فرهنگ شیعه و احیای آثار آن داشت و برای این منظور مسافرت های گوناگون در داخل ایران و خارج کشور انجام داد و کتاب خانه های زیادی را مورد بازدید قرار داد و از این رهگذر یادداشت های سودمندی را جمع آوری نمود که در تألیفاتشان از آن ها بهره می جست و بیش تر این یادداشتها مورد استفاده و استناد محققان قرار می گرفت. مرحوم طباطبائی این یادداشت ها را به صورت های گوناگون طبقه بندی و تنظیم نموده اند که عبارتند از:

۳۴ . نتائج الاسفار: این اثر را استاد در پیروی از استادشان علامه امینی ، نام گذاری نموده اند، علامه امینی نیز در مسافرتهای خود یادداشتهایشان را در کتابی به نام ثمرات الاسفار ضبط کرده اند.

۳۵ . فهرست نسخه های منتخبه از کتاب خانه های ترکیه.

۳۶ . فهرست تفصیلی نسخه های خطی منتخبه از کتاب خانه های ترکیه: این کتاب و کتاب

قبلی در کتاب خانه آیت اللّه العظمی نجفی مرعشی (ره) به شماره ۴۱۷۲ و ۴۱۷۳ نگهداری می شود و در فهرست نسخ خطی آن کتاب خانه ، ج ۱۱ ، ص ۱۸۳ - ۱۸۴ ، شناسانده شده اند.

۳۷ . فهرست نسخ خطی منتخب از نسخ خطی حجاز: در این آثار یادداشتهایی که از کتاب خانه های حجاز _ شاملِ کتاب خانه های: عارف حکمت، مدینه منوّره، محمودیه، حرم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، مظهر حرم مکی و کتاب خانه مکه _ فراهم آمده، نوشته شده است.

۳۸ . فهرست نسخ خطی منتخب از کتاب خانه های تبریز: یاداشتهایی است از نسخ خطی کتاب خانه های تبریز، شاملِ کتاب خانه های شهید محمد علی قاضی طباطبائی، ثقه الاسلام و ایروانی.

۳۹ . قید الاوابد و جمع الشوارد: دفتری است شبیه نتائج الاسفار.

ز) سایر آثار

۴۰ . الحسین و السنه: در سال ۱۳۹۷ ه ق. در قم به چاپ رسیده است.

۴۱ . المهدی فی السنه النبویه.

۴۲ . حیاه الشیخ یوسف بحرانی: این اثر ابتدا در مقدمه کتاب الحدائق الناظره به چاپ رسیده، سپس به صورت مستقل منتشر گردید .

۴۳ . شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی: در دفتر دوم سالنامه میراث اسلامی (سال ۱۳۷۴ ش) به چاپ رسید .

عزم رحیل

عاقبت بعد از عمری تلاش و کوشش در اعتلای کلمه حق و احیای آثار شیعه و اثبات تشیع ، در روز یکشنبه هفتم رمضان ۱۴۱۶ ه ق (۸/۱۱/۱۳۷۴) بانگ سروش غیبی «یا ایتها النفس المطئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» را به گوش جان شنید و در جوار اجداد طاهرین خود رحل اقامت گسترد. مراسم تشییع در بعد از ظهر همان روز در قم ، به طرز با شکوه و با شرکت علما و طلاب انجام گرفت و در یکی از

حجرات صـــحن نـو در جـوار مرقـد انـور حضـرت معصـومه علیهاالسـلام در آرامگـاه ابـدی خـود قرار گرفـت. روحش شـاد و مضجعش پر نور باد.

ص: ۹۴

۳ . عذری بیگدلی و تذکره وی

اشاره

در شـماره دوم فصـلنامه ، قم شاعر معاصـر جناب آقای محمـد علی مجاهـدی در معرفی تـذکره نویسان قمی، سـخنی از تذکره اسـحق بیگ عذری به میان آورد . نگارنده مناسب دید که جهت تکمیل آن معرفی، مختصری درباره این تذکره بنویسد، شاید این کتاب ارزشـمند به همّت فاضـلی از زوایای کتاب خانه ها بیرون کشـیده شده، به عالم ادب و فرهنگ عرضه گردد. مقدمتا سخنی کوتاه از شرح حال مولف این تذکره ضروری است.

«عذری بیگدلی»

اسحاق بیگ بیگدلی متخلص به عذری (متوفای ۱۱۸۵ ه ق) برادر کوچک شاعر نامی قمی آذر بیگدلی صاحبِ آتشکده آذر است. شـرح حـال عـذری را آقای مجاهـدی در کتابِ تـذکره سـخنوران قم ، به نقل از آتشـکده آذر و تجربه الاحرار و تسـلیه الابرار عبـد الرزاق مفتون دنبلی و سـفینه محمود میرزا قاجـار و تـذکره نتایـج الافکار و مجمع الفصـحاء و گلزار جاویـدان نقل نموده و مطالب انجمن خاقان و بستان العشاق و بیان المحمودرا به جهت عدم دسترسی ذکر نکرده اند.(۱)

نگارنده نیز به دو تذکره اخیر دسترسـی ندارد ، لکن مطالب تذکره انجمن خاقان که قابل دسترسـی است بعلاوه مطالب تذکره اختر ذکر خواهد شد.

احمد گرجی نژاد تبریزی متخلص به اختر (متوفای ۱۲۳۲ ه ق) در تذکره خود که

ص: ۹۵

۱- ۱ . تذکره سخنورانِ قم، محمد علی مجاهدی پروانه، چاپ اول، ص ۲۴۱ - ۲۳۶.

به تذکره اختر مشهور است ، شرح حال عذری را چنین آورده است:

عـذری بیگـدلی مسـمی به اسـحق بیـگ برادر آذر بیگـدلی رحمه الله تعالی علیه، به اکثر کمالات موصوف و به پاکی طینت و نیکی ذات معروف، مراتب نظم، بسـیار خوش سـلیقه، اکثر به غزلسـرایی مایـل. سـنه ۱۲۰۵ در جوانی وداع عـالم فـانی کرد، به سرای جاودانی انتقال نمود.(۱)

عذری در سال ۱۱۸۵ ه ق. فوت کرده و گفتـار برادرش آذر در این زمینه فصـل الخطاب است و اختر دچار اشـتباه شـده است. دلیـل دیگر آن ، مـاده تاریـخ فوتی است که صـباحی بیگـدلی در مرگ عـذری ساخته و اختر در ادامه شـرح حال ، آن را نقل نموده است:

از صباحی خواستم تاریخ سال رحلتش گفت: بادا در بهشت جاودان اسحق بیگ

عبارت «بادا در بهشت جاودان اسحق بیگ» به حساب ابجد برابر ۱۱۸۵ است.

همچنین راوی گروسی در تذکره انجمن خاقان در شرح حال عذری می نویسد:

عذری: اسـمش اسحق بیگ با جناب آذر رضیعی لبان شریکی عنان عتیقی رهان حلیفی صفا از یک پدر و مادر و بر یک منظر و مخبرنـد . خلاصه تـذکره آتشـکده را به ترتیب لحاظ قافیه و ایراد مجرد اسم شاعر تألیفی کرده ، گویند آدمی منش و سـلیم النفس صبیح الوجه و کریم الطبع بوده در شاعری خاصه غزل سـلیقه خوشـی داشـته در سـنه ۱۱۸۵ بـدرود زندگانی کرده . یاد دارم که در وقتی یکی از اصـدقای او را بولاـیت خود انـدر، ادراک صـحبت کردم، گفتی بروز تشـعییعش که از خـاص و عام پیرامون تـابوت را ازدحامی تمام بود، مرا با حضـرت آذر ضـیق ممر قرب معبر داد، شـنیدم که با أنین خفیف و حنین حزین این شعر برادر را که در قافیه لام مذکور است همی خواند:

کدامین ماه را یا رب درین محمل بود منزل که محمل می رود از شهر و شهری از پی محمل(۲)

شاعر معاصر علی نظمی تبریزی در کتاب دویست سخنور خود این چند بیت را

ص: ۹۶

---

۱ – ۱ . تـذکره اختـر، تـألیف احمـد گرجی نژاد تـبریزی متخلص به اختر (متوفـای ۱۲۳۲ ه ق)، جلـد اول به کوشـش دکـتر ع. خیامپور. تبریز، شهریور ۱۳۴۳، ص ۱۴۶ – ۱۴۹.
۲– ۲ . تذکره انجمن خاقان ، فاضل خان راوی گروسـی ، ۵۶۸_۵۷۱ ؛ فهرست کتاب خانه مدرسه عالی سپهسالار، ابن یوسف شیرازی، جلد ۲ ، به نقل از انجمن خاقان راوی گروسی.

ماده تاریخ عذری سروده است:

عذری که به اوستادی او قول غزلش دهد گواهی

آن نادره کو که بود عالم بر فضل و کمال او مباهی

ناگه بگسست دل ز هستی چون کار زمانه دید واهی

القصه: چو او از این گذرگه بر جانب دوست گشت راهی

گفتند برای سال فوتش پیوسته به رحمت الهی (۱)

اشعار عذری بیگدلی

عذری برای خود دیوانی ترتیب داده که اخیرا (۱۳۸۰ ش) به چاپ رسیده است . علاوه بر آن ، آذر ۴۶ بیت و راوی گروسی ۲۵ بیت و رضا قلی خان هدایت ۱۸ بیت ــ به نقل از آتشکده آذر ــ از اشعار عذری را نقل نموده اند.

تذکره عذری

این تذکره به اسامی متعدد نامیده شده است، مانند: تذکره اسحاق عذری، الفتکده، دانشکده، تذکره اسحاق بیگ، دانشنامه، تذکره شعله و تذکره الشعرا.

عذری در این تذکره، اشعاری را که برادرش آذر در تذکره آتشکده آذر ، در ذیل شرح حال شاعران آورده ، در چهار بخش: قصائد، مقطعات، غزلیات و رباعیات ، جمع آوری و تنظیم نموده است.

مرحوم ابن یوسف شیرازی در این باره می نویسد:

اسحق بیك این تذکره را چهار بخش نموده: ۱ . قصائد ؛ ۲ . مقطعات ؛ ۳ . غزلیات ؛ ۴ . رباعیات ، و در هر یک از بخش ها، ابیات شعرای نام برده در آتشکده را با مراعات حروف اواخر آن ها به ترتیب حروف تهجی (از الف تا یاء) مرتب نموده و تقریبا دراین تذکره ۷۲۰۰ بیت شعر وجود دارد و با دقّتی که نگارنده نمود بسیار کم اتفاق افتاده که شعری از آتشکده در این تذکره نباشد و برای اعتماد به این که این تذکره مرتب شده از اشعار آتشکده می باشد اشعار منتخبه از حافظ شیرازی را از

۱- ۱ . دویست سخنور یا تذکره الشعرای منظور و منثور، علی نظمی تبریزی، تهران ۱۳۶۳ ش، ص ۲۳۷.

آن تذکره در این تذکره اسحق جستجو کرده بدون نقص یافتم . (۱)

این تـذکره سر آغازی به نثر داشـته که در اغلب نسـخه ها حذف گردیده و متن تذکره با قصـیده عاشق اصـفهانی شـروع و به رباعی مهستی گنجه ای خاتمه می یابد. ابیات آغازین و خاتمه این تذکره عبارتند از:

آغاز: بسمله، عاشق اصفهانی

تاجر عشقم به کف مایه سودم وفا تا که شود مشتری تا چه دهد در بها

پایان: مهستی گنجه ای

آنی که به هیچ کس تو چیزی ندهی صد چوب مغول خوری مویزی ندهی

سنگی که از آن روغن کنجد گیرند گر بر شکمت نهند تیزی ندهی

نسخه های تذکره اسحاق بیگ

تذکره اسحاق بیگ عذری، تاکنون به زیور طبع آراسته نشده و نسخه های متعددی از آن در کُنج کتاب خانه ها به طاق نسیان سپرده شـده اند. در این جا ۳۳ نسـخه از این تذکره که تاکنون شـناسایی گردیده با ذکر خصوصیات هر یک معرفی می شود ، شاید صاحب همتی، کمر همت بندد و آن را منتشر سازد .

۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه دانشگاه تهران ، ج ۱۲ ، ص ۲۶۷۷ ، با عنوان «دانشکده» .

۲ . همان ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۶۴ ، با عنوان «تذکره اسحاق بیگ» .

۳ . همان ، ج ۱۵ ، ص ۴۱۲۷ ، با عنوان «دانشکده» .

۴ . همان ، ج ۱۶ ، ص ۱۶۸ ، با عنوان «تذکره شعله یا دانشکده» .

۵ . همان ، ج ۱۶ ، ص ۲۰۹ ، با عنوان «تذکره شعله» ،

۶ . همان ، ج ۱۶ ، ص ۲۹۶ ، با عنوان «تذکره شعله یا دانشنامه» .

۷ . فهرست کتاب خانه مدرسه عالی سپهسالار ، ج۲ ، ص ۴۶۹ ، نسخه شماره ۲۷۱۶ ، با عنوان «تذکره اسحق» .

۱- ۱ . فهرست کتاب خانه مدرسه عالی سپهسالار ، ابن یوسف شیرازی ، ج۲ ، ص ۴۷۰ .

۸ . همان ، ج۲ ، ص ۴۷۰ ، نسخه شماره ۲۷۲۲ ، با عنوان «تذکره اسحق» .

۹ . همان ، ج۲ ، ص ۴۷۱ ، نسخه شماره ۲۷۳۲ ، با عنوان «تذکره اسحق» .

۱۰ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج ۳ ، ص ۱۴۰ .

۱۱ تا ۱۵ . همان ، ج ۱۰، ، ص ۶۶۳ و ج ۱۷ص ، ۱۰۳ و ج ۱۷ص ، ۱۵۸ و ج ۲۱، ، ص ۴۲ و ج ۲۵، ، ص ۲۵۸ با عنوان «تذکره اسحق» .

۱۶ . فهرست الفبایی نسخه های خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، آصف فکرت ، ص ۱۲۰ ، نسخه شماره ۴۵۰۵ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۱۷ . همان ، نسخه شماره ۵۷۵۵ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۱۸ . همان ، نسخه شماره ۵۷۵۴ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۱۹ . همان ، نسخه شماره ۷۰۰۲ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۲۰ . همان ، نسخه شماره ۱۰۴۵۲ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۲۱ . همان ، نسخه شماره ۱۰۷۸۵ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۲۲ . همان ، نسخه شماره ۱۳۴۵۹ ، با عنوان «تذکره اسحق = الفتکده» .

۲۳ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیت اللّه مرعشی ، ج ۱۵ ، ص ۲۳۴ ، نسخه شماره ۵۸۵۱ ، با عنوان «تذکره الشعراء از میرزا اسحق بیگ بیگدلی» .

۲۳ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیت اللّه مرعشی ، ج ۱۸ ، ص ۱۴۸ ، نسخه شماره ۶۹۶۹ ، با عنوان «الفت نامه از اسحاق بیگ» .

۲۵ و ۲۶ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه دانشکده الهیات مشهد ، ج ۲ ، ص ۵۰۳ و ۵۳۷ .

۲۷ و ۲۸ . دانشکده فردوسی مشهد ، نسخه شماره ۲۳ و ۲۴.

۲۹ . نسخه ای که در فهرست نسخه های خطی کتاب خانه کتابخانه ملی ملك تهران با عنوان «تذکره اسحق بیگ عذری» معرفی گشته است.

۳۰ تا۳۳ . کتاب خانه شخصی حاج سید علی اصغر اصغرزاده در مشهد ، دارای چهار نسخه از این تذکره بوده و در نشریه

نسخه های خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر پنجم، ص ۶۲۱ ، معرفی شده است.

ص: ۹۹

کتابنامه

این تذکره در مصادر زیر معرفی شده است:

۱ . تاریخ تذکره های فارسی، احمد گلچین معانی، ج ۱، ص ۱۸۲ – ۱۸۳.

۲ . الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹، ص ۷۰۹.

۳ . فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج دوم، ص ۲۴۴.

۴ . فهرست نسخه های خطی مدرسه سپهسالار، ج ۲، ص ۴۶۹ – ۴۷۱.

۵ . فهرستواره کتاب های فارسی، احمد منزوی، ج ۳، ص ۱۸۶۶.

۶ . ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استواری، ج۲ ، ص ۸۷۲ و ۱۳۳۷.

ص: ۱۰۰

۴ . زندگی خودنوشت فخرالملوک خورشید فخری

اشاره

۴ . زندگی خودنوشت فخرالملوک خورشید فخری(۱)

فخرالملوک خورشید ، دختر شیخ الرئیس قاجار ، از نویسندگان سده چهاردهم هجری است . راه روشن(۲) و محرق الافکار از آثار او است که نسخه اصل اثر دوم در کتاب خانه آستانه به شماره ۶۷۲ نگهداری می شود(۳) و وی شرح حالش را در همین اثر ، به درخواست آقای اورنگ ، در ۶ مهر ۱۳۱۱ ، چنین نگاشته است:

بنا به فرموده و یادآوری حضرت ادیب دانش پرور آقای اورنگ مد ظلّه العالی و درخواست یگانه حکیم قدر دان ایرانی نژاد آقای دین شاه دام اقباله:

این بنده خورشید و مشتهر به فخر الملوک قاجار ، دختر مرحوم آقای حاج شیخ الرئیس اعلی الله مقامه، مادرم موسوم به عزّت و ملقب به ابتهاج الدوله ــ طاب ثراها ــ از خانواده طب در اصالت و نجابت بی همتا و در تحت تربیت و توجه پدرم مقام ارجمند حائز بوده است و از طرف سلطان عثمانی مفتخر به نشانی «شفقت» شده.

تولد من در سال ۱۳۱۰ قمری بوده است، زمانی که پدرم با تعرض و انزجار از خاک خراسان به اتفاق عیال و اطفال و عائله حرکت و مهاجرت به خارجه می فرماید ، من پنج ساله بودم و اطفال دیگر کوچک تر از من بودند و در حین ورود به اسلامبول مرا به دبستانی گزاردند و از آن زمان شروع به درس نمودم . پس از یک سال به هندوستان عزیمت نمودند و در نیگله ، سر کار آقا سلطان محمد شاه که سمت قرابت با پدرم داشته ، ورود می نمایند و در همان اوقات ورود بدون درنگ به

ص: ۱۰۱

۱- ۱ . نسخه منحصر دیوان اشعار فخری در کتاب خانه آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام ، نگهداری می شود و این شرح حال از آن نسخه نقل شده است .

۲- ۲ . نسخه ای از این کتاب به شماره ۲۳۸ در کتاب خانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است .

۳- ۳ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام ، ج۲ ، ص۳۰۹ـ۳۱۳ .

اتفاق برادرزاده های سلطان محمد شاه ، نزد معلمین دانشمند مشغول تحصیل شده و روزی چهار مرتبه با کالسکه های چهار اسبه سلطنتی از برای ایاب و ذهاب به منزل و محل درس حاضر می شدم . تا مدت سه سال به همین منوال گذشت .

پس از آن ، سیاست دولت چنین اقتضا نمود که ناصرالدین شاه نسبت به پدرم از در صلح و آشتی درآید و از آن وجود مقدس قدردانی نماید و همه روزه تلگراف ها و وعده ها بود که از طرف شاه به توسط نائب السلطنه مخابره می گردید که هر چه زودتر باید به صوب ایران عزیمت نمایند . در جواب یکی از این تلگراف ها و کاغذها پدرم ، می فرماید:

نائب السلطنه بر گو بشه نیک سرشت که یکی از اهل خراسان به من این بیت نوشت

آصف و ملک خراسان بتو باد ارزانی ما ره پونه گرفتیم چه مسجد چه کنشت

پونه نام یکی از ییلاق های با صفا و خوش هوایی بود در شمال هندوستان که از طرف سر کار آقاخان ، برای اقامت پدرم ، با نهایت تجلیل و احترام تعیین شده بود.

باری نمی گذارند و پدرم را مجبور به عزیمت می نمایند . از آن طرف ، نظر به مراحم حضرت بی بی والده آقای سلطان محمد شاه و انس و علاقه سرکار آقا نسبت به پدرم ، تمام خانواده محترم به اتفاق ما حرکت می نمایند و تا عتبات ما را استقبال می فرمایند و با کشتی مخصوص سلطنتی وارد بصره می شویم و مدت یک سالی که پدرم در عتبات توقف داشتند ، سرکار بی بی و سرکار آقا هم در آن مکان مقدس رحل اقامت داشتند. در این بین ، از طرف شاهزاده رکن الدوله حکومت فارس تلگراف های پی در پی می رسید که باید شما به طرف شیراز حرکت نمائید و من نخواهم گذارد به تهران بروید. آنچه پدرم جواب می فرمود که مرا شاه به تهران خواسته است و از هندوستان به این عزم حرکت نموده ام ، فایده ای نبخشید.

قرار به این شد که خودش برادرش را راضی نماید که پدرم به سمت شیراز حرکت نمایند . شاه راضی شد و پدرم با اتفاق خانواده به شیراز رهسپار گردیدند و به محض ورود به شیراز ، از آموزگاران مجربی تهیه و نزد آن ها شروع به درس و تحصیل نمودم و من با نهایت سعی و کوشش مشغول تحصیل شدم که یک روزه ره یک ماهه طی می نمودم . طولی نکشید و زمانی از این ایام فراغت و خوشبختی

نگذشت که ما را چشم بسته و زبانی بسته با اسارت بردند و به خانه شوهر سپردند. چون در حقیقت این مواصلت و این پیش آمد بر خلاف اقتضای سنی و طبیعی بود ، مدت زمانی از عمر را به تلخی و ترش رویی گذرانیده و پس از سال ها مأیوس از زندگانی ، بعد از رحلت پدرم مصمم شدم که خود را از قید اسارت به در آورم و از بند اطاعت کورکورانه خلاصی بخشم . سر خط آزادی دریافته و به زندگانی سخت تر از جان کندن خاتمه داده شد. مجددا به منتهای آروزی خود که مداومت در تحصیل بود ، اشتغال ورزیدم و مشغول خواندن زبان انگلیسی و ادبیات فارسی و کتب عربی صرف و نحو و مدارج چهارم و پنجم شدم. و گاهی هم اشعاری می سرودم و ابیاتی می گفتم. و در این زمان تحصیل دو کتاب نوشتم یکی موسوم است به کتاب «راه روشن» که از طرف وزارت فرهنگ اجازه چاپ آن صادر گردیده و دومی اشعار من است.که موسوم است به «محرق الافکار» اشعار و نامه هایست که نوشته ام.

هنگامی که برای تعلیم و تربیت دختران ، مدارسی چند در زمان مرحوم نصیرالدوله وزیر فرهنگ تأسیس گردید، مرا به یکی از مدارس دختران به شماره ۱ ، به مدیریت انتخاب نمودند تا این زمان مدت چهارده سال است با نهایت جدّیت و ثبات قدم مشغول کارم و همه روزه در کارهای خود دقیق تر و با اشتیاق تر می باشم. از طرف وزارت متبوعه به تقدیرنامه های متعدد و دو نشان درجه علمی مفتخر و سرافراز گردیده ام .

درگذشت

فخرالملوک عاقبت در سال ۱۳۴۷ش دار فانی را وداع گفت .

نمونه اشعار

نمونه ای از اشعار فخری چنین است:

خرم آندل که درو فکر تو مأوا دارد بی نیاز از همه و بر تو تولّا دارد

ناصحم گفت منه پای بگرداب بلا کشته عشق ز گرداب چه پروا دارد

هر که افتد بکمندش نهراسد از قتل شَمَّر الذّیل شود جان بکفش وا دارد

ص: ۱۰۳

دولت عشق مبارک بادت ای فخر دولت آن یافت که در قرب تو مأوا دارد

او این قطعه را برای پروین خانم صبا ، دختر خانم بدرالملک ، در مرداد ۱۳۲۲ سروده است:

این نو گل نو شکفته که نامش پروین است با عزّت نفس دختری شیرین است

در علم و کمال سر ز اقران خود است در فکر تعالی و ترقی و تمکین است

باشد که زمانه بر مرادش گردد هر چند که او به این جهان بدبین است

خوش باش و بگو بخند و دلتنگ مباش رسم و روش غنچه شکفتن این است

دانی نکند اثر هزار فکر و تدبیر حکیم در گردش چرخی که ستاره ای از آن پروین است

نیز این رباعی را در تاریخ ۲۵/۱۲/۱۳۲۵ سروده است:

مرا سال خدمت بشد بیست و هفت چه گویم که از جور دونان چه بر من برفت

بخواهی گر آن شرح و این سرگذشت جوانی و عمرم به تاراج رفت

و این رباعی را هنگام ورود به شهر میانه سروده است:

میان روز رسیدیم به میانه بحالتی که نبودی کدورتی بمیانه

میانه منزل ما شد به حکم خیر امور که اوسط است میانه و صحت است میانه (۱)

۱- ۱ . نقل از محرق الافکار ، موجود در کتاب خانه آستانه (مخطوط) .

بخش چهارم فیلسوفان قم در سده ۱۱ و ۱۲

اشاره

* درآمد

۱ . حکیم علی قلی خان قمی

۲ . ملا عبدالرزاق لاهیجی

۳ . ملا محسن فیض کاشانی

۴ . حکیم قاضی سعید قمی

۵ . حکیم میرزا حسن قمی

ص: ۱۰۵

درآمد

اقامت ۲۰ ساله صدرالمتألیهن شیرازی (مشهور به ملاصدرا) در کهک قم ، پایه گذار نهضت فکری و فلسفی در قم گردید . پس از وی ، شاگردانش فیض کاشانی و فیاض لاهیجی و نوه اش میرزا حسن قمی و شاگردان آن ها، مشعلدار حرکت فلسفی در قم شدند . برای نمونه ، چند مورد از رونق فلسفه در قم در سده یازدهم هجری ــ که نگارنده از لابه لای برگهای نسخه های خطی یادداشت نموده ــ ذکر می شود:

نمونه اول

محمدابراهیم رضوانی ، شرح هدایه الحکمه ملاصدرا (متوفای ۱۰۵۰ ه ق) را در قم تحریر و در شعبان ۱۰۷۷ به پایان رسانیده و در پایان نسخه در مدح ملاصدرا چنین گفته است:

... انتهی کلام الشارح النحریر المدقق الفیلسوف المحقق الیم الزاخر القمقام الباهر النجم الزاهر العریف الماهر الذی قصر عن اداء طرف من جموع مناقبه بیانات البلغاء و کَلّ عن ذکر شرذمه من فنون فضائله اَلسِنه مصاقع الخطباء و عجز عن الخوض فی لجج علومه الثاقبه افکار نحاریر العلماء لازال صدراً لاعاظم الحکماء و قطباً لافاخم العرفاء مادارت الخضراء حول الغبراء و کتبت هذه النسخه الشریفه منقولا بعضها من مسودته الاصلیه و بعضها من مسوده مسودته الاصلیه .

از تعابیر کاتب نسخه ــ که تَمَلُّک فرزندِ وی نیز با مهر مربعی با سجع «لااله الاالله الحق عبده حسین رضوانی» در آخر نسخه به چشم می خورد - چنین بر می آید که او نیز از خوشه چینان معرفت در نزد ملاصدرا بوده و خود از حکیمان و فیلسوفان بوده

و نسخه را برای استفاده خود نوشته است(۱) .

نمونه دوم

حسن بن محمد صادق قمی حسینی مجموعه ای فلسفی را گویا در قم تحریر و در بیست و دوم صفر ۱۰۹۴ ه ق. به پایان رسانیده است . این مجموعه حاوی این رساله هاست:

۱ . المبدأ و المعاد ، ملاصدرا .

۲ . رساله فی المعاد ، از ملاصدرا ، این رساله کوتاه به چاپ نرسیده و در بیان احوال بعد از مرگ تا قیامت کبری است و در ۹ نه فصل بدون خطبه و مقدمه ، نوشته شده است . با مراجعه به کتب ملاصدرا از قبیل اسفار ، شواهد الربوبیه ، مبدء و معاد ، عرشیه ، مشاعر ، مفاتیح الغیب ، اسرارالآیات ، و... معلوم شد این رساله با ابواب مشابه آن کتب در چندین موارد اشتراک عبارتی دارد، لکن غیر از آن ها است .

فهرست تفصیلی آن عبارت است از:

۱ . فصل فی انّ عذاب القبر حق بقول مجمل.

۲ . فصل فی الاشاره الی حقیقه الحشر.

۳ . فصل فی الاشاره الی الصراط.

۴ . فصل فی الاشاره الی کیفیه وزن الاعمال و ذکر المیزان.

۵ . فصل فی الاشاره الی صحائف الاعمال و کرام الکاتبین.

۶ . فصل فی الاشاره الی طبقات اهل الحساب.

۷ . فصل فی ذکر اصناف الخلائق یوم الآخره.

۸ . فصل فی الاشاره الی خازن الجنه و خازن الجحیم.

۹ . فصل فی الاشاره الی حالات یحدث یوم القیمه و الی وقوف الخلق فی العرصات.

آغاز: فصل فی ان عذاب القبر حق بقول مجمل کل من شاهد بنور البصیره باطنه فی

۱ – ۱ . این نسـخه در کتـاب خـانه مـدرسه نمازی خوی ، به شـماره ۱۵۱ نگهـداری می شـود و در اول آن حاشــیه ای از نعیم طالقانی به خط خودش به چشم می خورد .

الدنیا لرآه مشحونا بانواع الموذیات و اصناف السباع.

انجام: لمن یری حتی یطلع الخلائق من هول مشاهـدتها علی عدمهم وقعاتهم فنسـره شـروه لولا ان صـینها الله لاحرقت السـموات والارض تمت الرساله.

۳ . فصوص الحکم ، فارابی ،

۴ . لغزالزبده ، شیخ بهایی . (۱)

نمونه سوم

محمدرضا قمی متخلص به مشفق ، در سال ۱۰۵۸ ه ق . کتاب گوهر مراد ملاعبدالرزاق قمی را در زمان حیات مصنف ، تحریر نموده و گویا خود از شاگردان وی است ، زیرا در پایان نسخه یادی از وی نموده است .

این بود چند نمونه از نشاط فلسفی در قم در سده یازدهم هجری . در ذیل نیز به شرح حال چند تن حکیمان مشهور قم در این دوره می پردازیم .

۱- ۱ . این نسخه نیز در مدرسه نمازی خوی نگهداری میشود .

۱ . علی قلی خان ترکمانی خلجی قمی (قرن یازدهم)

یکی از فیلسوفان سده یازدهم هجری قم ، علی قلی خان ترکمانی قمی است . که فرزندش ، محمد مهدی قلی خان ، مدرسه خان را در ربیع الثانی ۱۱۲۳ ه ق . در قم ساخته است .

آقای دانش پژوه در فهرست آستانه ، شرح حال و آثار وی را چنین مرقوم نموده است:

علی قلی خان بن قر چغای خان خلجی قمی که گویا در سال ۱۰۲۰ ه ق . متولد شده و از شاگردان آقا حسین خوانساری (درگذشته ۹_۱۰۹۸ ه ق) و شمسای گیلانی و رجب علی تبریزی (در گذشته ۱۰۸۰ ه ق) بوده و در ۱۰۷۶ و ۱۰۸۳ زنده بوده و ولایت و تولیت قم را داشته است . او در مرآه الوجود می گوید: که از بیست و سه سالگی تاکنون ، که چهل و شش سال است ، درست بیست وسه سال عمر خود را صرف حکمت و تفاسیر و احادیث کرده ام .

مجموعه ای در مجلس هست به شماره ۱۷۲۱(۱) (فهرست ۵/۷۵) که از آنِ او بوده و از خط او در آن بر می آید که او در جمادی الاولی ۱۰۸۷ ه ق . زنده بوده است .

تخلص او صفا است و سماء الاسماء از اوست .

چنین است فهرست آثار دیگر مؤلف:

۱ . احیاء حکمت .(۲)

۲ . ایمان و کفر یا الایمان الکامل یا رساله در معرفت ایمان و نورانیت محمد و علی

ص: ۱۱۰

۱- ۱ . فهرست نسخه های کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج ۵ ، ص ۷۵ .

۲- ۲ . الذریعه ، ج ۱ ، ص ۳۰۸؛ نسخه بخشی از این کتاب در کتاب خانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۳۰ (فهرست آستان قدس ، ج ۵ ، ص ۳۹۴ ، با عنوان «منطق علی قلی خان» موجود است .

در یک مقدمه و سه مقاله و هفت فصل .(۱)

۳ . التعلیقات علی شرح الاشارات(۲) گو یا همان که در ذریعه(۳) از آن یاد شده است .

۴ . التمهیدات (۴)

۵ . التنقیحات (۵)

۶ . رساله در علم ، در علم اجمالی و تفصیلی واجب و عقول و نفوس در نه مقاله به فارسی .

۷ . زبور العارفین به فارسی .

۸ . شرح اثولوجیا فی تمهیدات و مقدمات فی الحکمه .

۹ . شوق نامه عباسی ، در شرح ابیاتی از مثنوی مولوی .

۱۰ . فرقان الرایین و تبیان الحکمتین ، در فرق میان حکمت قدماء مانند افلاطون و ارسطو و متأخران مانند فارابی و ابن سینا و میرداماد در بیست و چهار مسأله اختلافی میان آن دو دسته با اختیار حدوث دهری .

۱۱ . مرآه الوجود و المهیه ، که در چهل و شش سالگی دریک مقدمه و چهارده مقاله به فارسی ساخته است .

۱۲ . مزامیر العاشقین ، که گزیده ایست به عربی از زبور عارفین و براق العاشقین خود او در یک مقدمه و سه باب .

۱۳ . منطق ، به فارسی به روش ارسطو در چهار کتاب در پنجاه و شش سالگی در ۱۰۷۶ ه ق . برای پسر خود محمد مهدی ساخته است و گویا جزیی از احیاء حکمت او باشد(۶) .

۱۴ . خزاین جواهر القرآن ، که سه نسخه از آن در دست است:

یک) کتاب خانه آستانه قم ، ش ۵۸۹۹ ، ۱۳۰برگ .

دو) کتاب خانه آیت اللّه مرعشی ، ش ۹۱۳۹ ، به خط مؤلف ، که جلد سوم کتاب است .

۱- ۱ . فهرست دانشکده الهیات تهران ، ۱/۲۴۵ .

۲- ۲ . نسخه آن در کتاب خانه ملک به شماره ۶۳۵۳ موجود است .

۳- ۳ . ذریعه ، ۴/۲۲۵ .

۴- ۴ . ذریعه ، ۴/۴۳۴ .

۵- ۵ . همان ، ۴/۴۶۸ .

۶- ۶ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه قم ، محمد تقی دانش پژوه ، ص ۱۱۴_۱۱۶ ، با تلخیص . علاوه بر آن ، شرح حال وی در مقدمه احیای حکمت و طبقات اعلام الشیعه ، قرن ۱۱ ، ص ۴۱۰ ، قابل دسترسی است .

سه) کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ش ۱۴۲۲۵ .(۱)

در چند سال اخیر به آثار و اندیشه های علی قلی خان توجه شده و کتاب احیای حکمت وی منتشر شده و زبور العارفین وی از سوی مؤسسه دارالحدیث قم در ضمن میراث حدیث شیعه (دفتر یازدهم) در دست انتشار است .

۱- ۱ .فهرست نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی ، ۳۸/۳۳۵ .

۲ . ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی

اشاره

عبدالرزاق از فلاسفه بزرگ شیعه و از متکلمین سرشناس امامیه می باشد. وی در لاهیجان ــ از شهرهای گیلان ــ به دنیا آمد و در قم سکونت گزید و در همان جا وفات کرد .

فیاض از شاگردان مبرّز صدرالمتألهین ملاصدرای شیرازی و داماد وی بوده است. او حکیمی متشرع و در فقه و اصول و فلسفه و کلام و عرفان، صاحب نظر بوده است. گویاترین شاهد این مدعا، اشارتی است که خود آن بزرگوار در دیوان اشعارش ، به مناسبتی در باره تحصیلات خود می نماید، بدین عبارت:

بسی دانش آموختم ز اوستاد بسی نکته ها را گرفتم به یاد

بسی بوده ام با کتاب و دعا بسی زهدور بودم و پارسا

بسی در بغل جزوه دان داشتم اگر رندیی بُد نهان داشتم

گهی در فروع و گهی در اصول شدم پنجه فرسای هر بلفضول

چه شبها که در حجره خوابم نبرد کجا داشت نانم که آبم نبود

ز فقه و حدیث و اصول و کلام ز تفسیر و آداب و حکمت تمام

پی جمله یک عمر بشتافتم ز هر یک نصیب گران یافتم

گهی نیز در شعر پرداختم ز سحر بیان معجزی ساختم

آثار

تألیفات آن دانشمند گرانمایه پر از تحقیقات و ژرف نگریهای فلسفی و کلامی است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱ . الکلمات الطیبه: در حکمیت بین میر داماد و صدرالمتألهین شیرازی در مسئله

اصالت ماهیت یا وجود .

۲ . حاشیه بر حاشیه خفری بر شرح تجرید الاعتقاد فاضل قوشچی.

۳ . حاشیه شرح اشارات خواجه نصیر طوسی.

۴ . دیوان اشعار: او در اشعارش، «فیاض» تخلص می کرد و دارای طبعی رسا و موزون بود و قصاید و غزلیاتی به مناسبت های مختلف سروده و دیوانش بارها به طبع رسیده است.(۱)

۵ . رساله حدوث العالم.

۶ . سرمایه ایمان، به فارسی: یک دوره کلام است، ولی کوتاه تر از رساله سابق . این کتاب نیز به چاپ رسیده است.

۷ . شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیر الدین طوسی: فیاض دو شرح بر این کتاب نگاشته است: یکی ، مبسوط به نام «شوارق الالهام» و دیگری ، مختصر به نام «مشارق الالهام» . شرح اول در دو جلد به چاپ رسیده، ولی نسخه ای از شرح دوم تاکنون شناسایی نشده است .

۸ . شرح هیاکل النور سهروردی.

۹ . گوهر مراد، به فارسی: که در آن یک دوره مسائل کلامی را بر مبنای مذهب شیعه اثنا عشریه، به صورت شیوا و روان و مختصر بیان کرده است . این کتاب بارها چاپ شده و نسخ خطی آن فراوان است.

۱۰ . تشریقات ، در عرفان . (۲)

۱۱ . مصباح الدرایه فی شرح الهدایه الاثیرئیه(۳).

فیاض لاهیجی در سال ۱۰۷۲ ه ق . در شهر قم دار فانی را وداع گفت و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردید. او داماد بزرگ ملا صدرا بوده و سه فرزند داشته، به نامهای: میرزا حسن (که شرح حالش خواهد آمد) ، ملا محمد باقر

۱- ۱ . مقاله «نگاهی به دیوان فیاض لاهیجی» ، مجله آینه پژوهش ، شماره ۲۱ ، ص ۳۰ .

۲- ۲ . این رساله در ضمن مجموعه رسایل فارسی ، نشریه بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی ، دفتر سوم (تابستان ۱۳۷۲ش) ، ص ۱۵۳_۲۱۳ به چاپ رسیده است .

۳- ۳ . دو نسخه از آن در کتاب خانه آیت اللّه مرعشی در قم ، به شماره های ۷۵۶۱ و ۱۰۰۰۹ موجود است .

که در سال ۱۰۸۳ ه ق . در هند بوده و اطلاع دیگری از وی در دست نیست، میرزا ابراهیم که مؤلف کتاب القواعد الحکمیه و الکلامیه است.

در روزهای ۲۳ و ۲۴ تیر ماه سال ۱۳۷۲ ش، کنگره ای در بزرگداشت این حکیم عالی مقام در زادگاه وی ، در لاهیجان ، برگزار شد.

کتابنامه

شرح حال مفصل فیاض لاهیجی در مصادر زیر قابل دسترسی است:

۱ . تذکره نصر آبادی، ص ۱۵۶ ؛

۲ . آتشکده آذر ، ج ۲ ، ص ۸۴۶ ؛

۳ . تذکره ریاض العارفین، ص ۳۸۲ ؛

۴ . روضات الجنات ، ج ۴ ، ص ۱۹۶ ؛

۵ . مجمع الفصحاء ، ج ۲ ، ص ۲۷ ؛

۶ . ریحانه الادب ، ج ۴ ، ص ۳۶۳ ؛

۷ . برگزیده گوهر مراد، ص ۱۲ و ۱۳ ؛

۶ . مقالات کنگره بزرگداشت حکیم ملا عبدالرزاق لاهیجی ؛

۹ . مفاخر اسلام ، علی دوانی ، ج ۷ ، ص۲۴.

۳ . ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۶_۱۰۹۱ ه ق)

محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود ، مشهور به فیض کاشانی ، از عالمان ذی فنون سده یازدهم است . او در حکمت ، عرفان ، فقه ، حدیث ، اخلاق ، ادبیات ، و دیگر علوم رایج عصر خود ، صاحب نظر بود و در هر کدام از رشته های مذکور ، اثری قابل توجه دارد .

او ۸ سال در قم ، در محضر ملا صدرا ، حکمت را فرا گرفت و در همین شهر به دامادی وی نایل گشت .

فیض در کاشان مسکن گزید و در همان شهر ، در ۸۴ سالگی ، در سال ۱۰۹۱ ه ق . دار فانی را وداع گفت و در همان شهر مدفون گشت . نقش سنگ قبرش چنین است:

قبض المعتصم بحبل اللّه المومن المهیمن محمد بن مرتضی المدعو بمحسن احدی و تسعین و الف و ابن اربع و ثمانین حشره اللّه مع موالیه المعصومین .(۱)

برای اطلاع از آثار فیض کاشانی ، به کتاب فهرست های خودنوشتِ فیض کاشانی مراجعه شود . (۲)

ص: ۱۱۶

۱- ۱ . به نقل از عکس قبر فیض کاشانی ، الصاق شده به نسخه خطی محجه البیضاء ، موجود در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۴۵۴ .

۲- ۲ . فهرست های خودنوشتِ فیض کاشانی به انضمام پژوهشی در کتاب شناسی و نسخه شناسی آثار او ، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصر آبادی ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۷ش ، وزیری ، شمیز ، ۳۵۹ص .

۴ . قاضی سعید قمی ، متخلص به تنها

درآمد

حکیم قاضی محمد سعید قمی ، فرزند محمد مفید و متخلص به حکیم و تنها، در دهم ذی قعده ۱۰۴۹ ه‍ ق . در قم چشم به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را تا قبل از سال ۱۰۶۸ ه‍ ق . نزد پدرش و حکیم ملّا عبدالرزاق فیّاض لاهیجی (۱۰۷۲ ه‍ ق)، در قم گذراند و در سال ۱۰۶۸ ه‍ ق . ضمن خدمت در تیم پزشکی دربار شاه عباس صفوی، که ریاست آن را برادرش محمد حسین به عهده داشت ، در درس ملّا رجبعلی و فیض کاشانی حاضر شد . در سال ۱۰۷۷ ه‍ ق . بعد از درگذشت شاه عباس، به اتهام کوتاهی در معالجه و مداوای شاه ، به قم تبعید و بعد از مصادره اموال، تحت نظر ، محبوس گردید و در سال ۱۰۹۵ ه‍ ق . از سوی شاه سلیمان صفوی به سمت قاضی قم، و در ۱۱۰۵ ه‍ ق . از سوی سلطان صفوی به سمت شیخ الاسلام قم منصوب گردید . وی تا سال ۱۱۰۷ ه‍ ق . در این سمت باقی بود . پس از آن اطلاعی از وی در جایی ثبت نشده است.

قاضی سعید بعد از وفات در نزدیکی مقبره ابن بابویه قمی مدفون گردید . که مقبره اش اکنون زیارتگاه عموم است.

قاضی سعید از فیلسوفان و شارحان حدیث و ادبیان و از پزشکان سده یازدهم هجری در ایران است و بیش از ۳۰ اثر علمی از خود به یادگار گذاشته است.

محمد سعید قمی، نام یک یا دو شخصیت

ص: ۱۱۷

این که حکیم محمد سعید قمی در سده یازدهم، نام دو شخصیت است یا این که یک شخصیت قمی دو نام داشته است، مسأله مهمی است که در شرح حال قاضی سعید باید مشخص گردد.

آن چه مسلم است، قاضی سعید در آغاز ، در اغلب آثارش نام خویش را «محمد» ، مشهور به «سعید» و نام پدرش را در جایی «مفید» و در جایی «محمد مفید» ذکر نموده است . در تذکره ها از شخصی با نام محمد سعید فرزند حکیم محمد باقر قمی ، برادر کوچک محمد حسین یاد می شود که علاوه بر طبابت، حکیم و شاعر زبردستی نیز بوده است.

عده ای با توجه به تعدّد نام پدران وی ، نتیجه گرفته اند که دو دانشمند در سده یازدهم هجری به نام محمد سعید قمی وجود داشته است.(۱)

این نتیجه صحیح نیست و علت این تعدد، تحولاتی است که در ابعاد علمی و شخصیت روحی قاضی سعید روی داده است و به همین دلیل آثار دوره جوانی وی با آثار بعدی از نظر موضوع و محتوا تفاوت دارد که بعدا توضیح داده خواهد شد. همچنین پدر قاضی سعید در دوران جوانی قاضی، به محمد باقر مشهور بوده، ولی بعد از مدتی به مفید ملقب می شود و قاضی در آثار دوره میان سالی خود از پدرش به مفید و یا محمد مفید یاد می کند.

دلیل محکم این مطلب، شرح حالی است که افندی در ریاض العلما ، از قاضی سعید آورده و در آن علاوه بر ذکر طبابت وی و سرودن شعر (که در تذکره ها در شرح حال محمد سعید بن محمد باقر ذکر گردیده) به شاگردی وی نزد ملا رجبعلی و آثار فلسفی قاضی سعید اشاره دارد که قطعا متعلق به قاضی سعید است . بنابر این ، تردید در یکی بودن این دو عنوان وجهی ندارد.

بخش نخست: کسب علم و دانش

اشاره

محمد سعید در سال ۱۰۴۹ ه ق . در قم دیده به جهان گشود. پدرش ، شیخ محمد مفید بن محمد حسین قمی ، از دانشمندان قم بود. محمد سعید در قم ، نزد پدر ، مقدمات علوم رافرا گرفت و از وی اجازه نقل روایت دریافت نمود. وی پس از آن ،

۱- ۱ . فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان ، ج ۷ ، ص ۸۵۲ .

در محضر حکیم ملّا عبدالرزاق لاهیجی قمی ، متخلص به فیاض (متوفای ۱۰۷۲ ه ق) حاضر گردید.

محمد سعید و فیاض لاهیجی

ملّا عبدالرزاق فیاض گیلانی، از شاگردان ملاصدرا شیرازی است. محمد سعید در اواخر عمر وی ، محضر او را درک نمود ، در حالی که بیش از پانزده سال نداشت . وی چند سالی پیمانه معرفت را در محضر این حکیم پر نمود(۱) و در سالهای ۱۰۶۶ – ۱۰۶۷ ه ق . در حالی که ۱۷ یا ۱۸ سال داشت ، راهی اصفهان گردید.

از دست دادن شاگردی مانند محمد سعیدبرای فیّاض آسان نبود ، لذا در قطعه شکواییه ای که به وی ارسال نمود، نارضایتی خویش را اعلام نمود . این قطعه دلالت بر شایستگی و مرتبه بالای علمی محمد سعید در دوران جوانی دارد.

حکیم کوچک در اصفهان

محمد سعید در پزشکی مهارت کامل داشت و این علم را قبل از عزیمت به اصفهان یاد گرفته بود. نشانه آن مدحی است که استادش، فیاض ، از مهارت او در طب، در قطعه شکواییه اش که خطاب به محمد سعید سروده، نموده است. فیاض خطاب به وی می نویسد:

بقراط را ز شرم تو چون دم زنی ز طب در خاک نبض مرده در آید به اضطراب

بیمار را که از تو سؤال دوا کند بهر شفا بس است همین شربت جواب

گر گویمت مسیح چه جای تعجب است شیب زمانه را به نَفَس کرده ای شباب

دلیل این که در این ایام محمّد سعید در دوران جوانی بوده، بیت دیگر فیاض است که در جواب قطعه محمد سعید سروده، آن جا که می گوید:

۱- ۱ . با توضیحاتی که بعد از این خواهد آمد، روشن خواهد شد که تردید در شاگردی محمد سعید نزد فیاض لاهیجی بی وجه است. منشأ این تردید اشتباهی است که در تاریخ فوت فیاض صورت گرفته است و بر اساس آن ، عده ای تاریخ فوت وی را ۱۰۵۲ ه ق دانسته اند که صحیح نیست. استبعادی هم که مصحح محترم شرح توحید صدوق در مقدمه جلد سوم آن در این زمینه نموده ، وجهی ندارد.

این بود مطلبم که جوانی و نوبهار چشم ادب مباد ز غفلت رود به خواب

محمد سعید با کوله باری از معرفت که از محضر فیاض اندوخته بود و مهارت کامل در طب که کسب کرده بود، راهی اصفهان شد. و ستاره بخت و اقبال وی درخشیدن گرفت. از طرفی ، برادر بزرگ وی محمد حسین، حکیم باشی یا سرپرست تیم پزشکی شاه عباس دوم صفوی و جلیس و ندیم شاه بود و از طرف دیگر ، فیلسوف شهید ملّا رجبعلی تبریزی به درخواست شاه عباس در اصفهان سکونت گزیده و کلاس های فلسفی خود را شروع کرده بود و همچنین فیض کاشانی نیز به دستور همان شاه، مقیم اصفهان گشته بود.

محمد سعید به وسیله برادرش ، در دربار موقعیت خوبی پیدا کرد، به طوری که وقتی در سال ۱۰۶۸ ه ق . شاه عباس به ساختن تکیه فیض (۱)اقدام نمود، محمد سیعد را که شاگرد فیض بود، مامور کرد تا از وجوه حلال و بی شبهه ، املاک و آبادی های مرغوب را خریداری و به تکیه مزبور وقف نماید.(۲) قاضی سعید چون از برادرش کوچک تر بود و در طبابت و پزشکی مهارت کامل داشت ، در این سال ها به حکیم کوچک مشهور گردید.

حکیم کوچک و ملّا رجبعلی تبریزی

شاه عباس در یک اقدام شایسته، ملّا رجبعلی تبریزی متوفای (۱۰۸۰ ه ق) را که پس از اتمام تحصیلات، درشهر بغداد ساکن گشته بود، به اصفهان فرا خواند. تاریخ دقیق ورود ملّا رجبعلی به اصفهان در دست نیست. ملا رجبعلی ، پیش شاه عباس محترم بود و شاه از او دیدن می کرد. وی با استفاده از همین محبوبیت ، مدرسه فلسفی خود را در اصفهان دایر نمود. محل تدریس او مسجد شیخ لطف اللّه(۳) بود . به محض

۱- ۱ . گویا این تکیه را شاه عباس برای فیض کاشانی بنا نهاده بود. درباره این تکیه بعدا توضیح داده خواهد شد.
۲- ۲ . مقدمه کلید بهشت، ص ۹، به نقل از روضه الصفای ناصری، ج ۸، ص ۱۰۰.
۳- ۳ . این مسجد در جانب شرقی میدان نقش جهان مقابل ساختمان عالی قاپور واقع شده و یکی از زیباترین آثار تاریخی اصفهان است. این مسجد در اوایل سده یازدهم احداث شده و کاشی کاری آن در ۱۰۲۸ ه ق . به پایان رسیده است. این مسجد به جهت اقامه نماز جماعت توسط شیخ لطف الله مسیی عاملی (متوفای ۱۰۳۲ ه ق) در آن، به نام وی نام گذاری گردیده است. ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، موحد ابطحی، ج ۲ ، ص ۱۶.

شروع درس فلسفه، فضلا و اندیشوران دور ملّا رجبعلی جمع شدند که از جمله آن ها محمد سعید ملقب به حکیم کوچک و برادر بزرگش محمد حسین حکیم باشی شاه عباس بود.

محمد سعید ، اصول و مبانی فلسفه خود را از ملّا رجبعلی اخذ نمود و تا پایان عمر نیز بر این مبانی باقی ماند. این مبانی که اغلب درمقابل مبانی فلسفی ملّا صدرا است ، عبارت است از: اعتقاد به اشتراک لفظی وجود و اصالت ماهیت ، که در بخش آرای محمد سعید بدان پرداخته خواهد شد.

حکیم کوچک در اثر علاقه به آثار استادش، رساله اشتراک لفظی ملّا رجبعلی را به عربی ترجمه کرد و نام آن را برهان قاطع نهاد و در مقدمه آن از ملّا رجبعلی به «استادنا الحکیم الالهی » یاد می کرد.

محمد سعید علاوه بر مبانی فلسفی، مشارکت در امور اجتماعی را نیز از ملّا رجبعلی فرا گرفت. برخلاف حکیمان پیرو مکتب ملّا صدرا که دخالت در امور اجتماعی را امری نا خوشایند می دانستند، قاضی سعیدمانند استادش ملّا رجبعلی که در پیری به دعوت شاه عباس به اصفهان رفت، در امور اجتماعی مشارکت ورزید و ــ چنان که خواهد آمد ــ تا پایان عمر، عهده دار مناصب اجتماعی شد.

تحصیلات محمد سعید نزد ملاّ رجبعلی قبل از سال ۱۰۷۷ ه ق . صورت گرفته، زیرا ــ وی چنان که گفته خواهد شد – دراین سال دراثر مرگ شاه عباس، به قم تبعید گردید. محمد سعید در آخرین اثر خود – جلد سوم شرح توحید – که در سال ۱۱۰۷ ه ق . نگاشته ، از ملاّ رجبعلی به «استاذی الحکیم الالهی مولانا رجبعلی النوری»(۱) یاد کرده است.

در محضر فیض کاشانی

حکیم کوچک در درس فیض کاشانی شرکت کرد و گم گشته خود را در استاد یافت. این کشش و علاقه به اندازه ای بود که محمد سعید نسبت به استاد سابق خود ، فیّاض ، بی اعتماد گشت و در مجلسی به یکی از شاگردان فیاض توصیه می کند که محضر فیّاض

۱- ۱ . شرح توحید صدوق، ج ۳، ص ۲۸۳.

را ترک کند و به فیض بپیوند. این توصیه به مذاق فیّاض گران آمده ، در شکواییه ای ناخرسندی خود را از این مطلب اظهار داشته ، به محمد سعید یادآور شده که اگر اکنون مستعد خوشه چینی از محضر فیض گردیده ، در اثر تلاش های وی بوده است:

آن را که احتراز منش می دهی به یاد ای کاشکی زغیر منش بودی اجتناب

من کرده ام که شاهد معنی به کام توست برداشته است دست من این گوشه نقاب

وقتی که بود در کف من همچنان گذشت اکنون منم پیاده و پای تو در رکاب

از من به فیض رسیدی هنر ز توست مه را رسد که نور پذیرد ز آفتاب

فیض از خدا و مبدأ فیاض هم خداست در جدول است لیک به تدریج سیرآب(۱)

محمد سعید در کلاس فیض زانو می زند و تفسیر و شرح حدیث و فهم کلمات علوی و شرح رموز گفتار خاندان عصمت را از او یاد می گیرد.

محمد سعید در جای جای آثارش از فیض به عظمت یاد کرده و در مقدمه رساله اول اربعینات اش را که آن را تقدیم به فیض نموده ، از او به «حضرت استاذنا فی العلوم الالهیه مولانا محمد حسن» یاد می کند. او در شرح اربعین حدیث خود که در سال ۱۰۷۹ ه ق . نگارش آن را شروع نموده از فیض ، به «استاذنا فی العلوم الحقیقه» یاد می کند و در آخرین اثر خود – جلد سوم شرح توحید الصدوق – که در سال ۱۱۰۷ ه ق . به پایان رسانیده از فیض به «استاذنا فی العلوم الدینیه اعلی اللّه مقامه و أدام فیضه» یاد می کند و این نشانه آن است که علاقه و اعتماد محمد سعید به فیض تا پایان عمر باقی بوده است.

محمد سعید پس از مدت ها تحصیل علوم دینی در محضر فیض، موفق به اخذ اجازه نقل روایت از فیض می گردد. محمد سعید علاوه بر فیض ، از پدرش و شاه فتح اللّه شیرازی نیز اجازه نقل روایت دارد . وی در ذکر استادان و مشایخ روایتی خود ، فیض را در ابتدای همه ذکر نموده و با این عبارت به همه آن ها ترجیح می دهد:

أجلهم و أفضلهم الاستاذ العارف المتأله مولانا محسن الکاشی ثم الفاضل الألمعی شاه فتح اللّه بن هبه اللّه الجعفری، ثم والدی عن...(۲)

ص: ۱۲۲

۱– ۱ . از نامه منظوم فیاض به محمد سعید . رجوع شود به: دیوان فیاض لاهیجی، تصحیح ، پریشانزداده، ص ۳۷۶ – ۳۷۹.

۲– ۲ . طبقات اعلام الشیعه (الکواکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره) ، ص ۳۱۰ .

علاقه و ارتباط روحی استاد و شاگرد به هم موجب می گردد که مکاتباتی بین آن دو صورت گیرد که از جهت ادبی و مضامین عرفانی، در نوع خود، قابل توجه است. از تعداد مکاتبات بین فیض و محمد سعید اطلاعی نداریم . خوشبختانه از این مکاتبات چند نامه به دست ما رسیده است.(۱)

ناملایمات روزگار

در اصفهان محمد سعید ، با توجه به موقعیتی که برادرش در دربار داشت ، زندگی خوشی داشت ، اما دست تقدیر یکباره آرامش زندگی او و برادرش را بر هم ریخت. به قول حافظ:

راستی خاتم فیروزه بواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

دولت مستعجلِ حکیم کوچک و برادرش محمد حسین طبیب ، با مرگ شاه عباس دوم در بیست و ششم ربیع الثانی ۱۰۷۷ ه ق ، افول کرد ؛ چون آنان مسئولیت سلامتی شاه را بر عهده داشتند و با مرگ شاه عباس، خصوصا که وی در آخرین لحظه زندگی به مسمومیت خود تصریح نموده بود، انگشت اتهام به طرف محمد حسین طبیب که سرپرست گروه پزشکی شاه بود نشانه می رود و محمد سعید نیز به سبب پیوستگی به وی از گزند حوادث مصون نمی ماند. بلافاصله آن دو از مقام خود در دربار خلع و با قرار بازداشت و مصادره اموال ، به قم اعزام می شوند.

در مآخذ ایرانی ، تبعید محمد سعید به قم با عبارتی کوتاه و گذرا، ذکر گردیده است. برای نمونه ، نصرآبادی در این مورد چنین نوشته است:

در جلوس نواب اشرف - شاه صفی که بعد از شاه عباس به تخت سلطنت نشست - به سعایت بدگویان مؤاخذ شده ، مقرر شد ایشان را به قلعه الموت محبوس سازند . باز سلامت ذات ایشان باعث شده نواب اشرف ایشان رابخشیده در قم به طاعت و عبادت و تحصیل علوم و دعای دولت پادشاه مشغولند.(۲)

آذر بیگدلی نیز که هم شهری وی بوده، جرأت تفصیل نداشته و در یک

۱- ۱ . درباره این نامه ها بعدا توضیح داده خواهد شد.

۲- ۲ . تذکره نصر آبادی، ص ۱۶۸.

سطر می نویسد:

در سلک اطبای حاذق منسلک بوده آخر الامر از ملازمت اخراج و در قم به زیارت و عبادت مشغول بوده و در آن جا فوت شده.(۱)

شوالیه شاردن که هنگام تاج گذاری شاه سلیمان در دربار حضور داشته، در سفرنامه خود، جزئیات بیش تری از عزل دو حکیم قمی ارایه می دهد . شاردن نام محمد حسین را «محمد صالح» ضبط نموده است. وی می نویسد:

شاه – شاه سلیمان صفوی – همین که از ورود هیأت وزیران و درباریان آگاه شد، دستور داد میرزا صالح و میرزا کوچک ، اطبای شاه عباس ، در یکی از عمارات دولتی نزدیک حرم مقدس قم تحت نظر باشند و تا پایان عمر به شکرانه این که پس از مرگ شاه فقید کشته نشده اند ، در آنجا به دعاگویی ذات ملوکانه، و دوام دولت و سلطنش بپردازند و میرزا معصوم پسر صدر اعظم و متولی آستان حضرت معصومه علیهاالسلام قم ، تمام دارایی این دو طبیب را ضبط و صورت برداری کند و به دربار بفرستد. شاه برای گذران معیشت سالیانه آن دو، بیست هزار اکو معلوم و مقرر فرمود که این دو باید تا پایان عمر درآن عمارت زندگی کنند، از آن جا بیرون نشوند و به آن وجه قناعت کنند.(۲)

قاضی سعید گویا در این بیت خود به این دوران سخت نظر داشته است:

مرد رفعت جوی را ناراست بودن لازم است خم شود هر کس که از پستی به بالا می رود(۳)

او در این بیت ، به طریق کنایه می خواهد بفهماند که چون راست و حقیقت جو بوده ، به این روز دچار شده است و در زمانش جز با ناراستی و پستی نمی توان به مقامات بالا و رفیع نایل آمد. حکیم کوچک در اثر تبعید از اصفهان، از محضر دو استاد مورد علاقه خود ــ حکیم ملّا رجبعلی تبریزی و فیض کاشانی ــ محروم ماند و در حقیقت ، دوره تحصیل و رشد و کمال علمی وی در این جا پایان می یابد و پس از آن ، فصل جدیدی در زندگی وی شروع می گردد.

۱– ۱ . آتشکده آذر، ص ۲۲۰ . در ریاض العلماء ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ نیز به این مطلب تصریح شده است.

۲– ۲ . سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۵، ص ۱۶۶۵.

۳– ۳ . تذکره نصر آبادی، ص ۱۶۸.

او در اثرِ خوابی ، که گویا در حبس می بینـد، تصـمیم می گیرد عمر خود را صـرف شـرح احـادیث و معارف اهل بیت علیهم السـلام نمایـد و نگارش شـرح «اربعین حدیثا» (چهل حدیث) خود را در سال ۱۰۷۹ ه ق – دو سال بعـد از تبعیـد از اصـفهان – شروع می کند.

بعـد از مدتی، دربار متوجه خطای خود درباره این دو برادر حکیم و طبیب می شود و دلجویانه آن ها را دوباره به اصـفهان فرا می خواند و محمد سـعید از سوی شاه سـلیمان به سـمت قضاوت قم منصوب می شود و از آن به بعد، حکیم کوچک به قاضی سعید قمی مشهور می گردد، که تفصیل آن در ادامه این نوشتار خواهد آمد.

بخش دوم: خاندان محمد سعید

محمد مفید قمی (پدر)

از سـرگذشت محمد مفید اطلاع چندانی در دست نیست. همین اندازه می دانیم که او در سـلک عالمان دین ، مشـهور به شیخ محمد مفید و نام پدرش محمد حسـین بوده است. محمد مفید وقتی به اصـفهان وارد می شود با یکی از دوسـتانش به نام حاج عبـدالعلی تاجر شـیرازی مواجه می شود و او از وی تقاضای شـرح کتاب تهـذیب المنطق تفتازانی را می نمایـد . او نیز اقدام به شرح این کتاب نموده و آن را «غنیه الادیب فی شـرح منطق التهذیب» نامگذاری می کند. این شرح به فارسی است و شیخ آغا بزرگ نسخه ای از آن را که تا مبحث کلیات خمس را شامل بوده ، در نجف مشاهده نموده است.(۱)

محمـد مفید قمی، تحصـیلاتش را در قم انجام داده و در نزد مولی حاج حسـین یزدی ـ زمانی که وی در آخر عمر از تدریس در مشهد مرخص و در مدرسه معصومیه قم مشغول تدریس بود ـ تحصیل و از وی اجازه نقل روایت دریافت نموده است.

محمد مفید دو فرزند فرزانه از خود باقی گذاشت . فرزند ارشد خود را به احترام پدرش ، «محمد حسـین» نام نهاد و فرزند دوم او «محمد سعید» ، ملقب به قاضی سعید و حکیم کوچک است که از پدرش اجازه نقل روایت دارد.

از تاریخ وفات شیخ محمد مفیدقمی اطلاعی در دست نیست.

۱- ۱ . الذریعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۵.

حکیم محمد حسین قمی (برادر)

وی برادر مهتر قاضی محمد سعید قمی است. او سرپرست پزشکان شاه عباس صفوی (جلوس ۱۰۵۲ _ مرگ ۱۰۷۷ ه ق) بود و در تیم پزشکی وی ، برادرش محمد سعید نیز فعالیت می کرد و به جهت این که کوچک تر از او بود ، به حکیم کوچک شهرت یافت. حکیم محمد حسین، رشته اصلی تحصیلی اش طبابت بود ، ولی از استادان پزشکی وی اطلاعی نداریم. او در حکمت و تفسیر نیز دست داشته و بعد از آن که، ملّا رجبعلی تبریزی به حکم شاه عباس دوم از بغداد به اصفهان آمد و در مدرسه شیخ لطف اللّه، تدریس فلسفه را آغاز نمود، همراه برادرش محمد سعید در درس وی حاضر شد و یکی از مهم ترین شاگردان وی محسوب گردید ، به طوری که افندی در شمارش شاگردانش ملّا رجبعلی ، او را پس از ملّا محمدسراب تنکابنی ، در ردیف دومین شاگرد وی ذکر می کند.

محمد حسین طبیب در تفسیر نیز دستی داشت و تفسیری به فارسی بر قرآن کریم نگاشته که مفصل بوده و شیخ آقا بزرگ نسخه آن را در نجف مشاهده نموده است.

طبیب قمی که از ندیمان شاه عباس دوم و سر دسته تیم پزشکی او بود، پس از درگذشت شاه عباس در بیست و ششم ربیع الثانی ۱۰۷۷ ه ق . از سمت خود برکنار و پس از مصادره اموال ، در قم تحت نظر مأموران محبوس شد ، ولی پس از مدتی برای طبابت به دربار شاه سلیمان در اصفهان فراخوانده شد و در این سمت از دنیا رفت. بنابراین ، وفات وی بین سال های ۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ ه ق . اتفاق افتاده است.

فرزندان

قاضی سعید دو فرزند داشت به نام های ابوطالب و صدرالدین . صدرالدین که گویا به سبب اقامت طولانی در مشهد مقدس خود را صدرالدین محمد الشریف الرضوی(۱) می نامید، در اواخر عمر در حرم حضرت معصومه ، در آرامگاه سلاطین

۱– ۱ . او در سال ۱۱۳۲ نسخه ای از جلد سوم اصول کافی پدرش را استنساخ نموده است.

صفوی، اصول کافی تدریس می کرد و یکی از شاگردان این درس، ملّا عبداللّه شوشتری (صاحب الاجازه الکبیره) است. او در سال ۱۱۴۸ ه ق . به عنوان قاضی آذربایجان منصوب و برای شرکت در مراسم تاج گذاری نادرشاه ، به دشت مغان رهسپار می شود و در این سفر شاگردش ملّا عبداللّه شوشتری نیز همراه وی بود، ولی او در بین راه، راهی آخرت می شود و جان می سپارد.(۱)

صدرالدین چند سال سمت مدرس رسمی آستان حضرت معصومه علیهاالسلام را بر عهده داشته و در سال ۱۱۳۹ هق . همراه میرزا عبداللّه و در سال ۱۱۴۸ هق . با میرزا علی نقی ، عهده دار این مقام بوده و در آن مکان شریف به تدریس اصول کافی اشتغال داشته و به همین جهت به میرزا صدرالدین مدرس مشهور بوده است.

بخش سوم: استادان قاضی سعید قمی

۱ . ملاّ رجبعلی تبریزی

قاضی سعید نزد فیلسوفان مشایی عصر خود و همچنین شاگردان فلسفی ملّاصدرا، تحصیل علم نمود. روش هر دو گروه از استادانش در افکار فلسفی و علمی وی نمایان است. او حکمت مشاء را نزد نماد شاخص این فکر در اصفهان ، ملّا رجبعلی تبریزی متخلص به واحد فرا گرفت.

ملّا رجبعلی در مقابل حکمت متعالیه موضع گیری نمود و قائل به اشتراک لفظی وجود گردید و حرکت جوهری را انکار نمود. او علاوه بر قاضی سعید ، شاگردان دیگری مانند : میر قوام الدین تهرانی (صاحب عین الحکمه) ، میر قوالدین کلیم ، ملّا عباس (صاحب اصول الفوایـد) ، محمد رفیع پیرزاده (که تقریرات ملّا رجبعلی را به نام «معارف الهیه» تحریر نموده است) و محمد بن عبدالفتاح تنکابنی (معروف به سراب و متوفای ۱۱۲۴ ه ق) راتربیت نمود ، ولی آن ها نتوانستند اندیشه های ملّا رجبعلی را ترویج و توسعه دهند.

ملّا رجبعلی اصالتا اهل تبریز است . وی مدت ها شهرهای مختلف جهان را

۱- ۱ . طبقات اعلام الشیعه (الروضه النضره)، ص ۳۸۲.

سیاحت نموده و سر انجام در بغداد ساکن و در آن جا مدت ها مشغول ریاضت و تزکیه نفس بوده است. او پس از چندی ، به درخواست شاه عباس صفوی، بغداد را ترک می کند و در محله عباس آباد اصفهان ساکن می شودو در مدرسه شیخ لطف الله اصفهان ، مشغول تدریس حکمت می گردد.

شاه عباس به ملّا رجبعلی عنایت ویژه ای داشت و برخی اوقات او را به خلوت فرا می خواند و گاهی نیز خود به منزل ایشان می رفت. ملّا رجبعلی درسال ۱۰۸۰ ه ق . دار فانی را وداع گفت. نصرآبادی در تاریخ وفات وی چنین گفته:

شهر تقوی و علم و دانش را کرد ملّا رجبعلی خالی(۱)

ملّا رجبعلی ، طبق سیره حکیمان مشایی ، از مشارکت در امور اجتماعی و دخالت در کارهای فرمانروایان خودداری نمی کرد . و به همین جهت ، او با شاه عباس صفوی رابطه خوبی داشت . و شاگردان وی ، خصوصا قاضی سعید ، نیز همین شیوه را ادامه دادند و در امور اجتماعی و تحولات سیاسی عصر خود نقش آفریدند که بعدا ذکر خواهد شد. قاضی سعید، رساله ای را که استادش ملّا رجبعلی در اشتراک لفظی وجود نگاشته ، به عربی ترجمه نموده و در آغاز آن ، از وی با عنوان «استاذنا الحکیم الالهی» تعبیر کرده و ترجمه خود را برهان قاطع نام نهاده است.

۲ . ملّامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ – ۱۰۹۱ ه ق)

دیگر استاد قاضی سعید ،ملّامحسن فیض کاشانی است. فیض در زندگی علمی خود جامعیت قابل توجهی داشته و در تفسیر حدیث، اخلاق،فلسفه، ادبیات و عرفان صاحب نظر بوده و در هر یک، آثار قابل توجهی از خود به یادگار گذارده است.(۲) قاضی سعید اندیشه های حدیثی و توجه و اهتمام به شرح احادیث را از فیض اندوخته و در شرح اربعین خود مکرر از او یاد کرده است.

ص: ۱۲۸

۱- ۱ . از عدد مصرع اول که برابر با ۱۴۹۶ است ، اگر حروف کلمه «ملّا رجبعلی» را که برابر ۴۱۶ است کم کنیم عدد ۱۰۸۰ به دست می آید که تاریخ وفات ملّا رجبعلی است.

۲- ۲ . برای آگاهی از آثار فیض، به کتاب ارزشمند و محققانه «فهرست های خودنوشتِ فیض کاشانی» تحقیق و تصحیح جناب آقای محسن ناجی نصر آبادی، مراجعه شود.

قاضی سعید رساله اول اربعینات خود را به فیض هدیه نموده است:

الرساله الاولی و هی رساله الصلوه للهدیه الی حضرت استاذنا فی العلم الالیه مولانا محمد محسن اعلی اللّه درجته .(۱)

بین قاضی سعید و استادش فیض، نامه هایی رد و بدل شده، که برخی از آن ها در دست است.(۲)

قاضی سعید علاوه بر تحصیل درنزد فیض، از او اجازه نقل روایت دارد و در اجازه به شاگردش محمد کریم از آن یاد می کند.

۳ . مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی

مولی عبدالرزاق ، حکیم ، متکلم و ادیب نامیِ لاهیجان است، ولی تحصیلات و خدمات علمی و اجتماعی اش در قم صورت گرفته است و در همین شهر در سال ۱۰۷۲ ه ق. دار فانی را وداع و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است . او حکمت را نزد پدر زن خویش، ملّا صدرا ، فرا گرفت . از شاگردان فلسفی وی حداقل دو نفر را می شناسیم: فرزندش میرزا حسن قمی و قاضی سعید قمی.

در مورد شاگردی قاضی سعید نزد فیاض، جای هیچ شک و تردیدی نیست.(۳) میرزا عبداللّه افندی، قاضی سعید را شاگرد فیاض دانسته است.(۴) مهمتر از همه، تصریحی است که فیاض در اشعارش ، در موارد متعدد به این مطلب نموده و

۱- ۱ . مقدمه اربعینات (مخطوط) .

۲- ۲ . در کتاب خانه دانشگاه تهران (نسخه خطی شماره ۲۸/۴۶۰۲ ، برگ های ۳۵۶-۳۶۱) نامه ای به فارسی از قاضی سعید به فیض و دو پاسخ از فیض به وی موجود است. (فهرست ۱۴/۳۵۳۳) که همین نامه ها از روی این نسخه به تصحیح مدرسی طباطبائی در مجله وحید ، سال ۱۱(۱۳۵۲ ش) ، شماره ۶، ص ۶۶۷ – ۶۷۸ منتشر شده است. هم چنین در کتاب خانه آیه الله مرعشی (مجموعه شماره ۹۴۰۷) که به خط علم الهدی فرزند فیض تحریر شده چند نامه از فیض به قاضی سعید و بالعکس موجود است. هم چنین نامه ای که در پاسخ قاضی نوشته شده گویا از فیض، در کتاب خانه دکتر اصغر مهدوی موجود است. نسخه های خطی ، دفتر دوم، ص ۱۷۸ .

۳- ۳ . مصحح محترم کتاب شرح توحید صدوق در مقدمه جلد سوم این کتاب در این باره تردید نموده و در کتاب ستارگان حرم ج ۲، ص ۵۶ نیز تحصیل قاضی سعید نزد فیاض مستبعد شمرده شده است.

۴- ۴ . ریاض العلماء، ج ۲ ، ص ۱۵۳.

متذکر شاگردی قاضی سعید نزد وی و علاقه بیش از حد وی به او شده است:

فیاض چو نظر به سراپای دل فکند هر جا که دید جلوه میرزا سعید بود(۱)

فیاض ز میرزا سعیدم چو تشنه جگر ز آب محظوظ(۲)

بدین وسیله که میرزا سعید ما تنهاست چه خوب کرد که فیاض رفت از دل(۳)

میرزا سعید در دوران پیری فیاض، به خدمت وی رسید و با میرزا حسن پسر فیاض، هم درس و هم بحث بود. بعد از مدتی ، فیاض آن ها را به محضر فیض که از او جوان تر بود، راهنمایی می کند . وقتی قاضی سعید به خدمت فیض می رسد ، نشاط علمی مجلس فیض که به نیروی جوانی فیض نیز قوت دو چندان می یافت، فیاض را از یاد قاضی سعید می برد. فیاض از این بی توجهی شاگردش آزرده خاطر می گردد و شکوایه ای به نظم ، خطاب به قاضی سعید می نگارد:

بی التفاتیت به زبان داده شکوه ای کز شرم گشته رشته جان محو پیچ و تاب

نخلی که من به شیوه جان پروریده ام زهرم به لب چرا بچکاند چو شهد ناب

وقتی که بود در کف من همچنان گذشت اکنون منم پیاده و پای تو در رکاب

گفتی که بریده ام طمع از استفاده اش خم را چه غم که شیشه نخواهد از و شراب

آن را که احتراز منش می دهی به یاد ای کاشکی ز غیر منش بودی اجتناب

یوسف نگاه داشتن از گرگ لازم است ورنه چه سود خانه چشم پدر خراب(۴)

میرزا سعید پاسخی منظوم به شکوایه استادش داده که چند بیت آن چنین است:

ای آن که در محافل دانش کلام تو دُردی کشان جام سخن را دهد شراب

نگذاشت فکر عقده گشای تو مشکلی عمری است کز سؤال مقدر دهد جواب

گفتی که گفته ام ز تو مستغنیم کنون من چون بگویم این سخن و گفتن العجاب

مه را ز آفتاب جدایی چه احتمال گل در هوای باغ بماند به آب و تاب

در خوابگاه جهل کنون خفته بودمی بر چهره آبروی توام گر نمی زد آب

تو بحر دانشی و دل من حباب آن از موج شکوه چند کنی خانه ام خراب

۱- ۲ . همان، ص ۳۲۲.

۲- ۳ . همان، ص ۲۷۴.

۳- ۱ . دیوان فیاض لاهیجی، ص ۱۵۳.

۴- ۴ . همان، ص ۳۷۸.

فیاض در جواب قاضی سعید، قطعه دیگری می سراید که از آن برمی آید از پاسخ قاضی سعید قانع نگشته و شکایت هم چنان باقی است:

ای آن که در کف تو ورق چون رخ نگار بی خامه می زند رقم نقش خط بر آب

گفتی جواب قطعه من آن چنان که نیست یک نکته جز تواضع این ذره ناصواب

لیکن زیاده از حد آزار بنده بود چندین نبود ناله من موجب عتاب

این بود مطلبم که جوانی و نوبهار چشم ادب مباد ز غفلت رود به خواب

از من اگر به فیض رسیدی هنر ز توست مه را رسد که نور پذیرد ز آفتاب

فیض از خدا و مبدأ فیاض هم خداست در جدول است لیک به تدریج سیرآب

کردی گر استفاده ز من بهتری ز من مه در شب چهارده کم نیست ز آفتاب

شاگرد کامل به از استاد هم بسی است مشعل شود فروخته از شمع در حساب

حاصل کز ین سوال که در بند فکر توست چون غنچه دوختی لب نطق من از جواب(۱)

این سه مکتوب منظوم ، گواه محکمی است بر شاگردی قاضی سعید نزدِ فیاض لاهیجی. شاگردی قاضی سعید نزد فیاض بیش از دو یا سه سال نبایـد باشد ، زیرا فیاض در سال ۱۰۷۲ ه ق. در ۲۳ سالگی قاضی سعید در گذشته است و اگر فرض کنیم که فیاض چنـد سالی هم بر اثر کهولت سن ، ترک تـدریس کرده است بنابراین قاضی سعید در سنین پانزده تا بیست سالگی در درس وی شرکت کرده و بعد از آن ، به خدمت فیض رسیده و به همین دلیل است که نقش فیاض در شکل گیری شخصیتِ علمی قاضی سعید کمتر بوده وقاضی سعید در آثارش آرای وی را، بر خلاف دو استاد دیگرش ملّا رجبعلی تبریزی و فیض کاشانی، نقل ننموده است.

۴ . سید کمال شاهی شیرازی

سید کمال الدین شاه فتح اللّه بن هبه اللّه بن عطاء اللّه حسنی حسینی شاهی شیرازی ، از سلسله شاهیه شیراز بوده و در سال ۱۰۹۸ ه ق . در اصفهان، دار فانی را وداع گفته است . قاضی سعید از وی اجازه نقل روایت دارد، همچنان که در اجازه اش به محمد کریم، یادآور آن شده است.(۲)

ص: ۱۳۱

۱- ۱ . همان، ص ۳۷۹.

۲- ۲ . الذریعه ۳/۷۱ قم ۲۱۱ و طبقات اعلام الشیعه (الکواکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره) ص ۳۱۰.

۵ . پدرش ، محمد مفید قمی

قاضی سعید ضمن بر شمردن مشایخ روایی خود ، پدرش را جزء مشایخ خود ذکر نموده است.

بخش چهارم: خدمات اجتماعی

اشاره

قاضـی سـعید بر خلاـف دو اسـتادش فیض و فیـاض ، از حکیمـان و فیلسوفـانی است که منافـاتی بین عرفـان و فلسـفه با مشاغل اجتمـاعی نمی دیـده است . او بـا کمـال مهارت در این دو فن ، در مسـئولیت های اجتماعی عصـر خود صاحب نقش بوده و تا آخر عمر مسئولیت هایی را عهده دار بوده است .فعالیت های اجتماعی او را در چند محور می توان بیان نمود:

الف) پزشکی

اولین مسئولیت اجتماعی وی، شرکت در تیم پزشکی شاه عباس صفوی است. سرپرستی این تیم را برادر بزرگ محمد سعید بر عهـده داشت که امتیـاز مهمی را برای او و برادرش فراهم آورد . او سـمت حکیم باشی شـاه عبـاس را بر عهـده داشت. حکیم باشـی از موقعیت های ویژه ای نزد شاه برخوردار بود و ریش سفید پزشکان دربار و در مجالس عمومی و خصوصی همراه شاه بود. گرفتن نبض شاه در هر روز به دست او انجام می شد و حقوق و پاداش و عضویت پزشـکان در تیم پزشکی یا اخراج آنان به دست وی بود. او عطارباشـی دربـار را هم نصب می کرد و اگر طبیـبی غیر وارد به این شـغل اقـدام می نمود او وی را از آن کـار باز می داشت . همچنین اگر بیگلر بیگیان ایالات ، از دربار طبیب درخواست می کردنـد انتخاب و اعزام پزشک به عهـده حکیم باشی بوده است.(۱)

روشن است که حکیم باشی با این وظایف و اختیارات زیاد، دارای حقوق و

مزایای فوق العاده ای بوده است. شاردن که در عصر صفوی و دوره شاه عباس صفوی از ایران دیدن کرده، مستمری پزشکان حقوق بگیر از خزانه شاه را بالغ بر ۲/۵۰۰/۰۰۰ لیور (بیش از ۵۵۵/۵۵ تومان) برآورد می کند . طبعا وی پیشکش هایی که به طور تصادف و بر سبیل اتفاق به آنان داده می شد ، در این حساب ملحوظ نکرده است.

برادر قاضی سعید در دربار شاه عباس از چنین امکانات و اختیارات فوق العاده ای برخوردار بود و قاضی سعید نیز با توجه به موقعیت برادرش ، موقعیت خوبی در دربار داشته است.

با توجه به همین موقعیت خاص این دو برادر در دربار، افندی در ریاض العلما در شرح آن ها چنین می نویسد:

و أما الحکیم محمد حسین فکان فی زمن السلطان شاه عباس الثانی الصفوی رأس الاطباء و رئیسهم و کان معظما عند ذلک السلطان فی الغایه و قد صار ندیمه و جلیسه... و أما الحکیم محمد سعید فکان مثل أخیه معظما عند السلطان المذکور.(۱)

منصب به این مهمی، خطرِ در گذشت شاه بر اثر بیماری را نیز داشت که اغلب پزشکان دربار عصر صفوی و قبل از آن با آن مواجه بودند . در صورت فوت شاه ، پزشکان از سمت خود بر کنار می شدند و تمامی دارایی شان مصادره می شد. قاضی سعید و برادرش نیز با مرگ شاه عباس به این سرنوشت دچار شدند که قبلاً تفصیل آن ذکر گردید.

محمد سعید، بعد از برادرش ، تا آخر دوره شاه سلیمان صفوی در این حرفه باقی بود و علاوه بر آن از طرف دربار، سمت قضاوت و شیخ الاسلامی را نیز دریافت نمود، ولی در نهایت ، باز مغضوب دربار گردید و در سنین آخر عمر به قم تبعید و محبوس گردید تا دار دنیا را وداع کرد.

افندی در ریاض العلماء با اشاره ای گذرا ، این مطلب را گزارش داده - معلوم است که جرأت تفصیل نداشت - و با جمله «و آل امره ایضا الی ما آل امر اخیه و لکن اقام بقم الی أن مات بها»(۲) آن را گزارش داده و گویا همین امر موجب گردیده که شرح حال

۱- ۱ . ریاض العلماء، ۲/۲۸۴.

۲- ۲ . همان .

نویسان حتی جرأت ثبت وفات وی را نداشته و شخصیتی چنان مشهور کارش به جایی برسد که تاریخ فوتش در هیچ کتابی درج نشده است .

درباره میزان اطلاع و مهارت قاضی سعید در پزشکی، از دو مطلب استفاده می شود که وی مهارت بالایی در پزشکی داشته است:

۱ . بیش تر شرح حال نویسان وی را با لقب حکیم ، که در مقابل برادر بزرگش حکیم کوچک ، نیز می گفتند یاد کرده اند که نشان از مهارت و توانایی وی در پزشکی دارد.

۲ . مدحی که استادش فیاض ، در ضمن شکواییه از شاگردش ، از طبابت وی نموده که پیش تر نقل گردید .

ب) قضاوت

محمد سعید مدت ها سمت قضاوتِ شهرِ قم را عهده دار بوده و به همین دلیل به قاضی سعید مشهور شده است. انتصاب او به این سمت از سوی دربار در سال ۱۰۹۹ هق . در پنجاه سالگی صورت گرفت . قاضی سعید در همین سال تدوین اربعینات خود را در اصفهان آغاز نمود . وی در سال ۱۱۰۵ ه ق . به سمت شیخ الاسلامی شهر قم منصوب شد . این که او با این سمت، سمت قبلی خود را حفظ نموده یا نه، معلوم نیست. به هر حال ، محمد سعید حداقل به مدت ۶ سال در این سمت باقی بود. و گویا این سمت در خاندان او بوده که فرزندش صدرالدین در سال ۱۱۴۸ هق . به سمت قاضی القضاتی آذربایجان منصوب شده است.

ج) تدریس

از دیگر خدمات اجتماعی قاضی سعید قمی، تدریس علوم دینی بود. از محل دقیق درس و موضوعات و کتاب های تدریس شده وی اطلاعی نداریم ؛ ولی همین اندازه می دانیم که این درس ها در قم تشکیل شده و چند تن از قمیان نزد وی کتاب های او را درس گرفته اند. از اجازه ای که او برای دو تن از شاگردانش صادر

نموده ، معلوم می شود که در سالهـای ۱۰۹۵ تا ۱۰۹۹ ه ق . مشـغولِ تدریس شرح توحید خود بوده و بعد از سال ۱۰۹۹ ه ق . که به سـمت قضاوت قم منصوب شده ، گویا فراغت بیش تری یافته و مشـغول تألیف و تدریس جلد سوم شرح توحید گردیده و در ۱۱۰۷ هق آن را به پایان رسانیده است.

بازماندگان قاضـی سـعید در قم ، منصب تدریس رسـمی آسـتان حضـرت معصومه علیهاالسـلام را عهده دار بودند . فرزند او ، صدرالدین قمی سال ها در آن مکان مقدس تدریس اصول کافی را بر عهده داشت.

د) شیخ الاسلامی

منصبی که قاضـی سـعید در آخرین سالهای عمر خود متصدی آن گردیده ، شـیخ الاسلامی شهر قم است . این منصب در سال ۱۱۰۵ ه ق . به قاضـی سعید تفویض شده و تا سال ۱۱۰۷ ه ق . ــ که وی جلـد سوم شـرح توحید خود را به پایان رسانیده ، در آخر آن تصریح نموده که این سال دومین سال شیخ الاسلامی وی بوده ــ این سمت را عهده دار بوده است .

شایان ذکر است که در ذی حجه سال ۱۱۰۶ ه ق . علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسـی (متوفای ۱۱۱۰ ه ق) مقارن دومین سال سـلطنت شاه سـلطان حسـین صـفوی ، به شـیخ الاسـلامی اصفهان منصوب گردید(۱) و پس از آن ، تغییرات مهمی در مناصب شیخ الاسلامی شهرها به وجود آمد . در این زمینه ابوالحسن قزوینی چنین می نویسد:

... آنچه ملّا محمـد باقر مجلسـی عرض می نمود به اجابت مقرون بود. طریقه صوفیه ، از آن جمله توحیـد خانه که متصل عالی قاپو بود ، موقوف فرمود، جمیع مشایـخ صوفیه را از اصـفهان بیرون کردند ؛ از جمله علامه زمان ملّا صادق اردسـتانی با بیسـت نفر از شـاگردان معتبراو که از جمله آن هـا یکی شـیخ محمـد علی حزین لاهیجی است ، از اصـفهان اخراج کردنـد، و از باقی ممالک محروسه نیز آن چه صوفیه و مریدانشان بودند، بدر کردند.(۲)

۱- ۱ . دین و سیاست در دوره صفوی، رسول جعفریان، ص ۴۱۲.

۲- ۲ . فواید الصفویه ، ابوالحسن قزوینی ، ص ۷۸ .

بعید نیست در اثر این تغییر و تحولات، قاضی سعید از منصب خود برکنار شده و زندگانی را در قم به انزوا ، به پایان رسانیده باشد. جمله افندی در ریاض العلماء به این مطلب اشاره کرده است: «و آل امره الی ما آل امر اخیه و لکن أقام بقم الی أن مات بها» .(۱) این که فرزند وی صدرالدین بعد از سقوط صفویه ، در دوره نادری مورد توجه قرار گرفته و تفویض سمت مدرسی آستانه قم و قاضی القضاتی تبریز به وی ، می تواند نشانه مغضوب بودن پدرش در پایان کار صفویان باشد ؛ یعنی به دلیل مخالفت پدرش با مشرب عالمان دوره اواخر صفوی، پس از انقراض صفویه که مخالفان صفویه روی کار آمدند. فرزندان وی نیز مورد توجه قرار گرفته اند.

ه) یخچال قاضی

از اقدامات اجتماعی قاضی سعید، تأسیس یخچال در قم بود. محمد تقی ارباب بیک در این زمینه چنین می نویسد:

یکی از یخچال های قم ، یخچال قاضی است... سالی در آخر تابستان ، قاضی سعید فرستاده بود نزد صاحبان یخچال باغ رئیس کمال که این قلیل یخ را برای من بگذارید. جواب گفته بودند: کسی که چنین حکمی می کند باید خود یخچال بسازد. چون به سمع او رسید ، جواب داده بود که راست گفته اند. از شدت تسلط و کثرت مایه معین کرده در دو ماه میزان و عقرب یخچال ساخته می شود بی نظیر در قم تا حال. (۲)

ارباب بیک کتابش را در سال ۱۲۹۵ ه ق . نگاشته و گویا تا زمان وی این یخچال باقی بوده است . اکنون نیز در قم محله یخچال قاضی معروف است و گویا یخچال قاضی سعید در آن منطقه قرار داشته است. احداث این یخچال باید در سال های ۱۰۹۵ تا ۱۱۰۷ ه ق . که قاضی سعید سمت قضاوت شیخ الاسلامی قم را به عهده داشته، صورت گرفته باشد که عبارت «از شدت تسلط» ارباب بیک بر آن دلالت دارد.

و) تکیه فیض

در سال ۱۰۶۸ ه ق . که به امر شاه عباس ، تکیه فیض(۳) در اصفهان ساخته می شد،

۱- ۱ . ریاض العلماء، ۲/۲۸۴.

۲- ۲ . تاریخ دار الایمان قم ، محمد تقی بیک ارباب ، ص ۹۶ .

۳- ۳ . تکیه های اصفهان، در آغاز محل زندگی و خانقاه یک عارف و یا محل گردهمایی گروهی از درویشان بود. دایره المعارف تشیع ، ماده «تکیه».

قاضـی سعید از طرف شاه مأمور گردید که از وجوه حلال و بی شبهه، املاك و آبادی های مرغوب خریداری و بر تکیه مزبور وقف نماید.(۱) (۲)

تکیه فیض ظاهرا در تخت فولاد بوده و میرزا مؤمن شهرستانی ماده تاریخ آن را چنین گفته:

چون ساخت شهنشاه جهان تکیه فیض شد اهل صلاح را مکان تکیه فیض

مؤمن، پی تاریخ سال اتمامش گفت خالی است ز نامقیدان تکیه فیض(۳)

بخش پنجم: آثار

قاضی سعید بیش از چهل اثر از خود به یادگار گذارده است . آثار قاضی سعید را می توان به دو دوره تقسیم کرد.

دوره اول: از آغاز رشـد و نمو علمی تا رسیدن به سی سالگی (یعنی از سال ۱۰۴۹ تا ۱۰۷۹ ه ق) در این دوره ، قاضـی سعید علاوه بر تحصیلِ علم ، به سرودن اشـعار و نگاشتن آثار پارسی اشتغال داشته است . بیش تر اشعار قاضی مربوط به این دوران است . که نمونه آن مکاتبه منظوم با استادش فیاض لاهیجی، مثنوی خورشید و مه پاره و مثنوی بت خانه سومنات است. تنظیم دیوان نیز محصول همین دوره از زندگی وی است که توضیح آن بعدا خواهد آمد.

آثار طبی که ایشان دراین دوره نوشته اند ، عبارتند از: رساله تشریح عظام الراسی و الفك الاعلی.

قاضـی در ایـن دوره ، در مثنـوی خورشـید و مـه پـاره کـه در دهه سـوم عمرش سـروده، تصـریح می کنـد که کـار او شـاعری نیست؛بلکه او استاد علوم طبیعی و الهی و

ص: ۱۳۷

۱- ۱ . کلید بهشت، مقدمه سید محمد مشکوه، ص ۹ . به نقل از روضه الصفای ناصری، ج ۸، ص ۱۰۰.
۲- ۲ . فیض کاشـانی (متوفای ۱۰۹۱ ه ق) در سال ۱۰۶۴ ه ق . به دسـتور شاه عباس راهی اصـفهان شد و در سال ۱۰۷۱ ه ق . شاه عباس دوم دستور تعمیر مسجد جامع اصفهان را صادر و تولیت آن را به فیض واگذار نمود. فهرست های خودنوشتِ فیض کاشانی، محسن ناجی نصر آبادی ، ص ۳۰ .
۳- ۳ . سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۹ . به نقل از تذکره نصر آبادی، ص ۴۵۳ و ۴۸۶.

پزشکی است.

دوره دوم: از تبعید به قم تا پایان عمرش، (۱۰۷۸ تا ۱۱۰۷ ه ق) در این دوره ، قاضی سعید بر اثر خوابی، رویه علمی گذشته را کنار می گذارد و از پزشکی و شاعری روی گردان می شود و به تفسیر احادیث و نگاشتن اثر در این زمینه می پردازد. او اولین اثر خود را در این زمینه با نام «شرح اربعین حدیثا» در سی سالگی - ۱۰۷۹ ه ق- آغاز می کند و پس از آن ، اثر بزرگ خود «شرح توحید صدوق» را شروع می کند که تا پایان عمر بدان اشتغال داشته است.

اکنون آثار به جا مانده از قاضی سعید را - تا آنجا که بدان دست یافته ام - به ترتیب حروف تهجی ، ذکر و در ذیل هر کدام خصوصیات هر کدام درج می شود .

۱ . الاخبار المستعضله و الاحادیث المستصعبه

نسخه ای از رساله «اربعون حدیثا» قاضی سعید قمی در کتاب خانه ملک تهران وجود داشته که در فهرست آن کتاب خانه(۱) با عنوان بالا معرفی گردیده و پس از آن در مصادر دیگر تصور شده که این عنوان نام اثر دیگری از قاضی سعید است.

۲ . اتحاد عاقل و معقول

محمد علی بامداد در مقدمه چاپ سنگی «اربعون حدیثا» قاضی سعید ، از مجموعه ای خطی یاد می کند که شامل چند اثر قاضی سعید از جمله «رساله ای در اتحاد عاقل و معقول» می شده است ؛ ولی هم اکنون نه از آن مجموعه خبری هست و نه از نسخه دیگری از این رساله اثری.

۳ . اربعون حدیثا

اولین اثر علمی و مشهورترین تألیف قاضی سعید است. این اثر را قاضی در سال ۱۰۷۹ ه ق . در سی سالگی، شروع نموده و بنا داشته که چهل حدیث مشکل را در آن شرح و تفسیر نماید ؛ ولی تا پایان عمرش موفق به تکمیل آن نشده است.

سرآغاز این شرح چنین است: الحمد اللّه الذی اغنانا بمعادن حکمته عن زخارف الدنیا و...

ص: ۱۳۸

۱- ۱ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه ملی ملک ، ج ۱ (چاپ دوم) ، ص ۱۹.

قاضی سعید در این اثر که فقط ۲۳ حدیث را در آن شرح نموده، ۱۲ حدیث را از توحید شیخ صدوق، ۲ حدیث از علل شیخ صدوق و ۲ حدیث از مجمع البیان نقل کرده است و از تحف العقول، بصائر الدرجات، احتجاج طبرسی و صحاح اهل سنّت هر کدام یک حدیث و دو حدیث را بدون مأخذ ذکر نموده است.

قصد مؤلف از این تألیف، تفسیر احادیث مشکل و دشوار بوده و به دنبال جست و جو و بررسی سند آن نبوده است. مؤلف در اثنای این شرح ، تصمیم گرفت کتاب توحید صدوق را به تفصیل شرح نماید . وی به همین جهت ، نگارش این شرح را نیمه تمام رها کرد . از عبارت قاضی در جلد دوم شرح توحید که در سال ۱۰۹۹ ه ق . نگاشته می گوید:

و فی نیتی ان اتصدی لبیانها – ان شاء اللّه . فی شرحی للاحادیث الاربعین (۱)

به دست می آید که او در سال ۱۰۹۹ ه ق . تصمیم به تکمیل اربعین خود داشته ؛ ولی موفق به آن نشده و بیش از ۲۷ حدیث را شرح نکرده است.

شرح اربعین دچار یک آسیب دیگر نیز گردیده و در اثر حوادث روزگار ، چند حدیث (حدیث های ۱۹ – ۲۲) از لابه لای کتاب مفقود گردیده و مصحح محترم این کتاب – که تصحیح آن را از روی چاپ سنگی و نسخه خطی انجام داده – به این چهار حدیث دسترسی پیدا نکرده و چاپ جدید کتاب نیز فاقد آن است.(۲)

این کتاب تاکنون دو بار به چاپ رسیده است: بار اول در سال ۱۳۵۵ ه ق . به صورت چاپ سنگی و بار دوم در سال ۱۳۷۹ ه ش . با تصحیح آقای نجفقلی حبیبی ، از سوی دفتر نشر میراث مکتوب ، منتشر گردیده است.(۳)

یکی از شاگردان قاضی به نام حسنعلی بن عبد اللّه بن حسین تستری، حاشیه ای بر اربعین قاضی نوشته که آغا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۱۵۱ ، از آن

۱- ۱ . مقدمه شرح الاربعین، ص ۳۴.
۲- ۲ . تاکنون ۲۵ نسخه از اربعین قاضی سعید شناسایی گردیده که تفصیل آن در فهرستگان نسخ خطی علوم حدیث که از سوی موسسه دارالحدیث در دست انتشار است، قابل دسترسی است.
۳- ۳ . اساس تصحیح آقای نجفقلی حبیبی ، نسخه چاپ سنگی و نسخه های خطی کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره ۷۳۵۱ و کتاب خانه ملی، شماره ۱۵۲۲ و کتاب خانه مجلس، شماره ۴۸۹۶ (که این شماره نسخه که در مقدمه محقق ذکر شده صحیح نیست ؛ زیرا در فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج ۱۴، ص ۴۳ این شماره روضه الصفا معرفی شده است) بوده است.

یاد نموده است.

۴ . الاربعینات لکشف انوار القدسیات

قاضـی سعید در سال ۱۰۹۹ ه ق . تصـمیم می گیرد آثـار کوتـاه خود را در مجموعه ای با نام «الاربعینات» جمع آوری کنـد. او مقدمه ای بر اربعینات نوشته و در این باره چنین آورده است:

الحمـد لا یحوم حول مشـرع غیوبه و مهمه شـهوده... فجمعت ذخایر فی دفاتر متفرقه و نظمت دراری فرائـد من نظام التفرقه، ثم رایت ان اضع اربعین کنزا من صفایه هذه اللئالی، فهذه رسایل ارباب الشهود .

قاضـی بنا داشت ۴۰ اثر خود را دراین مجموعه آثـار جمع آوری نمایـد، ولی حوادث روزگـار با وی مساعـدت نکرد و نسـخه موجود از این مجموعه فقط ۱۰ رساله را در بر دارد که عنوان آن ها چنین است:

۱ . روح الصلاه ؛

۲ . الکشف عن القرائات السبع یا اشاره و بشاره ؛

۳ . الفواید الرضویه در شرح حدیث رأس الجالوت ؛

۴ . مرقاه الاسرار ؛

۵ . النفحات الالهیه و الخواطر الالهامیه ؛

۶ . المقصد الاسنی ؛

۷ . الانوار القدسیه ؛

۸ . الحدیقه الوردیه، السوانح المعراجیه ؛

۹ . البرهان القاطع ؛

۱۰ . الطلایع و البوارق یا البوارق الملکوتیه .

قاضی دهمین رساله را در سوم صفر ۱۱۰۳ ه ق . به این مجموعه ملحق نموده است.

۵ . اسرار الصلاه

قاضـی سعید در چند رساله ، در بیان حقایق و رموز نماز و اسرار آن مطالبی نگاشت و آن ها را «حقیقه الصلوه یا روح الصلوه»

نامید ــ در ذیل همین عنوان معرفی

ص: ۱۴۰

خواهد شد ـ سپس آن را بسطی داد و «اسرار الصلوه» نامید که رساله حاضر است. او همچنین در پایان جلد دوم در شرح توحید صدوق ، اسرار عبادت ها را ذکر کرد که نماز یکی از آن هاست و پس از آن ، در کتاب اسرار العبادات همان مطلب را تکرار نمود . آغاز رساله اسرار الصلاه چنین است: «الحمد الله و الصلاه علی رسوله و اهل بیته آل اللّه، فالعبد المفتاق الی اللّه الولی و المعتصم بالنبی و الوصی».

۶ . اسرار الصنایع

دایره المعارفی است در منطق ، کلام ، فقه و ذکر مراتب و اهمیت هر کدام. او تصریحِ نموده که در تدوین این کتاب از حقایق الصنایع میر فندرسکی بهره جسته است.

سرآغاز: الحمد اللّه الذی انطقنی بمحاسن الکلمه و الکلام و عصمنی عن التنطق.

نسخه ای از این رساله که در سال ۱۰۸۵ ه ق . تحریر شده و شامل بخش اسرار فقه است ، در مدرسه نمازی خوی به شماره ۹۴۶ نگهداری می شود .

۷ . اسرار العبادات

قاضی سعید دراین رساله ، اسرار نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را بیان نموده است . او ابتدا ، این مطالب را در پایان جلد اول شرح توحید صدوق (۱)ذکر نموده، سپس آن ها را به صورت مستقل در رساله حاضر بیان کرده است.

سر آغاز: الحمد الذی تجلی لعباده من غیر ان یری...

این رساله به وسیله سید محمد باقر سبزواری تصحیح و تحقیق و از سوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹ ه ش . در ۲۸۹ صفحه وزیری ، همراه با رساله حقیقه الصلوه مؤلف ، منتشر شده است.

۸ . اشاره و بشاره یا اختلاف القرائات یا الکشف عن القرائات السبع

دومین رساله ای است که قاضی سعید در مجموعه اربعینات خود درج نموده است . تألیف این رساله در جمادی الثانی ۱۰۸۸ ه ق . و درج آن در اربعینات در غره جمادی ۱۰۹۹ ه ق . صورت گرفته است . وی درباره عنوان و موضوع آن

۱- ۱ . شرح توحید صدوق، قاضی سعید قمی، ص ۵۷۵ - ۷۴۵.

چنین گفته: «اشاره بشاره فی حقیقه اختلاف الواقع فی القرائات السبع» . روشن است که موضوع رساله، بحث در اختلاف قرائت های هفت گانه قرآن کریم است ؛ اما مؤلف از این موضوع به بحث تحریف قرآن منتقل گردیده و نظریه دقیقی را در این زمینه ارائه کرده است. استاد حائری در معرفی این رساله ، به این مطلب اشاره و اظهار داشته است:

موضوع رساله اشاره و بشاره ، حل اختلاف اخبار است درباره تحریف و نقص قرآن و مصنف نظریه دقیق و مبتکری در این باره مبتنی بر چند مقدمه عرفانی ذکر کرده است .(۱)

سر آغاز: الحمد للّه الذی نجم القرآن و سبّع ذلک التبیان.

۹ . اختلاف القرائات

نام دیگر رساله «اشاره و بشاره» است.

۱۰ . الاشتراک اللفظی فی معانی اسماء اللّه تعالی

این کتاب در الذریعه ، ج ۱۱، ص ۷۸ ، از آثار قاضی سعید ، عنوان گردیده است . گویا مراد ، برهان قاطع است که ترجمه پارسی رساله استادش ملا رجبعلی تبریزی است در اشتراک لفظی وجود .

۱۱ . الاصل الصیل (اصول آصفیه)

این رساله که اصول آصفیه نیز نامیده می شود، تألیف ملارجبعلی تبریزی است؛ ولی در برخی منابع ، به اشتباه ، به قاضی سعید قمی نسبت داده شده است. این رساله در کتابِ «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» ، ج ۱، ص ۲۷۱ - ۲۴۴ ، به چاپ رسیده است.

۱۲ . الانوار القدسیه

این رساله ، رساله هفتم از الاربعینات است . مؤلف آن را در غره محرم سال ۱۰۸۵ ه .ق در قم به پایان رسانده است . در آن سه مبحث با عنوان های «نور» و هر نور در چند بخش با عنوان های: فتوح، درباره هیولی، نفس و عقل و دیگر فواید، بحث

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مجلس شورای ملی، ج ۴، ص ۳.

شده است .

سرآغاز: الحمد للّه آتانا الحکمه لکی نتوصل بها الی ما لدیه .

۱۳ . بت خانه سومنات

مثنوی ای است که درباره بت خانه سومنات سروده است . این بت خانه در شهر گجرات هند بود و سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد. خاقانی در این مورد می گوید:

سومنات ظلم را محمود وار برق زد تا ابرسان آمد به رزم (۱)

۱۴ . البرهان القاطع و النور الساطع

رساله نهم از الاربعینات است و قاضی سعید در آن، رساله ای را که استادش ملارجبعلی تبریزی دراشتراک لفظی وجود، به عربی نگاشته بود به پارسی برگردانده است. این رساله حاوی یک مقدمه و پنج مطلب و یک خاتمه است و قاضی در آن از استادش ملا رجبعلی با عبارت «استاذنا حکیم الهی» یاد می کند.

۱۵ . البوارق الملکوتیه

عنوان دیگری از رساله «الطلایع و البوارق» است.

۱۶ . ترجمه منتخب مرآت الزمان

تنها نسخه این اثر در کتاب خانه ملک تهران موجود است. در فهرست آن کتاب خانه ، در معرفی آن چنین آمده:

ترجمه منتخب مرآه الزمان: ترجمه محمد شریف قاضی قمی، و اصل کتابی است در جغرافیا و غرایب جهان ، در یک مقدمه و پنج باب ، مقدمه در بیان صورت عالم و شکل زمین، باب اول در ذکر دریاها و جزیره ها و رودها (سه فصل) ، باب دوم در ذکر بنای شهرها و عمارت ها (یک فصل)، باب چهارم غرائب امور انبیا و عجایب احوال پادشاهان و هدایا و تحف ایشان و ذکر کاهنان (چهار فصل)، باب پنجم در ذکر عجائب متفرقه (سه فصل) .(۲)

آغاز: «شیرین ترین حکایتی که چاشنی بخش کام تلخ کامان سرگشته در صحاری

ص: ۱۴۳

۱- ۱ . لغت نامه دهخدا، واژه «سومنات».

۲- ۲ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران ، ج ۱۷ ، ص ۲۰۹ ، نسخه شماره ۸۷۴۲.

معرفت باری...».

۱۷ . تشریح عظام الراسی و الفک الاعلی

رساله ای است در طب که قاضی آن را ، به نام شاه صفی ، در یک مقدمه و چند فصل و تحقیقات و خاتمه ، تألیف کرده است. نسخه یگانه این رساله در ضمن مجموعه ای از آثار قاضی در دانشگاه تهران موجود است. (۱)

سرآغاز رساله چنین است:

بسمله و به ثقتی. الحمدللّه الذی تحیر عن ادراک جلاله عقول العالمین.... اما بعد فیقول... محمد سعید بن محمد باقر الطبیب لما رایت تشریح العظام... امرا مشکلاً .

۱۸ . تعلیقات اثولوجیا

تعلیقه های کوتاهی است بر کتاب «اثولوجیا» تألیف شیخ یونانی افلوطین . چهار میمَر از این تعلیقات را استاد علامه سید جلال الدین آشتیانی در حاشیه اثولوجیا (چاپ انجمن حکمت و فلسفه، سال ۱۳۵۶) به چاپ رسانده است .(۲)

۱۹ . التوحید یا تفسیر سوره توحید

از این اثر تاکنون نسخه ای شناسایی نگردیده، ولی قاضی در کتابش «اسرار العبادات» به تألیف این کتاب تصریح نموده است:

الاولی ان نذکر اولاً تفسیر سوره التوحید، لکن لما کان ذلک قد وقع منّا فی باب معقود فی شرحنا لتوحید الصدوق ثم جعلناه مجموعا فی رساله منفرده لکثره مباحثه و فنون ذوایره.

شیخ آغا بزرگ نسخه ای از این اثر را ملاحظه نموده و آغاز آن را چنین نقل کرده است:«الحمدللّه رافع درجات العالمین و مرجح میزانهم علی العالمین»(۳)

۲۰ . جبر و اختیار

ص: ۱۴۴

---

۱ - ۱ . فهرست کتاب های خطی کتاب خانه ملی ملک ، ج ۲ ، ص ۱۴۴ ، نسخه شماره ۵۳۴ . گویا منظور از کتاب مرآه الزمان، همان کتاب مرآه الزمان فی تاریخ الاعیان تألیف سبط ابن جوزی است که چندین نفر آن را تخلیص کرده اند. ر ک: کشف الظنون ج ۲ ، ص ۱۶۴۷.

۲ - ۲ . چند نسخه موجود از این تعلیقات عبارتند از: نسخه کتاب خانه دانشگاه تهران ۳/۲۰۹ و ش ۳۶۶۲ ،کتاب خانه ملک ۱/۱۵۷.

۳- ۳ . الذریعه، ۴/۴۷۹.

مرحوم بامداد، مجموعه ای از آثار قاضی را، ملاحظه نموده که این رساله در ضمن آن بوده ؛ ولی پس از آن، تاکنون نسخه ای از آن شناسایی نشده است.

۲۱ . جنسیه العرض

میرداماد معتقد است عَرَض ، جنس است برای مقولات نه گانه عرضی. قاضی در رساله حاضر، نظریه مذکور را رد نموده است. آغاز:

استدل السید الداماد تغمده اللّه بغفرانه... علی جنسیه العرض بانه لو کان عرضیا للتسع لازما لها .

۲۲ . حاشیه شرح اشارات

قاضی، حاشیه ای بر شرح اشارات خواجه نصیرطوسی نگاشته که ناتمام مانده است.(۱)

۲۳ . حاشیه کافی کلینی

یکی از فضلا ــ بنا به اظهار خودش ــ نسخه ای از آن را در تملک دارد.

۲۴ . الحدیقه الوردیه فی السوانح المعراجیه

رساله هشتم از «الاربعینات» است که در آن حدیثی را از علل الشرایع شیخ صدوق درباره آفرینش گل سرخ از عرق حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و آفرینشِ گل زرد از عرق مرکب آن حضرت در شب معراج ، شرح نموده است. این شرح شامل سه حدیقه است: آغاز:

الحمد للّه الذی تعرج الملائکه و الروح الیه فی یوم کان مقداره خمسین الف سنه.

۲۵ . حقیقه الصلوه یا روح الصلوه

رساله کوتاهی است در اسرار نماز که قاضی سعید قبل از رساله اسرار الصلوه، آن را تألیف نموده است. این رساله ابتدا در حاشیه شرح هدایه اثیریه ملا صدرا، ص ۳۵۷ به بعد، به صورت چاپ سنگی و پس از آن به ضمیمه اسرار العبادات، از ص ۲۷۰ تا ۲۸۶ به صورت حروفچینی شده به چاپ رسیده است. آغاز:

بعد الحمد و الصلوه علی رسول اللّه... محمد المد عو بسعید الشریف القمی.

تألیف این رساله در سیزدهم شوال سال ۱۰۸۶ ه ق . به پایان رسیده و پس از آن

١- ١ . رياض العلما، ٢/٢٨٥.

قاضی سعید، آن را به عنوان رساله اول اربعینات، قرار داده و در مقدمه، آن را به استادش، فیض کاشانی، تقدیم نموده است.

۲۶ . خورشید و مه پاره یا گل رعنا

مثنویِ بزمی و عرفانی است از عشقِ خورشید و مه پاره ، در حدود ۳۳۰۰ بیت . قاضی در این مثنوی «حکیم» تخلص نموده و آن را به نام شاه عباس در دهه سوم زندگانی خود ؛ یعنی بعد از سال ۱۰۶۹ ه ق . سروده است.

او بنا داشت خمسه ای به نام پنج دسته گل بسراید که این مثنوی، اولین مثنوی آن است ؛ ولی گویا موفق به سرودن بقیه مثنوی ها نگردیده است.

موضوع این مثنوی داستان عشق دو دلداده ای است به نام خورشید و مه پاره و محل جغرفیایی آن شهر ری است.

آغاز این مثنوی چنین است:

ای قبله نمای عشق بازی معشوق حقیقی و مجازی

یاد تو بهشت اتش افروز سودای تو شمع انجمن سوز

وی به تخلص خود چنین اشاره می کند:

لطف کس بی کسان شیداست بی چاره حکیم سخت تنهاست

و مثنوی را چنین به پایان می برد:

گویی که حکیم خوب گفتی چون گل ز بهار ما شکفتی

هم باد زمانه بر مرادش هم ساغر عیش نوش بادش

از این مثنوی تاکنون شش نسخه شناسایی شده است .(۱)

۲۷ . دیوان اشعار

قاضی در ادب پارسی و سرودن شعر،مقام والایی داشت .افندی دراین زمینه می نویسد:

«و قد کان شاعرا منشئا جیدا» (۲)

قاضی در دوران جوانی بیش تر شعر سروده است. او در دوران جوانی مکاتبه

۱ – ۱ . فهرست نسخه هـای خطی فارسـی ، منزوی ، ج ۴ ، ۴۰۲۸ و ۳۱۲۴ . همچنین ر ك: منظومه هـای فارسـی ، ص ۲۵۱ و فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان ، ج ۷ ، ص ۸۵۲.

۲– ۲ . ریاض العلما، ۲/۲۸۴.

منظوم با استادش فیاض لاهیجی داشته و همچنین مثنوی های بت خانه سومنات و خورشید و مه پاره را سروده که پیش از این ذکرش گذشت.

علاوه بر مثنوی های مذکور، قاضی برای خود دیوان شعری تنظیم کرده که صائب تبریزی متوفای (متوفای ۱۰۸۰ ه ق) در تقریظی که بر آن نوشته چنین سروده است:

هر نسخه مناسبت به دردی دارد این نسخه هزار درد را درمان است

از این تقریظ معلوم می شود که قاضی قبل از سال ۱۰۸۰ ه ق . دیوان خود را تنظیم کرده است. واله داغستانی که گویا دیوان قاضی سعید را رویت نموده، تعداد ابیات آن را ۱۰۰۰۰ بیت ذکر کرده است . طبعا نسخه ای را که واله دیده ، مثنویات بلند قاضی را شامل می شده است. قاضی دراشعارش «تنها»، «حکیم» و «سعید» تخلص می کرد . و نسخه یگانه دیوان وی در کتاب خانه دانشگاه تهران به شماره ۳۴۴۵ نگهداری می شود .(۱) این نسخه دارای ۱۰۵ برگ ۱۵ سطری و قریب ۳۰۰۰ بیت شعر است. در آن ابتدا ، چند رباعی و یک قصیده و پس از آن غزلیات شاعر به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و پس از غزلیات چند رباعی و یک مثنوی آمده است .

همچنین اشعاری از ایشان در تذکره لطایف الخیال محمد نصیر نصرت (۲) (حدود دویست الی سیصد بیت) ، تذکره نصر آبادی (نه بیت) ، در تذکره روزِ روشن (۵ بیت) و در تذکره خوشگوی هندی (۲۷ بیت) و مجله نامه قم ، شماره ۹ ، مقاله فاضل گرامی جناب آقای محمد علی مجاهدی ، (۶۴ بیت) درج شده است.

۲۸ . روح الصلوه

عنوان دیگری از «رساله حقیقه الصلوه» است.

۲۹ . شرح اصطلاحات المتکلمین

شرح «اصطلاحات المتکلمین» شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه ق) (۳) است . نسخه ای از این کتاب در کتاب خانه راجه محمد مهدی فیض آبادی در هند ، به شماره ۳ موجود است. (۴)

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه دانشگاه تهران ، ج ۱ ، ص ۲۴۵۶ .

۲- ۲ . نسخه ای از این تذکره در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی موجود است (ر. ک: فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مجلس ۳/۴۵۰).

۳- ۳ . الذریعه، ۲/۴۹۵.

۴- ۴ . همان، ۱۳/۹۳.

۳۰ . شرح توحید صدوق

مفصل ترین اثر قاضـی سعید قمی، شرح توحید صدوق است که چکیده افکار خود را در این شرح درج نموده است. این شرح در چهار جلد است، بدین ترتیب:

جلد اول: شرح باب اول و دوم از کتاب توحید .

جلـد دوم: از باب سوم «فی الواحـد و التوحیـد و الموحـد» تا باب بیست و پنجم معنی آیه «و نفخت فیه من روحی» . تألیف این جلد در پنجم محرم سال ۱۰۹۹ در اصفهان پایان یافته است .

جلـد سوم: از بـاب بیست و شـشم «نفی المکـان والزمان و السـکون» شـروع و به باب « فی انه عزو جل لا یعرف الا به» ختم می شود . مؤلف این جلد را در ۱۸ رمضان ۱۱۰۷ در دومین سال شیخ الاسلامی خود در شهر قم به پایان رسانیده است .

جلـد چهـارم: بقیه کتـاب را شامل است. این که جلـد چهارم از این شـرح، تألیف گردیـده یا نه، مورد تردیـد است ؛ ولی گویا مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی در کرمانشاه جلد چهارم آن را رؤیت کرده است:

رایت منذ اکثر من نسخه، احداها أربع مجلدات کلها موجوده فی کرمانشاه اثنان منها عند العلامه حیدرقلی خان الشهیر بالسردار الکابلی و آخر ان عند بعض الساده هناک . (۱)

سه جلـد موجود این شـرح بـا تحقیق و تصـحیح دکتر نجفقلی حبیبی ، در سه جلـد از سوی وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، (جلد اول در سال ۱۴۱۵ ه ق. در ۸۷۶ ص با تعلیقات ملاعلی نوری و جلد دوم در سال ۱۴۱۶ ه ق. در ۹۲۰ ص و جلد سوم در سال ۱۴۱۹ ه ق . در ۷۱۲ ص) منتشر شده است.

۳۱ . شرح حدیث

قاضـی سعید علاقه و اهتمام زیادی به تفسیر و رمزگشایی احادیث مشکله داشته و شروح متعددی بر آن ها نگاشته که برخی از این شـروح به انـدازه یک صـفحه و برخی به اندازه چند جلد است . وی برخی از آن ها را با عنوان مسـتقل نامگذاری نموده و برخی

۱– ۱ . الذریعه، ۱۳/۱۵۳.

نیز با عنوان شرح حدیث معروفند. یکی از این شروح به نام «شرح حدیث»(۱) در سه برگ و بدون هیچ توصیفی ثبت شده است.

۳۲ . شرح حدیث «بساط»

عنوان دیگری از شرح «حدیث الغمامه» است.

۳۳ . شرح حدیث «رأس الجالوت»

عنوان دیگری از «الفوائد الرضویه» است.

۳۴ . شرح حدیث «ان الرحم معلقه بالعرش»

۳۵ . شرح حدیث «الریا شرک و ترکه کفر»

۳۶ . شرح حدیث «فی الرضا عن کتاب مصباح الشریعه»

۳۷ . شرح حدیث «نمله یا النمیله»

آغاز: بمسله روی الصدوق شیخنا القمی فی کتاب علل الشرایع با سناده...

۳۸ . شرح حدیث «مسح یا مسحیه»

آغاز: الحمد للّه هو للحمد اهل و الصلوه علی بعثیه الذی احبری من کوثر الحیوه

۳۹ . شرح حدیث «الصوم لی یا صومیه»

آغاز: للّه الماحامد الخالصات و للرسول الصلوات الزاکیات.

نسخه یگانه این شش شرح، در مجموعه ای که عکسی از آن به عنایت دوست گرامی شیخ علی فاضلی در اختیار نگارنده قرار گرفته، موجود است .

۴۰ . شرح حدیث «عمران صابی»

شرحی است بر حدیثی که شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت نموده و حاوی پرسش های عمران صابی و جواب های امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون الرشید است.

سرآغاز: بسمله روی الشیخ الاجل صدوق فی کتابه عیون اخبار الرضا علیه السلام

۴۱ . شرح حدیث «الغمامه» (شرح «حدیث البساط»)

شرح حدیثی که سلمان فارسی درباره معجزات حضرت علی علیه السلام نقل نموده که به مضمون آن ، ابری از آسمان به امر علی علیه السلام نازل و بر زمین گسترده شده و تعدادی از

ص: ۱۴۹

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه ملی ملک، ج ۹ ، ص ۳۴۳.

یاران امام بر روی آن نشسته و ابر بلند می شود و... . این شرح را مؤلف در اصفهان در ۵۰ سالگی خود در سال ۱۰۹۹ ه ق . تألیف نموده و در برخی مآخذ به عنوان رساله یازدهم اربعینات معرفی شده است.

۴۲ . شرح حدیث من کتاب الاحتجاج

شرح حدیثی است از کتاب احتجاج طبرسی، مشتمل بر چند بارقه در ۶ برگ. آغاز:

روی شیخنا الطبرسی فی کتاب الاحتجاج باسناد عن ثوبان، انه قال این یهودیا جاء الی رسول اللّه ....

۴۳ . شرح حدیث «من اخلص للّه اربعین صباحا»

در فهرست نسخ خطی کتاب خانه ملك (ج ۶ ، ص ۱۴۳) رساله ای با این نام به قاضی سعید نسبت داده شده که بعد از تفحص روشن گردید که رساله سیر و سلوك منسوب به سید مهدی بحر العلوم است.

۴۴ . شرح رساله العلم

شرح مختصری است با عنوان های «قوله – قوله» بر «رساله العلم» افلوطین (فیلسوف یونانی). آغاز:

نحمدك یا من مغیب النفوس أغننا و نشکرك یا مبدع العقول و خالق المحسوس فنحن نسبحک کثیرا فی حظیره القدس.

۴۵ . الصومیّه

عنوان دیگری از شرح حدیث صوم است.

۴۶ . الطلایع و البوارق یا البوارق الملکوتیه

در باره تحقیق حقایق امکانیه و این که صورت انسانیت بهترین آن هاست. این رساله را قاضی سعید در سال ۱۰۹۵ ه ق . در اصفهان در بازگشت از سفر خراسان تألیف کرده و در سوم صفر سال ۱۱۰۳ ه ق . به عنوان دهمین رساله ، به اربعینات ملحق نموده است. آغاز: الحمد للّه واهب العلم و الصور...

۴۷ . علم الهی و تحقیق

در موضوع مسائل و مقصد علم الهی . مرحوم بامداد در نسخه ای که در تهران رویت نموده، از این رساله خبر داده است . پس از آن ، از سرنوشت این رساله خبری

در دست نیست.

۴۸ . الفرد الکامل

در این که حقایق دارای فردی است که کامل ترین افراد آن حقیقت است در یک شجره و دارای چند فاکهه.

آغاز: یا من منه المحامد ثم یرجع عواقب الثناء الیک....

۴۹ . «الفوائد الرضویه» (شرح حدیث «رأس الجالوت»)

شرح حدیث مشهوری به نام رأس الجالوت . در این رساله ، رأس الجالوت پرسشی از امام رضا علیه السلام درباره توحید نموده و امام رضا به آن پاسخ داده است. امام خمینی (ره) تعلیقات مفصلی براین شرح نگاشته ، که از سوی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، همراه اصل شرح ، به چاپ رسیده است. قاضی سعید این رساله رادر سال ۱۰۸۴ ه ق . به پایان رسانیده و در روز سه شنبه چهاردهم ربیع الاول سال ۱۰۹۹ ه ق . به عنوان سومین رساله به اربعیناتش ملحق نموده است.

آغاز: الحمد للّه الواحد الاحد و الفرد المتفرد الذی توحید بالتوحید فی توحده...

۵۰ . الکشف عن القرائات السبع

عنوان دیگری است از «رساله اشاره و بشاره» .

۵۱ . کلید بهشت یا مفتاح الجنان

به فارسی و در موضوع مبدأ و معاد ، که برای عموم مردم نگاشته است. در برخی مصادر ، این رساله را از تألیفات ملارجبعلی تبریزی دانسته اند و در برخی اظهار نظر شده که رساله ملا۔ رجبعلی «مفاتیح الجنان» نام داشته و به عربی بوده و در رساله حاضر به فارسی برگردانده شده است. این کتاب با تصحیح مرحوم سید محمد مشکوه، از روی نسخه دانشگاه تهران منتشر شده است .(۱) هم اکنون با توجه به شناسایی نسخ جدید، تصحیح مجدد این رساله ضروری است. این اثر تا آن جا که ما اطلاع داریم، تنها اثر پارسی قاضی سعید به نثر است. آغاز:

بسمله . لا اله الا اللّه له الکبیریاء و الاسماء الحسنی. خداوندا! زبان را از لاف و

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه دانشگاه تهران ، ج ۳ ، ص ۳۲۱ .

بیان را از گزاف و دل را از زنگ خلاف پاک و صاف گردان.

۵۲ . مرآت العارفین فی ملتمس زین العابدین

در فهرست نسخ خطی کتاب خانه ملک (ج ۵ ، ص ۴۶۹) این رساله به قاضی نسبت داده که صحیح نیست ؛ زیرا از تألیفات محیی الدین ابن عربی است.

۵۳ . مرقاه الاسرار

رساله چهارم از اربعینات، در بیان قدم و حدوث و مسأله «ربط حادث به قدیم» ، در دو درجه و یک خاتمه که تألیف آن در دهم ذی قعده ۱۰۸۴ ه‍ ق . مطابق با جمله «مرقاه سرّ دلیل» پایان یافته است.

آغاز: الحمد للّه العالم بکل الاشیاء رب العالمین الارواح و النفوس...

۵۴ . مسحیّه

عنوان دیگری از رساله شرح حدیث «مسح» است.

۵۵ . المقصد الاسنی

ششمین رساله از اربعینات، در باره حرکت و حقیقت آن ، در دو مقصد ، که در سال ۱۰۸۸ ه‍ ق . تألیف و در اربعین ۱۰۹۹ ه‍ ق . به اربعینات ملحق شده است.

آغاز: الحمد للّه رب العالمین، هذه عجاله فی تحقیق الحرکه و وجودها...

۵۶ . النفحات الالهیه و الخواهر الالهامیه

رساله پنجم اربعینات که در محرم سال ۱۰۸۴ ه‍ ق . تألیف گردیده و در هفتم ربیع الثانی ۱۰۹۹ _ هنگام توقف مؤلف در اصفهان _ به اربعینات ملحق شده است.

آغاز: بعد الحمد للّه واهب العلم و العقل و الصلوه علی خاتم الرسل و آله و خیر آل و اهل...

۵۷ . نملیه

عنوان دیگری از شرح حدیث «نملیه» است.

بخش ششم: مکاتبات واجازات

الف) مکاتبات

قاضی سعید نامه هایی است برای معاصران خود نگاشته است که از تعداد و

مخاطبان آن ها اطلاعی در دست نیست. آنچه از نامه های قاضی در دست ما است ، مکاتبه منظومی است که خطاب به استادش فیاض لاهیجی نوشته و دو نامه به نثر است که به فیض کاشانی ــ یکی را در تقاضای دستوری از وی و دیگری را در پاسخ نامه وی ــ نگاشته است.

نامه منظوم قاضی به فیاض در دیوان فیاض لاهیجی و دو نامه قاضی به فیض در مجله وحید ، سال یازدهم ، ۱۳۵۲ ش ، شماره ۶ ص ، ۶۶۷-۶۷۸ ، به تصحیح آقای مدرسی طباطبائی از روی نسخه شماره ۴۶۰۲ دانشگاه تهران (۱)و پس از آن از روی تصحیح وی ، در مقدمه شرح الاربعین (تصحیح آقای حبیبی) به چاپ رسیده است.

در مجموعه خطی شماره ۹۴۰۷ کتاب خانه حضرت آیه الله مرعشی ــ که به خط علم الهدی فرزند فیض تحریر گردیده ــ برخی از مکاتبات فیض و قاضی سعید موجود است.

ب) اجازات

قاضی از چند تن از استادان خود ، از جمله فیض کاشانی و شاه فتح اللّه شیرازی و پدرش محمد مفید ، اجازه نقل روایت دریافت نموده که متأسفانه نسخه ای از این اجازات به دست ما نرسیده است و تنها اطلاعی که ما از آن ها داریم تصریحی است که خود قاضی سعید در اجازه به یکی از شاگردانش ، نموده است:

أجلهم و أفضلهم الأستاد العارف المتأله مولانا محسن الکاشانی، ثم الفاضل الألمعی شاه فتح اللّه بن هبه اللّه الجعفری، ثم والدی عن الأستاد الفاضل العلامه مولانا حاج سید الیزدی. (۲)

قاضی سعید به چند تن از شاگردان خود، اجازه نوشته که برخی از آن ها تصدیق شرکت در درس و برخی ، اجازه نقل روایت است. از جمله آن ها ، این اجازات در دست است:

۱ . اجازه به مولی محمد کریم شریف فرزند شفیع

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران ۱۴/۳۵۳۳

۲- ۲ . طبقات اعلام الشیعه (الکواکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره)، ص ۳۱۰.

قاضی سه بار برای وی اجازه نوشته است: بار اول در آخر شوال سال ۱۰۹۵ ه ق . بار دوم در یازدم رمضان ۱۰۹۶ ه ق . که در هر دو تصدیق قرائت جلد اول شرح توحید صدوق را نموده ،(۱)بار سوم در سال ۱۰۹۹ ه ق . که برای وی اجازه نقل روایت داده است . (۲)

۲ . اجازه به محمد مهدی

قاضی تصدیق شرکت وی را در درسِ جلد اول شرح توحید صدوق در حاشیه نسخه ای از این شرح نگاشته است. (۳)

۳ . اجازه به فرزندش صدرالدین بن قاضی سعیدقمی (متوفای ۱۱۴۸ ه ق) (۴)

ص: ۱۵۴

---

۱ - ۱ . این اجازه در پایان نسخه ای از جلد اول شرح توحید صدوق در کتاب خانه حضرت آیه اللّه مرعشی به شماره ۲۹۳ موجود است. و اجازه اولی از روی همین نسخه در مقدمه شرح توحید صدوق ۱/۸ به چاپ رسیده است.

۲- ۲ . شیخ آقا بزرگ نسخه ای از این اجازه را رویت نموده است. الذریعه ۱/۱۹۶.

۳- ۳ . این نسخه در کتاب خانه مجلس شورای به شماره ۴۸۷۱ نگهداری می شود و از روی آن در مقدمه شرح توحید صدوق ۱/۸ چاپ شده است.

۴- ۴ . الاجازه الکبیره، سید عبداللّه جزایری، ص ۱۴۲.

۵. حکیم میرزا حسن لاهیجی قمی

اشاره

یکی از عالمان متعبد و حکیمان متشرع عصر صفوی، میرزا حسن لاهیجی گیلانی قمی فرزند ملا عبدالرزاق لاهیجی است .

پدر

او خلف صالح حکیم عارف، متکلم محقق، مولی عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی مشهور به فیاض است که قبل از این شرح حالش بیان گردید .

مادر

بدریه (متوفای ۱۰۹۰ ه ق) ، مادر میرزا حسن لاهیجی ، دختر ملاصدرای شیرازی است و در هیجدهم رمضان سال ۱۰۱۹ ه ق . چشم به جهان گشود .

وی ملقب به «ام کلثوم» بود و از زنان عالم و فاضل عصر خود به شمار می رفت. تحصیلاتش را نزد پدرش انجام داد و در حدود سال ۱۰۳۴ ه ق . به ازدواج فیاض لاهیجی درآمد و نزد وی به تکمیل تحصیلات پرداخت و در اغلب علوم ، استاد شد. می گویند وی با علما جلسات علمی برگزار و با فصاحت و بلاغت با آن ها بحث می کرد. او خواهر «صدریه» و «زبیده» است.(۱)

تاریخ و محل تولد

تاریخ دقیق تولد وی در دست نیست. شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمال داده که وی

۱- ۱ . مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی از آغاز تا مشروطه، محمد حسن رجبی، ص ۲۸.

در سال ۱۰۴۵ ه ق . به دنیا آمده است . محل تولدش نیز معلوم نیست . پدرش ساکن قم بود و در همین شهر با دختر ملا صدرا ازدواج کرد . به گمان قریب به یقین، میرزا حسن در شهر قم بدنیا آمده است. در ریاض العلماء به این مطلب تأکید شده است (۱).

تحصیلات و استادان

میرزا حسن تحصیلات خود را نزد پدر آغاز و چندین سال از محضر وی استفاده کرد ، اما از سایر استادان وی در کتاب های تذکره و شرح، چیزی ذکر نشده است از آثار وی نیز مطلبی در این زمینه به دست نمی آید.

این که قزوینی در «تتمیم امل الآمل» عنوان نموده که میرزا حسن هنگام فوت پدرش در سال ۱۰۷۲ ه ق. عاری از فضل و کمال بوده، و بعد از آن توسط شاگردان پدرش تربیت شد ،(۲) مطلبی است که چندان علمی و تحقیقی به نظر نمی رسد ؛ زیرا چند اثر علمی و تحقیقی از میرزا حسن در دست است که قبل از فوت پدرش (سال ۱۰۷۲ ه ق) تألیف نموده است ، مانند مجمع البحرین و حاشیه وافی فیض کاشانی و دیگر آثار، که در بخش آثار بدان ها اشاره خواهد شد.

میرزا حسن مدتی بعد از فوت پدر ، از شاگردان پدرش کسب فیض و به ظن قوی نزد حکیم قاضی سعید قمی و شوهر خاله خود، فیض کاشانی ، تحصیل نموده است.

او مدتی برای تحصیل به عتبات عالیات (نجف اشرف ، کربلا و سامرا) سفر نموده و در فقه و اصول نزد استادان عصر، شاگرد کرد ، اما تاریخ این سفر و استادان وی در این دیار معلوم نیست.(۳)

شاگردان

میرزا حسن لاهیجی پس از آن که مدتی را در عتبات عالیات به سر برد و نزد استادان بزرگ حوزه های علمیه نجف و کربلا استفاده شایان نمود و به مراحل والایی

ص: ۱۵۶

۱- ۱ . ر ک: ریاض العلماء، مولی عبدالّله افندی، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲- ۲ . تتمیم امل الآمل، ص ۱۰۸.

۳- ۳ . همان .

از علم و حکمت دست یافت، به شهر مقدس قم بازگشت و به مطالعه، تحقیق، تألیف و تصنیف کتب ارزشمند پرداخت و با تکیه بر کرسی تدریس همانند پدر، در مدرسه معصومیه قم، شاگردان فاضلی را تربیت نمود. دراین جا تنها به ذکر چند تن از این شاگردان که در کتب تراجم نامی از آن ها برده شده، بسنده می گردد:

۱ . میر عبدالرحمن فرزند سید کمال الدین

نصر آبادی در کتاب خود وی را از شاگردان میرزا حسن لاهیجی به شمار آورده و نوشته است که وی از سادات نجیب قم است. و هم اکنون نیز در نزد میرزا حسن مشغول تحصیل علم است.(۱)

۲ . سید مرتضی فرزند امیر روح الامین مختاری حسینی

به احتمال قوی ، او از شاگردان میرزا حسن لاهیجی است؛ چنان که در سال ۱۱۱۵ ه ق . بر کتاب استادش ، مصابیح الهدی و مفاتیح المنی حاشیه زده است .

۳ . محمد فرزند صفی الدین سید محمد حسینی

وی رساله «مجمع البحرین فی تطبیق العالمین» میرزا حسن لاهیجی را تحریر نموده و در آخر محرم سال ۱۱۰۴ آن را به اتمام رسانده و در آخر آن میرزا حسن لاهیجی به عنوان استاد خویش نام برده و از وی تجلیل نموده است.(۲)

۴ . میرزا محمد تقی شریف رضوی قمی

وی نوه پسری ملاصدرا، و پسرداییِ میرزا حسن لاهیجی است و در شهرقم نزد پسر عمه خویش، علم حکمت و حدیث آموخته است و از او ، اجازه نقل روایت نیز دارد.

آثار علمی

میرزا حسن مانند پدر خود در کلام، فلسفه، حدیث و فقه و عرفان صاحب نظر بوده و در هر کدام از این علوم آثار گرانقدری از خود به یادگار گذاشته است. فهرست آثار لاهیجی چنین است:

ص: ۱۵۷

۱- ۱ . تذکره نصر آبادی، ص ۳۶۵ و همچنین ر ک: طبقات اعلام الشیعه (الکواکب المنتشره)، آقا بزرگ تهرانی، ص ۱۸۰ و الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۹، ص ۶۸۶، رقم ۴۷۸.

۲- ۲ . فهرست کتاب های خطی کتاب خانه مجلس سنا ، ج ۱ ، ص ۱۴۴ .

۱ . شمع یقین یا آینه دین

شامل اصول پنج گانه اعتقادی به صورت مفصل در پنج باب، که باب امامت شرح و بسط بیش تری نسبت به سایر باب ها دارد. این اثر در سال ۱۳۰۳ ش در تهران به چاپ رسیده و نسخه های خطی آن فراوان است.(۱) این اثر مهم ترین اثر کلامی و اعتقادی لاهیجی به شمار می رود.

۲ . اصول دین یا اصول خمسه

این کتاب در حقیقت ، تلخیصی از شمع یقین مؤلف است و لاهیجی در آن، اصول پنج گانه اعتقادی را توضیح داده است.

۳ . سرّمخزون یا اثبات الرجعه

بحث مفصلی است در باره رجعت بر مبنای عقیده شیعه و با استفاده از آیات و روایات ، آن را اثبات کرده است.

۴ . دُرّ مکنون یا جواب الاعتراض

لاهیجی در این اثر، اعتراض اهل سنت را بر شیعیان، مبنی بر این که چرا حضرت علی علیه السلام به جهت نداشتن انصار قیام نکرد، لکن امام حسین علیه السلام با این که یار نداشت، قیام نمود؟ پاسخ داده است. (۲)

۵ . حاشیه بر شوارق الالهام پدرش

این حواشی به همراه شوارق الالهام به چاپ رسیده است.

۶ . رساله الزکیه الزکاتیه

درباره احکام زکات و مسایل آن.

۷ . هدیه المسافر

۱- ۱ . برای آشنایی بیش تر با این کتاب ارزشمند ، به مقاله «میرزا حسن لاهیجی و شمع یقین او» ، چاپ شده در مجله وقف میراث جاویدان، سال دوم (۱۳۷۳ ش)، شماره پنجم، ص ۸۸ - ۹۳ و فهرست نسخه های خطی فارسی، منزوی ج ۲ ، ص ۹۶۷، فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیت اللّه مرعشی ، ج ۲۷ ، ص ۱۸۹ و فهرست کتاب خانه تربیت تبریز، ص ۹۳ و فهرست کتاب های ادبی و عرفانی خطی کاخ گلستان، بدری آتابای، ص ۵۱۱ _ ۵۱۳ و الذریعه ، ج ۱۴ ، ص ۲۳۳، مراجعه شود.

۲- ۲ . این سه اثر (ردیف ۲ و ۳ و ۴) در ضمن رسایل فارسی حسن بن عبد الرزاق لاهیجی، در سال ۱۳۷۵ ه ق . منتشر شده است.

فتواهایی درباره احکام مسافر . از این رساله معلوم می شود که او قوه اجتهاد و استنباط احکام فقهی را داشته است.(۱)

۸ . رساله فی الغیبه

درموضوع غیبت و احکام و مسایل آن.

۹ . تزکیه الصحبه یا تألیف المحبه

ترجمه «کشف الربیه فی احکام الغیبه» شهید ثانی ، همراه مطالبی از لاهیجی.(۲)

۱۰ . جمال الصالحین

در دعا و زیارت ، نظیر زاد المعاد ملا محمد باقر مجلسی، شامل دیباچه و ۱۲ باب و هر باب شامل در چند فصل و در مجموع دارای ۱۳۲ فصل است . لاهیجی این اثر را در سال ۱۰۷۳ ه ق. تألیف نموده و در ماده تاریخ تألیف آن، این مصرع را سروده است:

جمال الصالحین مجموعه شد آداب ایمان را

این اثر به طبع رسیده و نسخ خطی آن فراوان است.

۱۱ . شرح صحیفه سجادیه

شرح مفصلی است بر صحیفه سجادیه در سه جلد بزرگ(۳) که جلد سوم آن در کتاب خانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)

۱۲ . تحفه المسافر

گزیده جمال الصالحین و در بر دارنده دعاهایی که به سفر و مسافرت مربوط است .

۱۳ . زواهر الحکم

درباره مسائل فلسفه به صورت استدلالی ، در یک مقدمه ، سه مقصد و سه باب هر کدام در چند مطلب. این رساله در ضمن جلد سوم منتخباتی از آثار حکمای ایران ، به چاپ رسیده است.

۱۴ . روایع الکلم و بدایع الحکم

در سه باب است . هر باب در چند مقصد و هر مقصد در چند مشکوه است . شاگرد

۱- ۱ . این اثر نیز در ضمن رسایل فارسی لاهیجی چاپ شده است.

۲- ۲ . این اثر نیز در ضمن رسایل فارسی لاهیجی چاپ شده است.

۳- ۳ . الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۱۳/۳۴۹.

۴- ۴ . فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ۱۵/۳۲۴.

لاهیجی، سید مرتضی بن امیر روح الامین حسینی مختاری، تعلیقاتی بر این اثر نگاشته است.(۱)

۱۵ . مصابیح الهدی و مفاتیح المنی

در این رساله ، مسائل فلسفه در یک مقدمه و سه باب ، با عناوین «مصباح – مصباح» ، به صورت استدلالی بیان شده است.

۱۶ . مصباح الدرایه

میرزا حسن در کتاب مصابیح الهدی از این کتاب یاد نموده ، لکن تاکنون نسخه ای از آن شناسایی نشده است.

۱۷ . مجمع البحرین

رساله کوتاهی است در بیان مسائل فلسفه به طرز بدیع و با عناوین ظریف. نگارش آن در سال ۱۰۷۰ ه ق . به پایان رسیده است.

۱۸ . الشجره المنهیه

رساله کوتاهی است در اثبات واجب الوجود . سبک این رساله شبیه مجمع البحرین و عناوین آن «حبه، فاکهه» است.

۱۹ . ابطال التناسخ بثلاثه براهین

رساله مختصری است که مؤلف در آن با سه برهان ، تناسخ را رد نموده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی نسخه ای از این رساله در ضمن کتاب های شیخ جعفر سلطان العلماء در تهران گزارش و رویت نموده است.(۲)

۲۰ . حقیقه النفس یا رساله در تجرد نفس ناطقه

در ردّ گفتار کسانی که تجرد نفس انسان را نفی می کنند و اثبات تجرد نفس.

۲۱ . آینه حکمت

به فارسی، در سه باب هر باب در چند فصل ، با این عنوان ها:

۱- ۱ . الذریعه ۴/۱۵۳ و ۶/۹۰ :نسخه های خطی موجود از روایع الکلم در مقدمه رسائل فارسی لاهیجی ص ۲۹ معرفی گردید. در اینجا باید متذکر شد که نسخه دیگری از آن در کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۸۸۳ موجود است و در فهرست نسخ خطی آن کتاب خانه ج ۳، ص ۲۹۸ معرفی شده است.

۲- ۲ . الذریعه ۱/۶۷ .

باب اول: تعریف و حقیقت حکمت و بیان فضیلت آن، در سه فصل.

باب دوم: در ذکر مسائلی که بر سر آن ها نزاع کنند، در ده فصل.

باب سوم: در ذکر بعضی اخبار و ذکر اقوال و احوال جمعی از علماء که صریح یا مشعر است به فضل و مدح حکمت و حکما در دو فصل.(۱)

۲۲ . الفه الفرقه

به عربی ، در دوازده فصل که به منزله ترجمه عربی آینه حکمت است.(۲)

۲۳ . حاشیه الوافی

میرزاحسن، کتاب وافی فیض کاشانی را استنساخ نموده و حاشیه هایی بر آن نگاشته است. نسخه ای از آن _ شامل کتاب الصوم تا کفاره یمین _ در کتاب خانه حسینیه شوشتریها ، در نجف ، موجود است.(۳)

۲۴ . فهرس ابواب قطعه من الوافی

فهرستی است که لاهیجی بر ابواب کتاب وافی فیض کاشانی نگاشته است.(۴)

آثار منسوب

علاوه بر این آثار، رساله های دیگری در فهارس ، به نام میرزاحسن لاهیجی معرفی شده که اغلب یا نام دیگری از همین رساله ها یا قطعه ای از آن ها می باشند. این رساله عبارتند از:

۲۵ . تقیه

حزین لاهیجی در سوانح خود در ضمن تألیفات میرزا حسن آن را نام برده، ولی نسخه ای از آن را سراغ نداریم . گویا منظور وی کتاب «درّ مکنون» است که درباره تقیه حضرت علی علیه السلام نگاشته است.(۵)

۲۶ . الخوف و الرجاء

۱- ۱ . این رساله در ضمن رسایل فارسی لاهیجی منتشر شده است.

۲- ۲ . نسخه های خطی این رساله در مقدمه رسایل فارسی لاهیجی ، ص ۲۵ بعد از سطر چهاردهم معرفی شده ولی نام کتاب ، در حروف چینی اشتباها حذف شده است.

۳- ۳ . الذریعه ج ۶ ، ص ۲۲۹.

۴- ۴ . همان ۱۶/۳۹۹، رقم ۱۸۷۹.

۵- ۵ . سوانح حزین، چاپ شده در اول دیوان حزین ، ص ۱۶، نجوم السماء ص ۱۸۴، الذریعه ۴/۴۰۴.

همان رساله اصول دین است که در فهرست دانشگاه با این نام معرفی شده است.(۱)

۲۷ . ربط الحکمه بالتصوف

شیخ آقا بزرگ آن را ذکر نموده(۲) ؛ ولی به اعتقاد نگارنده نام دیگری از الفه الفرقه مؤلف است .

۲۸ . سؤالات یورد لبطلان الحکمه و جوابات شافیه اوردها اهل الحکمه

به فارسی، در فهرست دانشگاه(۳) از آن یاد شده، ولی به نظر می رسد که بخشی از کتاب آینه حکمت باشد.

۲۹ . قدم و حدوث عالم

در فهرست دانشکده الهیات(۴) از آن یاد شده و شیخ آقا بزرگ نیز به نقل از آن ، در الذریعه(۵) آن را کتاب مستقلی برای میرزا حسن معرفی کرده است، ولی این بخش موجود در آن کتاب خانه، فصل پنجم کتاب آینه حکمت است.

از نگاه دیگران

شخصیت های برجسته تاریخ که در کتاب های خود به شرح حال میرزا حسن لاهیجی پرداخته اند از وی تجلیل و تکریم کرده انـد. در این بخش برای این که جایگاه والای این عالم توانا در میان علمای شعیه برای خوانندگان بیش از پیش روشن گردد، او را از نگاه چند تن از این شخصیت ها معرفی می کنیم:

۱ . حزین لاهیجی

محمد علی حزین لاهیجی ، فرزند ابوطالب (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ه ق) معروف به «حزین لاهیجی» ، که از همشهریان میرزا حسن لاهیجی و از شخصیت های مشهور شعر و ادب به شمار می آید . وی در کودکی همراه پدر به شهر قم آمد و از نزدیک با میرزا حسن لاهیجی دیدار کرد . او در سفرنامه خود به این خاطره اشاره داشته و از

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران ۱۰/۱۵۱۱.
۲- ۲ . الذریعه ، ج ۱۰ ، ص/۲۴۲ .
۳- ۳ . همان ۱۶/۶۷۵، مجموعه شماره ۷۶۹۸ برگهای ۸۱ و ۸۲.
۴- ۴ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه دانشکده الهیات، ص ۱۱۰.
۵- ۵ . الذریعه، ۱۷/۵۱.

میرزا حسن چنین توصیف کرده است:

... یکی از افاضل و اعلامی که در این سفر با وی دیدار شد، فاضل محقق میرزا حسن فرزند مرحوم مولانا عبدالرزاق لاهیجی بود و این سعادت در حالی نصیب ما شد که وی دوران سالخوردگی و اواخر عمر خویش را در شهر دارالمؤمنین قم پشت سر می گذاشت. او در علم و تقوا یکی از آیات بود. تألیفاتی دارد مانند: «شمع یقین» در عقاید، «جمال الصالحین» در اعمال و «رساله تقیه» و...(۱)

۲ . میرزا عبداللّه افندی

مولی عبداللّه افندی که از دانشمندان معاصر میرزا حسن لاهیجی است، در کتاب ارزشمند خود از وی چنین یاد می کند:

مولی حسن فرزند عبدالرزاق علی فرزند حسین که اصلش لاهیجی است ولی در شهر قم تولد یافته و در این شهر ساکن شده است، یکی از شخصیتهای فاضل، عالم، حکیم و صوفی دوران معاصر می باشد. من در شهر قم از محضر پدرش تلمذ نموده ام.(۲)

۳ . عبدالخالق دماوندی

عبد الخالق دماوندی فرزند محمود که رساله موسوم به «آینه حکمت» میرزا حسن لاهیجی را در سال ۱۰۷۰ ه ق. تحریر نموده ، در پایان کتاب ، آن را آینه تمام نمای جهان هستی و حقیقت آن قلمداد نموده ، و مؤلف آن را چنین ستوده:

... این رساله به اشاره یک شخصیت تألیف یافته است که... قطب فلک سعادت، احاطه کننده اکوان فضایل... و سیر کننده در فضای لاهوتی است. او پناهگاه اهل دقت و تأمل، تکیه گاه اصحاب نقل و ارباب تعقل بوده و افضل اولین و آخرین در میان حکمای اشراق می باشد...(۳)

این عبارت با توجه به تاریخ نگارش آن ، در ایام کمتر از ۳۰ سالگی میرزا حسن صورت گرفته ، به خوبی از میزان فضل و شهرت علمی وی حکایت می کند.

۱- ۱ . تاریخ و سفرنامه حزین، ص ۱۶ چاپ شده در مقدمه دیوان حزین لاهیجی، تصحیح: بیژن ترقی، تهران، ۱۳۵۰.
۲- ۲ . ریاض العلماء، عبداللّه افندی، ج ۳، ص ۲۰۷.
۳- ۳ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ص ۱۹۳ ، نسخه شماره (۲۵۶ ج) .

۴ . عبدالنبی قزوینی

شیخ عبد النبی قزوینی ، از علمای برجسته قرن دوازدهم هجری ، در تتمیم امل الآمل ، از این شخصیت به طور مفصل یاد می کند که چکیده آن چنین است:

میرزا حسن فرزند مولانا عبدالرزاق لاهیجی یکی از عالمان کم نظیر زمان ها ونادر دهرهاست ؛ شخصیت فاضلی که از قدرت قلمش در ارائه مطالب محکم، همه به تعجب افتاده و تسلیم او شده اند. او در اعماق اقیانوس های علم و حکمت فرو رفته و از آنجا اشیاء نافع به ارمغان آورده است... وقتی برای تعلیم معارف جلوس می کند، به خاطر طرح مسائل دقیق همه را نسبت به خود نرم و خاشع می سازد... کلام دقیق و ظریف وی را نمی فهمد مگر کسی که خداوند او را از جهالت و گمراهی نجات داده باشد. او فروع احکام و حکمت را از اعماق اصول اسلامی در می آورد، همانند شیری که از پستان ها دوشیده می شود... اعتقاد من این است که وی از پدرش نیز افضل بود...(۱)

۵ . محمد حسن زنوزی خویی

میرزا محمدحسن زنوزی خویی در ریاض الجنه او را با عناوینی مانند: عالم، فاضل، محقق، مدقق، عارف، حکیم، و متبحر می ستاید و داستان جالبی را از وی نقل می کند:

المیرزاحسن بن عبدالرزاق ، کان عالما فاضلاً محققا، مدققا، عارفا، حکیما، متبحرا، نحریرا. له تألیفات لطیفه و کتب شریفه: منها کتاب الروایع، مشتمل علی ذکر اکثر العلوم علی نحو کتاب الشفاء لابن سینا. مبسوط جیّد متین. سمعته من بعض من رآه من الأفاضل. و منها: کتاب زواهر الحکم فی المطالب العالیه، صغیر جیّد. و کتاب شمع الیقین فی اصول الدین، فارسی و کتاب جمال الصالحین فی الأدعیه، فارسی مبسوط و غیره. و هذا النحریر و والده کانا قاطنین ببلده قم حیّا و میّتا.

و از ثقات استماع رفت که مولینا میرزاحسن مزبور در میان مردم مطعون به تصوف بود و مولینا ملامحمد طاهر قمی آن جناب را تکفیر می نمود. و جناب مولینا میرزاحسن در تیراندازی و نشانه زدن با تفنگ کمال شهرت و مهارت داشت. روزی ملاطاهر قمی، عامه اهل قم را مأمور کردند که رفته و مولینا را با

۱- ۱ . تتمیم امل الآمل، عبدالنبی قزوینی، ص ۱۰۸.

خانه و کوچ از شهر قم اخراج و خود مولـینا اگر اطاعت نکنند بکشند. اهل قم بأجمعهم به جانب خانه مولینا رو نهادند مولـینا حصار خود را بسته و تفنگی در دست گرفته بودند ...(۱)

۶ . مدرس تبریزی

میرزا محمد علی مدرس تبریزی در کتاب خود، در ذیل شرح حال ملا عبدالرزاق لاهیجی چنین می نویسد:

... فیاض پسری داشت میرزا حسن نام، فاضلی بوده صالح که در سال یکهزار و یکصد و بیست و یکم هجرت در قم وفات و قبرش در سمت شرقی قبرستان بزرگ قم نزدیک به شیخان می باشد و این نگارنده در ماه رجب هزار و سیصد و پنجاه و دوم هجرت، موقع تشرف بدان بلده طیّبه به سر قبر شریفش رفتم و اخیرا در موقع تسطیع طرق و شوارع، ملحق به جاده شده است... (۲)

میرزا حسن در انزوا

دوران زندگی میرزا حسن لاهیجی (۱۰۴۲ - ۱۱۲۱ ه ق) با حکومت سه تن از پادشاهان صفوی: شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه ق) شاه سلیمان اول (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه ق) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ه ق) مصادف شد. در این ایام، ایران آبستن رخدادهای زیادی بود، ولی آنچه که در شرح حال میرزا حسن لاهیجی اهمیت دارد، وجود روحانیونی است که تحت عنوان شیخ الاسلام در حکومت صفوی حضور نافذ و چشمگیر داشتند و نقش به سزایی را در اجرای احکام و امور مذهبی در سطح کشور ایفا می کردند و به سبب همین نفوذ و مقام علمی در میان رجال سیاسی و توده مردم، حکومت در بسیاری از موارد مجبور می شد به توصیه های آنان توجه نماید.

یکی از پر نفوذترین و مشهورترین آن ها، مرحوم مولی محمد طاهر شیرازی قمی است. او مسلک ضد فلسفه و ضد عرفان داشت و با علمای بزرگ و فیلسوفان عصر

۱- ۱ . ریاض الجنه، میرزا محمد حسن زنوزی خوئی، روضه رابعه، نسخه خطی شماره ۷۷۷۲، کتاب خانه حضرت آیت اللّه مرعشی نجفی .

۲- ۲ . ریحانه الادب، میرزا محمد علی مدرس تبریزی، ج ۴، ص ۳۶۳.

خود همچون: ملا محمد تقی مجلسی، ملا عبد الرزاق لاهیجی و ملا محسن فیض کاشانی به شدت درگیر بود و رساله هایی را در نفی افکار و اندیشه های عرفانی و فلسفی آنان نوشت.(۱) اما با توجه به موقعیت والایی که این سه شخصیت بزرگ در میان مردم داشتند، مخالفت وی نتوانست چندان مؤثر واقع شود. پس از رحلت ملا محمد تقی مجلسی در سال ۱۰۷۰ ه ق . و عبدالرزاق در سال ۱۰۷۲ه ق . عرصه بر فرزندان و پیروان فکری آن دو، تنگ گردید ، چنان که علامه محمد باقر مجلسی مجبور شد در ظاهر با ملا محمد طاهر قمی کنار بیاید و ارتباط پدرش را با عرفان و فلسفه تکذیب نماید. میرزا حسن لاهیجی که جانشین افکار و اندیشه های پدرش ملا عبدالرزاق به شمار می رفت، به سبب مخالفتهای مستمر مخالفان حکمت، در تنگنا قرار گرفت و در گوشه ای انزوا برگزید.

او در زمان حیات پدر و با تکیه بر موقعیت اجتماعی وی چند رساله فلسفی مانند: مصباح الداریه، مصابیح الهدی و روایع الکلم و زواهر الحکم ، تألیف نمود . و در دو کتاب دیگرش به نامهای: آینه حکمت و الفه الفرقه ، تلاش کرد تا با منطق و اقامه استدلال و برهان ، به اشکالات مخالفانِ فلسفه و عرفان پاسخ گوید . پس از رحلت پدرش ، دراثر مخالفت شدید مخالفان فلسفه و عرفان شرایط کاملاًـ دگرگون شد و میرزا حسن لاهیجی از اهتمام به مسائل فلسفی دست برداشت وبه سوی مسائل کلامی، اخلاقی، ادعیه و تألیف فقه روی آورد.

از برخی کتاب های تاریخی استفاده می شود که مخالفان وی، حکم تکفیر و اخراج او را از شهر قم صادر کردند و او برای حفظ جان و دفاع از خویش ، با خود سلاح حمل می کرد، چنان که به همین مناسبت اشاره کرده اند که وی در کار تیراندازی و نشانه گیری هدف با تفنگ هم کمال شهرت و مهارت را داشت.(۲) از بخشی نوشته های میرزا حسن لاهیجی نیز چنین بر می آید که وی در این دوران در تنگنای شدید قرار داشت و تهمت ها و افتراهای زیادی در باره اش شایع شده بود. او در آغاز کتاب الفه

۱- ۱ . روضات الجنات، خوانساری، ج ۴، ص ۱۴۳ و دین و سیاست در دوره صفوی، ص ۲۴۱ – ۲۶۷.

۲- ۲ . ریاض الجنه، نسخه خطی شماره ۷۷۷۲، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی نجفی، روضه رابعه.

الفرقه چنین می نگارد:

... عجیب تر از همه، با این که من انزوا برگزیـده ام و هیچ نام و نشانی در میان مردم ندارم و از قدر و منزلت افتاده ام، باز یک عـده صـحبت از من می کننـد و یـک حرفهـایی را به من اسـتناد می دهنـد که آن را بـا گـوش خـود از من نشـنیده انـد و یک چیزهایی را به من نسبت می دهند که با چشمانشان ندیده اند... هر طور که دلشان می خواهد، مرا می خوانند و افتراهایی را به من می بندنـد که هرگز من آن را به زبـان نیاوردم... پس ای خـدایی که پاک و منزه هستی ، من در این مصیبت به تو پناه می برم و در این امر به تو توکل می کنم و تو را شاهد می گیرم که تو در شهادت کفایت می کنی و...(۱)

میرزا حسن لاـهیجی در فصـل دوم از بـاب سوم از کتاب آینه حکمت ، در دفاع از حیثیت و حقانیت علمای فیلسوف و عارف، می نویسد:

هر کس را انـدک معرفت به احوال علما باشـد، دانـد که علمای اسـلام همیشه در علم حکمت مختلف بوده اند و در هر زمانی جمعی کثیر از علمای معروف که شک و قدح در دانش و ایمان ایشان نیست و تشـنیع ایشان کمتر از شک در روشنی آفتاب و ماه نیست، اهل حکمت و معروف به آن بوده انـد، چون: خواجه نصـیر الدین الطوسـی، علامه حلی، امیر محمد باقر داماد و غیر ایشـان از علمـا – قـدّس الله ارواحهم – که تفصـیل اسـامی ایشـان مـؤدی به اطنـاب می شـود. این جمـاعت و جمـاعت دیگر از متقدمین و متأخرین و معاصـرین و متقاربین زمان ما که همه معروف و مشهورند به فضل و ایمان و مدارست حکمت و رعایت آن، و از جمله علمای عظیم الشأن، سید علی بن طاووس (ره) در کتاب فرج المهموم که در تحقیق علم نجوم نوشته، گفته که: «ابرخس و بطلمیوس و اکثر حکمـا انبیا بوده انـد، اما چون نام های ایشان به زبان یونانی بوده، بر مردم مشـتبه گشـته و ایشان را نشناخته اند».

و شیخ بهاء المله و الدین در کتاب «حدائق الصالحین» بعد از نقل این کلام، گفته که: «کلام سیّد استبعادی ندارد چه هر کس تأمل و تعمق در این علم شریف کند، تواند دانست که اصول مطالب آن، مستفاد از انبیا علیهم السلام است و حکم جزم به این معنی کند به حیثیتی که هیچ شک و ریب در آن نداشته باشد» .(۲)

۱- ۱ . با تصرّف و نقل به معنا.

۲- ۲ . رسایل فارسی میرزا حسن لاهیجی ، ص ۱۲۱ .

مبارزه با ظلم ظالم

میرزا حسن لاهیجی در مقابل عملکردهای خلاف و ظلم دست اندرکاران حکومت صفوی ، هرگز سکوت نکرد . او در کتاب فقهی خود هدیه المسافر ، وقتی احکام مسافر را ذکر می کند، در لابه لای بیان احکام ، به ظلم های جاری در جامعه آن دوران، اشاره کرده و چنین می نویسد:

و ایضا باید دانست که هر سفری که مشتمل است بر ظلم و جور بر مسلمانان و گرفتن اموال ایشان، همه داخل سفر باطل است و بسا باشد که این معنی متضمّن گشتنها و نشستنهای حرام باشد. و گاه باشد که این جماعت گمان کنند که حفظ اهل اسلام و سرحدها و دفع دشمنان از ایشان می کنند و از این جهت سفرشان حقّ است. و جواب این شبیه این است که هرگاه دشمنی حرکت کند یا بیم ضرری از ایشان باشد نهایتش این است که به قدر آنچه در دفع آن دشمن و رفع ضرر ضروری باشد از اموال جماعت مسلمین به قدر نسبت احوال ایشان توان گرفت. امّا این همه اموال زیاد که صرف زینتها و تجمّلات و تنعّمات، بلکه صرف فسق و معاصی می شود و به ضرب چوب و به انواع سیاسات اکثر از فقرا و عَجَزه و بیوه زنان و یتیمان و امثال ایشان می گیرند، معلوم است که هیچ کدام حقّ نیست و نسبت و دخلی در حفظ اسلام مسلمین ندارد، بلکه اکثر اینها سبب خرابی بلاد و آبادانیها می شود و به این سبب بسیاری از مسلمین مضطرّ به جلاء وطن و گدایی می شوند.

و همچنین نویسندگان که اعانت این کارها و ضبط دخل و خروج این مال ها می کنند و همچنین ارباب مناصب شرعی و وقفی، همه مثل ایشانند، اگر چه گمان کنند که تحصیل معیشت می کنند، چنان چه دانسته شد. و نیز ظاهر است که این مناصب به نحوی که در این زمان متعارف است، هیچ یک موافق شرع نیست.

امّا مناصب شرعی به کسی نسبت دارد که عالم به احکام شرع مقدّس باشد و استنباط احکام حلال و حرام از قرآن مجید و اخبار اهل بیت ــ علیهم السلام ــ تواند کرد. و معلوم است که اکثر این افراد علم به واجبات و ضروریات خود هم ندارند،

ص: ۱۶۸

چه جای آنکه متکفّل رتق و فتق امور دیگران توانند شد.

وامّا مناصب وقفی به جهت آنکه در اکثر موقوفات به شروطی که واقفان آن مقرّر نموده اند عمل نمی شود، بلکه اکثر این است که در مصرفهای باطل و صرف زیادتی های لاطائل می شود و مستحقّان و جماعتی که وقف برای ایشان شده، محروم می باشند.

امّا حال جماعتی که برای تحصیل وظیفه و سیورغال و مناصب شرعی و عرفی سفر می کنند از آنچه مذکور شد معلوم است. زیرا اگر تحصیل برای تکلّفات و تجمّلات عرف است، هر چند حلال باشد، باطل است واگر برای معیشت ضروری یا قدری است که مستحب است، اصل تحصیل این قدر معیشت حقّ است. امّا مناصب اکثر اینها ـ چنان که دانسته شد ـ صورتی ندارد.(۱)

شعر و ادب لاهیجی

میرزاحسن لاهیجی همانند اکثر دانشمندان عصر صفوی، توجه ویژه ای به زبان فارسی و فارسی نویسی داشت ؛چنان که بیش تر آثار مکتوب این عالم پر تلاش که به این زبان تألیف یافته است، نشانگر این واقعیت می باشد. نوشته های فارسی این شخصیت علمی بسیار روان و شیوا به رشته تحریر در آمده است. او در آثار فارسی خود ، سعی داشت تا نوشته هایش برای همه مردم قابل فهم باشد، به همین سبب از معلق نویسی و آوردن اصطلاحات و واژه های سنگین علمی و نامأنوس که شیوه منشیان آن دوران بود، پرهیز داشت. این موضوع مهم که مورد توجه پژوهشگران واقع شده، وی را از سایر دانشمندان این عصر متمایز می سازد ونثر این شخصیت بزرگ را در جایگاه والایی قرار می دهد.

میرزا حسن همه موضوعاتی را که با مردم ارتباط تنگاتنگ دارد مانند: فقه، اخلاق، عقاید و دعا را به زبان فارسی نگاشته و این نشانه آن است که این شخصیت واقع نگر ، به هدایت و ارشاد مردم با زبان خودشان ، به مشکلات اعتقادی و فقهی و... آنان توجه عمیقی از خویش مبذول می داشت. تألیفات عربی او نیز که برای خواص و در رشته های خاص ، به طور تخصصی نوشته شده، در عین سنگینی و استحکام مطالب و

۱- ۱ . رسایل فارسی میرزا حسن لاهیجی ، ص ۳۰۸ .

محتوای آن، از یک نوع روانی و ساده نویسی شیوایی برخوردار است.

در برخی کتاب ها و نسخ خطی، اشعاری با نام، «حسن گیلانی» آمده است که احتمال دارد منظور همین دانشمند باشد. این موارد عبارتند از:

۱ . رباعی است که در نسخه خطی شماره ۱۲۱۸۸ مجلس شورای اسلامی، به نام «حسن جیلانی» درج شده است:

ممکن بود که هستی واجب فناشود وین ممتنع که مهر تو از دل رها شود

در تنگنای عکس نقیض خیال تو ترسم که صورتم ز هیولی جدا شود

۲ . در تذکره نصر آبادی، ضمن شرح حال «حسن گیلانی» این اشعار را از وی نقل شده است:

نه در طلب سمور و نه اطلس باش در دیده اعتبار خار و خس باش

خواهی که سری برون کنی از منزل چون جاده، تو پامال کس و ناکس باش

از کثرت داغ توام، افلاکم وز زور لگد کوب حوادث، خاکم

باران نشاط اگر ببارد، سنگم ور آتش غم شعله کشد، خاشاکم

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه یک بار این اشعار را به طور صریح به میرزا حسن لاهیجی و بار دیگر به «میرزا حسن گیلانی دیلمانی » نسبت داده است.(۱)

وفات

وفات میرزا حسن بنا به نقل افندی در ریاض العلماء در سال ۱۱۲۱ ه ق. در قم صورت گرفته است. بنابر این، او ۴۹ سال بعد از فوت پدرش ، ملا عبدالرزاق لاهیجی ، و ۳۱ سال بعد از فوت مادرش زندگی ، نموده است.

اما درباره مدت عمر وی چیزی نقل نشده است . طبق احتمالی که شیخ آقا بزرگ در تولد وی داده (۱۰۴۵ ه ق)، میرزا حسن نزدیک به ۷۶ سال عمر کرده است . حزین لاهیجی که در اواخر عمر، وی رادر قم ملاقات نموده، از عمر زیاد وی سخن گفته است:

۱- ۱ . ر ک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۱۸۴ و ج ۹، ص ۲۴۲.

و از افاضل و اعلام که در آن سفر ملاقات شده، فاضل محقق میرزا حسن خلف مرحوم عبدالرزاق لاهیجی است، در دار المؤمنین قم که موطنش بود، در سن کهولت و اواخر حیات، سعادت خدمت ایشان یافته ام.(۱)

مدفن

میرزا حسن لاهیجی تقریبا تمام عمر خود را در شهر قم گذرانید . و در این شهر فوت کرد و مدفون گردید. قبر وی که قبلاً در قبرستان بزرگ اطراف حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام واقع شده بود ، اکنون در خیابان ارم ، در تقاطع این خیابان با خیابان چهارمردان واقع گردیده است.

آیه اللّه سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سره قبر وی را تعمیر و سنگ قبری برایش تعبیه نمود . متأسفانه در نوشته سنگ قبر دقت کافی نشده و اشتباهات فاحشی در آن روی داده است. نوشته سنگ قبر وی چنین است:

هو الباقی .هذا مضجع العلامه الحکیم المتکلم المحدّث الفقیه المیرزا حسن الکاشفی ابن أسوه الحکماء المولی عبد الرزاق اللاهیجی صاحب الشوارق و أمّه بنت صدر المتألهین. توفّی سنه ۱۰۴۳.

دو اشتباه واضح در این نوشته وجود دارد:

۱ . لقب میرزا حسن در هیچ کتابی ، کاشفی ذکر نشده است. و فقط در اینجا بدون هیچ دلیلی بعد از اسم وی لقب کاشفی ذکر شده است.

۲ . تاریخ وفات میرزا حسن سال ۱۱۲۱ ه ق . می باشد که آن را افندی در ریاض العلماء ذکر کرده است ، ولی در سنگ قبر وی سال ۱۰۴۳ ه ق . ذکر شده که دو سال قبل از تولد وی می باشد.

ص: ۱۷۱

۱- ۱ . سوانح حزین، ص ۱۶.

بخش پنجم

اشاره

آثار ناقدان فلسفه و عرفان در سده ۱۱ و ۱۲

* درآمد

۱ . توحیدنامه یا تحفه توحید خانه

۲ . جلاء القلوب

۳ . بوارق مشرقه و صواعق محرقه

۴ . تحفه الموحدین

ص: ۱۷۲

درآمد

در مقابل حرکت فکری فلسفی در قم ، جریان فکری دیگری فعالیت داشت که قشری از علمای متشرع را تشکیل می داد . از سران این حرکت فکری ، ملامحمد طاهر شیرازی قمی ، شیخ الاسلام شهر قم بود که درگیری فکری سختی را با فیلسوف مشربان آغاز کرد . پس از وی ، همفکرانش راه او را ادامه دادند هر چند در اشتهار علمی به پای وی نمی رسیدند .

ملا محمد طاهر شیرازی قمی

ملا محمد طاهر ، اصلاً شیرازی است و در قم ، سمت شیخ الاسلامی و امامت جمعه را به عهده داشت . او استاد علامه مجلسی و شیخ حر عاملی بود . وی در سال ۱۰۹۸ ه ق . چهره در نقاب خاک کشید و در مزار شیخان قم ، در جوار زکریا بن آدم مدفون گشت .

او سردسته مخالفان با عرفان و فلسفه بود و نهضت عظیمی را علیه علوم عقلی آغاز کرد که پس از وی شاگردانش ادامه دهنده آن بودند . وی کتاب حکمه العارفین را در ردّ اندیشه های شیخ بهایی ، ملا صدرا و فیض کاشانی نوشت و در کتاب فرحه الدارین بر ابن عربی تعرض نمود . (۱)

علاوه بر آن ، کتاب های تحفه الاخیار و مونس الابرار ، الرد علی الصوفیه ، فوائد الدینیه فی الرد علی الحکماء و الصوفیه و اصول فصول التوضیح را در این زمینه نوشت . شدت حمله وی به اندازه ای بود که عالمانی چون ملا محمد تقی مجلسی نیز از آن در امان نماندند .

میرزامحمد حسن زنوزی خوئی در ریاض الجنه نمونه ای از این سخت گیریها را از جانب ملا محمد طاهر در باره میرزا حسن فرزند عبدالرزاق لاهیجی نقل کرده ، که در شرح حال وی ذکر گردید .

اکنون به معرفی ۴ اثر مخالفان فلسفه ــ غیر از آثار ملا محمد طاهر قمی که در جاهای

۱- ۱ . الذریعه ، ۸/۵۸ .

متعدد معرفی شده است _ که تاکنون معرفی نشده اند، می پردازیم .

۱ . توحیدنامه یا تحفه توحید خانه

مؤلف

مؤلف این اثر دانشمندی به نام حسن حسینی است . او در نیمه دوم قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم می زیسته است .

از حالات و زندگانی او به جز دو کتاب در نقد فلسفه ، هیچ گونه اطلاعی در دست نیست و کتاب های شرح حال متعرض حالات وی نشده اند. دو کتاب او که مورد نظر ماست و حالات فکری و روحی مؤلف از مطالب آن ها نمایان است ، توحید نامه و جلاء القلوب است .

سبب تألیف کتاب

مؤلف ، کتابش رابرای فرزندش ، یحیی و جهت هدایت و ارشاد وی تألیف نموده: «هذا ما اوصی به مصنف کتاب توحیدنامه ولده الرشید یحیی بن الحسن الحسینی»

و آن را به سلطان عصر خویش ، شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ه ق) تقدیم نموده است .

نام کتاب

نسخه منحصر این کتاب در کتاب خانه حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام در قم نگهداری می شود. (۱) مؤلف نام کتابش را «توحید نامه» و «تحفه توحیدنامه» نهاده است و در وجه تسمیه آن گفته است:

و قد سمیته بتوحیدنامه و تحفه توحیدخانه لیکون اسمه کاشفا عن معناه و مشیرا الی غایته و منتهاه، فانی اریدان اخدم به ان شاء الله مجلس سلطان حسین

---

۱ - ۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام ، محمد تقی دانش پژوه، ص ۹۵ - ۹۷، این نسخه درعصر مؤلف و به خط نسخ تحریر شده و مشتمل بر ۷۰ برگ به اندازه ۲۲×۱۳ سانتی متر می باشد.

الصفوی و الملک کما علم و اتضح نشاء فی بیت التوحید، اما بالنظر الی اجداده الاولین المعصومین علیهم السلام فقد صهر التوحید و ابتدأ بما اوحی الله الیهم. و امّا بالنظر الی آبائه الکرام الاقربین الذین حازوا قصب السبق فالدین من بیت هذا ناله الامم فما ارفع البیت واجدر ان ینعت بتوحید خانه.

بنابر این، برداشت استاد دانش پژوه از وجه تسمیه کتاب (تألیف دستور و آیینی برای توحید خانه(۱) مرسوم در عصر صفوی(۲)) صحیح نیست .

محتوای کتاب

مؤلف بعد از ایراد خطبه ای، خطاب به فرزندش یحیی ، عهدنامه ای را به عربی ایراد کرده و در آن توصیه هایی به فرزندش می نماید و هدف کتابش را ارائه طریقی برای خداشناسی ذکر می کند . وی بعد از پایان عهدنامه ، شروع به بیان مطالب کتاب در چند مقصد و هر مقصد در چند فصل می نماید.

مؤلف در پی آن است که تفکر در صنع الهی و ذکر خدا را بهترین راه خداشناسی که خودش نیز تجربه نموده، معرفی کند و از نقل قولها و استدلالهایش روشن می گردد که او طریقه فلاسفه را قبول نداشته و در جای جای کلمات خود تصریحا و تلویحا آن را نقد می کند. استناد و استدلال مؤلف در اغلب موارد به آیات و روایات است و از نقل مطالب دیگر جز در موارد اندک خودداری می کند. او در کتابش از شرح رباعیات ملا جلال دوانی و اثولوجیا (منسوب به ارسطو)(۳) و بعضی از عرفا، مطالبی را نقل می کند.

مؤلف از گرایشات عقلی دوری می جوید و سعی دارد راهی برای خداشناسی ارائه دهد که مبتنی بر استدلال های فلسفی نباشد. او معتقد است راه صحیح خداشناسی، تدبر در صنع و آیات الهی و تفکر در آفاق و انفس می باشد و علاوه بر

۱- ۱ . توحید خانه در عصر صفویه محلی بود که درویشان و صوفیان در شبهای جمعه در آن جمع شده و به ذکر کلمه لااله الاالله می پرداختند. و بعد از آن نان و حلوا و طعام صرف می نمودند. شخصی که ریاست توحید خانه از طرف دولت بعهده وی بود، خلیفه الخلفا لقب داشت. تذکره الملوک، ص ۱۸ .

۲- ۲ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام ، ص ۲۷ و ۹۵.

۳- ۳ . امروزه ثابت شده که نسبت این کتاب به ارسطو، درست نیست. و این کتاب تألیف افلوطین ملقب به شیخ یونانی می باشد. ر.ک: مقدمه اثولوجیا، چاپ مصر .

آن ، ذکر را نیز پیشنهاد می کند. او مدعی است خود این راه را طی نموده و به حقایقی دست یافته است. وی طعنه هایی به فیلسوفان یونانی و تابعان آن ها می زند ، اما از بردن نام آن ها خودداری می کند.

نمونه هایی از متن کتاب

جهت روشن شدن عقیده مولف و مشی او، قسمت هایی از کتاب درج می کنیم.

نسخه موجود ، خطبه آغازین و قسمت هایی از اواخر کتاب را فاقد است و از اوّل عهدنامه مؤلف به فرزندش شروع می شود.

آغاز نسخه:

... و آن عهدنامه این است:

هذا ماواوصی به مصنّف کتاب توحید نامه ولده الرشید یحیی بن الحسن الحسینی و حثّه علیه من کثره النظر فی ذلک الکتاب و قوه التمسک به و حسن رعایته و صونه عن غیر اهله مع ذکر فواید جلیله و وقایق لطیفه.

ایها الولد الاعز البار الراشد اللبیب الفطن، ایدک الله بروح منه، استمع لوصیه الوالد...(۱)فی آیات الله، السالک سبیل توحیده البالغ منه ما... من یعظم فی عینک سمته و یعجبک علمه و منطقه.

یا بنی:... من الله حبل اوثق من التوحید... و اوّل وصیتی لک انی اقول یا بنی: لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم.

و اعلم ان التوحید، توحیدان: توحید عامی و توحید خاصی. و کل واحد منها ذو عرض وسیع و مراتب متفاوته.

ثم اعلم ان آخر مراتب التوحید العامی ان تعلم ان العالم ممکن یحتاج الی واجب او متحرک... و اوّل درجه التوحید الخاصی ان تنظر الی جوده نظام العالم و حسن تألیف اجزائه.

یا بنی: احفظ ما اقول لک و ایاک و ان یزلّک عما وصفت لک من التوحید الخاصی بعض الاوهام العامیه او العقاید الفلسفیه فتضل و تهلک.

ص: ۱۷۷

۱- ۱ . جای نقطه چین هانشانه از بین رفتن مطالبی از کتاب است .

و اعلم انه لاـ ينفعک فی هـذا الطریق مثـل کتـابی الـذی وضـعته فی امر المعرفه والتوحیـد، فانی ذکرت فیه من دلایل المعرفه و شواهد التوحید ما هو عصمه لمن تمسک و نجاه لمن اعصتم. فالحق اقول: یا یحیی خذالکتاب.

ثم اوصـیک بحفظه و صونه عن غیر اهله فان الناس قـد اصـطلحوا علی حب الدنیا و اطمأنوا بها و لم یطمحوا بابصارهم للنظر فی ایات الملک و الملکوت و المرء عدو ما جهله.

و قد سـمیته ب«توحید نامه» و «تحفه توحید خانه» لیکون اسـمه کاشـفا عن معناه و مشیرا الی غایته و منتهاه فانی اریدان اخدم به ان شاء الله مجلس مولانا المعظم الملک الاجل سلطان حسین الصفوی الحسینی الموسوی.

و الملـک ــ دام ظله ــ کمـا علم و اتضـح وضوح الشـمس فی رابعه النهار نشاء فی بیت التوحیـد، اما بالنظر الی اجـداده الاوّلین المعصومین صـلوات الله و سـلامه علیهم اجمعین فقـد ظهرالتوحید و ابتدأبما اوحی الله الیهم. و اما بالنظر الی ابائه الکرام الاقربین الـذین حازوا قصب السـبق فی حلیه اولیاء الله المقربین اعلی الله مقاماتهم و رفع درجاتهم و زاد فی قرباتهم و کراماتهم فقد تأکد و تربی و بلغ غایته القصوی بارشادهم فالدین من بیت هذا ناله الامم.

ثم ان الملکوت من اهل هذا البیت المنیع قد حفظوا الموحدین علی ما دعاهم الیه الاسلاف الا کرمون بجمع شملهم و لم شعثهم و اصـلاح امر هم فمـا ارفع ذلـک البیت فی بیوت اذن الله ان ترفع و اجـد ره ان ینعت بتوحیـد خانه، لا زال محطا لرحال افاضـل الرجال و ملتجأ لا عاظم الملکوت ذو الشوکه و الاقبال فالاسم اذن و افق المعنی بکلا شطریه کما لا یخفی علی البیت.

و اعلم انی لم ابلغ مـا بلغت من علم التوحیـد الابـدوام النظر فی خلق السـموات و الارض و دوام ذکر الله تعالی. ثم انی لم انهض لسلوک هـذه الطریقه اعنی طریقه الـذکر و الفکر فی آیـات الله الاـ بما دعانی رسول الله صـلی الله علیه و آله مبلغا عن الله تعالی حیث قال: انظروا ماذا فی السموات و الارض.

و قـال: ان فی خلق السـموات و الاـرض و اختلاـف اللیـل و النهـار لایـات لاـولی الاباب الـذین یـذکرون الله قیاما وقعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً.

و قال: لو کان فیهما الهه الا الله لفسدتا

مشیرا الی ان النظر فی حسن نظام العالم وجوده القیام اجزائه یدل العاقل البصیر علی ان الصانع واحد لا شریک له فی الخلق و التدبیر، فانتدبت الی دعوته و تمسکت بعروته علیه السلام.

و مما حثنی علی السیرفی تلک الطریقه و التشمر لسلوکها، انی کلما از ددت فیها امعانا زاد لی ایات السموات و الارض وضوحا فازددت علی الداعی وثوقا و الی ادراک الغایه شوقا فیالها من دعوه ما اجل قدرها و اعظم غناوها فی الوصول الی ما هو غایه الخلقه من معرفه الله تعالی و توحیده و الاخلاص له و الشکر لالائه جز الله عنا الداعی خیر الجزاء و صلواته و سلامه علیه واهل بیته الطاهرین.

فلک یا بنی اذا نظرت فی هذا الکتاب و علمت ما انکشف للمتفکر من حسن نظام العالم و جوده خلقه السموات و الارض و صحه تدبیر اللیل و النهار بما وفقه الله له من المداومه علی الفکر و الذکران تستدل بقوله تعالی «ان فی خلق السموات و الارض» الی آخر الایه، علی صحه دعوی النبوه ان کنت صافی الذهن جید القریحه و لم تکن غبیّا غلیظ الطبع لا تذعن الالحکم الحسن، و ذلک لما رایته علیه السلام یقول: ان العاقل الفطن اذا دوام علی ذکر الله و ادام النظر فی خلق السموات و الارض و ما بینهماتنبه لحسن نظام العالم و جوده الیتام اجزائه و اشتماله علی حکم و مصالح جلیله عظیمه...»

بعداز آن مؤلف درآثار تفکر در صنع الهی گفتگو می کند و عهدنامه را به پایان می برد .

مطالب کتاب

فهرست مقاصد و فصول کتاب که مؤلف در آغاز آن ذکر کرده ، چنین است:

مقصد اول: در بیان آن که راه شناخت خدا کدام است؟

مقصد دوم: در بیان این که کارهای الله تعالی چگونه سبب شناختن خدا می شود.

مقصد سوم: در بیان فضیلت تفکر .

مؤلف بعد از مقدمه ای، به عنوان مثال برای تفکر ، کیفیت تکلم انسان را ذکر می کند و در چند فصل ، در باره آن بحث می کند ، بدین ترتیب:

فصل: و از جمله اسباب و آلاتی که آدمی در تکلم احتیاج به آن ها دارد ، عضوهای چند است مانند: شش و نی شش و حنجره و زبان و لب و غیر اینها.

فصل: و از جمله اسبابی که انسان در تکلم احتیاج دارد اراده است.

فصل: و از جمله اسباب تکلم احتیاج انسان است به تکلم.

فصل:از جمله اسباب تکلم هوا است .

فصل: از جمله اسباب تکلم این است که الله تعالی اعصاب بدن را مسخّر انسان کرده است.

فصل: و از جمله اسباب تکلم میل و اراده است.

فصل: و از جمله حکمت هایی که متعلق است به شرور عالم، یکی این است که به شروری که به آدمی می رسد متفطن می شود که خیرات و نعمتهایی که دارد، به سبب او و از جانب او نیست، از جانب الله تعالی است.

فصل: و از جمله اسباب تکلم ، این امر لطیف دقیق است که مشاعر و حواس انسان مساعده نمی کند به این که ما فی الضمیر دیگری را بداند و حاسه ای به ازای این مخلوق نشده است که ناس بر ضمایر یکدیگر اطلاع بیابند ، با آن که محتاجند در صلاح معاش و معاد به این که استعانت کنند به علوم آباء و اعوان و سایر ابنای نوع خود ، و اگر قوت مدرکه می داشتند که خیالات و علوم یکدیگر را ادراک می کردند البته الله تعالی قوت تکلم را در انسان خلق نمی کرد.

مقصد چهارم: در ذکر کلماتی که مأثور شده است از ائمه اطهار علیهم السلام در بیان صنع و حکمت الله تعالی ، شامل چند فصل:

فصل: و از جمله کلمات ائمه اطهار علیهم السلام در ذکر صنع و حکمت الله تعالی، حدیث لطیف شریفی است که مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است و طول تمام و بسط عظیمی دارد و در نظر اهل عرفان ، بحری است مشحون به غرر و درر حکم و مملو از لألی لطائف معارف، و در امر ملایمت تمام دارد ، و چون این حدیث شریف طولی دارد بعضی از فراید فواید آن با ترجمه واضح در این مقصد مذکور می شود ، به انضمام بعضی زواید مناسب.

مقصد پنجم: در بیان این مطلب شریف که ذوات اشیای عالم و حقایق اشیا به جعل و صنع الله تعالی است ؛ آن چنان که نظام و ترتیب اشیا به جعل و صنع الله تعالی است و از این مرتبه ترقی کردن به مقام رفیع توحید خالص، شامل چند فصل:

فصل: توحید ، اصل دین است و بی توحید شکر خدا و تعظیم خدا نمی توان کردن.

فصل: طریق دانستن این که ذوات و خواص اشیا از جانب الله تعالی است.

فصل: بیانی دیگر بر این که ذوات و خواص اشیا از جانب الله تعالی است ؛ به نقل از بعضی از عرفای محققین.

فصل: در نفی توهم فاسد اشتراک افعال انسان با خدا.

فصل: اشیاء از خود چیزی نیستند و چیزی ندارند. همه از جانب خدا هستند.

فصل: عارف شدن به این که ذوات اشیا به جعل و صنع الله تعالی به هم رسیده است و به فضل و موهبت الله تعالی است و غایت مرتبه معرفت می باشد.

فصل: کیفیت تقدیس الله تعالی از صفات.

فصل: نفی توهم این که: اثبات صفات برای حق موجب کثرت است.

فصل: نصوصی که دلالت دارند بر این که ذوات اشیا و خواص و آثار آن ها به جعل و صنع الله تعالی است.

فصل: نفی تو هم فاسد اشتراک.

فصل: نفی تو هم انقطاع عذاب.

فصل: راهزنان توحید

فصل: از جمله راهزنان توحید این که انسان خود را فاعل افعال خود می داند و رد جبر و تفویض .

فصل: و از جمله راهزنان توحید شبهه شروری عالم است.

وی چند فصل در بیان راهزان توحید بیان می کند ، با این عناوین: در شبهات: تصور معدومات و متنعات، عدم انفکاک صفات و خصوصیات اشیاء، اتصاف اشیاء به صفت امکان، جهل عوام و به توحید حق، جهل اغلب علما به توحید خالص، تو هم خیال انحصار راه خداشناسی و راه توحید در طریقه اثبات واجب، توهم این که اگر توحید خالص حق می بود باید در قرآن مجید و احادیث اهل بیت مذکور باشد، اشیاء را اجناس مختلفه و انواع متباینه می دانند و شبهه توهم این که اشیای عالم کثیر است و... .

نسخه موجود به این شبهه ختم می گردد و باقی کتاب از این نسخه افتاده است.

نسخه کتاب

نسخه منحصر این کتاب در کتاب خانه حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام در قم نگهداری می شود. این نسخه در عصر مؤلف و به خط نسخ تحریر شده و مشتمل بر ۷۰ برگ در اندازه ۲۲×۱۳ سانتی متر می باشد.(۱)

۲. جلاء القلوب

اثر دیگری که از مؤلف توحید نامه به جای مانده ، کتاب «جلاء القلوب» می باشد. وی آن را بعد از کتاب اوّل خود نگاشته و در مقدمه این کتاب از «توحید نامه» خود یاد کرده است .

نسخه منحصر آن در کتاب خانه دانشگاه تهران ، ضمن مجموعه شماره ۶۸۴۶ (۲) موجود است و صفحات «۳ پ - ۷۸ ر » آن به این کتاب اختصاص دارد و به وسیله محمد جعفر بن ملاعلی محمد رشتی تحریر شده که تاریخ تحریر را ذکر ننموده است ، اما با توجه به این که نسخه ، حاشیه هایی با امضای «منه سلمه الله تعالی» دارد و به سلطان حسین صفوی تقدیم شده، می توان تخمین زد که تألیف و تحریر آن در عصر مؤلف و بین سال های ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ه ق . صورت گرفته است.

مؤلف در این کتاب نیز به روش خود در کتاب سابق، در پی معرفی راه مطلوب خداشناسی است و بر فلاسفه خورده می گیرد و به ابن سینا با این عبارت می تازد:

فَجُلّ کتاب الشفا بل کله تهافت عند اللبیب البصیر و قد صنف بعض الفضلاء المتدینین کتابا فی تهافت الفلاسفه.(۳)

این کتاب نیز مانند رساله سابق ، به فارسی نگاشته شده و شامل یک مقدمه و چند

۱- ۱ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام ، محمد تقی دانش پژوه، ص ۹۵ - ۹۷، این نسخه درعصر مؤلف و به خط نسخ تحریر شده و مشتمل بر ۷۰ برگ به اندازه ۲۲×۱۳ سانتی متر می باشد.

۲- ۲ . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ۱۶/۳۸۰ - ۳۸۱.

۳- ۳ . مقصود مؤلف از بعض الفضلاء المتدینین ابوحامد غزالی است که کتاب تهافت الفلاسفه را در رد فلسفه نوشته و ابن رشد اندلسی نیز تهافت التهافت را در رد آن نوشته است .

فصل و یک خاتمه می باشد.

کتاب بعد از خطبه چنین ادامه می یابد:

... و بعد فانی بینت الامر فی معرفه الله تعالی و توحیده بالهام الله و توفیقه علی النظر الی حسن نظام العالم و التفکر فی خلق السموات و بینهما من عجائب الصنع.... و عملت ذلک فی کتابی المبارک المسمی بتوحید نامه و تحفه توحید خانه... فوضعت هذه الرساله الشریفه لابطال ما تمسک به المحجوبون من القاسیه قلوبهم عن ذکر الله تعالی اعنی فلاسفه یونان و من یحذو حذوهم... و سمیناها جلاء القلوب فی معرفه الله تعالی بالنظر فی العالم و التفکر فی خلق السموات و الارض و بیان بطلان طریقه الفلاسفه فی معرفته تعالی.... و بیناها علی مقدمه و عده فصول و خاتمه».

مقدمه

در ذکر شرف معرفت و وجوب به تحصیل معرفت صحیح معتدبها ، و بیان این که معرفت الله تعالی به حسب وضوح و خفاء و به اعتبار اختلاف مراتب توحید و اخلاص مختلف می شود و تفاوت عظیم دارد ، و این که اصل معرفت ، فطری است و کمال معرفت احتیاج دارد به اکتساب ، و این که مسلک ناس و تحصیل معرفت مختلف است و معرفت صحیح به نظر در آیات سموات و ارض و آثار به هم می رسد ، چنان چه طریقه انبیا و ائمه طاهرین علیهم السلام است و طریقه محجوبین عن الله تعالی مودی به معرفت صحیح نمی شود و در اشاره اجمالی به مرتبه اعلای معرفت.

فصل: در اثبات صانع به روش فلاسفه و اثبات توحید به شرع.

فصل: در تزییف طریقه معرفت فلاسفه به نحوه دیگر.

تبصره: از برای فصل این اصل و این که پرده از روی اشراک فلاسفه بر خیزد و فاش و آشکار شود که فلاسفه قائلند به مهیات فی نفسهای بالذات و اثبات اقتضاها و تاثیرهای بالذات می کنند از برای مهیات فی نفسهای بالذات، تا مجال نمویه و تخلیط مقلدین متعصب نماند.

ص: ۱۸۳

خاتمه: در اشاره طریقه حقه به ذکر حدیث بیضه از امام جعفر صادق علیه السلام که ابو شاکر دیصانی گفت گو داشته است.

از این دو کتاب و همچنین کتاب های مشابه آن ها که در همین عصر و همچنین به فارسی پرداخته شده، (که در پاورقی از آن ها یاد شد) می توان دریافت که یک جریان فکری قوی در دوره سلطنت شاه سلطان حسین علیه فلاسفه جریان داشته است. از این که شرح حال این مؤلفان در هیچ یک از کتب تراجم آن عصر و عصرهای بعد یاد نشده ، می توان دریافت که این عده در اصفهان سکونت داشته و با تسلط افغان ها احتمالاً از بین رفته اند . بعد از افغان ها شاهد رشد و نضج فلسفه ، به ویژه روش فلسفی ملاصدرا ــ موسوم به حکمت متعالیه ــ توسط آقا محمد بیدآبادی و شاگردش ملا علی نوری، در اصفهان هستیم.

۳ . بوارق مشرقه و صواعق محرقه

سید حسین تفرشی از علمای قرن دوازدهم هجری این کتاب را به فارسی نوشته است . مؤلف از عالمان عصر شاه سلطان حسین است و در رساله حاضر ، مانند مؤلف توحید نامه بر فلاسفه خرده گرفته و راه توحید حقیقی را به نظر خود اثبات می کند. در آغاز آن گوید:

« و بعد از این رساله ای است در تحقیق معرفت توحید اهل دین و تفضیح اوهام و جهالات معاندین».

۴ . تحفه الموحدین

مؤلف این کتاب ، سمیع بن غلام علی قمی شاگرد سید حسین تفرشی ، از علمای قرن ۱۲ هجری است که آن را به زبان فارسی درباره اصول دین ، به طور مختصر ، در یک مقدمه و هفت فصل و یک خاتمه ، نوشته است . فهرست مطالب آن چنین است:

مقدمه: در معنی وجود و تقسیم آن.

فصل اول: در اثبات حق جل و علا و توحید آن.

فصل دوم: در صفات ثبوتیه.

فصل سوم: در صفات سلبیه.

فصل چهارم: در عدل.

فصل پنجم: در اثبات نبوت.

فصل ششم: در اثبات امامت.

فصل هفتم: در معاد جسمانی.

خاتمه: در بیان فوایدی چند.

نگارش این کتاب در اصفهان سوم جمادی الاولی ۱۱۲۵ پایان یافته و سر آغاز آن چنین است :

الحمدلله الذی جعل الجنه للموحدین وهیأ الجحیم للملحدین و اصلی علی اشرف الاولین والآخرین محمد.

و انجام کتاب چنین است:

... واجب است که قلبا از آن شخص اکراه داشته باشی ؛ هر چند اظهار آن نتوان کرد . الحمدلله الذی هدانا لهذا و ماکنا لنهتدی لولا ان هدانا الله.

ص: ۱۸۵

بخش ششم کتاب خانه آستانه

اشاره

ص: ۱۸۶

۱ . قم؛ شهر فرهنگ

اشاره

از آغاز سـده چهاردهم هجری ، با انتقال حوزه علمیه به شـهر قم مراکز علمی و فرهنگی در این شـهر ، رونق چشـمگیری یافت که نمونه بارز آن کتاب خانه هاست . امروزه ده ها کتاب خانه عمومی و شخصـی در این شهر مشغول فعالیت و خدمات علمی هسـتند . از جمله اقدامات اساسـی این کتاب خانه ها ، جمع آوری میراث علمی دانشـمندان شیعی است که از این نظر ، قم بعد از تهران ، دومین مرکز مهم این آثار محسوب می شود ، که آمار ذیل نشانگر این مطلب است .

نسخه های خطی موجود در کتاب خانه های عمومی قم

۱ . کتاب خانه حضرت آیه اللّه نجفی مرعشی قدس سره ۳۴۰۰۰ نسخه

۲ . کتاب خانه حضرت آیت اللّه گلپایگانی قدس سره ۱۰۰۰۰ نسخه

۳ . کتاب خانه مرکز احیاء میراث اسلامی ۱۰۰۰۰ نسخه

۴ . کتاب خانه مسجد اعظم ۳۵۰۰ نسخه

۵ . کتاب خانه مدرسه فیضیه ۳۰۰۰ نسخه

۶ . کتاب خانه آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام ۲۵۰۰ نسخه

۷ . کتاب خانه مدرسه حجتیه ۸۰۰ نسخه

۸ . کتاب خانه مؤسسه دارالحدیث ۴۰۰ نسخه

۹ . کتاب خانه مدرسه رضویه ۱۵۰ نسخه

اکنون حدود ۶۵۰۰۰ نسـخه در کتاب خانه های عمومی قم نگهداری می شود که باید به این تعداد نسخه های خطی در کتاب خانه های شخصی قم نیز اضافه گردد .

ص: ۱۸۸

۲. تاریخچه کتاب خانه آستانه

اشاره

نسخ خطی ، تاریخ زنده و گویای فرهنگ دینی و ملی کشورهای اسلامی است. امروزه برای نگهداری این نفایس گرانقدر، در سراسر جهان مراکزی تأسیس شده که برای به دست آوردن این میراث با یکدیگر رقابت می کنند. کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام یکی از این مراکز است. این کتاب خانه واحدهای مختلفی دارد. در این مقاله ، بخش نسخه های خطی آن مورد بررسی قرار می گیرد.

درباره تاریخچه تأسیس کتاب خانه این آستانه ، زمان مشخصی را نمی توان تعیین کرد. این بارگاه مطهر، از بدو به وجود آمدنش در اوایل قرن سوم هجری، همواره مورد توجه شیعیان، به ویژه اهالی قم، بوده است و شعیان به قصد تقرب و جلب رضای خدا ، اموالی را بر این روضه مقدسه وقف کرده اند. از جمله این موقوفات قرآن ها و کتاب هایی است که وقف این آستانه مقدسه شده است.

کهن ترین سندی که به رونق این بارگاه و مدرسه و موقوفات آن تصریح کرده، کتاب «نقض» ، تألیف شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی، از علمای قرن ششم هجری، است. وی متولد قزوین و ساکن تهران بود و به همین جهت از اوضاع قم اطلاع کامل داشت. وی این کتاب را حدود سال ۵۶۰ ه ق. تألیف نموده است.

شیخ عبدالجلیل در ردّ مخالفان شیعه، که شیعیان را به جهالت و نداشتن مدارس علمی متهم می کنند، تعدادی از مدارس مهم شهر قم را نام می برد و چنین می نویسد:

... امّا جواب این فصل آنست که: معلوم است که در شهر قم که همه شعیت اند، آثار اسلام و شعار دین و قوت اعتقاد چون باشد، از جامع که ابوالفضل عراقی کرده است بیرون شهر و آنچه کمال ثابت کرده است در میان شهر و مقصوره های با زینت و منبرهای باتکلّف و منارهای رفیع، و کراسی علما و نوبت عقود مجالس اثیر الملک، و مدرسه شهیدسعید عزالدین مرتضی قدس اللّه روحه، و مدرسه سید امام

زین الدین امیر شرفشاه که قاضی و حاکم است و آن مشهد ستی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهماالسلام با اوقاف و مدرّس و فقها و زینت تمام و قبول اعظم، و مدرسه ظهیر عبدالعزیز... و آنچه شعار شریعت و تمهید قواعد اسلام است از درس و مناظره و مجلس وعظ وحلقه ذکر معین و مقرر، و نور و نزهت و برکت مشهد فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام ظاهی وباهی... (۱).

پیداست بارگاهی با این همه ، شکوه خالی از کتاب خانه نبود .مؤیّد این سخن ، تفسیر قرآنی است که در رمضان سال ۵۷۴ ه ق بر این آستانه مقدسه وقف شده است و در وقفنامه آن آمده است:

وقف... المجلد الثالث ... الاجل العالم المحترم اثیر الدین نجم الاسلام سید الکفاه و... الاماثل و الافاضل شمس العرب تاج الوزراء ابو عیسی احمد بن ابی شجاع... هذا المجلد من المصحف... مع ثلث مجلد مع الصندوق علی الروضه المقدسه... المنوره للسیده الشریفه الرضیه الطاهره فاطمه بنت الامام.... موسی بن جعفر الکاظم صلوات اللّه و سلامه علیها، علی ان یکون موقوفا صحیحا شرعیا مؤبدا... و کتب فی شهر اللّه المبارک رمضان سنه اربع و سبعین و خمس مائه.(۲)

پای همین وقفنامه، دستخط علمایی که در سالهای ۸۱۰ ه ق. و ۸۷۸ ه ق. در آستانه مقدسه قم ، این کتاب را مطالعه کرده اند، موجود است، و این دلیل دیگری است بر این که در این بارگاه محلی برای نگهداری کتاب و نیز مطالعه عالمان وجود داشته است.

در گذشته به محل نگهداری کتاب ها و اشیای نفیس «خزانه» گفته می شد و قرائنی در دست است که این آستانه قبل از سال ۵۷۴ ه ق. خزانه ای داشته است.(۳)

از قرن دهم هجری در این بارگاه محلی برای نگهداری کتاب ها اختصاص یافت و مسئولی به نام «کتابدار» برای آن معین شده است. در ابتدای بعضی از نسخه ها ، مهر و نام کتابداران موجود است. نمونه ای از آن ، که در صفحه اول یکی از قرآن ها آمده، چنین است:

---

۱ - ۱ . «نقض» معروف به «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض»، تألیف نصیر الدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی، به تصحیح میر جلال الدین محدث ارموی، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

۲- ۲ . فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم، محمد تقی دانش پژوه، ص ۹۱.

۳- ۳ . همان، ص ۱۷، مقدمه .

داخل عرض و تحویل اقل السادات کتابدار سرکارات مبارکات گردیده رمضان ۱۱۰۶ .(۱)

از قرائن فوق معلوم می شود که حداقل از قرن ششم هجری در این آستانه مقدسه ، محلی برای کتاب وجود داشته و از قرن دوازدهم هجری ، افرادی به عنوان کتابدار آستانه مقدسه مشغول خدمت بوده اند.

خسارت جبران ناپذیر

شهر قم از قرن دوم هجری مرکز مهم شیعیان شد و به همین سبب در حوادث تاریخی و جنگ ها آسیب فراوان دید. کرزن ، در کتاب خود در این باره چنین می نویسد:

تیمور این شهر را غارت کرد و از آن پس به حالت نیمه ویرانی باقی مانده است و یابه طوری که هربرت حیرت انگیز می نویسد: هنوز جامه کهن در بردارد، زیراکه در حال حاضر از عظمت گذشته آن فقط نامی باقی است. با این وصف در اثر توجه پادشاهان صفوی، این شهر تجدید حیات نمود. در سال ۱۷۲۲ میلادی (۱۱۳۵ هجری قمری) افغان ها، حتی بیش تر از تیمور صدمه وارد و شهر را به کلی ویران کردند.(۲)

در این حوادث ناگوار، بیش تر کتاب های آستانه از بین رفت یا دستخوش غارت شد. چنان که تعدادی از کتاب های آستانه نیز بعد از حوادث متعدد و دست به دست گشتن ، به بعضی از کتاب خانه های کشور راه یافت. به عنوان نمونه باید از تفسیر روض الجنان ابوالفتوح رازی یاد کرد، که شاه عباس صفوی در سال ۱۰۳۷ ه ق. آن را بر روضه منوره حضرت معصومه و مدرسه مبارکه وقف کرد و اکنون در مدرسه فیضیه، به شماره ۵۸،(۳) نگهداری می شود.

ص: ۱۹۱

۱- ۱ . همان، ص ۵، مقدمه

۲- ۲ . ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کرزن، مترجم ،غ. وحید مازندرانی، ج ۲، ص ۸.

۳- ۳ . فهرست کتاب خانه مبارکه مدرسه فیضیه قم، مجتبی عراقی، ج ۱، ص ۵۶. بنا به شواهد تاریخی که ذکر شد مدرسه فیضیه در دوره های قبل خود بخشی از اماکن زیر نظر تولیت آستانه مقدسه بوده است.

۳ . نسخه های خطی و چاپ سنگی کتاب خانه آستانه

اشاره

کتاب خانه فعلی آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام در سال ۱۳۳۱ ه ش . به وسیله حاج ابوالفضل تولیت، متولی آستانه تأسیس شد. او نخست ۱۵۰۰ جلد از کتب خطی و چاپی کتاب خانه خود را به کتاب خانه آستانه اختصاص داد و سپس با هزینه آستانه مقدسه کتب ، دیگری به آن افزود.(۱)

آیت اللّه بروجردی قدس سره و دیگر مراجع تقلید و دانشوران شیعه نیز از اهدای کتاب به این کتاب خانه دریغ نفرموده اند . بیش تر کتاب های کتاب خانه تا قبل از انقلاب اهدایی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعداد نسخه های خطی و کتب چاپی فزونی یافت.

کتاب های خطی کتاب خانه

نسخه های خطی کتابخانه آستانه ، از بدو تأسیس در افزایش بوده ، و هم اکنون تعداد آنها به بیش از ۲۰۰۰ نسخه مشتمل بر ۳۰۰۰ ، گردیده است . این نسخه ها در مخزنِ جداگانه ای در کتابخانه آستانه ، نگهداری می گردد .

فهارس نسخه های خطی کتاب خانه

کتب خطی آستانه مقدسه تاکنون در سه جلد فهرست و به ترتیب زیر تنظیم شده است:

ص: ۱۹۲

۱- ۱ . تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشریعه، ص ۲۹۸.

۱. فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه قم

این فهرست توسط استاد محمد تقی دانش پژوه تهیه و در سال ۱۳۵۵ ه ش . به وسیله آستانه مقدسه چاپ و منتشر شد . این فهرست دارای چند بخش است:

مقدمه: شامل ۱۱۶ صفحه . در این مقدمه مطالب تحقیقی و تاریخی درباره قم و کتاب ها و آثار مربوط به قم معرفی شده است.

بخش اول: در این بخش ، قرآن های خطی آستانه بدین ترتیب معرفی شده است:

قرآن های کتاب خانه، شامل ۷ جلد ؛

قرآن های موزه، ۸۱ جلد ؛

قرآن های تازه یافته، ۳۸۰ جلد .

در این بخش ۴۶۸ قرآن خطی معرفی شده است.

بخش دوم: این بخش به نسخه های خطی اختصاص دارد . بعد از معرفی هر نسخه ، شماره ثبت، شماره قفسه و شماره کتاب ذکر شده است.

ملحقات: شامل تصاویری از نسخه های با اهمیت و فهارس.

این فهرست ضعف هایی نیز دارد مانند:

الف) به علت اینکه ترتیب معرفی نسخ بر اساس حروف الفباست ، نسخ دیگری که اضافه شده در آن قابل درج نیست.

ب) در باره کتاب شناسی کتابها هیچ توضیحی داده نشده است.

ج) شماره هایی که بعد از معرفی نسخه ها ذکر شده ، تغییر کرده اند و نمی توان با این شماره ها نسخه ها را درخواست کرد.

د) هویت عکس های پایانی کتاب مشخص نیست و نمی توان دریافت که هر تصویر مربوط به کدام صفحه و کدام نسخه است.

تعداد نسخه های خطی که در این فهرست معرفی شده ، حدود ۸۰۰ جلد است.

۲ . فهرست نسخ کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام ، جلد اول

این فهرست به وسـیله حجه الاسلام و المسلمین سید حسن نقیبی تهیه و تنظیم شده است . در این فهرست ، ۴۰۰ نسخه، از نسخ افزوده شده بعد از فهرست آقای دانش پژوه ، معرفی شده است.

ص: ۱۹۳

۳ . فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام ، جلد دوم

که در آن ، ۳۶۴ نسخه از نسخ افزوده شده ، به وسیله این حقیر ، معرفی شده است.

جهت عدم تکرار اشکالات فهرست دانش پژوه، در فهرست این دو جلد ، نسخه ها به ترتیب شماره مسلسل معرفی شده است.

در پایان هر جلد نیز فهارسی از عناوین کتب و مولفین دیده می شود.(۱)

کتاب های چاپ سنگی آستانه

تاریخ چاپ در ایران

در ایران ، اولین بار ، چاپ در عصر صفوی ، در اصفهان به صورت محدودی صورت گرفت ، ولی ادامه نیافت.(۲)

پس از آن ، عباس میرزا پس از آن که در سال ۱۲۱۳ ه ق . حکمرانی آذربایجان را به عهده گرفت ، اقدام به وارد کردن دستگاههای چاپ سربی به تبریز نمود.

از اولین کتاب های چاپی در ایران می توان به این کتاب ها اشاره کرد :

۱ . «جهادیه» ، میرزا عیسی قائم مقام ۱۲۳۳ه ق .

۲ . «مآثر السلطانیه» ، تألیف عبدالرزاق دنبلی خوئی ۱۲۴۱ ه ق .

۳ . «تعلیم نامه در اعمال آبله زدن» ، کارمک انگلیسی ، ترجمه میرزا محمد بن عبدالصبور خویی معروف به حکیم قبلی ۱۲۴۵ ه ق.

۴ . «حیوه القلوب» ، ملا محمد باقر مجلسی ۱۲۴۰ ه ق.

۵ . «جلاء العیون» ، ملا محمد باقر مجلسی ۱۲۴۰ ه ق.

۶ . «مفتاح النبوه» ، حاج ملارضا همدانی ۱۲۴۰ ه ق.

۷ . «حق الیقین» ، ملا محمدباقر مجلسی ۱۲۴۱ ه ق.

۸ . «زادالمعاد» ، ملا محمدباقر مجلسی ۱۲۴۴ ه ق.

۹ . «اشارات الاصول» ، حاجی محمدابراهیم کرباسی ۱۲۴۵ ه ق

۱- ۱ . جلد اول و دوم فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام در سال ۱۳۷۵ ه ش، چاپ و منتشر شده است.

۲- ۲_ ارغنون، مجموعه مقالات محمدعلی تربیت، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، ص ۲۷۲ _ ۲۷۹.

۱۰ . «سؤال و جواب» ، حجه الاسلام محمدباقر شفتی ۱۲۴۷ ه ق . چاپ سربی

اولین چاپخانه ها در ایران چاپ سربی بودند، ولی با توجه به هزینه بالای این نوع چاپ، پس از رواج چاپ سنگی، چاپ سربی برچیده شد و تا سال ۱۲۹۰ ه ق . که ناصرالدین شاه در سفر به اروپا یک دستگاه چاپخانه با حروف عربی از فرنگستان به ایران آورد، تمام چاپ های ایران به صورت سنگی صورت می گرفت.

با گسترش چاپ سربی جدید ، دیگر چاپ سنگی کم کم منسوخ شد و امروز به کلی از گردونه چاپ خارج شده است. به همین جهت ، نسخه های چاپ سنگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، زیرا خیلی از کتاب ها به صورت چاپ سنگی برای اولین بار به چاپ رسیده و پس از آن دیگر چاپ نشده و نسخه های آن کتاب ها هم اکنون منحصر در نسخه های چاپ سنگی است و از این قبیل کتاب ها فراوان داریم.(۱)

فهرست کتاب های چاپ سنگی آستانه

چنان که قبلاً ذکر گردید ، مخزن کتاب های چاپ سنگی و سربی قدیم کتاب خانه آستانه شامل حدود ۳۵۰۰ جلد کتاب است . برای این کتاب ها در سال ۱۳۷۶ش فهرستی مفصل در حدود ۶۰۰ صفحه تهیه گردیده که متاسفانه تاکنون منتشر نشده است .

این فهرست در چند بخش (کتاب های فارسی، عربی، ترکی، اردو، انگلیسی و فرانسوی) و به ترتیب الفبای عنوان کتاب ها تنظیم شده است.

ترتیب چینش اطلاعات بدین نحو است :

۱ . نام کتاب

۲ . موضوع کتاب : که در روبروی عنوان کتاب در داخل پرانتز قرار گرفته است.

۳ . مؤلف یا مترجم : که در زیر عنوان کتاب قرار دارد.

۴ . نام کاتب نسخه

۵ . سال و محل چاپ

۶ . ناشر و مطبعه

۱- ۱. برای اطلاع به فهرست کتاب های فارسی و عربی خان بابا مشار مراجعه شود.

۷ . قطع کتاب (جیبی، رقعی، خشتی، وزیری، وزیری بزرگ، رحلی)

۸ . تعداد صفحات

۹ . شماره مسلسل کتاب : که با آن شماره کتاب در مخزن مستقر شده می توان با آن کتاب را از کتاب خانه درخواست نمود.

۱۰ . برای سهولت مراجعه در پایان کتاب، فهارس : مؤلفین، مطبعه ها، اماکن و کاتبان نیز افزوده شده است.

تنظیم فهرست کتاب های چاپ سنگی در ایران سابقه چندانی ندارد و تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد ، تاکنون در این زمینه دو کتاب منتشر شده است :

۱ . فهرست کتب چاپ سنگی موجود در کتاب خانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۲ . فهرست کتب درسی چاپ سنگی کتاب خانه ملی ایران ، تاریخ انتشار ۱۳۷۶ ش.

ص: ۱۹۶

۴ . نوزده فائده از نسخه های خطی کتاب خانه آستانه

اشاره

نگارنده هنگام فهرست نویسی نسخه های خطی کتاب خانه آستانه در سال ۱۳۷۴ش ، فوائـدی را از برگ های آغاز و پایانی نسخه هـای خطی ـ که نوعـا عالمـان مطالب متفرقه ای را در آن یادداشت می کردنـد ـ تهیه نموده که در این جا تقـدیم می گردد:

فایده ۱

شعری که کاتب نسخه ، پس از اتمام نسخه ، در پایان نسخه تحریر نموده است:

اَیا کسی که نظر بر کتاب من داری همین بس است که ما را بخیر یاد آری

مرا ز لطف عمیم تو این توقع هست که در مطالعه هر گه کتاب پیش آری

چو بر ضمیر تو مشکوف گردد اسرارش مرا ز خاطر عاطر فرو نگذاری

دعای خیر کنی بر مصنّف و کاتب آن ز قهر باز رهانی بلطف بسپاری

مدد ز غیر چه خواهم خدای عز و جل بلطف خویش فرو مانده را دهد یاری

بپوش جرم و جفا و ببخش سهو و خطا که هم کریم و رحیم و غفور و ستّاری (۱)

فایده ۲

اشعاری از مسکین فراهی (متوفای ۹۰۹ ه ق)

خداوندا کریما کردگارا توئی پروردگار بی مدارا

اگر چه از دو عالم بی نیازی و لیکن مفلسان را دل نوازی

چو هستی در کرم بی مثل و مانند فقیران را دگر در فاقه مپسند

۱- ۱ . پایان معارج النبوه فراهی [نسخه شماره ۵۰۴ ؛ ص (۱۹۲ پ)]

تو سلطانی و ما جمله فقیران بدست نفس اماره اسیران

خداوندا بذات بی مثالت بهر یک از صفات بر کمالت

نمی گویم مرا تنها عطا کن خدایا حاجت جمله روا کن

چو حاجتی از سر اخلاص خواهم مراد از بهر عام و خاص خواهم

هر آنکس کین دعا را گوید آمین بحقش هم اجابت کن بتعیین(۱)

فایده ۳

در بحران هـای اجتماعی در قـدیم الایام ثروتمنـدان برای مصونیت دارایی خود ، آن را به طلا می کردنـد و در محلی دفن می کردند و نشان آن را در لا به لای کتابی درج می نمودند . نمونه زیر یکی از آن یادداشت هاست:

در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۳۱ در محـال اردبیل دهی است به نام ارنجی در شـرق ده کوه به نام حسن کوه در دامنه شـرق حسـن کوه چشـمه ای است به نام آسمان بلاغ در طرف بولاق یک سنگ است برنگ سفید که روی سنگ کله گرگ حجاری شده است در شرق ۳ عرج کندم، دو عدد کوزه که پر از سکه طلا و یک انگشتر الماس دفن کردم .«وزیر طرغلور» .(۲)

فایده ۴

بیتی از عمورکنا

چو کبوتران وحشی همه می رمند از هم ز فلک بگوش مردم چه صدا رسیده باشد

فایده ۵

شعری از شاعری با تخلص نادم

ای دل بخود بیا تجلی یار بین خود را گذار جلوه آن گلعذار بین

ص: ۱۹۸

۱- ۱ . همان . مناجات بلند بود تلخیص شد غیر از این مناجات دو مناجات بلند دیگر از وی در ۲۶ بیت موجود است به گمانم منحصرا در آن نسخه آمده باشد.

۲- ۲ . نسخه شماره ۵۲۳، حل المسائل لاری، ۵برگ [۱۶۳ پ].

ذرات این جهان همه فرعند بی قرار آن اصل را تو دائمی برقرار بین

آثار مُظهری تو را دست دست اوست در عین جبر سلسله اختیار بین

کوئی منم تو کیستی ای مست بی خرد خود را اسیر در رسن اضطرار بین

در راه معرفت چه توانی قدم زنی بنگر علاقات بیرون از شمار بین

شوری بسر نداری و خامی کم عیار برخود نظر نما معایب هزار بین

گر طالب سلوکی خواهی تو سالکی با ما دمی بیا ره حق آشکار بین

با چشم ظاهری نتوان دید این طریق این راه را تو از نظر اعتبار بین

در ملک فقرنه قدم و پادشاه باش درویش باشی و خوش به از شهریار بین

خواهی کنی تو سیر صفای دیار یار این خرقه از بر افکن مراندیار بین

صوفی شراب صاف بکام آید آشنا شومست جام وحدت خود هوشیار بین

«نادم» مگو تو زین سخنان نزد جاهلان ابراز، حق کنی سر خود پای دار بین (۱)

فایده ۶

اسامی ماه در حالتهای مختلف آن:

ماه نو را از شب اول تا شب سیم «هلال» و از شب چهاردهم تا اواسط ماه «قمر» و در اواسط «بـدر» و بعد از آن باز «قمر» و سه روز آخر را «محاق» می گویند.

فایده ۷

بیتی از میر محتشم موسوی

بسکه از شرم ضمیرت نَیّر اعظم گداخت ظل مخروطی فتد بر طیلسان مشتری

فایده ۸

بیتی از سید جعفر کشفی

چون ناله بلبل ز پی گل شنوی گل گفته بود گر چه ز بلبل شنوی (۲)

۱- ۱ . نسخه [۵۷۶] جمع الجوامع، صفحه اول ،آستانه حضرت معصومه (س)

فایده ۹

تاریخ ساخت دَرِ مسجد امام اصفهان را که شاه سلیمان از نقره ساخته: (۱)

شد دَرِ کعبه در صفاهان باز

که به حساب ابجد برابر با سال ۱۰۴۵ ق است .

فایده ۱۰

تاریخ وفات آقا محمد باقر هزار جریبی شاگرد بحر العلوم و شیخ جعفر نجفی، سال ۱۲۴۵ ق و تاریخ وفات ملا فتح الله صاحب تفسیر قرآن در سال ۹۸۸ ق که به حساب ابجد برابر با «ملاذ الفقهاء» است .

فایده ۱۱

یک رباعی فارسی و یک دو بیتی عربی:

یک دم نکنی آنچه ترا فرمودند خواهی که چنان شوی که مردان بودند

چو راه نرفته ای از آن ننمودند و رنه که زد این در که درش نگشودند

******

اَری الدنیا کخانٍ فی طریقٍ یمسُّ علیه ابناء السبیل

فقَفْلٌ نازلً فیه مقیمٌ و قَفل قد تهیّا للرحیل (۲)

فایده ۱۲

رباعی از ملا خواجه علی

آنکس که بترسد از بلا مرد نباشد آری نَفَس سوختگان سرد نباشد

از مدرسه و مسجد و محراب چه حاصل تا اشک عقیقی و رخ زرد نباشد

۱- ۱ . صفحه دوم، نسخه شماره ۶۱۵ آستانه.

۲- ۲ . صفحه آخر «لوامع الاشراق»، نسخه شماره (۶۲۹) آستانه.

فایده ۱۳

ظهور تو بمن است و وجود من از توی ولست تظهر لولای و لم اکن لولاک(۱)

فایده ۱۴

در امانت دادن کتاب

الا یا مستعیر الکتاب دعنی فإنّ إعاره المعشوق عار

فمعشوقی من الدنیا کتاب فهل ابصرت معشوقا یعار (۲)

فایده ۱۵

در مدح کتاب شرایع الاسلام محقق حلی

یا طالب العلم بالآفاق مجتهدا اقصد شرایع نجم الدین و اقتصر

فانّ فیها الفاظ منقحهً تکفیک عن کل إرشاد و مختصر (۳)

فایده ۱۶

نسب نامه سید هاشم اصفهانی

«ذکر نسب اقل السادات که از نسخه اصل و در ظهر این مجلد آباء عظام ــ رضوان الله علیهم ــ نوشته اند:

عبده هاشم بن عبد الباقی (متوفای ۱۲۵۰ ق و نائب الصدراه اصفهان) بن محمد تقی (متوفای ۱۲۳۲ ق) بن محمد صالح متوفای ۱۲۲۱ بن سید محمد بن سید محمد طاهر بن سید محمد بن سید بدر الدین بن سید علی بن سید حیدر بن سید نورالدین محمد ملقب به میر آفتاب بن سید علاء ابن احمد بن محمد بن محمد طاهر بن محمود بن حمید بن علی بن حامد بن محمد بن احمد بن محمود بن ابراهیم بن حسن بن اسحق بن حمزه بن محمد بن حمزه بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی

۱– ۱ . نسخه شماره ۶۵۸.

۲– ۲ . اول شرایع نسخه شماره ۲۹۷، حرم مطهر.

۳– ۳ . اول شرایع نسخه شماره ۶۹۷، حرم مطهر.

بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوه الله و سلامه علیه و علیهم الف الف ثناء التحیات الی یوم الدین و کتب الداعی سنه ۱۲۲۲» .

و در ادامه آن تاریخ در گذشت تعدادی از بزرگان این خاندان چنین ثبت شده است:

وفات مرحمت و غفران پناه جنّت و رضوان آرامگاه الواصل الی جوار رحمه الله میر محمد صالح والد ماجد طاب ثراه ، شب چهارشنبه ۲۰ شهر جمادی الاول من شهور سنه احدی و عشرین و مأتین بعد الالف ۱۲۲۱ من الهجره المقدسه النبویه.

وفات مرحمت و غفران پناه جنّات رضوان... میر محمد تقی والد ماجد طالب ثراه ۱۲۳۲.

وفات مرحمت و غفران پناه جنّت و رضوان آرامگاه الواصل الی جوار رحمه ربه الغنی اقامیر عبدالباقی نائب الصداره دار السلطنه اصفهان حشره الله تعالی مع من کان یتولاه من الائمه الطاهرین علیهم سلام الله الی یوم الدین اول ظهر یوم چهارشنبه ۱۶ شهر ربیع المولود سنه ۱۲۵۰.

فایده ۱۷

رباعی

سَاَضرِبُ فی شرق البلاد و غربها انال مرادی او اموت غریبا

فان تلفت نفسی فلله دُرّها و ان سلمت کان الرجوع قریبا

فایده ۱۸

درگذشت فرزند سید علی خان مدنی شیرازی

ابو اسماعیل فرزند سید علی خان مدنی مشهور به سید علی خان کبیر متوفای ۱۱۱۸ ق در روز چهارشنبه ۱۵ ذیقعده ۱۰۷۲ ق در شهر کلکنده متولد و در شب جمعه ۱۵ ربیع الثانی ۱۱۰۱ در قریه موسوم به ینجر از توابع دکن هند در گذشته که جنازه اش را به روستای مکلور برده در آنجا دفن می کنند . و پدرش در سوگ وی قصیده ای در شصت و بیت سروده که مطلع آن چنین است:

تفدیک لو قبل المنون فداها نَفس علیک تقطعت باساها(۱)

۱- ۱ . نقل از صفحه اول مجموعه خطی شماره ۷۳۱ حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام

فایده ۱۹

تثلیت اللغه ابن مالک

کتاب تثلیث اللغه تالیف ابن مالک نحوی گویا تاکنون نسخه های از آن شناسایی نشده و در دایره المعارف بزرگ اسلامی در مدخل «ابن مالک» نیز در آثار وی یادی از آن به میان نیآمده است . در ظَهر یکی از نسخه های آستانه مطلبی به نقل از این کتاب چنین درج شده است:

«در نسخه نفیس تثلیث اللغه ابن مالک که نسخه فرد آن در تصرف و جزء کتاب خانه این فقیر می باشد به مناسبتی نام بطلمیوس را آورده:

و قد عنی بعد ذلک جماعه من الفضلاء و الاکابر احقّهم بالاحصاء و اوثقهم بالاستقراء الامام العلامه العصر اللغوی النحوی ابو محمد عبدالله بن محمد بن السید البطلمویس، المتوفی فی منتصف رجب سنه ۵۲۱ ه ق» .(۱)

ص: ۲۰۳

۱- ۱ . مدرک سابق، ص ۱۲۴.

۵ . نسخه های خطی تفاسیر در کتاب خانه آستانه

نسخه های خطیِ تفسیری که در کتاب خانه آستانه موجودند و در سه جلد فهرست نسخه های خطی آن معرفی شده اند ، به ترتیب الفبایی عبارتند از:

۱ . انوار التنزیل و اسرار التأویل(عربی)

مولف: قاضی ناصرالدین عبد الله بن عمر بیضاوی (۶۸۵ ه ق)

نسخه ش ۲۸۰ ، به خط نسخ، کاتب محمد علی بن محمد صادق قزوینی، سال ۱۱۹۷ ه ق.

۲ . تفسیر آیه «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی»(عربی)

مولف: ابو حامد محمد بن محمد غزالی (۵۰۵ ه ق)

نسخه شماره ۵۳۰ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت.

۳ . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام (عربی)

نسخه شماره ۴۰۰ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت .

۴ . تفسیر قرآن(فارسی)

از: مؤلفی ناشناخته

نسخه شماره ۱۸۳ ، به خط نستعلیق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت .

۵ . تفسیر قرآن (فارسی)

از: مؤلفی ناشناخته

نسخه شماره ۳۹۲ دانش پژوه ، به خط نسخ ، بدون نام کاتب ، قرن هفتم هجری .

این تفسیر ، از کهن ترین تفسیرهای فارسی است و نسخه موجود در قرن پنجم یا ششم هجری تحریر شده و جلد سوم تفسیر است. در این نسخه یکی از کهن ترین

وقفنامه های حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام تحریر شده که کهن ترین سند مکتوب تاریخی آستانه مقدسه به شمار می رود . این تفسیر در فهرست دانش پژوه، ص ۹۰ ، شماره ۳۹۲ ، معرفی شده و شایسته است با تحقیق و تصحیح منتشر شود .

۶ . تفسیر القرآن(عربی)

از: مؤلفی ناشناخته

نسخه شماره ۵۰۱ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت .

تفسیرِ مختصری است به عربی ، که مؤلف آن ناشناخته می باشد. این تفسیر در جلد دوم فهرست جدید با شماره ۵۰۱ معرفی شده است . این تفسیر با تفاسیر: جلالین ، تفسیر سید عبداللّه شبر، تفسیر صافی و اصفی مقابله شده و غیر از آن ها می باشد.

۷ . ترجمه الخواص(فارسی)

از: ابوالحسن علی بن حسن زواره ای (قرن دهم هجری)

نسخه شماره ۴۵۳ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت .

نسخه شماره ۴۵۷ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، ۱۰۷۵ ق.

نسخه شماره ۵۶۹ ، به خط نستعلیق، کاتب: علی بک بن کلب علی نرج آبادی، ۱۰۸۹ ق.

۸ . تفسیر القرآن علی بن ابراهیم قمی(عربی)

از: علی بن ابراهیم قمی

نسخه شماره ۴۵۹ ، به خط نسخ، ۱۳۰۰ قمری، بدون نام کاتب .

۹ . جوامع الجامع(عربی)

از: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ه ق)

نسخه شماره ۵۳۶ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، تحریر قرن یازدهم .

نسخه شماره ۵۶۷ ، به خط ثلث، بدون نام کاتب، تحریر قرن دوازدهم .

نسخه شماره ۵۷۲ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، تحریر قرن دوازدهم .

نسخه شماره ۷۳۶ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، تحریر قرن یازدهم .

نسخه شماره ۷۳۷ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، بدون تاریخ کتابت .

ص: ۲۰۵

نسخه شماره ۱۹۷ ، به خط نسخ، شفیع بن محمد مومن حسینی طالقانی، ۱۰۹۷ ق.

۱۰ . جواهر التفسیر لتحفه الامیر(فارسی)

از: کمال الدین حسین بن علی کاشفی (۹۱۰ ه ق)

نسخه شماره ۵۷۰ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، تحریر قرن دوازدهم .

نسخه شماره ۵۷۴ ، به خط نستعلیق، بدون نام کاتب، تحریر قرن سیزدهم .

۱۱ . خزائن جواهر القرآن(عربی)

از: علی قلی خان بن قره چغای خان خلجی قمی (قرن یازدهم)

نسخه شماره ۵۸۸۸ دانش پژوه ، به خط مولف، ۱۳۰ برگ .

این نسخه به خط مؤلف است . مؤلف آن یکی از حکیمان و قرآن پژوهان سده یازدهم قم است که شرح حالش قبل از این ذکر گردید . این کتاب از سوی دفتر نشر میراث مکتوب در دست تحقیق و انتشار است .

۱۲ . خلاصه منهج الصادقین(فارسی)

از:ملافتح الله بن شکر الله کاشانی (۹۸۸ ه ق)

نسخه شماره ۴۵۵ ، به خط نستعلیق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت .

نسخه شماره ۴۵۸ ، به خط نستعلیق، مسعود بن محمود، ۱۵ ذی قعده، ۱۰۴۸ ق.

نسخه شماره ۴۶۲ ،به خط نسخ، شمس الدین بن نور الدین محمد اسیری، ۱۳۳۳ ق.

نسخه شماره ۱۷۹ ، به خط نستعلیق، بدون نام کاتب، سه شنبه ۱۱ شوال (بدون ذکر سال) .

نسخه شماره ۶۱۲۸ دانش پژوه ، به خط نسخ ، حسین قلی بن بهرام میرزا، ۲۱ ذیحجه ۱۰۵۴ ق.

نسخه شماره ۶۱۲۹ دانش پژوه ، بدون نام کاتب، قرن دوازدهم هجری .

نسخه شماره ۵۹۶۷ دانش پژوه ، به خط نستعلیق، بدون نام کاتب، ۱۱۲۳ ق.

نسخه شماره ۶۱۰۸ دانش پژوه ، به خط نسخ، حاتم، سه شنبه ۹ جمادی الاول ۱۰۹۰ ق.

نسخه شماره ۶۴۳۵ دانش پژوه ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، قرن یازدهم .

۱۳ . الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور(عربی)

از: جلال الدین سیوطی

نسخه شماره ۶۴۲۵ دانش پژوه ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، قرن دوازدهم هجری .

۱۴ . روض الجنان و روح الجنان(فارسی)

از: ابوالفتوح رازی

نسخه شماره ۶۰۹۳ دانش پژوه ، به خط نسخ، بدون نام کاتب، قرن یازدهم .

نسخه شماره ۳۹۱ دانش پژوه ، به خط نسخ، محمد زمان حسینی، ۱۰۱۵ ق.

۱۵ . الصافی(عربی)

از:ملا محسن بن مرتضی فیض کاشانی (۱۰۹۱ ه ق)

نسخه شماره ۴۵۴ ، ثلث، محمد رضا بن محمد، دوشنبه ۴ ذیقعده، ۱۲۵۵ ق.

۱۶ . الکشاف(عربی)

از: جار الله محمود بن عمر زمخشری (۵۳۸ ه ق)

نسخه شماره ۴۵۶ ، به خط نسخ، عبد الله بن ابراهیم، ۲۴ رجب ۱۰۶۷ ق.

نسخه شماره ۴۶۰ ، به خط ثلث، بدون نام کاتب، قرن سیزدهم هجری .

نسخه شماره ۴۸۱ ، به خط ثلث، بدون نام کاتب، قرن دوازدهم هجری .

۱۷ . کنوز الجواهر و معادن الزواجر(فارسی)

از: غلام رضابن محمد علی کاشانی آرانی (قرن سیزدهم هجری)

نسخه شماره ۶۱۱۴ ، به خط نسخ، علی انجدانی، چهارشنبه ۲۴ صفر ۱۲۵۲ ق.

نسخه این تفسیر منحصر بوده و مؤلف آن از فقهیان دانشمند سده سیزدهم شیعی است و شایسته است که به صورت پایان نامه

ای تحقیق و منتشر گردد .

۱۸ . مجمع البیان(عربی)

از: ابو علی فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ه ق)

نسخه شماره ۵۹۶۹ دانش پژوه ، به خط نسخ، قرن دوازدهم هجری .

نسخه شماره ۵۹۵۴ دانش پژوه ، به خط نسخ، قطب الدین تاج الاسلام محمد بن

ص: ۲۰۷

حسین بن حسن کیدری بیهقی سبزواری، دوشنبه ۱۴ جمادی الثانی ۵۸۵.

جا دارد که این نسخه به عنوان سندی برای آثار شیعی به صورت عکسی منتشر شود .

۱۹ . مشکوه الانوار(عربی)

از: ابو حامد محمد بن محمد غزالی (۵۰۵)

نسخه شماره ۵۳۰ ، به خط نسخ، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت .

۲۰ . منهج الصادقین(فارسی)

از: ملا فتح اللّه بن شکر الله کاشانی (۹۸۸ ه ق)

نسخه شماره ۵۹۹۲ دانش پژوه ، به خط نسخ، محمد علی بن مهر علی گزی سینی، یک شنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۰۵۶

نسخه شماره ۵۸۹۸ دانش پژوه ، به خط نسخ، محسن بن ابی الولی حافظ حسینی، دوشنبه، ربیع الثانی ۱۰۸۹ ق.

۲۱ . مواهب علیه یا تفسیر حسینی(فارسی)

از: کمال الدین حسین بن علی کاشفی (۹۱۰ ه ق)

نسخه شماره ۴۵۲ ، به خط نستعلیق، محمد بن یوسف بن محمد علی آشتیانی، ۱۲۸۷ ق.

در کتاب خانه آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام ، ۴۱ نسخه خطی از تفاسیر شیعه و عامه ، در ۲۱ عنوان، به زبان های فارسی و عربی موجود است .

بخش هفتم سه متن تصحیح شده از نسخه های خطی کتاب خانه آستانه

اشاره

۱ . سرخوشان نشئه صهبای عشق

۲ . آداب السیر و السلوک

۳ . مکتوبی دیگر از آقا محمد بیدآبادی

ص: ۲۱۰

۱ . مثنوی تقی علی آبادی (متخلص به صاحب)

در رثای سید الشهدا علیه السلام

میرزا محمد تقی علی آبادی مازندرانی ، فرزند میرزا زکی، اصل وی از علی آباد مازندران و در شعر و شاعری مهارت زیاد داشت . میرزا تقی ، ابتدا «ملالی» تلخیص می کرد ، ولی بعدا تخلّصش را به «صاحب» تغییر داد و به همین جهت به «صاحب دیوان» اشتهار یافت.(۱) وی در سال ۱۲۵۶ ه ق. درگذشته است .

دیوان اشعار صاحب علی آبادی تاکنون منتشر نشده و از اشعار وی ابیات مقدار اندکی در کتب تذکره و تراجم در ذیل حالاتش نقل گردیده است .

نسخ خطی دیوان وی که نگارنده تا به حال بدان هااطلاع یافته ، عبارتند از:

۱ و ۲ . دو نسخه در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی .(۲)

۳ و ۴ و ۵ . سه نسخه در کتاب خانه مدرسه عالی شهید مطهری به شماره های ۵۴۵ و ۱۲۱۶ و ۱۲۱۷.

۶ . نسخه شماره ۲۱۰۳ کتاب خانه حضرت آیت الله گلپایگانی قدس سره .

از جمله اشعار وی ، مثنوی ای است در بحر رمل ، بر وزن «فاعلات فاعلات فاعلات» . او این مثنوی را در رثای سید الشهداء حضرت ابا عبدالله علیه السلام سروده و در

۱- ۱ . شرح حال او را در این منابع ببینید: فرهنگ سخنوران، خیامپور، ص ۳۲۲ ؛ الذریعه، ج ۹، ص ۵۷۶، مجمع الفصحا، هدایت، ج ۲، ص ۲۹۸ - ۳۱۶ ؛ تذکره دلگشا، بسمل شیرازی، ص ۳۷۶ - ۳۷۸؛ تذکره ممیز، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، ش ۹۰۶.

۲- ۲ . فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ، ج ۳، ص ۴۲۲ و ۳۲۸.

آن، مفاخره بین آن حضرت و جبرئیل را به نحو عالی به نظم کشیده است. این مثنوی ۶۰ بیت است، چهل بیت اوّل آن در کتاب سوگواریهای ادبی در ایران ، تألیف ح. کوهی ، در سال ۱۳۳۳ش به چاپ رسیده و بعد از آن همان ابیات در دیگر کتب نقل گردیده است.

امّا بیست بیت آخر این مثنوی که تا به حال در جایی چاپ نشده، در جُنگ شیخ اسد اللّه تنکابنی مندرج است و اکنون با شماره ۴۷۸ در کتاب خانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام نگهداری می شود.

در این جا تمامی این مثنوی با تصحیح از روی جنگ مذکور و نسخه چاپی تقدیم اهل نظر می گردد .

سرخوشان نشئه صهبای عشق

گفت با جبریل رب العالمین بهر امروزت همی خواندم امین

رو ببین این خیل مستان مرا عندلیبانِ گلستانِ مرا

سرخوشان نشئه صهبای من مهوشان جلوه زیبای من

یک چمن گل در میان خاک و سنگ مشکبوی و لعل فام و رنگ رنگ

تا بدانی که خداوند تو چون «انّی أعلم» گفت و «ما لا تعلمون»

باعث ایجاد عالم از چه بود این همه اعزاز آدم از چه بود

تخم افشاندم کنون بَر می برم غوص عمّان کرده، گوهر می برم

عشق از من نشئه ای بود از وجود گر نبودی نور او عالم نبود

مظهری می خواست عشق پاک را رو بپرس این کشتگانِ خاک را

جبرئیل آمد در آن ماتمکده دید از یکسو رده اندر رده

وز دگر سو خستگان و کشتگان زینب و کلثوم و دیگر کودکان

گه به سایه اسب شه در می خزند گه لبان از تشنگی در میمزند

یک چنین آنجا ستاده در میان از دو سو آن کشتگان و آن زنان

گفت جبریل این همانا محشر است نی که حشر از بهر عدل داور است

هست ازو آوازه عدل و داوری نیست در وی غیر ظلم و کافری

ص: ۲۱۳

ای حسین عشق و ای ایوب صبر احمد دین حیدر کرّار بَدر

تو غریب افتاده آن یاران شهید آن زنان آن طفلکان نارسید

بین که عرش از پا درآمد زین ستم رخصتی ده تا بر این اعدا زنم

بر خود انصاف آر ازین جور و ستم گفت من ز انصاف خود آنسوترم

گفت: با خیل ملائک آمدم گفت: من از بهر آن «یک» آمدم

گفت: بنما تا ببینم لشکرت؟ گفت: باید بود چشم دیگرت

«بجُنودٍ لم تَرَوْها» (۱) در سبق که به پیغمبر بیاوردی ز حق

آن جنود اندر من است ای خوش خبر که بر اعدا دارم از ایشان ظفر

جبرئیلا این نه نار موسی است جبرئیلا این نه دار عیسی است

جبرئیلا حال عشق اندر تو نیست تا بگویم کشتگان را حال چیست

این حدیث ذبح اسماعیل نیست قصه پر غصه هابیل نیست

تو در و بینی همه جور و جفا من همی بینم صفا اندر صفا

گفت آب آرم ز دریای کرم گفت من خود اندر آن دریا درم

آب او خود می برد خاک مرا سیل او آزرده خاشاک مرا

با هوایش در تموز و دی خوشیم ماهی آبیم و مرغ آتشیم

تیغ بر سر همچو افسر برده ایم تشنگی چون؟ آب کوثر خورده ایم

گفت: من ای تشنگان را آب جوی تشنه اویم نه تشنه آب جوی

دید شه جبریل با خیل ملک بهر تکریمش بگفت: «النصر لک»

ای رسول عقل و ای روح الامین بهر چه از عرش راندی بر زمین

گفت از عرشت سلام آورده ام وز خداوندت پیام آورده ام

گفت برگو تا به جان فرمان کنم جانِ دیگر نیست تا قربان کنم

گفت فرمودت خداوند ودود گر نبودی تو خداوندی نبود

بر خداوندان خداوندی تراست در دو گیتی آنچه بپسندی تُراست

ای رموزآموز علم «مِن لدن» (۲) ای تو مقصود و مراد از امر «کُنْ»

ص: ۲۱۴

۱- ۲ . اشاره به آیه چهلم سوره توبه.

۲- ۱ . اشاره به آیه ششم سوره نمل.

تشنه عشق از دو دریا سیر نیست آب او جز از دم شمشیر نیست

تو دبستان مرا طفل نوی گر چه مُلک علم را کیخسروی

نفس را باشد فنا در کیش عقل که فزون زان نیست ره در پیش عقل

آن فنای آب و باد و آتش است خاک مسکین ساکن و فرمان کش است

آن سه دانی چیست باد نخوت است آتش خشم است و آب شهوت است

چون فنا افتاد عشق پاک را گیرد اوّل خاک بر سر خاک را

آن حسین شد کشته در دشت بلا اوفتاده سر جدا و تن جدا

غیرتش نگذاشت تن ز آبی فتاد خواست تا اجزای آن گردد هبا

گفت عشقا خاک من بر باد ده خاک من در کوی او بر باد ده

تاخته اسب ستم بر جسمشان جان فدای جسمشان و اسمشان

گشت پامال ستوران آن جسد بادشان «فی جیدها حبلٌ من مَسَد»(۱)

خاک او جان شد ندانم جان چه شد زین فراتر عقل را سامان چه شد

ای خوشا آنانکه تن را جان کنند جان به از جان آنچه خواهند آن کنند

بی کفن افتاد تنها چاک چاک فرق ما را هست لایق خاک خاک

عشق می خواهد چنین ای ذوالمحن کشتگان خویش بی غسل و کفن

زان کفن پوشند مردان دلیر که بُرند از تیغ و دوزندش به تیر

نوحه شان جز مرغ صحرائی نکرد گریه شان جز ابر دریائی نکرد

عقل می گریید زان درد و محن عشق می خندید در آن انجمن

چون ز هجران بگذری جز وصل نیست وصل را گنجای جنس و فصل نیست

ذات را بشناسی از وصف صفات صد حسین از ذات حیرانست و مات

آب آتش کی شود ای ذات جو لیک چون آتش شود در فعل او

ص: ۲۱۵

۱- ۱ . اشاره به آیه آخر سوره مسد.

۲. آداب السیر و السلوک

مقدمه

(نامه آقا محمّد بیدآبادی به میرزای قمی)

انسانِ گرفتار آمده در عالم طبیعت و دور افتاده از عالم بیکران قدس و ملکوت، هر لحظه نیازمند نغمه روح افزایی است تا مرغ روح را از قفس تن بر عالم جان به پرواز در آورد . به همین سبب ، علمای اخلاق تذکر و نصیحت را برای همه کس، در هر زمان لازم و ضروری دانسته اند.

و گاه اتفاق افتاده که کلمه ای برآمده از جان وارسته ای ، در نفوسِ مستعد چنان کارگر افتاده که چندین کتاب و منبر آن تأثیر را نداشته اند . از بزرگی پرسیدند: چرا این همه در مجالس وعظ و تذکر شرکت می کنی؟ پاسخ داد: هنوز آن کلمه ای که قرار است مرا تکان دهد و حرکتی در من ایجاد کند نیافته ام! به همین جهت بزرگان به دنبال جان های آشنا بودند و از آنان تقاضای موعظه می کردند تا موجب حرکتی در روح و اشتیاقی در بدن برای طاعات باشد، هر چند آن بزرگان خود، آن معانی را به نحو کمال واقف بودند.

مکتوبی که اینجا عرضه می گردد از خامه عارف باللّه ، آقا محمد بید آبادی در پاسخ درخواست فقیه شهیر میرزای قمی که عازم عتبات عالیات بوده ، تراوش نموده ، و چون از دل برآمده بر دل می نشیند ، زیرا میرزای قمی با آن همه مراتب علمی و کمال معنوی که داشته ، می دانسته از چه کسی باید تقاضای موعظه و پند و اندرز نماید .

مخاطب نامه: میرزای قمی (۱۱۵۰ - ۱۲۳۱ ه ق)

میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی شفتی رشتی ، معروف به میرزای قمی و صاحب قوانین ، ابتدا نزد پدرش درس خوانده و سپس به خوانسار رفته است. وی پس از آن نزد سید حسین خوانساری (جد صاحب روضات) تلمذ نموده است. سپس در کربلا ، نزد وحید بهبهانی درس خوانده و با اخذ گواهی اجتهاد از او به جاپَلَق رفته است. او اندکی بعد در اصفهان و سپس در شیراز اقامت گزید ؛ تا این که به درخواست

مردم قم در این شهر ساکن و تا آخر عمر در آن جا به سر برده است. مدفن او در قبرستان شیخان قم معروف است. از مهمترین آثار او قوانین المحکمه و جامع الشتات و غنائم الایّام را می توان نام برد.

بین میرزا و مرحوم بیدآبادی صـمیمیت کامل وجود داشـته و میرزا از مریدان آن مرحوم به شـمار می رفته است . این صمیمیت موجب گردیـد که بعـدها شـاگرد معروف بیـدآبادی ، یعنی حکیم آقـا علی نوری ، از مریـدان میرزا گردد و بینشان مراسـلات دوستانه ای رد و بدل گردد که مشهور است.

نویسنده نامه: آقا محمد بید آبادی (م ۱۱۹۸ ه ق)

دوران زندگی بیدآبادی در بحرانی ترین لحظات تاریخ ایران سپری شده است . اوایل عمر او مقارن با سـقوط صفویه (۱۱۳۵ ه ق) و روی کار آمدن افاغنه بوده است. در زمان افاغنه و افشاریه نیز اوضاع اجتماعی و سیاسـی ایران با کشـمکش های فراوانی مواجه بود . دوره آخر عمر وی مواجه با حکومت کریم خان زند (۱۱۶۳ ه ق) بود . وی در این دوره به تربیت شاگردان علمی و اخلاقی همت گمارده است. شاگردی بیدآبادی نزد سه تن از بزرگان مسلّم است:

۱ . سـید قطب الـدین محمد نیریزی شـیرازی (۱۱۰۰ - ۱۱۷۳ ه ق) صـاحب منظومه فصـل الخطـاب . او نیز شـاگرد شاه محمد دارابی بوده است ؛

۲ . میرزا تقی الماسی (متوفای ۱۱۵۹ ه ق) از نوادگان مجلسی اول ؛

۳ . آخوند ملا اسماعیل خواجوی (متوفای ۱۱۷۳ ه ق) ؛

ارتباط اسـتادان بیـدآبادی با بنیانگـذار حکمت متعالیه، ملاصـدرا ، مجهول است ؛ البته گفته شـده که بیـدآبادی از سـید حیدر آملی و او از فیض کاشانی و او از ملا صدرا حکمت را یاد گرفته اند ؛ لیکن از سید حیدر آملی ذکری در کتب تراجم به میان نیامده است.(۱) این واسطه مفقوده با سقوط صفویه پیش آمده و باید با مراجعه به کتب تراجم عصر صفویه و افشاریه بر طرف گردد. شاگردان او نیز از مشاهیر و بزرگان بوده اند که

۱- ۱ . تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سها، ص ۳۰.

از میان آن ها مولی علی نوری، مدرّس بزرگ حکمت متعالیه و صدرالدین کاشف دزفولی - عارف مشهور - را می توان نام برد. اکثر فلاسفه متأخر، سلسله اساتیدشان به مولی علی نوری و از وی به مرحوم بیدآبادی منتهی می گردد.

عرفای متأخر حوزه علمیه نجف و قم نیز اغلب سلسله اساتید خود را به مرحوم ملاحسینقلی همدانی و از وی به سید علی شوشتری می رسانند. در مورد استادان عرفانی مرحوم شوشتری اختلاف هست ؛ ولی با ملاحظه یک سلسله قرائن قوی ، شاگردی او نزد مرحوم کاشف دزفولی مسلّم است که او نیز شاگرد بیدآبادی بوده است . بالاتر از همسانی دستورهای عرفانی این عارفان با دستورهای مرحوم بیدآبادی، اتصال آنان را به مکتب تربیتی وی مسلّم می دارد. در مورد تألیفات و اندیشه های آقا محمد بیدآبادی به کتاب آشنای حق ، که در احوال و اندیشه های وی تألیف شده ، مراجعه شود .

رساله سیر و سلوک

نوشتاری که عرضه می گردد و به رساله سیر و سلوک موسوم است (۱)پاسخ بید آبادی به درخواست میرزای قمی است . ظاهرا ــ آنچنان که از متن رساله برمی آید ــ میرزا قصد زیارت مشاهد متبرکه عراق را داشته و دستوری خواسته تا مشوقی برای طاعات و عبادات باشد. بیدآبادی نیز که سائل را فردی آماده و مستعد برای تذکر یافته ، تازیانه های سلوک را در قالب الفاظ پی در پی بر جان طالب کمال به نوازش در آورده است. اغلب مطالب این رساله و حتی الفاظ آن از آیات قرآنی و روایات اخذ شده است و چون متن آن عرضه می گردد نیازی به بحث از محتوای آن نیست.

نسخه مورد استفاده

نسخه ای که در تصحیح مورد استفاده قرار گرفته ، نسخه ای است که در کتاب خانه آستانه ، در ضمن جُنگ نفیس اسداللّه تنکابنی قرار دارد موجود است .

ص: ۲۱۸

۱- ۱ . الذریعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

متن رساله سیر و سلوک

الحمد للّه الذى خَمَرَ بيدَى جماله و جلاله أربعين صباحا، طينه الانسان و أودعَ فيه أسرارَ الأسماء كلّها و علّمه المعانى و البيان.

ثمّ أكرمه باستعداد تعلّم استعمال الدليل و البرهان و تحصيل الأيقان، با ستفاده علم الحديث و فهم غرائب القرآن و درک دقائق عجائب الفرقان من قلم الرحمن.

ثمَّ منَّ على المؤمنين اتماما للنعمه و اكمالاً للدين، ببعثِ رسولٍ «يتلو عليهم اياته و يزكّيهم و يعلّمهم الكتابَ و الحكمةَ» ليعلم العباد منه ما لا يعلمون و لئلّا يقولوا «لولا أرسلت الينا و رسولاً فنتبع آياتک» و لئلّا يكون «للناس على الله حجه بعد الرسل».

و جعلَ ظواهرَ أقوال رُسُله شريعةً لهدايه طالبى المحسوس، و دقائقَ اشارات أفعالهم شفاءا لأمراض القلوب و طريقةَ النجاه من علل النفوس، و حقائقَ وَ جناتِ أحوالهم معراجا لعروج أهل الحقيقه الى حضره المَلِك القدّوس.

فأضاء قلوبنا مصابيح مشكوه جوامع كَلِمه و لُمَعات أضواء اشراقات فهم مقاصد كلام نجوم هدايته عن ظلمات شُبهات مشاغبات الكتب الكلاميه و متشابهات كلمات الحكماء المشّائيه و الاشراقيه.

و أغنانا بالحكمه الالهيه الايمانيه القرآنيه عن تصحيح العقائد، بالأدلّه الطبيعيه و الرياضيه و مخترعات أصول المعتزله و الأشعريّه و رَزقَنا النجاه و العافيه بشفاء صِحاح أَحاديث النبويه و فتوحات درک المطالب العاليه من آثار الاشارات الوَلَويّه عن الأمراض المزمنه الحاصله من ملاحظه كلمات الفلسفه اليونانيه و مزاوله أعمال الطبيعه الحيوانيه و تقليد الآباء و الأسلاف فى الجوانيه و البرّانيه.

فصلّى الله عليه و آله و جزاه عنّا أفضل ما جزى نبيّا عن أُمّته، حيث أوضح لنا سبيلَ الوصول و قرّرلنا دركَ حقيقهِ المأمول بالتزام لوازم الشريعه و سلوک سبيل الطريقه

ص: ۲۱۹

المستقيمه و بَيَّنَ «انَّ الذكرى تنفع المؤمنين» و فيها تذكرةً للمتّقين و إمحاض النُصح للإخوان من أعزّ أركان الدين و أن كان القوم لا يحبُّون الناصحين. فأقولُ إمتثالاً لأمرك يا أخى فى الله :

مثلك يعلم بالضروره أنّ الإخلاد إلى أرض المادّه و ازدياد التثاقل بالانكباب على لوازم الطبيعه الجسمانيه و الاشتغال باستيفاء اللذّات الحسيّه و المشتهيات البهيميه و السَبُعيه ؛ بل صرف تمام أوقاف العمر فى تدريس العلوم الرسميه و ترك طريق التصفيه بالرياضيات الشرعيه و تقليد الآباء و المشايخ فى المسائل الأصليه و الفرعيه من موانع العروج إلى سماء المعارف الحقيقه و النفس الأمريه.

فخُذْ من العلوم المتعارفه الرسميه أحسنها، بقدر الضروره مع المجانَبه عن المراء و المجادله الممرضه.

ثمّ اشتغل بتلطيف السرّ ؛ فإنّ العلم ليس بكثره التعلّم، إنما هو نور يقذف فى القلوب المستعدّه للإفاضه، بل العلم مجبولٌ فى القلوب، تأدّب بالآداب الروحانيه تجده. والجوع سحابٌ يمطر الحكمه، و من أخلص اللّه أربعين صباحا جرتْ ينابيع الحكمه من قلبه على لسانه.

و سيّد علوم اهل البيت : نكت فى القلوب و قرع فى الأسماع. و العلم ما يحدث يوما فيوما و لحظةً فلحظةً.

فارفض عنك رسوم العاده ولازم طريق أهل الشهاده الطالبين للحقايق، لأنّ كلّ حقٍّ حقيقةً، فخذ اللبابَ و الترك التشوير فى كلّ بابٍ.

و إيّاك و الغترار بالظاهر، لأنّ لكلّ آيهٍ ظهرا و بطنا و حدا و مطْلَعا.

و كن من الزاهدين فى الدنيا و ما فيها، لأنّها دار غرور الإنس و الجانّ و حياتها لهوٌ و لعبٌ بنصِّ القرآن، فذرها للنساء و لصبيان و شمرّ مثل الرجال فى طلب الآخره و هى الحيوان عند أهل العرفان.

و ما الدنيا؟ هل هى إلّا طعام اكليه أو ثوب لبيسه او امرئه أصبتها وهى عند أهل اللبّ فى الظلال.

كلّ ما فى الكون و همٌ أو خيال أو عكوسٌ فى المرايا أو ظلال

و اتّقِ الله حق تُقاته ما استطعت و اطلب الإعانه من الله و جاهد أوّلاً فى سبيل الله ثمّ

فی الله، لأنّ الثانی سبب الوصول کما أشار إلیه قوله سبحانه: «الذین جاهَدوا فینا لنهدینّهم سبلنا».

و رمز الیه قول السجاد علیه السلام : «من وفا بعهدک و تعب نفسه فی ذلک واجهدها فی مرضاتک فاهل للبشاره». إذلیس لأهل الإخلاص فی النشأه العنصریه من خلاصٍ إلّا بإفناء بقایا الوجود و تسلیم الأمر کلّه إلی ولیّ الإحسان والجود.

فتقرّبْ إلیه بالنوافل، حتی یکونَ الحقّ بصرک و سمعک، فتکون من الرجال السابقین الذین صَدَقوا ما عاهدوا الله علیه.

وادّوا الأمانات إلی الله مولیهم الحقّ، فإنّ لِلّه أولیاءً تحت قبابه لایعرفهم غیره.

و إن لم تستطع ولن تستطیعَ بمعونه توفیقٍ و تجریدٍ و احتمال مشقّهٍ شدیدهٍ، فلازم طریقه أصحاب الیمین، «أکثر أهل الجنّه البُلْه» القانعون بجوار خیرات الحسان و بطواف جواری و غلمان عن روضه رضوان الجمال و خلد مقعد صدقٍ عند ملیکٍ متعالٍ.

و اعلم أنّ أکثر أهل الدنیا أهلُ غفلهٍ، لا خیر فیهم و لا غنی عنهم و ما أشبه حالهم عند أهل الاِنتباه بحال الأحجار التی یزال بها العذره عند فَقْد المیاه، فهم من ضرورات مزبله الدنیا و عماره هذه الأولی، فنزّلهم منازلَهم و اعرف لذوی الفضل منهم فضلَهم و دارَهم مادمتَ فی دارهم و أرضهم مادمتَ فی أرضهم، بال مداهنهٍ فی الدّین و لا رکونٍ إلی الظالمین. و احتمل منهم الضررَ و الأذی، فأنّ نعیمَ الآخره محفوفٌ بالمکارهِ الدنیویه. و اصبر نفسَک معَ الذین آمنوا صبرا جمیلاً و توکّل علی الله و اتّخذه وکیلاً.

ولا ترسلْ عنانک فی مراتع الرُخَص الشرعیه الوارده لأهل الزمان من ضُعفاء العقول و النِسوان و المستضعفین من الرجال و من الصِبیان.

و اذکر عیش مولی الإنس و الجان ؛ فإنّه احترزَ عن دقیق شعیره ببعض الأدهان.

و لا تقل: مَن حَرمَّ زینه الرحمن؟ فإنّ تخیّلَ ذلک فی هذاالمقام من تسویلات الشیطان الموجبه للرحمان من درجات أهل العرفان و الإیقان. و بین التحریم و حرمان النفس فرقانٌ.

و لذا قال مرشد أهل الحقیقه و قائد سبیل الطریقه بلسان أهل الشریعه فی عسل أمّ أیمن الممزوج باللبن: «یمکن الاکتفاء بأحدهما، لا أشربهما؟ و لا أحرمها».

و قال عند الاجتناب من أکل خبیص أخاف أن یقال لی یوم القیمه: أذهبتم طیّباتکم فی

حیاتکم الدنیا.

و قال: «و إیّاکم و التنعُّمَ و التلهّی و الفاکهات».

و قال بعض فی بعض الأدعیه: أعوذبک اللهمَّ من رفیع المأکل و المشرب.

فلا تذهب طیّباتک فی حیاتکم الدنیا و لا تنسَ نصیبَک عن الآخره ؛ فإنّها خیرٌ و أبقی.

و إیّاک و تناولَ الشبهاتِ و التوغُّل فی المباهات ؛ فإنّها تورث القسوهَ و تفوت لذّهَ المناجات.

و إیّاک و الریاسهَ و التحدثّ بها، لأنّها ملعونٌ مَن ترأس، ملعونٌ مَن هَمّ بها. لأنّها لا تصحّ إلّا لأهلها و هم الذین أماتوا نفوسَـهم و أحْیوا قلوبَهم و اخلوا دخائلهم من غیر الله و جزوا أو قاتهم فی طلب مرضاته حتی صارتْ أنفسهم مواضع لمشیه الله.

و إیّاک و مجالسهَ المترأسین، سیّما مدّعی العلم منهم بلا برهانٍ، لأنّهم قومٌ نَسوا اللهَ فأنسیهم أنفسَهم، فیتّبعون شهوات الحیوان و یستدلّون بالمتشابهات عند مطالبه البرهان، فسوف یلقون غیّا و سیصلون سعیدا.

فبعد تطهیر قلبک استفت قلبک، فإن افتاک فعلیک بجمع الحقیقه و الطریقه و الشریعه فإن فاقد أحدها لیس بإنسانٍ فی الحقیقه، بل حیوان طرید أو شیطان مرید أو جبّار عنید.

و بالجمله لابـدَّلک من تحصـیل عقائد برهانیّهٍ عرفانیّه و حقائق ربّانیّهٍ و أخلاقٍ فاضـلهٍ نفسانیّهٍ و ملکاتٍ مَلَکیّهٍ و آدابٍ شـرعیّهٍ و عباداتٍ بدنیّهٍ، بشرائطها المقرّره الدینیّه حتی تعرف صدق ذلک من قلبک.

و ذلک لا یحصل بالمُنی و لا ینال بالهوی و لایدرک بالأسباب الظاهره من العباء و الرِداء و التخُّتم بالعقیق و أخذ العصا و التزیّن بِزّیّ العلماء و العُبّاد والصلحاء و الإنتساب بالنَسَب إلی سلسله الأتقیاء، بل لا بدّ فیه من الزهد فی کلّ ما تأتی و تذر.

و عند تصـحیح النسبه تسـکب العبرات. و لا بدّ فیه من الریاضات المبادی، لإصـلاح البضـعه التی إن صلحتْ صلحْ بقیهَ الجسد ؛ لأنّ بالنیات خلّد هولاء و هولاء و الکلام فی ذلک طویل.

فاشـغل قلبـک بـأوامر القرآن و الحـدیث قبـل أن یشـغلک من قبل نفسه بالأحادیث ؛ فإنّها إن لم تشـغلْها شـغلتک و لا تترکها و هواها، لأنّها تسعی فی رداها و قد أفلح مَن زکیّها و نهاها مِن هواها.

ثمّ الواجب علیک الاهتمام باستیفاء آداب الزیاره و شرائطها، من تعظیم المزور و إعانه الزوّار.

و إیّاک و أن تکون کاذبا فی قولک: «و أُشْـهِدُ أَنّک تَری مقامی و تسـمعُ کلامی» و لا تلفت إلی أحدٍ فی الروضه المقدّسه و لا تحدّث بالناس فیها و لا تتفرّج فی ریاض القنادیل ؛ فإنّها لا تلیق بعباده المصطفین.

و متی فَتَرَ شوقک فاخرج منها؛ فإنّ الغفله عن الذکر أحسن من الغفله فی الذکر.

وادع لأبَوَیْک و أرباب الحقوق علیک.

فهـذه سبیلی ادعوا إلیه مَن اتبعنی و ما توفیقی إلّا بالله، و الله یقول الحقّ و هو یهدی السبیل، و من یضـلل الله فماله من هادٍ، و من لم یجعل الله له من قلبه مرشدا واعظا فلن تجدَله ولیا مرشدا، فإنّ الهُدی هدُی الله و لا تهدی من أحببت.

فهذه تذکرهٌ لمَن شاء أن یتّخذَ إلی ربِّه سبیلاً.

ترجمه رساله سیر و سلوک

ستایش و ثنا پروردگاری را سزاست که فطرت انسان ها را با اسمای جمال و جلال خود در چهل صباح بسرشت (۱) و رازهای اسمای خود را در نهاد به ودیعت نهاد ، و درک معانی و قدرت بیان آن ها را به وی بیاموخت و سپس او را توان به کسب یقین با استفاده از قرآن و احادیث و با کاربرد دلیل و برهان گرامی داشت.

پروردگاری که نعمت هایش را بر مؤمنان بافرستادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تکمیل نمود و نعمت هدایت را به اتمام رسانید ، تا آن حضرت آیات الهی را بر آنان بخواند و آنان را تربیت نموده و کتاب و حکمت را یادشان دهد و آن چه را عقول ایشان یاری درک و رسیدن به آن را نداشته به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله یاد گیرند ؛ تا مردمان را در روز باز پسین حجّتی برخدا نباشد و نگویند: خدایا ، اگر پیامبری می فرستادی ما اطاعت وی را کرده رستگار می شدیم.

خدایی که ظاهر بیانات پیامبران را برای هدایت عموم مردم که خواهان نعمتهای ظاهری می باشند ، شریعت و قانون ، قرار داد و حکمت ها و رازهای پوشیده در کارهای آنان را ، برای مرضهای قلبی و بیماریهای روانی ، شفا و نجات؛ و حقیقتهای ظاهره از حالات درونی آنان را برای رسیدن اهل حقیقت به بارگاه قدس خویش سبب و وسیله ، قرار داد.

ص: ۲۲۴

---

۱ - ۱ . اشاره به حدیثی که در کتب روایی اهل سنّت از حضرت پیامبر نقل شده که فرموده اند: «إن الله خَمّرَ طینةَ آدم بیده أربعین صباحا» رساله سیر و سلوک منسوب به بحرالعلوم با مقدمه و شرح علّامه محمّدحسین طهرانی، ص ۲۴ به نقل از احیاء العلوم، ج ۴، ص ۲۳۸ و مرصاد العباد، ص ۳۸ و عوارف المعارف، ص ۲۶۰.

پس قلب ها و دل هایمان از درخشش کلمات پرنور آن حضرت نورانی گشت و با تابش ستارگان هدایت و حکمتهای پر نور وی، از تاریکی مناقشه های علمای علم کلام و از اشتباهات سخنان همسان حکیمان مشّای و اشراقی رهایی یافت.

خدایی که حکمتهای الهی و ایمانی قرآن کریم، عقاید و باورهای ما را استوار و اصلاح نمود و از استدلالهای علوم طبیعی و ریاضی و عقاید من درآورده معتزله و اشاعره بی نیاز ساخت. و به وسیله احادیث صحیح نبوی و آثار متعالیه علوی ما را از مرضهای درمان ناپذیری که از سخنان فیلسوفان یونانی و ارتکاب کارهای طبیعی حیوانی و تقلید پدران و گذشتگان پدید آمده بود، در ظاهر و باطن شفا بخشید.

پس برترین و پاکترین درودهای خداوند بر آن حضرت و آل اطهارش باد و خداوند به آن حضرت بهترین پاداش را که برای انبیای خود داده عنایت فرماید چرا که او راه رسیدن به حقیقت را با التزام به شریعت و پیمودن راه مستقیم خود، برای ما روشن ساخت و نیز برای ما بیان نمود که پند و موعظت، مؤمنان را سود بخشد و متّقیان را یادآوری است. همچنین به ما آموخت که خیرخواهی خالصانه برای برادران ایمانی از استوارترین ارکان دین است اگر چه آنان خیرخواهان را دوست نداشته باشند.

پس در پاسخ درخواست شما می گویم: ای برادر ، شخص فهیمی مانند جناب عالی ، به خوبی واقف است که توجه و دلبستگی به دنیا و علاقه به ماندگار شدن در آن و بند و بارهای گران بر نفس نهادن با روی آوردن به ابزار طبیعی و جسمانی و مشغول شدن به لذتهای نفسانی و خواهشهای پست حیوانی ، مانع از رشد وترقی و رسیدن به مرتبه والای معارف حقیقی و الهی هستند ؛ بلکه بالاتر از آن، صرف نمودن تمام لحظات عمر در تدریس علوم رسمی و چشم پوشی از طریقه تهذیب و تزکیه نفس با ریاضت های شرعی و تقلید از پدران و استادان در مسائل اصلی و فرعی نیز مانع از عروج به آسمان معارف حقیقی و رسیدن به واقعیات هستی است.

پس از میان علوم معمول رسمی بهترین آن ها را انتخاب کن و از آن نیز تنها به اندازه ای که مورد نیاز و لازم است فراگیر و از جدل و مناقشه در تحصیل علم که موجب بیماری روح و روان است، بپرهیز.

بعـد از آن که از علوم لازم به انـدازه نیاز تحصـیل کردی ، به پاک سازی روح و روانت بپرداز، زیرا که علم بسـتگی به زیادی تحصـیل نـدارد ، بلکه آن نوری است که در قلب هـا و دل های مسـتعد که صـلاحیت افاضه آن را داشـته باشـند می تابد(۱) و همچنین نهاد دلها و قلبها با علم سرشته شده، اگر به آداب شایسته الهی آراسته شوی آن را خواهی یافت. (۲)

گرسـنگی بسـان ابری است که بـاران حکمت ومعـارف از آن فرو می ریزد. بنـده ای که چهـل شـبانه روز برای خـدای تعـالی اخلاـص ورزد و همه کارهـای خود را بـا اخلاـص انجام دهـد، چشـمه های حکمت در قلبش جوشـیده و بر زبانش جاری می گردد. والاـترین علوم اهـل بیت علیهم السـلام آن است که بر قلب هـا الهـام گردد و بر گوش ها القا شود ، و علم آن است که لحظه لحظه و روز به روز حادث می شود .(۳)

پس گرد و غبار رسوم و عادات را از خود بزدای و راه و روش اهل شـهادت و حضـرت را که به دنبال حقیقت هستند در پیش بگیر.

بر حذر باش که فقط ظواهر آیات و روایات را بگیری و غیر آن را انکار کنی؛ چون

۱- ۱ . اشاره به حـدیثی که در بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵ به این صورت نقل شـده:« لیس العلم بکثره التعلیم بل هو نور یقذفه اللّه فی قلب مَن یشاءُ» یعنی علم به فزونی درس و تحصـیل نیست بلکه آن نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد می افکند.

۲- ۲ . از بعضـی پیـامبران نقـل شـده که خطاب به پیروان خود چنین فرمودنـد:«.. لا تقولوا العلم فی السـماء مَن ینزِلُ به ولا فی تُخُوم الارض من یَصـعَدُ به و لا من وراء البحار من یعبُرُ به، العلم مجعلول فی قلوبکم تأدبّوا بین یدیّ بآداب الروحانیین و تخلّقوا بأخلاق الصدیقین اظهر العلمَ من قلوبکم». مپندارید که علم در آسمان است . کیست که آن را از آسمان فرود بیاورد؟ مگویید که علم در اعمـاق زمین است، کیست که آن را بیرون بیـاورد، مگوییـد که علم در آن سوی دریاهـاست ، کیست که آن را از دریاها به این سو بیاورد؟ علم در دل خود شـما نهفته است . نزد من به آداب روحانی و اخلاق صـدیقان تربیت شوید تا علم را از درون شما آشکار سازم . مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، عزالدین محمود کاشانی، ص ۶۰ .

۳- ۳ . اشاره به حدیثی که در اصول کافی، کتاب الحجه باب جهات علوم الائمه علیهم السلام وارد شده است: عن أبی الحسن الاوّل موسـی علیه السـلام قال: قال: مَبْلَغُ علمنا علی ثلاثه وجوهٍ: ماضٍ و غابرٍ و حادثٌ، فأمّا الماضی فَمُفَسَرٌ و أمّا الغابرُ فمزبورٌ و أما الحادث فقذف فی القلوب و نقرٌ فی الأسماع و هو أفضل علمنا و لا نبیٍّ بعد نبیّنا» حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: علم ما به سه جهت رسایی دارد: گذشته و آینـده و پدید شونده ؛ امّا گذشـته ما تفسـیر شده است و امّا آینده نوشـته شده و اما پدیـد شونده از راه الهام به دل و تأثیر در گوش باشد و آن بهترین دانش ماست و پیغمبری بعد از پیغمبر ما نیست. اصول کافی با ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۳۹۳ .

برای هر ایه از کلام الهی ظاهری است و باطنی و حدّی است و مطَّلعی.(۱)

نسبت به دنیاها و زینت های آن بی رغبت باش ، زیرا دنیا جایگاه فریفتگی و خودنمایی انس و جن است و حیات آن به تصریح قرآن کریم بازیچه و سرگرمی است پس آن را بر اهلش که زنان و کودکان هستند واگذار و خود مانند مردان در طلب آخرت و حیات ماندگار باش که در نزد اهل معنی زندگی حقیقی و دائمی و واقعی در سرای بازپسین است.

دنیا چیست؟! آیا جز لقمه غذایی است که خورده می شود یا تکه لباسی است که پوشیده می شود یا زنی است که به نکاح در می آید و همه این ها نزد صاحبان عقل چیزی جز وهم و پندار نیست.

کلّ ما فی الکون وهمٌ أو خیالٌ او عکوسٌ فی المرایا أو ظلال

همه چیز که در عالم هستند یا وهم و خیال هستند یا عکس ها و نقش هایی که در آینه یا به صورت سایه نمودار می شوند یعنی نمود هستند نه بود.

آنچه در توان داری جانب خدای را آنچنان که در شأن اوست پاس دار و از او یاری بخواه و مجاهدت کن اولاً در راه خدای و سپس برای خدا، چون جهاد برای خدا سبب رسیدن به نیل به مقصود می باشد همانطوری که خدای تعالی خود در قرآن فرموده:

آنان که برای ما جهاد می کنند، آنان را بر راه های خودمان هدایت می کنیم: (۲)

امام زین العابدین علیه السلام نیز به آن اشاره فرموده در این دعا:

«مَن وفا بعهدک و تعبَ نفسَه فی ذلک واجهدها فی مرضاتک فاهلٌ للبشاره».

الهی آن که به عهد و پیمان تو وفا نموده و خود را در آن به سختی و مشقت انداخته و برای جلب رضای تو کوشش نموده، سزاوار بشارت و پاداش است.

و سر آنکه جهاد برای خدا موجب نیل به مرام و مقصد است این است که بنده مخلص را بدون فنای تمامی وجود و تسلیم نمودن امور به ولیّ خود، راه نجات دیگری در این دنیای مادی متصور نیست.

۱- ۱ . اشاره به حدیثی که در مقدمه چهارم تفسیر صافی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:« ما من آیه و لها أربعه معانٍ: ظاهرٍ و باطنٍ و حدٍ و مُطَّلعٍ، فالظاهر التلاوه و الباطن الفهم و الحدّ هو االأحکام الاحلال و الحرام و المُطّلع هو مراد الله من العبد بها».

۲- ۲ . سوره عنکبوت، (۲۹): ۱۹.

با به جای آوردن نمازهای نافه به خدای تقرب جوی تا آنکه حق چشم و گوش تو گردد (۱) و در زمره مردانی باشی که بر پیمان و عهد خدا وفادار مانده و امانت را به صاحب آن برگردانیده و به سوی خدای خویش که سرور و مولای حقیقی آنان بوده بازگشت نموده اند. در زیر آسمان های خدا، اولیا و بندگان محبوبی می زیند که کسی غیر حق آنان را نمی شناسد.

اگر بر این اندازه قادر نبودی - و البته بدون توفیق الهی و قطع تعلقات و تحمل سختی های طاقت فرسا قادر نخواهی بود - پس راه اصحاب یمین را در پیش گیر و سعی کن داخل آنان باشی که در حدیث وارد شده که:

اکثر بهشتیان را صاحبان عقل های ناقص تشکیل می دهند(۲) آنان که به جز زنان و دختران و غلامان و نعمت های بهشتی بسنده کرده و از رضوان جمال الهی و قرارگاه صدیقین در بارگاه حق تعالی چشم پوشی نموده اند.

آگاه باش که اکثر اهل دنیا در غفلت به سر می برند نه خیر و نفعی در آن ها هست و نه چاره ای از معاشرت با آن ها وجود دارد. پس باید جایگاه و مرتبه آنان را بشناسی و تا زمانی که در منزل و مأوای آنان هستی با آن مدارا نمایی و هر کدام را در رتبه شایسته خویش قرار دهی - البته در این مدارا و رعایت حال آنان نباید دینت را سرسری بگیری یا به اهل ظلم و ستم اعتماد و تکیه کنی. پس باید اذیت و آزار اهل دنیا را تحمل کنی، زیرا آسایش و نعمت های سرای بازپسین به سختی ها و شداید این عالم مادی

۱- ۱ . اشاره به حدیثی که در وسائل الشیعه (چاپ آل البیت ج ۴، ص ۷۲) نقل شده: «عن أبی جعفر - فی حدیث - ان الله جل جلاله قال: و... انّه لیتقرّب إلیّ بانافله حتی أحبّه، فإذا أحببته کنت سمعه الذی سیمع به و بصره الذی یبصر به ولسانه الذی ینطق به، و یده التی یبطش بها، إن دعانی أجبته و إن سألَنی أعطیتُه». ... بنده من با نمازهای نافله چنان مقرب درگاه من می گردد که او را دوست می دارم، وقتی که او را دوست داشتم گوش او و چشم او و زبان و دست او می شوم و اگر دعا بکند اجابت می کنم و اگر چیزی بخواهد عطا می کنم.

۲- ۲ . این حدیث با عبارات مختلف نقل شده، در بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۸ آمده: «أکثر اهل الجنه البُلْه» و در جلد ۷۰، ص ۹ آمده:« دخلتُ الجنه فرأیت أهلِها البُلْه». در تفسیر «بلهاء» اختلاف شده، بر فرض صحت سند حدیث، تفسیری که مرحوم بیدآبادی در متن برای آن ذکر نموده قریب به واقع به نظر می رسد و آن اینکه منظور از «بلهاء» در حدیث، کسانی هستند که در عبادات و طاعات خود مقصود جز رسیدن به نعمت های مادی الهی در نظر ندارند و در حقیقت عبادات را نوعی داد و ستد قرار داده اند برای رسیدن به نعیم بهشتی.

پیچیده شده است ؛ تا این شداید را تحمل نکنی به آن نمی رسی. پس همراه آنان که ایمان آورده اند صبر و پایداری نیکو بنما و بر خدایت اعتماد کن و او را وکیل و کارگزار خود قرار ده.(۱)

هشیار باش که لجام و افسار نفست را چراگاه رخصت های (۲) شرعی آزاد نگذاری زیرا آن رخصت ها و اذن ها از جانب شارع برای اهل زمان بوده که همان صاحبان عقل های ضعیف و زنان و اطفال و نا آگاهان می باشند.

زندگی و گذران مولایت، پیشوای جن و انس علی علیه السلام را یادآور باش که چگونه این دنیا را سپری نموده، از نان جوینی آغشته به روغن پرهیز نمود و تناول نکرد ، و مبادا که با خود بگویی چه کسی نعمت های الهی را حرام نموده؟(۳) زیرا این خیال باطل از وساوس ابلیس و موجب بازماندن از رتبه های عالی اهل عرفان و یقین است چرا که بین حرام شدن با محروم ماندن نفس از رتبه های عالی فرق آشکار و روشن وجود دارد [یعنی آنچنان نیست که هر چیزی که حرام نباشد ارتکاب آن جایز است. بلکه آنان که خواهان مراتب عالی هستند از خیلی امور که حرام نیست اجتناب می کنند [به همین دلیل امام موحدین و راهنمای اهل حقیقت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مورد عسل مخلوط با شیری که ام ایمن آورده بود، فرمودند: می توان به یکی از این ها کفایت کرد، نه آن ها را می نوشم و نه تحریم می کنم.

۱- ۱ . مؤلف در این عبارت مضمون و عبارت چند آیه را جمع کرده و عبارات آن ها را با هم تلفیق نموده است. - کهف (۱۸): ۲۸ ؛ معراج (۷۰): ۳۰ ؛ مزمل (۷۳): ۹ -.

۲- ۲ . رُخَص در مقابل عزایم، یعنی اموری که با تسهیل مقرر شده و مسامحه و سهل انگاری در آن ها جایز است .بر خلاف عزایم که مقررات قطعی است و شبهه و تأویل در آن ها راه ندارد. بزرگان فرموده اند که الزام نکردن شرع مقدس در بسیاری از مکروهات و مستحبات به جهت عدم رعایت حال مردم عادی بوده است، پس کسانی که به دنبال رضای الهی و مراتب عالیه قرب هستند باید آن ها را رعایت نمایند و همینجا فرموده اند که حسنات الابرار سیئات المقربین. برای توضیح بیش تر به رساله الولایه علّامه طباطبایی ص ۱۷ - ۲۱ مراجعه شود.

۳- ۳ . سوره اعراف ، آیه ۳۲، واضح است که آیه شریفه در مقام نهی از تشریع و نسبت دادن حرمت به شارع بدون دلیل شرعی است، امّا این آیه نمی تواند مستندی برای تن آسایی و خوشگذرانی و توجه نکردن به وضع مسلمانان باشد . اساسا اکثر مباحث آداب و اخلاق اسلامی مانند ایثار، احسان، اطعام فقیر و... موردشان جایی است که حرمتی در بین نیست ، یعنی انسان امکاناتی دارد و شرعا می تواند آن را مصرف کند اگر به دیگری ببخشد احسان است و الّا از مالی که محظور شرعی دارد نمی شود احسان نمود. برای توضیح بیش تر پیرامون این آیه ، به تفسیر المیزان ، ج ۸، ص ۷۹ مراجعه شود.

و آن حضرت در جواب سؤالی از نخوردن حلوایی که به ایشان هدیه شده بود ، فرمودند که می ترسم در قیامت به من گفته شود: شما خوشی هایتان را در دنیا از بین برده اید (۱)

و هم آن حضرت فرمودند :

حذر کنید از تن آسایی و تن پروری و مشغول شدن به کارهای بیهوده و خوشگذرانی و عادت به خوردن میوه های لذیذ.

و هم در بعضی دعاها فرموده اند: خدایا ، به تو پناه می برم از خو گرفتن به خوردنی ها و نوشیدنی های لذیذ و گوارا.

پس خوشی های خود را در دنیا سپری نکن (۲) و بهره و نیازمندی خویش را در آخرت فراموش منما، زیرا که لذت های سرای بازپسین ماندگار و نفعش بیش تر است.

زینهار از صرف لقمه های مشکوک و شبهه دار، و فرو رفتن در مباهات، که موجب قساوت قلب و مایه محرومیت از درک لذت مناجات است.

زینهار از طلب ریاست، مبادا در خیالت ریاست جاگیر شود، زیرا کسی که بدون داشتن صلاحیت، ادعای ریاست کند از رحمت خدا به دور است و همچنین کسی که در آرزوی رسیدن به آن باشد باز از رحمت الهی به دور است.

ریاست جز برای کسانیکه شایستگی آن را داشته باشند روا نیست و کسانی که شایستگی آن را دارند مؤمنانی هستند که خواهش های نفسانی را مهار نموده و نفس خود را رام ساخته و دل های خود را به یاد آخرت و با ذکر و یاد الهی زنده نموده، و ضمیر خود را چندان که قلب ها و دل های آنان محل جلوه مشیت و خواست الهی گردیده و جز خواست خدا چیزی نمی خواهد.

از مجالست با ریاست طلبان بر حذر باش، خصوصا کسانی که علاوه بر ریاست طلبی، بدون داشتن نشانه ای از علم، ادعای علم نیز می کنند. زیرا آن ها خدای

۱- ۱ . سوره احقاف، آیه ۲۰ . این روایت در بحارالانوار ، ج ۷۰ ص ۷۰، آمده است .

۲- ۲ . اشاره به آیه ۲۰ سوره احقاف.

خویش را از یاد برده انـد و همین موجب گردیده که خود را نیز فراموش کنند (۱) و به دنبال لذت های پست حیوانی باشند و در توجیه کـار باطلشان به آیات متشابه اسـتناد می کننـد. آگاه باش که آنان به زودی در اثر این کارهای ناروا گمراه گشـته به عذاب الهی و آتش قهر او گرفتار خواهند شد و به سزای عمل خویش خواهند رسید.

بعـد از پاکسـازی قلبت از غبار معصـیت و خواهش های نفسانی، به دل خود رجوع کن. حاصل کلام آنکه بر تو لازم است که عقاید و باورهای خود را از اسـتدلال و حقیقت های الهی و عرفانی دست گردانیده و استوار سازی و درونت را به خلق و خوی شایسـته و پسـندیده و اوصاف فرشـتگان زیور دهی، و آداب شـرعی و عبادت های بدنی را با شرطی که بر آن ها مقرر شده به جای آر، تا آنکه صحت و راستی و حقیقت آن ها را با چشم بصیرتت و دل پاکت به عیان ببینی.

البته این مراتب والاـ بـا آرزو و هوس حاصـل نمی گردد و بـا ظاهر سازی از قبیل عبا و قبا بر دوش انـداختن و انگشتر عقیق به دست کردن و عصا برداشـتن و جامه عالمان و عابدان و پارسایان پوشـیدن و یاخود را از نظر نسب به سلسله پاکان نسبت دادن به دست نمی آید بلکه برای کسب آن باید از دنیا بگذری و دوستی آن را از دل خود بیرون کنی.

آگاه باش که انسان لذت ایمان را وقتی خواهد چشید که به دنیا بی

اعتنا باشد و دوستی آن را از دل بیرون کند و به این فکر نباشد که دنیا به کام چه کسـی شد و نیز نشسـتن در حلقه شاگردان و تفاخر به آنان و یاد مدرسه و شاگردان آن را فراموش کند. بعد از آن هم در تمام کارهایی که انجام می دهد یا ترک می کند نیت پاک و اخلاص کامل داشـته باشـد . و وقتی که ترک دنیا و خارج نمودن دوستی آن از دل، برای کسـی حاصل شـد، آن وقت است که اشک ها از چشم ها جاری خواهد گردید و دل به یاد خدا نرم خواهد شد.

البته برای این منظور، در اوّل کـار بایـد عمل هایی را که تحمل آن بر نفس سـنگین است انجام دهـد، تا تکه گوشتی که به نام قلب در درون انسان نهفته است اصـلاح شود، که اگر قلب به صـلاح آید باقی اعضا و جوارح نیز به صـلاح خواهد گرایید که رمز

۱- ۱ . اشاره به آیه ۱۹ سوره حشر.

ماندگاری بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ به سبب همین نیت های قلبی است. البته این رشته سر دراز دارد.

پس دلت را به دستورات قرآن و حدیث مشغول دار، که اگر تو او را به کار نگیری او تو را با وسوسه های درونی مشغول خواهد ساخت.

نفست را در خواهش هایش رها و آزاد نگذار چون نفس همیشه در پستی و خواری خود سعی و تلاش دارد. و رستگار کسی است که نفس خود را بپالاید و او را از آرزوها و خواهش های باطل باز دارد.

شرایط زیارت

بر تو لازم است که تلاش و همت کنی که شرایط و آداب زیارت را به نحو شایسته و کامل به جای آری و آن کس را که به زیارتش رفته ای تعظیم نمایی و حریم حرمتش را نگهداری، و زائران را مساعدت و یاری نمایی.

بر حذر باش که در خواندن زیارت نامه، در این گفته ات دروغگو نباشی، آنجا که می گویی: شهادت می دهم و اعتراف می کنم که (ای امام بزرگوار) شما جایگاه مرا ناظر هستی و به گفته های من واقفی و می شنوی.

و از گردش در رواق ها و صحن ها و تماشای آینه کاری ها و چلچراغ ها و گفتگو با این و آن و توجه به مردم در حرم مطهر پرهیز کن که این کار لایق و شایسته بندگان پاک و برگزیده نیست.

تا زمانی که شوق و میل باطنی به زیارت و دعا داری در حرم باش و زمانی که میل تو به سستی گراید ، بلافاصله از حرم مطهر خارج شو که ذکر نگفتن بهتر است از ذکری که با غفلت و بی توجهی به محتوای ذکر همراه باشد.

در حرم مطهر برای پدر و مادرت و نیز کسانی که حقی بر تو دارند [مانند بزرگان دین و اساتید، خویشاوندان و دوستان [دعا و طلب رحمت بنمای.

این راه و روشی است که هر کس را که تبعیت مرا بکند او را به سوی آن دعوت می کنم(1) و البته توفیق اجابت از خداست و خداست که حق را بیان می کند و به راه

۱- ۱ . اقتباس از آیه ۱۰۸ سوره یوسف علیه السلام

راست هدایت می نماید(۱) و کسی را که خداوند او را بنا بر مقتضای عمل های بدش گمراه نماید برای او هدایتگری نخواهد بود (۲)و کسـی را که خداونـد واعـظ درونی و راهنمای قلبی برایش قرار ندهـد او سـرپرست و راهنمایی نخواهـد داشت (۳)و هدایت فقط از جانب خداست و در دست اوست و هیچکس نمی تواند آن کس را که دلش می خواهد هدایت کند.(۴)

این یادآوری است برای کسانی که بخواهند راه[درست] را به سوی پروردگار خویش در پیش گیرند. (۵)

ص: ۲۳۳

۱- ۱ . اشاره به آیه ۴ سوره احزاب.

۲- ۲ . اشاره به ایه ۳۳ سوره غافر.

۳- ۳ . اقتباس از آیه ۱۷ سوره کهف.

۴- ۴ . اشاره به آیه ۵۶ سوره قصص.

۵- ۵ . اقتباس از آیه ۲۹ سوره انسان.

۳ . مکتوبی دیگر از آقا محمد بیدآبادی قدس سره

این نامه را بیدآبادی به یکی از دوستان خود نگاشته و ظاهرا هدف از آن ، احوال پرسی دوستانه بوده و بس، لیکن او با شور و شوقی که در سر داشته، در آن به برخی مسایل عرفانی و عملی نیز اشاراتی دارد. (۱)

مخاطبِ نامه نامعلوم است و بیدآبادی وی را از «یاران طریقت» می شمارد.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار رهت همین و همان

آرزومندانِ زیارتِ عتباتِ مواصلت و مشتاقانِ مجاورتِ روضاتِ مؤالفت را به یاران طریقت، تحیّت و سلامی و حکایت و پیامی است، ای که بر ساحل امنی و امان، آیا هست هیچت از غرقه دریای محبت خبری؟ مجاری حال خاکساران کوی وفا را خواسته باشند، معلوم بُوَد حال کسی کز تو بُوَد دور.

اگر تو فارغی از حال دوستان یارا فراغت از [تو] نومید نمی شود یارا

مختصرش این است که در اصفهانم، دور از یاران و مهجور از هم نفسان، دماغی دارم سوخته [و] افسرده.

ز هم پرواز اگر مرغی شود دور قفس آید به چشمش گلشن حور

ص: ۲۳۴

۱- ۱ . نسخه خطی این نامه در ضمن مجموعه خطی شماره ۵۵۱ کتاب خانه آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام قرار دارد . «فهرست نسخه های خطی آستانه ، ج۲ ، ص۱۸۳» .

دهد گلِ زیر پا آسیب خارش نماید آشیان، سوراخ مارش

اگر چند خطه اصفهانِ بهشت نشان، جای عشرت و گذران است ولکن مرا بی وجود دوستان چون جهنم سوزان و یکی از درکات نیران است.

هر نعمتی بی تو نگردد مرا قبول عیشی که با حبیب نباشد حسیب نیست

چشمی که روزگاری از رخسار زیبای شاهدانِ گل عذار، کسب نور می نمود، الحال غرق سرشك بی حاصل ؛ و دستی که عمری هم آغوشِ عروسانِ مواصلت بود، اکنون بر دل به چه زبان محنت مهاجرت کنم و به کدام خامه و بیان بسط شدت مفارقت نگارم این کار، دلی خواهد و ما را آن نیست.

با این همه قلمی برداشتم و عزمی گماشتم که بنویسم: دل به شوق مبتلاست. مرا هاتفی آواز داد: ثَبِّتِ العرش، دل کجاست تو را؟

مجملاً همه مطالعه ام، عبارت متنِ دوری و مباحثه ام، فقراتِ شرحِ مهجوری است.

ثبوت این دعوی به شهود جنانی حوالت است. چه حاجت به اطاله عبارت.

این قدر منتظرم در ره شوق که اگر زود بیایی دیر است

در یکی از کتب سماوی مذکور است که:

مَنْ اَحَبَّ اللهَ فَصَبَّ البَلاءَ علیهِ.(۱)

یعنی هر که دعوی دوستی خدا کند و به دست ارادت حلقه در محبت او زند، یا هر که را حق - سبحانه و تعالی - خلعت محبوبیت بر او پوشاند، باران بلا از ابر محنت و عناء بر فرق او ریزان و شادی و بهجت و راحت از وی گریزان گردد که:

البَلاءُ للوَلاءِ کالذَّهبِ لِلّهَب ِ.

ترجمه این کلمه را در مثنوی بدین وجه آوده:

دوستی چون زر، بلا چون آتش است زرّ خالص، در دل آتش خوش است

و از فحوای کلمات سابقه چنان به حیطه فهم در می آید که بلا، متوجه اهل ولایت و محنت، متعلق به دار باب محبت [است]. هر جا که بنای محبت نهاده اند، دری از محنت بر

۱ – ۱ . این روایت با انـدک تفاوتی از امام صادق علیه السـلام چنین نقل شـده است:«إذا أحبَّ اللهُ قوما – أوْ أحبَّ عبدا– صَبَّ علیه البلاءَ صبّا فلا یخرجِ من غمٍ ألّا وقع فی غمٍّ». بحار الانوار، چاپ ایران، ج ۸۲، ص ۱۴۸.

وی گشاده انـد و در هر میدان که لوای ولا افراخته اند، فوج بلا را ملازم پای آن، عَلَم ساخته اند. پس هر که را حق – سبحانه و تعالی – دوست دارد، او را به بلاـ مبتلا و ممتحن سازد. و مؤیـد این قول، حـدیث حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله اسـت آنجا که فرموده:

إنَّ اللّهَ إذا أحبَّ قوما ابتلاهُم. (۱)

به درستی که هر که [را] حق – تعالی –

دوست دارد، لشکر بلا و اندوه را برایشان گمارد.

و مقرّر است که محنت به انـدازه محبت بود و بلاـ به مقـدار ولاـ نـازل شود.هر که در راه دوستی حق از همه راهروان در پیش بود، هر آینه مشـقت و بلیتِ او از همه بیش بود. هر که را ذوق محبت بیش تر، سـینه اش از شوق محنت ریش تر. و از حضرت سید کاینات سؤال کردند که «أیُّ الناسِ أشدُّ بَلاءً» ؛ کدام طایفه سـخت ترند از روی بلا، یعنی کدام گروه از آدمیان سخت تر و دلسوزتر، و محشـر کـدام زمره از اصـناف انسـان صـعب تر است؟ فرمود: «الأنبیا» یعنی بلای پیغمبران که ملهم حرم رسالت و محرم حریم جلالتنـد از همه سـخت تر است و بیش تر. و بلاـیی که متوجه روزگار ایشان است از محنت های دیگران بیش تر، «ثم الأمثل» یعنی پس ازپیغمبران بلای جمعی که شبیه باشـند بدیشان در سلوک سبیل محبت و واقف بر اسرار معرفت. «فالأمثل (۲)» یعنی آن ها که شبیه انـد بر این جماعت. و بر همین قیاس هر که به درگاه قرب، اقرب باشـد، بلا و عنای او اشد و اصـعب باشد.

هر که در این بزم مقرّب تر است جام بلا بیش ترش می دهند

و آن که ز دلبر نظر خاص یافت داغ عنا بر جگرش می نهند

بلا، نه شـربتِ شیرین است که به اطفال طریقت دهنـد، بلکه قـدح زهر ملال است که بر دست بالغان راه نهنـد. یکی از مشایخ طریقت فرموده :

دُردی خوردن به میکده عادت ماست رطلی که گران تر است آن نوبت ماست

* * * * *

ص: ۲۳۶

---

۱ – ۱ . این حـدیث از حضـرت علی علیه السـلام چنین روایت شده است:«إنَّ عظیم الأجرِ مقارن عظیم البلاء فإذا أحبَّ سبحانه قوما ابتلاهم»؛ شرح غرر الحکم آمدی، جمال الدین خوانساری، ج ۵، ص۵۲۷.

۲ – ۲ . بحـار الانوار: ج ۱۸، ص ۱۸۸، «سُـئِلَ صـلی الله علیه و آله أیُّ النـاس أشَـدُّ بلاءً؟ قال: الأنبیائ :ثمّ الصالحون، ثمّ الأمثل فالأمثل».

بـا عنـایت و توفیق خـدای عزّ و جـلّ ، تنظیم این کتاب در زاد روز با سـعادت دخت گرامی اشـرف مخلوقات ، حضـرت فاطمه زهراء علیهاالسلام به پایان رسید امید که مورد رضایت حق تعالی قرار گیرد .

و آخر دعوانا ان الحمد للّه رب العالمین

ص: ۲۳۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹